اطلاعات

چهارشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۹۱ـ ۱۲ رمضان ۱۴۳۳ـ یکم آگوست ۲۰۱۲ـ شماره ۲۵۳۷۵ ـ ۲۰ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه – ۲۰۰ تومان

اعلام فهرست کالاهای وارداتی مشمول ارز مرجع

* معاون وزیر صنعت: فقط کالاهای اساسی در اولویت تأمین ارز با نرخ مرجع قرار دارند
* عضو اتاق بازرگانی تهران: ثبت سفارش کالاهای اولویت ۹ و ۱۰ غیرممکن شد
* کالاهای اولویت ۳ و ۴ با وجود ثبت سفارش ارز ۱۶۰۰ تومانی دریافت کرده‌اند

صفحه ٤

تصویب ۲ قطعنامه سازمان ملل در حمایت از فلسطین

* قطعنامه‌های سازمان ملل خواستار بازگشایی گذرگاه‌های مرزی غزه و رفع و تمامی محدودیت‌ها علیه فلسطینی‌ها شده و دیوار نژادپرستانه حائل را مغایر با قوانین بین‌المللی اعلام کرده است

صفحه۱٦

رئیس جمهوری در مراسم افتتاح واحد بنزین‌سازی پالایشگاه تهران:

باید به سمت توقف صادرات نفت خام حرکت کنیم

* تولید نفت کشور تا پایان برنامه پنجم یک میلیون بشکه افزایش می‌یابد
* از زمانی که غربی‌ها اعلام کردند در صنعت نفت ایران سرمایه‌گذاری نمی‌کنند، تاکنون بیش از ۱۵ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری شده است
* وزیر نفت: ظرفیت تولید گاز کشور به روزانه یک میلیاردو ۴۷۰ میلیون مترمکعب خواهد رسید
* با راه اندازی واحد بنزین پالایشگاه شهید تندگویان ایران از واردات بنزین سوپر بی‌نیاز شد

سرویس اقتصادی: واحد بزرگ بنزین سازی پالایشگاه شهید تند گویان تهران با ظرفیت ۲/۸ میلیون لیتر دیروز در مراسم ویژه‌ای با حضور رئیس‌جمهوری به بهره برداری رسید.

به گزارش خبرنگار ما، با بهره‌برداری از پروژه بنزین‌سازی پالایشگاه شهید تندگویان، ظرفیت تولید بنزین این پالایشگاه به ۹ میلیون لیتر در روز افزایش یافت و اکنون این پالایشگاه ۱٦ درصد بنزین تولیدی کشور را تامین می‌کند. این پالایشگاه همچنین ایران را از واردات بنزین سوپر بی‌نیاز می‌کند.

دکتر محمود احمدی نژاد رئیس‌جمهوری در این مراسم با بیان این که ملت ایران ملتی بزرگ است و آستین‌ها را برای رسیدن به قله‌های پیشرفت بالا زده است، گفت: زمانی که یک ملت تصمیم به حرکت بگیرد؛ هیچ قدرتی در عالم نمی‌تواند جلوی آن بایستد. این ملت وارد هرعرصه‌ای شود تحول ایجاد می‌کند.

وی با اشاره به این که سه سال و نیم قبل در جمع کارکنان صنعت نفت مطلبی را بیان کرده است، اظهار داشت: در آن زمان گفته بودم که به نظرم هنوز پروسه ملی شدن صنعت نفت تکمیل نشده است.

بقیه در صفحه ٤

اعلام نتایج اولیه کنکور

* داوطلبان کنکور از ساعت ۱۴ امروز می‌توانند با مراجعه به پایگاه اینترنتی سازمان سنجش از نتیجه آزمون خود مطلع شوند
* تمامی ۹۳۲هزار داوطلب حاضر در جلسه آزمون مجاز به انتخاب رشته شدند که از این تعداد ۴۵۰ هزار نفر می‌توانند رشته‌های روزانه را انتخاب کنند
* انتخاب رشته داوطلبان از ۱۷ مرداد آغاز می‌شود و تا ۲۳ مرداد ادامه خواهد داشت



برترین‌های کنکور ۹۱ معرفی شدند

صفحه۳

انتقاد مجلس از نبود توازن در ارائه تسهیلات بانکی

* افضلی‌فرد سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰: جلسه مشترک مجلس و دولت در پی شکایت برخی از فعالان واحدهای تولیدی در عدم پرداخت تسهیلات بانکی تشکیل شد
* رحمانی رئیس کمیسیون صنایع: سهم صنایع از هدفمندی یارانه‌ها در بودجه سال گذشته پرداخت نشده است
* توضیحات وزیران اقتصادی در مورد حمایت از تولید قانع‌کننده نبوده است
* حسینی وزیر اقتصاد و دارایی: برخی رسانه‌ها درباره چند نرخی بودن ارز در اذهان جامعه تشویش ایجاد کردند
* سیستم ارزی کشور باید به سمت تک نرخی پیش برود

کمیسیون‌های صنایع و اصل ۹۰ مجلس دیروز جلسه مشترکشان را به میزبانی از تیم اقتصادی دولت اختصاص دادند تا باز هم اقتصاد موضوع داغ این روزها باشد.

به گزارش ایسنا، وزیران اقتصاد و دارایی، صنعت، معدن و تجارت، جهاد کشاورزی و رئیس کل بانک مرکزی دیروز مهمان‌های دولتی جلسه‌ای بودند که به جز مجلسی‌ها، نمایندگان بخش خصوصی، برخی بانک‌ها و اعضایی از دیوان محاسبات هم در آن حضور داشتند.

این روزها، نه تنها صنایع و فعالان اقتصادی که حتی مردم هم لنگ کارهای بانکی مانده‌اند؛ وقتی بانک‌ها برای وام‌های دو میلیون تومانی هم مصوبه ندارند، دیگر تکلیف صنایعی که معطل سرمایه در گردش مانده‌اند مشخص است.

بقیه در صفحه ۲

وزیر ارشاد در مراسم تجلیل از رسانه‌های فعال در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم:

بزرگ‌ترین سرمایه هر رسانه اعتماد مردم است

* دکتر حسینی: خبرنگاران باید به فکر درمان هم باشند و صرفاً بیان دردها مشکل‌گشا نیست
* روزنامه‌های اطلاعات، جام جم و خبرگزاری‌های فارس و ایکنا به عنوان رسانه‌های برتر شناخته شدند

صفحه۳

مدیرکل آمار، اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت‌احوال:

ایران رتبه ۲۵ نرخ باروری را در میان ۲۶ کشور منطقه دارد

* محزون: تغییر در باور افراد درباره ازدواج، هزینه‌های بالای ازدواج و داشتن فرزند، بالا رفتن سن ازدواج و تأخیر در فرزندآوری از علل کاهش نرخ رشد جمعیت است
* جمعیت سالمندان کشور در سال ۱۴۰۵ به ۷/۴ درصد می‌رسد

صفحه۱۳

محک

خوش بود گر محک تجربه آید به میان...

ابوالقاسم ـ قاسم زاده

جلسه مشترک دولت و مجلس

نشست مشترک هیأت دولت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی شب دوشنبه به میزبانی آقای احمدی‌نژاد برگزار شد. به گزارش خبرگزاریها دستور اصلی کار این نشست بررسی اوضاع اقتصادی کشور، به‌خصوص مشکل گرانی بود. دو سخنران اصلی رئیس مجلس و رئیس جمهور بودند. دبیر ستاد هدفمندی یارانه‌ها و وزیران راه و شهرسازی نیز سخنانی ارائه دادند و فرصت صحبت برای نمایندگان فراهم نشد.

رئیس مجلس با بیان این که مسائل موجود در کشور علاج‌های ساده‌ای دارد گفت: «با توجه به شرایط به وجود آمده در اقتصاد کشور و گرانی در کالاهای اساسی و مایحتاج عمومی مردم، مجلس به عنوان نهاد قانونگذاری آمادگی دارد تا در جهت اصلاح امور و کنترل بازار نسبت به اصلاح قوانین با کمک دولت اقدام کند.» لاریجانی به جلسه غیرعلنی دولت با مجلس در هفته گذشته اشاره کرد و گفت: «در جلسه‌ای که با نمایندگان دولت در مجلس داشتیم، موارد خوبی بین دو طرف در زمینه مهار گرانی‌ها و وضع اقتصادی کشور بحث و تبادل نظر شد که به اعتقاد من باید این نشست‌ها در آینده نیز در جهت رفع مشکلات موجود تداوم یابد.» از محورهای دیگر سخنان رئیس مجلس رونق بخشیدن به تولید ملی و کنترل تورم و گرانی بود که باید در سر لوحه کارهای دولت و مجلس قرار گیرد.

لاریجانی گفت: «بنده معتقدم تحقق اهداف اقتصادی مقاومتی در حمایت از تولید ملی نهفته است.»

آقای احمدی‌نژاد که سخنران اصلی دیگر در این نشست بود بر صرفه‌جویی در هزینه‌ها از سوی دولت و مجلس تاکید کرد و گفت: «باید هزینه‌ها را سامان داد و جلوی هرگونه اسراف و هدر رفتن سرمایه را مسدود کرد. باید صرفه‌جویی در هزینه‌ها را از خود دولت و مجلس شروع کنیم و اجازه ندهیم شیب صرفه‌جویی‌ها در هزینه‌های عمومی به سوی مردم میل نماید.» تمرکز در مدیریت اجرایی تأکید دیگر در سخنان رئیس جمهور بود و گفت: «باید این نکته را در نظر داشت که امور اجرایی را نمی‌توان از مصادر مختلف و از بیش از یک جایگاه اداره کرد و در امر اجرا همه همراهی‌ها و همکاری‌ها باید در طول هم قرار گیرند. چرا که اگر در این عرصه همکاری‌ها در عرض هم قرار گیرند، امور را مختل خواهند کرد.»

***

خبر تشکیل جلسه غیرعلنی در مجلس با حضور نمایندگان دولت و وزراء و مسئولین اقتصادی در هفته گذشته که اصلی‌ترین دستور کار آن تبادل نظر درباره وضع اقتصادی کشور و مهار گرانی‌ها بود از پی آن جلسه، نشست مشترک هیأت دولت و نمایندگان مجلس در شب دوشنبه به مردم امیدواری می‌دهد که مجلس و دولت به واقعیت‌های اقتصادی در کشور آگاهی دارند و می‌خواهند تا با همکاری به حل و برطرف کردن مشکلات اقدام کنند. بیان مشکلات دردی را دوا نمی‌کند به‌خصوص که مشکلات اقتصادی در سطح جامعه چنان عیان است که حاجت به بیان ندارد. تولید ملی و سرمایه ایرانی، نام سال است. نیمی از سال جاری گذشته و هیچ آمار قابل ملاحظه‌ای در نشست مشترک دولت و مجلس از سوی رئیس دولت یا رئیس مجلس ارائه نمی‌شود که برای اجرای نام سال (تولید ملی) چه اقدامی صورت گرفته است و ظرفیت تولید ملی امروز با دیروز چه تفاوتی کرده است و چگونه است؟ نشانه‌ای از ترمیم رکود تولید را چه کسی می‌تواند نشان دهد؟ پرسش مردم همین است. در حالی که رئیس مجلس در سخنرانی خود می‌گوید «بنده معتقدم تحقق اهداف اقتصادی مقاومتی در حمایت از تولید ملی نهفته است.» آقای لاریجانی در چند سخنرانی و مصاحبه‌های قبلی نیز اساس مشکلات کشور را (رکود تولید، بیکاری و تورم) نامید. پرسش همین است بعد از گذشت نیمی از سال جاری برای حل هر یک از این مشکلات چه اقدام عملی صورت گرفته است. آیا تولید از جهت منحنی رکودی تغییر کرده و ضرایب منحنی رشد را نشان می‌دهد؟ و رشد تولید از درصد ضرایب بیکاری کاسته است؟ آیا از میزان واردات بی‌رویه کاسته شده است؟ آیا در همین گرانی‌های در جریان، اندکی از بلبشوی نرخ کالاهای اساسی مردم کاسته شده است؟ و کنترل نرخ بازار که از وظایف روشن مدیریت دولت است و نبود کنترل در جامعه مشهود و بالاتر از مشکل گرانی‌ها مردم از بلبشوی مدیریت در کنترل نرخ‌ها شکایت دارند، انجام می‌پذیرد و سامان می‌گیرد؟

نشست‌های مشترک دولت و مجلس آنگاه مفید خواهد بود که به جای سخنرانی‌های طولانی و شرح مشکلات از اقدام بر اساس برنامه‌ریزی و محاسبه رفتارهای مدیریتی به نسبت هزینه و فایده آن برای مردم و کشور سخن به میان آید. سخنرانی‌ها برای رسانه‌ها خوراک تهیه می‌کند اما برای مردم چه نتیجه‌ای دارد؟ با اینهمه نشست مشترک مجلس و دولت علاوه بر نزدیک سازی نظرها درباره مشکلات هماهنگی اجرایی را نیز موجب خواهد شد. مردم امیدوارند که در آینده نزدیک گام‌های عملی برای حل مشکلات معشیتی آنها برداشته شود.

تولید ملی سمت و سوی رونق پیدا کند. از ضریب فزاینده بیکاری کاسته شود و مدیریت کنترل نرخ‌ها در بازار عملی شود. اگر محصول نشست‌های مشترک نمایندگان مجلس با هیات وزیران حل این مشکلات گردد، اعتماد مردم نسبت به مسئولین افزون خواهد شد.

دکتر لاریجانی: قدرت‌های جهانی سعی در اختلاف‌افکنی بین ملل اسلامی دارند

رئیس مجلس شورای اسلامی به هوشیاری ملل اسلامی در برهه حساس کنونی نسبت به تحولات منطقه تاکید کرد.

به گزارش ایسنا، علی لاریجانی در دیدار با سفیر اندونزی در تهران گفت: قدرت‌های جهانی با تقویت و حمایت از افراط‌گرایی در میان ملل اسلامی سعی در اختلاف‌افکنی دارند که این مساله هوشیاری کشورهای اسلامی را می‌طلبد.

لاریجانی با اشاره به اهمیت توسعه و گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران و اندونزی به عنوان دو کشور مهم اسلامی در آسیا گفت: مجلس شورای اسلامی از هرگونه اقدامی در جهت تقویت و تعمیق روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و به ویژه روابط پارلمانی فی‌مابین استقبال و حمایت می‌کند.

رئیس مجلس با تاکید بر وجود ظرفیت‌های فراوان در عرصه‌های مختلف تجاری و بازرگانی میان دو کشور افزود: زمینه‌های زیادی در بخش توریسم و گردشگری وجود دارد که لازم است با سرمایه‌گذاری و ورود بخش خصوصی در این عرصه‌ها زمینه ارتقای روابط فرهنگی و اقتصادی فی‌مابین جمهوری اسلامی ایران و اندونزی فراهم شود.

دیان ویر، نجوریت سفیر اندونزی در تهران هم با ابراز خرسندی از ماموریت خود در جمهوری اسلامی ایران گفت: سیاست دولت اندونزی به توسعه و گسترش روابط اقتصادی، سیاسی و بازرگانی با ایران است.

وی بر ضرورت شناخت هر چه بیشتر مردم مسلمان دو کشور از یکدیگر تاکید کرد و افزود: ظرفیت‌های خوبی در بخش منابع طبیعی و گردشگری در اندونزی وجود دارد که می‌توان با تسهیل تبادلات فرهنگی و اقتصادی زمینه بهره‌گیری از آنها را در راستای تحکیم همکاری‌های دو کشور فراهم کرد.

سفیر اندونزی، ایجاد خط مستقیم هوایی بین تهران و جاکارتا را برای تسهیل در روابط دو کشور لازم دانست.

انتقاد مجلس از نبود توازن در ارائه تسهیلات بانکی

بقیه از صفحه اول

ظاهراً مسأله تأمین مالی بحث اصلی جلسه مشترک دیروز مجلس با تیمی از وزیران دولتی بوده است که حداقل دو نفر از آن‌ها روی لبه تیغ استیضاح قرار دارند.

هرچند جزئیات کاملی از جلسه دیروز مجلس و تیم اقتصادی دولت در دست نیست، اما مصطفی افضلی‌فرد سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس تأیید کرده است که این جلسه در پی مراجعه برخی از فعالان واحدهای تولیدی به کمیسیون صنایع و شکایت از عدم پرداخت تسهیلات بانکی تشکیل شده است.

این عضو کمیسیون اصل ۹۰ همچنین یادآوری کرده است که همه از تأثیر تحریم‌ها بر اقتصاد کشور اطلاع دارند، اما بخشی از مشکلات تسهیلاتی فعلی هم ناشی از عدم توازن در ارائه تسهیلات بانکی است که به نحوه مدیریت کشور باز می‌گردد.

رضا رحمانی رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس هم پس از پایان این جلسه بر لزوم انعطاف بیشتر در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تأکید کرده است.

وی همچنین یادآوری کرده است که سهم صنایع از هدفمندی یارانه‌ها در بودجه سال گذشته پرداخت نشده است و صراحتاً اعلام کرده است که توضیحات وزیران اقتصادی در مورد حمایت از تولید قانع کننده نبوده و لازم است در این مورد تصمیم‌ها و راه‌های تازه‌ای به کار گرفته شود.

کارگروه رفع موانع تولید ملی

رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس از تشکیل کارگروهی ویژه برای از میان برداشتن موانع تولید میان دولت و مجلس خبر داد.

به گزارش فارس، رضا رحمانی رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی دیروز در حاشیه جلسه مشترک اعضای کمیسیون صنایع و اصل ۹۰ مجلس با وزیران اقتصاد، صنعت، معدن و تجارت و رئیس کل بانک مرکزی در جمع خبرنگاران اظهار داشت: این جلسه پیرو جلسات قبلی‌ای که در کمیسیون صنایع داشتیم، برگزار شد؛ ما در جلسات قبلی به این نتیجه رسیده بودیم که بخش عمده مشکلات صنعت ما در حال حاضر مربوط به مباحث بانکی و مالی است.

وی افزود: بر همین اساس ما این جلسه را برگزار کردیم که وزیر اقتصاد، وزیر صنعت، معدن و تجارت، رئیس کل بانک مرکزی و تعدادی از رؤسای بانک‌ها در این جلسه حضور پیدا کردند و مشکلات در این جلسه مطرح شد.

رحمانی ادامه داد: در جلسه دیروز مقرر شد کارگروهی تشکیل دهیم تا این کارگروه که متشکل از نمایندگان مجلس و وزیران صنعت و اقتصاد است موارد بر سر راه تولیدکنندگان را بررسی کند.

رئیس کمیسیون صنایع مجلس اظهار داشت: به اعتقاد ما حدود ۱۳ درصد به صنایع کشور تسهیلات داده شده است ولی نمایندگان دولت معتقدند که حدود ۳۰ درصد تسهیلات اختصاص داده شده است لذا قرار شد که مسائل این چنینی به صورت ریزتر در کارگروهی که قرار است تشکیل شود، مورد بررسی قرار گیرد تا ببینیم که منشاء این اختلاف آمارها کجاست.

وی در عین حال خاطرنشان کرد: البته آنچه را که در حوزه صنعت می‌بینیم، همان ۱۳ درصد را تایید می‌کند، بر همین اساس دوستان باید بررسی لازم را انجام دهند تا اگر کاستی وجود دارد، تصمیم مقتضی را در این زمینه اتخاذ کنند.

رئیس کل بانک مرکزی البته در این جلسه به ارائه آماری در مورد منابع و مصارف بانکی پرداخته است و درصدهای اختصاص داده شده به بخش‌های مختلف را توضیح داده است.

وزیر امور اقتصادی و دارایی با اشاره به فضاسازی غرض‌ورزانه برخی رسانه‌ها درباره سیستم ارزی در کشور گفت: برخی رسانه‌ها با تیترهای گزینشی و بدون درج تاریخ بیان سخنان، درباره چند نرخی بودن ارز در اذهان جامعه تشویش ایجاد کردند.

سید شمس‌الدین حسینی دیروز در حاشیه این نشست در گفتگو با ایرنا اظهار داشت: یک سری اصلاحات در سیستم ارزی از جمله تک نرخی بودن ارز در کارگروه مشترک با دولت و وزیران و نمایندگان بخش خصوصی در حال بررسی است، بنابراین رسانه‌ها باید قبل از نهایی شدن و پختگی طرح‌ها از انعکاس آن پرهیز کنند.

وزیر امور اقتصاد و دارایی در ادامه بیان کرد: دولت و سایر دستگاه‌ها به دنبال این هستند که سیستم ارزی کشور باید به سمت تک نرخی بودن ارز پیش برود، لیکن این اقدام نیاز به یک برنامه‌ریزی دارد.

وی با تأکید بر این که ما همچنان به دنبال حفظ نظام تک نرخی هستیم ولی از آن فاصله داریم، گفت: برای رسیدن به وضع مطلوب نیاز به برنامه‌ریزی همه جانبه و در نظر گرفتن همه جوانب است، لذا نه وزارت اقتصاد طرح مستقلی دارد و نه کمیسیون‌های مجلس؛ بنابراین هم دولت و هم مجلس و هم سایر بخش‌ها در حال بررسی و جمع‌بندی برای ارائه یک طرح فراگیر هستند.

حسینی در ادامه درباره نشست غیرعلنی مجلس با وزیران اقتصاد، صنعت، معدن و تجارت و کشاورزی در روزهای اخیر گفت: در این نشست علاوه بر تنظیم وضع اقتصاد بازار، به تشریک مسائل دولت و مجلس درباره این که چگونه اقتصاد کشور و حوزه‌های مختلف مثل نفت، بورس، صنعت و سیستم بانکی با تعامل بیشتر و با توجه به فشارهایی که از خارج وارد می‌شود این مسائل را مدیریت کنند، بحث و بررسی به عمل آمد.

عاملان گرانی‌های اخیر در کمیسیون اصل ۹۰ پرونده داشتند

رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس گفت: برخی با استفاده از مجوزهای ویژه و خاصی که گرفته‌اند انحصاراتی را به وجود آوردند که همین کار موجب دامن زدن به گرانی‌ها شد، ما این موضوع‌ها را به پرونده‌های سابق پیوند دادیم و مشخص شد همان عوامل در این بحث‌های اخیر دخیل و موثر بوده‌اند. محمدعلی پورمختار در گفتگو با مهر، یکی از پرونده‌های مهم در حال بررسی در کمیسیون اصل ۹۰ را مربوط به عاملان انحصار در واردات و صادرات ذکر کرد و گفت: درباره موضوع مشکلات اقتصادی و گرانی‌های اخیر پرونده‌هایی در کمیسیون مفتوح است که برخی از آنها قبل از برجسته شدن مسائل اخیر هم در کمیسیون در حال پیگیری بود.

وی ادامه داد: برخی با استفاده از مجوزهای ویژه و خاصی که گرفته‌اند، انحصاراتی را به‌وجود آوردند که همین کار موجب دامن زدن به گرانی‌ها شد. ما این موضوعات را به پرونده‌های سابق پیوند دادیم و مشخص شد همان عوامل در این بحث‌های اخیر دخیل و موثر بوده‌اند.

رئیس کمیسیون اصل ۹۰ تاکید کرد: به خاطر اهمیت این موضوع تلاشمان این است که زودتر به نتیجه برسیم، اما از آنجا که رسیدگی‌ها منجر به قضاوت می‌شود، باید کاملاً با دقت این کار انجام گیرد.

وی خاطرنشان کرد: مسائل متنوع دیگری هم در کمیسیون اصل ۹۰ مطرح است و گزارش‌هایی هم از نهادهای بازرسی مثل دیوان محاسبات، وزارت اطلاعات و سازمان بازرسی کشور درباره مسائل اقتصادی و جریانهای اداری درباره سازمانهای مختلف به ما رسیده است که در حال بررسی هستیم.

اختصاص وام ۲۵ میلیون تومانی برای مسکن ویژه تهران

معاون عمرانی استانداری تهران با اشاره به این که ثبت‌نام مسکن‌های ویژه در شهریور آغاز می‌شود گفت: احتمالاً بیش از ۲۵ میلیون تومان وام به این نوع مسکن اختصاص می‌یابد.

محمدرضا محمودی در گفتگو با فارس درباره آغاز ثبت‌نام مسکن ویژه در شهر تهران اظهار داشت: از اوایل شهریور مراحل ثبت نام در مسکن‌های ویژه اعلام و آغاز می‌شود.

وی ادامه داد: زمان دقیق ثبت‌نام مسکن‌های ویژه توسط دستگاه‌های دولتی اعلام می‌شود و تا قبل از آن شهروندان نسبت به ثبت‌نام و پرداخت وجه اقدام نکنند.

محمودی در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که آیا مسکن ویژه موجب افزایش مهاجرت نمی‌شود، بیان داشت: با شرایطی که برای ثبت نام و واگذاری این مسکن‌ها در نظر گرفته شده است این طرح موجب افزایش مهاجرت نمی‌شود، بلکه در کاهش قیمت مسکن در شهر تهران هم تأثیرگذار است.

معاون عمرانی استاندار تهران، اظهار داشت: سابقه سکونت دهساله در تهران، متأهل بودن، بهره‌مند نشدن از وام‌های مسکن از شرایط ثبت‌نام در این نوع مسکن است و فرزندان شاهد و ایثارگر هم در اولویت قرار دارند.

محموی با بیان این که مسکن ویژه در ۲۲ منطقه تهران ساخته می‌شود، گفت: قرار است ۱۰۰ هزار واحد مسکن ویژه در شهر تهران ساخته شود.

وی یادآور شد: با توجه به این که احتمالاً وام بیش از ۲۵ میلیون تومانی برای مسکن ویژه در شهر تهران در نظر گرفته می‌شود، متقاضیان باید توانایی پرداخت ماهانه یک میلیون تومان را داشته باشند.

مصباحی مقدم: قانون انتخابات ریاست جمهوری باید هرچه زودتر اصلاح شود

عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز با تاکید بر این که قانون انتخابات باید هرچه زودتر اصلاح شود تا در انتخابات آینده ریاست جمهوری با مشکلات کمتری مواجه باشیم، پیشنهاد کرد: در اصلاح قانون برای انتخابات ریاست جمهوری، نخبگان از قشرهای مختلف نامزدهای دارای صلاحیت را معرفی کنند.

غلامرضا مصباحی مقدم در گفتگو با مهر، درباره ضرورت اصلاح قانون انتخابات اظهار داشت: یکی از اتفاق‌های مهمی که پیش رو داریم، انتخابات ریاست جمهوری آینده است که نباید بگذاریم در این انتخابات به تنگنا بخوریم و باید هرچه زودتر قانون انتخابات را بازنگری کنیم.

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه داد: مقام معظم رهبری هم تدوین سیاست‌های مربوط به انتخابات را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع کردند و اگر مجلس یا دولت در چارچوب آن سیاست‌ها دست به کار شوند، خوب است که قانون انتخابات بازنگری جامعی شود.

نماینده مردم تهران در مجلس ادامه داد: یکی از ضعف‌های ما در انتخابات نداشتن حداقل صلاحیت‌ها برای نامزدهاست. در مورد مجلس مدرک تحصیلی به کارشناسی ارشد افزایش یافت، اما معتقدم این شرط هم ناکافی است و نمایندگان مجلس صرف این که دانش‌آموخته باشند کافی نیست، بلکه باید از تجربه هم برخوردار باشند.

رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس گفت: در اصلاح قانون می‌توان برای نامزدهای مجلس پیشنهاد داد که حداقل ۵۰ نفر از نخبگان یک شهر، فردی را برای کاندیداتوری معرفی کنند یا برای ریاست جمهوری ۵۰۰ نخبه، نامزد را معرفی کنند که اگر چنین شود، دیگر هر کسی با هر شرایطی ثبت‌نام نمی‌کند و حتماً هم بهترین‌ها معرفی می‌شوند.

قشقاوی: ادعای بی‌اطلاعی مقام‌های عربستانی از موافقتنامه قضایی با ایران جای تعجب دارد

معاون کنسولی، مجلس و امور ایرانیان وزارت امور خارجه درباره اظهار بی اطلاعی سخنگوی وزارت خارجه عربستان از مذاکرات مربوط به پیش نویس موافقتنامه استرداد مجرمان بین جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی گفت: این که وی از این موضوعات اظهار بی اطلاعی کرده است، جای تعجب دارد.

حسن قشقاوی افزود: بهتر است وی به سوابق موجود در وزارت خارجه و وزارت دادگستری عربستان مراجعه کند.

به گزارش اداره کل اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه، وی اضافه کرد: علاوه بر پیش نویس موافقتنامه استرداد مجرمان بین دو کشور، دو پیش نویس دیگر درباره معاضدت قضایی و انتقال محکومان به حبس در سفر شیخ «عبدالله بن محمد آل الشیخ» وزیر دادگستری سابق عربستان به تهران مورد بررسی و مذاکره طرفین قرار گرفت.

معاون وزیر امور خارجه ادامه داد: این دو پیش نویس از مجاری رسمی به طرف سعودی ارائه شده اما به رغم پیگیری‌های مکرر کماکان بی پاسخ مانده است.

قشقاوی درباره آخرین وضعیت زندانیان ایرانی در عربستان گفت: این موضوع همچنان به طور جدی در دستور کار وزارت امور خارجه و نمایندگی ما در ریاض قرار دارد.

وی در ادامه افزود: متاسفانه به رغم پیگیری‌های متعدد برای روشن شدن وضع اعدام شدگان و اطلاع رسانی در مورد سایر زندانیان، دولت سعودی با نادیده گرفتن مسئولیت و تعهدات بین المللی خود همچنان درخواست‌های طرف ایرانی را بدون پاسخ گذاشته و تاکنون موافقت خود را با درخواست اعزام هیات کنسولی جمهوری اسلامی ایران به ریاض اعلام نکرده است.

قشقاوی افزود: در همین ارتباط روز شنبه گذشته سفیر عربستان در تهران به وزارت امور خارجه احضار و نسبت به تعلل طرف سعودی در این زمینه به وی اعتراض شد.

توافق جدید کنگره آمریکا برای تحریم ایران

تیمی از مجلس سنا و نمایندگان آمریکا در مذاکرات خود بر ادامه فشارهای اقتصادی و تحریم ایران توافق کردند.

به گزارش مهر به نقل از فاکس نیوز، مذاکره‌کنندگان مجلس نمایندگان و سنای آمریکا روز دوشنبه توافق کردند تا دور جدید تحریم‌ها علیه ایران اعمال شود.

در این مذاکرات، شرکت‌کنندگان بر هدف قرار دادن بخش انرژی، کشتیرانی و بخش‌های بیمه‌ای در کنار اقدامات تنبیهی توافق کردند.

هدف از این تحریم‌ها، خارج کردن برنامه هسته‌ای ایران از مسیر اصلی خود اعلام شده است؛ مسیری که آمریکا مدعی است در انتهای آن ایران ممکن است به بمب اتمی دست یابد و یا در «آستانه» هسته‌ای شدن قرار بگیرد.

قانونگذاران همچنین توافق کردند که اقدامات تنبیهی موجود را از طریق رای‌گیری که امروز صورت خواهد گرفت توسعه دهند.

خانم «راس لتینن»، رئیس کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان آمریکا و از اعضای گروه فشار (لابی) اسرائیل در این باره گفت: این لایحه پیام روشنی را به رژیم ایران خواهد فرستاد و نشان خواهد داد که ایالات متحده برای ممانعت از پیشبرد برنامه هسته‌ای ایران از طریق اعمال تحریم‌ها «متعهد» است.

در این زمینه وزیر دفاع آمریکا هم با اذعان به تحریم‌ها علیه ایران اعلام کرد که این تدابیر برای تاثیرگذاری نیاز به زمان دارد.

نیویورک تایمز با اعلام این خبر نوشت: «لئون پانتا» با ارسال پیام ضمنی به رهبران اسرائیل از آنها خواسته است تا پیش از اقدام نظامی علیه ایران، به دیپلماسی و فشارهای اقتصادی زمان کافی برای تاثیرگذاری داده شود.

پانتا که در هنگام سفر به تونس و پیش از آغاز سفرش به سرزمین‌های اشغالی صحبت می‌کرد، افزود: گرچه ظاهر قضیه نشان نمی‌دهد، اما تحریم‌های اقتصادی ایران به طور فزاینده‌ای تاثیرگذار هستند.

پانتا اضافه کرد: این تحریم‌ها، در حالی که نتایج آن ممکن است فعلاً مشاهده نشود، اما تاثیرهای جدی بر اقتصاد ایران دارند. ایرانی‌ها در همین رابطه تمایل خود را برای مذاکرات اعلام کرده‌اند و به نظر می‌رسد علاقمند به یافتن راه‌حل دیپلماتیک برای مساله‌اند.

وی گفت: آنچه که همه ما نیاز به انجام آن داریم این که فشارها بر جمهوری اسلامی را ادامه دهیم.

دکتر صالحی: دیدار مقام‌های ایران و ترکیه در جهت ایجاد ثبات در منطقه است

وزیر امور خارجه کشورمان در دیدار معاون وزیر خارجه ترکیه، دیدار مقام‌های دو کشور را در جهت ایجاد ثبات در منطقه دانست.

علی‌اکبر صالحی عصر دیروز در دیدار خالد چویک در تهران، روابط دو کشور و تحولات منطقه‌ای را مورد گفتگو و تبادل نظر قرار داد.

به گزارش اداره کل اطلاعات و مطبوعات وزارت خارجه، رئیس دستگاه دیپلماسی کشورمان درباره تحولات سوریه، با بیان این که جمهوری اسلامی ایران خواهان بازگشت ثبات به سوریه و حل اختلافات از طریق گفتگو است، اظهار داشت: ما از طرح صلح آقای کوفی عنان حمایت می‌کنیم و تنها راه برون رفت معنی‌دار از این شرایط را این طرح می‌دانیم.

صالحی جایگاه ترکیه را در منطقه مورد توجه قرار داد و با بیان این که جمهوری اسلامی ایران و ترکیه دارای مشترکات فراوانی هستند، استمرار دیدارها و گفتگوی مقام‌های دو کشور را باعث تفاهم و همکاری بیشتر دو کشور در جهت کمک به بازگشت ثبات در منطقه دانست.

خالد چویک معاون وزیر امور خارجه ترکیه هم در این دیدار به تحولات سوریه پرداخت و با بیان این که اگر سوریه متلاشی شود بر کل منطقه تاثیر خواهد گذاشت، اظهار داشت: نباید در سوریه دخالت کرد و مردم این کشور خودشان باید برای آینده این کشور تصمیم گیرنده باشند.

معاون وزیر خارجه ترکیه با ابلاغ سلام داوود اوغلو وزیر امور خارجه این کشور، اظهار امیدواری کرد که روابط دو کشور بیش از پیش تعمیق یابد.

کمیته سیاسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه به ریاست معاونان وزیران امور خارجه دو کشور؛ دیروز تشکیل و طی آن روابط دو جانبه و چگونگی تسریع روند توسعه آن مورد بررسی و تصمیم گیری قرار گرفت.

اخبار کوتاه

پیام تبریک رئیس جمهوری به مناسبت سالروز استقلال جمهوری مالدیو

دکتر محمود احمدی‌نژاد در پیامی فرا رسیدن سالروز استقلال جمهوری مالدیو را به محمد حسن وحید، رئیس جمهوری این کشور تبریک گفت.

رئیس جمهوری در این پیام ابراز امیدواری کرده است که مناسبات میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری مالدیو، در همه زمینه‌های مورد علاقه طرفین بیش از پیش گسترش یابد و همچنین شاهد استقرار صلح و امنیت جهانی باشیم.

رئیس مجلس پاکستان فردا به ایران می‌آید

سید «نیر حسین بخاری» رئیس مجلس سنای جمهوری اسلامی پاکستان، فردا به جمهوری اسلامی ایران سفر می‌کند.

وی قرار است در این سفر چهار روزه، علاوه بر دیدار با روسای جمهوری و مجلس شورای اسلامی و وزیر امور خارجه از مشهد مقدس دیدار کند و به آستان قدس رضوی مشرف شود.

نجاری در سفر به مشهد با استاندار خراسان رضوی هم دیدار و گفت‌وگو می‌کند. رئیس مجلس سنای پاکستان قرار است در دیدارهای خود با مقام‌های عالیرتبه کشورمان در ایران درباره توسعه همکاری‌های دو کشور در ابعاد پارلمانی، اقتصادی و موضوع‌های منطقه‌ای و مورد علاقه بحث و گفتگو کند.

بررسی طرح ۹ ماده‌ای ارزی در کمیسیون اقتصادی مجلس

سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: جلسه صبح دیروز این کمیسیون به بررسی موضوع طرح پیشنهادی ۹ ماده‌ای فتحی‌پور در مورد ارز اختصاص داشت.

محمد علیپور، نماینده مردم ماکو در گفتگو با ایسنا، گفت: موضوع این جلسه بیشتر تامین کالاهای اساسی و مساله ساماندهی ارز بود.

نماینده مردم ماکو ادامه داد: بررسی طرح ساماندهی ارز که توسط فتحی‌پور به کمیسیون ارائه شده است هنوز در مقدمات است و منتظر هستیم که مرکز پژوهش‌های مجلس هم نظر خود را در رابطه با آن اعلام کند.

این عضو کمیسیون اقتصادی مجلس اظهار داشت: اگر طرح ساماندهی ارزی در کمیسیون رأی نیاورد به صورت یک طرح به جلسه صحن علنی مجلس ارائه خواهد شد.

دعای روز دوازدهم ماه رمضان

اللهمّ زَیِّنّی فیهِ بالسّتْرِ والعَفافِ واسْتُرنی فیهِ بِلباسِ القُنوعِ والکَفافِ واحْمِلنی فیهِ علی العَدْلِ والإنْصافِ وامِنّی فیهِ من کلِّ ما أخافُ بِعِصْمَتِکَ یا عِصْمَةَ الخائفین.

خداوندا مرا در این روز به زیور پوشش و پاکدامنی، آرای و در این روز به جامه قناعت و کفایت بپوشان، و مرا در این روز به سوی عدل و دادگری سوق ده و از هرچه بیم آن دارم نگهداری و حفاظتم ده، به حقّ حفظ و نگهداریت ای نگهدارنده بیمناکان.

۳۰ روز، ۳۰ گفتار قرآنی در کلام رهبری

لزوم استغفار دائمی (۱۱)

سوره مبارکه هود آیه ۳

وَأنِ استَغفِروا رَبَّکُم ثُمَّ توبوا إلَیه یُمَتِّعکُم مَتاعًا حَسَنًا إلی أَجَلٍ مُسَمًّی وَیُؤتِ کُلَّ ذی فَضلٍ فَضلَهُ وَإن تَوَلَّوا فَإنّی أخافُ عَلَیکُم عَذابَ یَومٍ کَبیر(۳)

و اینکه: از پروردگار خویش آمرزش بطلبید سپس به سوی او بازگردید تا شما را تا مدّت معیّنی، (از مواهب زندگی این جهان،) به خوبی بهره‌مند سازد و به هر صاحب فضیلتی، به مقدار فضیلتش ببخشد! و اگر (از این فرمان) روی گردان شوید، من بر شما از عذاب روز بزرگی بیمناکم! (۳)

احتیاج همه افراد به استغفار

خدای متعال مکرر در قرآن و از جمله در این آیه ما را امر می‌کند به آمرزش‌طلبی و توبه به سوی خدا. توبه، یعنی برگشت. این برگشت، هم در مرحله ایمان و هم در مرحله عمل و رفتار است. ما کوتاهی‌هایی داشتیم و داریم؛ باید خود را اصلاح کنیم؛ و این در درجه اول اهمیت است. سوره مبارکه هود این‌طور شروع می‌شود: «بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم. الر. کتاب احکمت ایاته ثمّ فصّلت من لدن حکیم خبیر. الّا تعبدوا الّا الله انّنی لکم منه نذیر و بشیر. و ان استغفروا ربّکم ثمّ توبوا الیه»[1]. یعنی رسالت قرآنی در درجه اول مسأله توحید است؛ بلافاصله بازگشت به خدا و آمرزش‌طلبی از خدا مطرح می‌شود. این، مربوط به همه طبقات است؛ از پیغمبران گرفته تا درجات پایین؛ منتها گناهی که از آن استغفار می‌کنیم، در ما یک چیز است؛ در پاکان و برجستگان چیز دیگری است. «کار پاکان را قیاس از خود مگیر». آن‌ها هم احتیاج دارند به استغفار؛ آن‌ها هم ممکن‌اند؛ «سیه‌رویی ز ممکن در دو عالم، جدا هرگز نشد والله اعلم»؛ آن‌ها هم احتیاج دارند که طلب مغفرت کنند و این نقص و نرسیدن و این کُندی نسبی را با طلب مغفرت از خدا جبران کنند. در مورد ما هم که خطاها و گناهان یکی دو تا نیست؛ ما انواع و اقسام خطاها را داریم. این، حرف اصلی ماست.

استغفار موجب بهره‌مندی نیکو از زندگی می‌شود

روایتی را هم در این جا ذکر کنم: «ادفعوا ابواب البلایا بالاستغفار»[2]؛ در بلا را به وسیله استغفار ببندید. در همین آیه هم که خواندیم، دارد «یمتّعکم متاعا حسنا»؛ یعنی بهره‌مندی نیکو از زندگی، با استغفار و توبه و آمرزش‌طلبی از خدای متعال حاصل خواهد شد.

در یک روایت دیگر دارد: «خیر الدّعا الأستغفار»[3]؛ از همه دعاها بهتر، طلب آمرزش از خدای متعال است. در مناجات شعبانیه آمده است: «الهی ما اظنّک تردّنی فی حاجة قد افنیت عمری فی طلب‌ها منک»[4]. این حاجت چیست؟ حاجتی که می‌گوید من همه عمرم را در طلب آن سپری کردم، عبارت است از مغفرت الهی. آمرزش الهی به معنای اصلاح خطاهاست؛ به معنای جبران کردن ضربه‌هایی است که بر خودمان و بر دیگران وارد کردیم.

مراحل استغفار

اشکال کار ما انسان‌ها غفلت از خطای خود، غفلت از لزوم اصلاح و غفلت از اجرایی کردن اصلاح در خود است. اگر این غفلت‌ها از بین رفت و اگر این عزم به وجود آمد، همه چیز اصلاح می‌شود. در مرحله اول - که مرحله مقدماتی و جزو بزرگ‌ترین وظایف ماست - خودمان اصلاح می‌شویم، که اساس هم این است؛ یعنی همه کارها مقدمه اصلاح خود است.

مرحله دیگر، استغفار اجتماعی و اصلاح اجتماعی است؛ مسیر و هدف جمعی و کارکرد عمومی را در حوزه توانایی خودمان اصلاح کنیم؛ که این واضح‌ترین نمونه از تأثیر استغفار و مفهوم و محتوا و مضمون واقعی استغفار است.

نباید این کار را دشوار به حساب آورد. اگر اراده کنیم، این کار آسان است و ما می‌توانیم. این شب‌ها در دعای شریف ابوحمزه خواندید: «و انّ الرّاحل الیک قریب المسافة»؛ پروردگارا! کسی که به سمت تو بیاید، راهش نزدیک است. عمده، عزم کردن، حرکت کردن و همت گماشتن است. «و انّک لا تحتجب عن خلقک الّا ان تحجبهم الأعمال دونک».[5] ما به دست خود و با خطاهای خود، بین خود و خدا فاصله ایجاد می‌کنیم. خدای متعال با ما فاصله‌ای ندارد؛ راه نزدیک است. اگر توفیقی پیدا شد، این توفیق نشانه رحمت الهی است. اگر توانستید از دل استغفاری برآورید و عزمی و حرکتی بکنید، بدانید که توفیق الهی و توجه الهی شامل حال شماست؛ شما را دارند جذب می‌کنند و می‌کشند. خدا در موارد متعدد توبه را به خودش نسبت می‌دهد؛ «ثمّ تاب علیهم لیتوبوا»؛[6] خدا توبه کرد تا انسان‌ها توبه کنند. توبه یعنی چه؟ یعنی توجه و برگشت. خدا به شما عطف توجه کرد؛ این موجب شد تا دل شما هم به خدای متعال متمایل شود.

تا که از جانب معشوق نباشد کششی

کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد

انواع گناه

الف) گناهان فردی

از سه گونه گناه باید استغفار کرد؛ این‌ها به درد ما می‌خورد؛ من و شما در کارهای مدیریتی هم به آن نیاز داریم. غفلت از این‌ها خسارتهای بزرگی را بر ما وارد کرده است و می‌کند. سه جور گناه وجود دارد: یک‌جور گناهی است که فقط ظلم به نفس است - که تعبیر ظلم به نفس در قرآن و در حدیث فراوان است - گناهی است که فرد مرتکب می‌شود و اثر مستقیمش هم به خود او برمی‌گردد؛ گناهان متعارف فردیِ معمولی.

ب) گناهان فردی دارای آثار اجتماعی

نوع دیگر، گناهی است که فرد مرتکب می‌شود، اما اثر مستقیم آن به مردم و به دیگری می‌رسد. این گناه، سنگین‌تر است. این گناه، ظلم به نفس هم هست؛ اما چون تعدی و تجاوز به دیگران است، دشواری کار آن بیشتر است و علاج آن هم سخت‌تر است؛ از قبیل ظلم، غصب، پایمال کردن حقوق مردم، پایمال کردن حقوق عمومی انسان‌ها. این گناه بیشتر متعلق می‌شود به حکومت‌ها؛ این گناه مدیران است؛ این گناه سیاستمداران است؛ این گناه شخصیت‌های بین‌المللی است؛ این گناه آنهایی است که یک کلمه حرفشان، یک امضایشان، یک عزلشان، یک نصبشان می‌تواند خانواده‌هایی و گاهی ملتی را تحت تأثیر قرار دهد. مردم عادی معمولاً این‌طور گناهی ندارند؛ اگر هم داشته باشند، دایره‌اش خیلی ضعیف است؛ کسی راه برود و مثلاً پای کسی را عمداً لگد کند؛ در این حد است. اما من و شما اگر قرار شد مبتلای به این نوع گناه شویم، دامنه‌اش وسیع است. همین‌طور که گفتیم، یک امضای ما، یک حکم ما، یک حرف ما، یک قضاوت ما، یک نشست و برخاست ما در محل تصمیم‌گیری می‌تواند اثر مستقیم خودش را به جماعت‌های زیادی برساند. این نوع گناه هم استغفار متناسب با خودش دارد. گناه نوع اول استغفارش به این است که انسان صادقانه از خدای متعال آمرزش بخواهد؛ اما گناه نوع دوم مسأله‌اش فقط با استغفار حل نمی‌شود؛ انسان باید آن را درست کند. مقوله اصلاح کردن و درست کردن و مشکلات را برطرف کردن، این‌جا پیش می‌آید.

ج) گناهان جمعی ملت‌ها

نوع سوم، گناهان جمعی ملتهاست. بحث یک نفر آدم نیست که خطایی انجام دهد و یک عده از آن متضرر شوند؛ گاهی یک ملت یا جماعت مؤثری از یک ملت مبتلا به گناهی می‌شوند. این گناه هم استغفار خودش را دارد. یک ملت گاهی سالهای متمادی در مقابل منکر و ظلمی سکوت می‌کند و هیچ عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دهد؛ این هم یک گناه است؛ شاید گناه دشوارتری هم باشد؛ این همان «انّ الله لا یغیّر ما بقوم حتّی یغیّروا ما بانفسهم»[7] است؛ این همان گناهی است که نعمت‌های بزرگ را زایل می‌کند؛ این همان گناهی است که بلاهای سخت را بر سر جماعت‌ها و ملتهای گنهکار مسلط می‌کند. ملتی که در شهر تهران ایستادند و تماشا کردند که مجتهد بزرگی مثل شیخ فضل‌الله نوری را بالای دار بکشند و دم نزدند؛ دیدند که او را با این‌که جزو بانیان و بنیانگذاران و رهبرانِ مشروطه بود، به جرم این‌که با جریان انگلیسی و غربگرای مشروطیت همراهی نکرد، ضد مشروطه قلمداد کردند - که هنوز هم یک عده قلمزن‌ها و گوینده‌ها و نویسنده‌های ما همین حرف دروغ بی‌مبنای بی‌منطق را نشخوار و تکرار می‌کنند - پنجاه سال بعد چوبش را خوردند: در همین شهر تهران مجلس مؤسسانی تشکیل شد و در آن‌جا انتقال سلطنت و حکومت به رضاشاه را تصویب کردند. آن‌ها یک عده آدم خاص نبودند؛ این یک گناه ملی و عمومی بود. «و اتّقوا فتنةً لاتصیبنّ الّذین ظلموا منکم خاصّة»؛[8] گاهی مجازات فقط شامل افرادی که مرتکب گناهی شدند، نمی‌شود؛ مجازات عمومی است؛ چون حرکت عمومی بوده؛ ولو همه افراد در آن شرکت مستقیم نداشتند. همین ملت آن روزی که به خیابان‌ها آمدند و سینه‌شان را مقابل تانک‌های محمدرضا پهلوی سپر کردند و از مرگ نترسیدند؛ یعنی تحمل و صبر و سکوت گناه‌آلود پنجاه ساله را تغییر دادند، خدای متعال پاداش آن‌ها را داد؛ حکومت ظلم ساقط شد، حکومت مردمی سر کار آمد؛ وابستگی ننگ‌آلود سیاسی از بین رفت، حرکت استقلال آغاز شد و ان‌شاءالله ادامه هم دارد و ادامه پیدا خواهد کرد و این ملت به توفیق الهی و به همت خود، به آرمانهای خودش خواهد رسید. این به خاطر این بود که حرکت کرد. بنابراین گناه نوع سوم هم یک‌طور استغفار دارد.[9]

پی‌نوشت:

۱ـ هود: ۳-۱

۲ـ مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۵، ص ۳۱۸. «ادْفَعُوا أَبْوَابَ الْبَلَایَا بالاسْتِغْفَارِ» پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: درهای بلا و سختی را به وَسیله استَغفار ببندید.

۳ـ الکافی، ثقةُ الاسلام کلینی، ج ۲، ص ۵۰۴، ح ۱. «خَیْرُ الدُّعَاءِ الاسْتِغْفَارُ» امام صادق (علیه‌السلام) به نقل از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: بهترین دعا استغفار کردن است.

۴ـ اقبال الاعمال، سید بن طاووس، ص ۶۸۵. «... إلَهِی مَا أَظُنُّکَ تَرُدُّنِی فِی حَاجَةٍ قَدْ أَفْنَیْتُ عُمُرِی فِی طَلَبِهَا مِنْکَ إلَهِی فَلَکَ الْحَمْدُ أَبَداً أَبَداً دَائِماً سَرْمَداً یَزِیدُ وَلَا یَبِیدُ کَمَا تُحِبُّ وَتَرْضَی...» امام علی (علیه‌السلام) [در مناجات شعبانیه اینگونه] فرمودند: خدایا گمان ندارم که مرا بازگردانی در مورد حاجتی که عمر خویش را در خواستن آن از تو، سپری کردم، خدایا ستایش خاص تو است ستایش ابدی جاویدان همیشگی که فزون شود ولی کم نگردد، بدان نحو که دوست داری و خشنود شوی.

۵ ـ مصباح المتهجد، شیخ طوسی، ص ۵۸۳. «... أَنَّ الرَّاحِلَ إلَیْکَ قَرِیبُ الْمَسَافَةِ وَ أَنَّکَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِکَ إلَّا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَکَ...» امام سجاد (علیه‌السلام) [در دعای ابوحمزه ثمالی اینگونه] فرمودند: آن که به سوی تو سفر می‌کند فاصله او به تو نزدیک است و تو از آفریدگان خود پنهان نمی‌شوی مگر آن که کردارشان آنان را از تو بپوشاند.

۶ـ توبه: ۱۱۸ ۷ـ رعد: ۱۱ ۸ ـ انفال: ۲۵

۹ـ بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۴/۰۸/۰۸



امام علی علیه‌السلام:
حُبُّ المالِ یُفْسِدُ المآلَ
دوستی ثروت، عاقبت را تباه سازد.

کوتاه فرهنگی

پیام تسلیت وزیر ارشاد به مناسبت درگذشت استاد بهروز ثروتیان

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی درگذشت استاد بهروز ثروتیان را تسلیت گفت.

به گزارش ایرنا از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی متن پیام تسلیت دکتر سید محمد حسینی به این شرح است: خبر تاثرانگیز کوچ مرغی از تبار ققنوسان فرهنگ و ادب، اگر چه حس هجران را سنگین می کند، اما احساس پرواز را به آیین می کند: و چون آسمان را می نگری آثار بال زدن هایی تداعی می شود که بهروزی را تفسیر می نماید. این ادیب خلیق و این معلم شفیق اگر تیغ برنده آثارش پرده‌های خلوت گزیدگی و رهیدگی اش را نمی درید، شاید اینک نیز کمتر کسی او را می‌دید این مصحح گرانقدر؛ به شعر و ادب این سرزمین آنقدر خدمت کرده است که این قلم‌ها؛ قدرت تقدیر ندارد؛ هر چند این قدردانی‌ها بر وسعت حرمت آنان تاثیر می گذارد.

خداوند با بزرگانی که نظام ذهنش را نظم بخشیده بودند چونان حکیم نظامی بر سر سفره مولی الموحدین امیرالمونین میهمان فرماید و بر عزتش در ممات بیفزاید و دریچه‌های صبر و بردباری را بر دل‌های بازماندگانش بگشاید.

«روزگار عسرت» منتشر شد

خاطرات هادی باغبان یکی از سربازان آزاده دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، در کتابی با عنوان «روزگار عسرت» گردآوری و منتشر شده است.

به گزارش پایگاه خبری سوره مهر سیدولی هاشمی گفت: هادی باغبان که مشغول گذراندن دوران خدمت سربازی در ارتش بوده، در سال ۱۳۶۷ به اسارت ارتش متجاوز صدام درمی‌آید و پس از اقدام به فرار، در سخت‌ترین وضعیت نگهداری می‌شود و حتی حق صحبت کردن با دیگران را نداشته است.

وی با اشاره به دشواری‌های تحمل اسارت در این وضعیت، تصریح کرد: نام این اسیر توسط صلیب سرخ ثبت نشده بود و سخت‌گیری‌ها به جایی رسید که در زمان بازگشت آخرین کاروان آزادگان به ایران در سال ۱۳۶۹، عراقی ها قصد داشتند نام او را حتی از فهرستی که از اسرای ایرانی تهیه کرده بودند نیز حذف کنند.

«روزگار عسرت» در ۱۴۸ صفحه، قطع رقعی و در تیراژ ۲۵۰۰ جلد و با قیمت ۴۴۰۰ تومان منتشر شده است.

تمدید مهلت دریافت آثار بخش صحنه‌ای سی و یکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

مهلت دریافت آثار برای حضور در بخش‌های صحنه‌ای سی و یکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر تا ۲۵ مرداد امسال تمدید شد.

به گزارش روابط عمومی مرکز هنرهای نمایشی ، بنا به درخواست تعداد زیادی از متقاضیان به ویژه گروه‌های شهرستانی، مهلت دریافت آثار برای حضور در بخش‌های صحنه‌ای سی و یکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر تا ۲۵ مرداد امسال تمدید شد.

متقاضیان می توانند آثار خود را به همراه مدرک مورد نیاز، طبق فراخون جشنواره تا تاریخ ذکر شده به دبیرخانه سی‌ویکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر ارسال کنند.

سی و یکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر از ۲۶ دی تا ۱۳ بهمن امسال به دبیری دکتر سعید کشن فلاح برگزار می‌شود.

طراحی‌های علی اکبر صادقی منتشر می‌شود

مجموعه‌ای کامل از طراحی‌های علی اکبر صادقی در قالب کتابی با عنوان «این منم، علی اکبر صادقی» منتشر می‌شود.

به گزارش خبرنگار هنر آنلاین، علی اکبر صادقی از انتشار کتابی از مجموعه طراحی‌هایش خبر داد. وی در این باره گفت: عنوان این کتاب «این منم، علی اکبر صادقی» است و طراحی‌هایم از دوران نوجوانی تاکنون در آن دیده می‌شود. علاوه بر این بیوگرافی از زندگی‌ام در این کتاب گنجانده شده است.

این هنرمند پیش‌کسوت، همچنین از برگزاری نمایشگاهی از طراحی‌هایش خبر داد و گفت: مجموعه ۱۰۰ اثر از طراحی‌هایم را، مهر امسال در استودیوی شخصی‌ام به نمایش درخواهم آورد.

وی افزود: این مجموعه منتخبی از طراحی‌های سال‌های گذشته و همین‌طور طراحی‌های جدیدم را در بر می گیرد.

چهره ماندگار هنرهای تجسمی ایران در پایان اشاره کرد که علاقمندان به هنرهای تجسمی از این پس در استودیوی شخصی‌اش نمایش آثاری از هنرمندان دیگر را هم شاهد خواهند بود.

تمدید مهلت ارسال مقالات همایش علمی ـ پژوهشی امام رضا (ع)؛ ادیان، مذاهب و فرق

مهلت ارسال مقالات همایش علمی ـ پژوهشی «امام رضا (ع)؛ ادیان، مذاهب و فرق» تمدید شد. بنابر اعلام دبیرخانه همایش، کلیه پژوهشگران، نویسندگان وعلاقه‌مندان برای ارسال چکیده مقالات خود، تا آخر مرداد ماه و برای ارسال اصل مقالات خود تا ۱۵ شهریور ماه سال جاری فرصت دارند.

محورهای این همایش شامل «گونه‌شناسی جریان‌های فکری و مذهبی عصر امام رضا (ع) »، «روش شناسی» و «آثار و ثمرات» است.

پژوهشگران و علاقه‌مندان می‌توانند مقالات خود را به صورت الکترونیک به نشانی Tehran@shamstoos.ir ارسال کنند.

همایش علمی ـ پژوهشی «امام رضا(ع)؛ ادیان، مذاهب و فرق» به عنوان یکی از برنامه‌های دهمین جشنواره بین‌المللی امام رضا (ع) مهر امسال توسط اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران با همکاری پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات برگزار خواهد شد.

شاهکارهای شمایل‌نگاری حضرت علی(ع) در گالری «شکوه»

به رسم هر سال، گالری شکوه با فرا رسیدن ماه مبارک رمضان نمایشگاهی از آثار هنرهای معنوی برپا می‌کند. امسال نیز این گالری از جمعه ۱۳ مرداد میزبان دو دسته آثار هنر معنوی، سنتی و مدرنیستی خواهد بود.

عصر جمعه ۱۳ مرداد، بخش اصلی گالری شکوه به تابلوهای درخشان و بسیار کهن از شمایل‌نگاری‌های حضرت علی(ع) اختصاص خواهد داشت، این آثار که همگی وجهه موزه‌ای دارند بازتاب‌دهنده علاقه وافر و ادای احترام خاص هنرمندان به خاندان اهل‌بیت(ع) است. در بخش فوقانی گالری شکوه هم از نقاشان معاصر نظیر بهنوش فروتن، حجت شکیبا، وحید الدین معینی... آثاری با رویکردهای مذهبی و آیینی متناسب با ماه مبارک رمضان به تماشای عموم گذاشته خواهد شد که همگی آن‌ها برای نخستین بار است که در یک گالری ارائه می‌شوند.

گالری شکوه در فرمانیه، بلوار اندرزگو، خیابان سلیمی شمالی، کوچه نوری، شماره ۱۹ واقع است.

«پینوکیو» آغازگر بخش «روزهای ونیز»



بخش «روزهای ونیز» جشنواره فیلم ونیز با نمایش پویانمایی «پینوکیو» آغاز به کار خواهد کرد.

به گزارش ایسنا ، برگزارکنندگان بخش مستقل «روزهای ونیز» اعلام کردند، پویانمایی «پینوکیو» به کارگردانی «انزودالو» آغازگر این بخش خواهد بود. نگارش فیلمنامه این پویانمایی را که به طور کلی وفادار به کتاب «کارلوکلودی» است ، «اومبرتومارنیو» برعهده داشته و قرار است این فیلم در تاریخ ۳۰ اوت در بخش «روزهای ونیز» به نمایش درآید.

رونمایی از آثار فاخر قرآنی در نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسم رونمایی از آثار فاخر قرآنی که دوشنبه شب گذشته در بیستمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم برگزار شد، اظهار داشت: ما وظیفه داریم که آثار مفید و ارزنده را به جامعه معرفی کنیم، لذا نمایشگاه قرآن فرصت بسیار خوبی است که علاقه‌مندان و دوستداران قرآن کریم، محققان و پژوهشگران در آن حضور می‌یابند و ماهرساله شاهد رونمایی از بهترین آثار در این نمایشگاه هستیم و این از افتخارات نمایشگاه قرآن است.

وی گفت: سعی می کنیم فضایی را مهیا کنیم تا شوق مردم به قرآن بیشتر شود، لذا اگر تلاوت قرآن به زیبایی صورت گیرد، اگر کارهای هنری قرآنی انجام می‌شود تمام اینها به تعبیر مقام معظم رهبری، مقدمه‌ای برای تدبر و فهم بیشتر قرآن کریم است و این وظیفه ماست چرا که خداوند در قرآن، قومی را که اهل تدبر در قرآن نباشد، مؤاخذه کرده است.

وزیر ارشاد با بیان اینکه قرآن کریم کتابی است که هرچه بیشتر در آن نگریسته شود باز ابعاد بیشتری از اعجاز و شگفتی های قران برای ما آشکار خواهدشد، تصریح کرد: از جمله اعجاز قرآن، اعجاز عددی آن است که ۱۲ بار کلمه ماه، ۳۶۵ بار کلمه یوم، تعداد کلمان دنیا و آخرت، انبیاء و مردم، ملائکه و شیاطین به طور مساوی در قرآن ذکر شده است و حتی در تعداد حروف قرآن نیز شگفتی های فراوانی وجود دارد.

وی اظهار داشت: آیت‌الله ری‌شهری و آیت‌الله نمازی نیازی به تعریف ندارند اما از باب یادآوری اعلام می کنم که وقتی بزرگانی که سال‌ها در خدمت نظام اسلامی بوده‌اند و خدماتی را در زمینه مسائل اجتماعی و سیاسی ارائه داده و نسبت به مباحث حکومتی اشراف دارند، کتاب‌هایی نوشته و مطالبی را جمع آوری می کنندقطعاً با آثار یک عالم ساده‌ای که گوشه‌نشین بوده و از متن جامعه به دور است. متفاوت خواهد بود.

حسینی گفت: کسی که جهان و محیط پیرامون خویش، نیازها و مقتضیات زمان رامی شناسدقطعااثری را که به نگارش درمی‌آورد مفیدتر و مؤثرتر و قابل استفاده خواهد بود و جای بسی تشکر دارد. وی اظهار داشت: تلاش ما در چندسال اخیر بر این بوده است که قرآن کتاب زندگی باشد و در زندگی فردی و اجتماعی افراد، حضور پررنگی را ایفا کند لذا به سهم خود سعی کردیم نمایشگاه‌هایی در تهران و شهرستان‌ها برپا شود موسسات قرآنی، بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرند.

وزیر ارشاد با تأکید بر تنوعی که در بیستمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم مشاهده می‌شود، خاطرنشان کرد: بخشی از آثار ارائه شده در نمایشگاه به قرائت قرآن ارتباط دارد اما بخش عمده آن تأمل و تدبر در قران است لذا وقتی یک هنرمند قرآنی یک آیه از قرآن را در تابلویی نفیس، از دید خود ترسیم کند، قطعا هرکس که آن را ببیند از آن بهره خواهد برد.

آیت الله محمد محمدی ری‌شهری، تولیت آستان مقدس حضرت عبدالعظیم(ع) در مراسم رونمایی از کتاب ٤ جلدی «شناخت‌نامه قرآن» خود از برگزارکنندگان این محفل نورانی تشکر کرد و گفت: امیدوارم به برکت نورانیت قرآن و نورانیت ماهی که در آن هستیم خداوند متعال به ما و همه خدمتگزاران قرآن و اهل بیت(ع) توفیق دهد تا بتوانیم به مسئولیت سنگین تاریخ اسلام و تاریخ ایران در خصوص بیداری اسلامی عمل کرده و معارف اهل بیت(ع) را به گوش جهانیان برسانیم.

وی گفت: امیرالمومنین(ع) در تبیین عظمت قرآن جمله‌ای مبنی بر «سلونی عن‌القرآن؛ از علی بپرسید که قرآن چیست» دارد که تصور بنده بر آن است، جمله‌ای بالاتر از آن وجود ندارد. حضرت علی(ع) می فرماید: درباره اهمیت و عظمت این کتاب آسمانی از من سؤال کنید چرا که من می‌دانم این کتاب چیست.

تولیت آستان مقدس حضرت عبدالعظیم(ع) تصریح کرد: هر دانشی را که تصور کنید در این کتاب آسمانی خلاصه شده است همچنین حضرت امیر(ع) جمله‌ای قابل تأمل را اضافه کرده و می فرماید: این کتاب جای حرف برای هیچ سخنوری باقی نگذاشته است. از زمانی که این کتاب بر قلب نورانی خاتم پیامبران نازل شد تا قیام قیامت هر سخن علمی در این کتاب وجود دارد.

وی در خصوص اینکه برای معرفی این کتاب باید از چه کسی سؤال شود، اظهار داشت: بهترین قرآن‌شناس خداوند متعال وکسانی که علم قرآن را به طور کامل دارند هستند یعنی کسی جز حضرت رسول(ص) و خاندان منور و مطهرش نمی توانند پاسخگوی ما در این زمینه باشند.

آیت‌الله ری‌شهری عنوان کرد: حدودا ۱۰ سال قبل بود که بنده و همکارانم درموسسه دارالحدیث به این فکر افتادیم تا مجموعه‌ای تدوین شود که معارف قرآن را به صورت جامع، دارای نظم نوین و سهل‌الوصول همراه با تحلیل‌های مورد نیاز ارائه دهد.

وی گفت: شناخت‌نامه قرآن به لحاظ محتوا دارای دو بخش است که بخش اول آن شامل قرآن و حدیث، قرآن از زبان قرآن و قرآن از زبان اهل بیت(ع) و بخش دوم، جمع‌بندی تحلیل هایی است که به بیان علوم قرآنی، اعجاز، اعراب و نسخ در قرآن پرداخته است و حاوی آخرین مطالبی است که در این زمینه بیان شده است و امیدوارم خداوند متعال این اثر را بپذیرد و از تمام فضلا و محققان تقاضا دارم که نقدهای خود را برای تکمیل این اثر ارسال کنند.

آیت‌الله عبدالنبی نمازی امام جمعه کاشان نیز در مراسم رونمایی از کتاب خود با عنوان «تفسیر هدی» اظهار داشت: امروز شعاع انقلاب اسلامی را در تمام دنیا بدون مبالغه احساس می کنیم.

وی افزود: یکی از آثار انقلاب اسلامی، احیای جایگاه کتاب آسمانی است که در طور تاریخ مهجور بود و بنده به مقام معظم رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران و همه دست‌اندرکارانی که در این راستا گام برمی‌دارند، تبریک می گویم.

نمازی اظهار داشت: همان‌طور که به معارف و تفکر قرآن آشنا هستیم، انسان اولیه‌ای که از رحم مادر به دنیا می‌آید، چیزی نمی‌داند و موقفی که بشریت در آن قرار گرفته، موقف جهل و نادانی است که این بشر به هادی و معلم احتیاج دارد. چرا که زندگی بشر را ابهامات و سؤالات فراوانی فراگرفته است.

وی ادامه داد: چگونه زیستن، زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی، مدیریت، حکومت و تعاملات اجتماعی از جمله مواردی است که سؤالات فراوانی را پیش روی انسان قرار می‌دهد، لذا تنها کتابی که می‌تواند به تمام این سوالات پاسخ دهد، قرآن کریم است.

وی به بیان روش تفسیری ارائه شده در تفسیر هدی پرداخت و افزود: این تفسیر از آغاز قرآن به صورت ترتیبی شروع شد و تا آیه ۱۸۷ سوره مبارکه بقره در قالب سه جلد ارائه شده است که شامل واژه‌شناسی، مفردات، تفسیر، مباحث تطبیقی، مباحث مبتلا به روز از جمله فتنه‌ها، بحران‌ها و تمام درگیری‌ها با آیات قرآن تطبیق داده شده است و همچنین بُعد اخلاقی آیات نیز مورد بحث قرار گرفته است.

تربیت ۱۰ میلیون حافظ قرآن

قائم مقام وزیر ارشاد در امور قرآنی و رئیس بیستمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم از برنامه‌ریزی این وزارتخانه برای محقق کردن دغدغه مقام معظم رهبری در تربیت ۱۰ میلیون حافظ قرآن در کشور خبر داد.

حجت‌الاسلام و المسلمین حمید محمدی قائم مقام وزیر ارشاد در امور قرآنی در مراسم افتتاح بخش بین‌الملل نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم که دوشنبه شب گذشته در نمایشگاه قرآن برگزار شد ضمن بیان مطلب بالا افزود: نگاه نظام جمهوری اسلامی ایران به قرآن کریم، ابزاری و موقت نیست؛ در قانون اساسی ما گفته شده، اساس حکومت اسلامی بر قرآن استوار است و لذا نگاه ما به قرآن اصولی و از دیدگاه هدف و سند نظام ما هم بر سه رویکرد فرهنگ‌سازی، سازماندهی و نظم سازی بر اساس آموزه‌های قرآنی استوار است.

محمدی اضافه کرد: چیزی که امروز در جهان بسیار حائز اهمیت است،درک درست نظام‌هایی است که از قرآن برآمده و جمهوری اسلامی ایران هم به کشف همه این نظامات و ارائه بهترین نظام حکومتی به جهان است.رئیس بیستمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم یکی از وجوه قرآن را اعجاز در فرهنگ‌سازی برشمرد و افزود: آموزش عمومی در ایران اسلامی یکی از دغدغه‌های مسئولان مملکت ما است. ما در این این زمینه به دنبال اجرایی کردن تاکید مقام معظم رهبری برای تربیت ۱۰ میلیون حافظ قرآنی در کشور هستیم.

حجت‌الاسلام محمدی یکی دیگر از رویکردهای جدی وزارت ارشاد را، توسعه فعالیت تبلیغی و ترویجی در زمینه قرآن عنوان کرد و گفت:ایران کشوری پیشگام درعرصه تولید فرهنگ‌های قرآنی است.

معرفی دستاوردهای طرح ملی تولیدات دیجیتال با محوریت امام‌هادی(ع)

غرفه طرح ملی تولیدات دیجیتال با محوریت امام‌هادی(ع) با حضور در بخش نهادها و موسسات بیستمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن‌کریم به معرفی آثار تولیدی خود پرداخته است.

خانه فعالان مجازی وابسته به معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری تهران با هدف تولید آثار مجازی و شناساندن ابعاد شخصیتی امام‌هادی(ع) و ترویج و نشر معارف اهل‌بیت، برنامه‌های مختلفی را برگزار کرده است.

نخستین مسابقه در بخش‌های وبلاگ، فضای مجازی، پادکست و بنرهای تبلیغاتی اینترنتی، بیان جمله‌ای در نذر امام‌هادی(ع) و کتابخوانی طی سال گذشته برگزار شده است. برگزاری همایش عفاف و حجاب و همایش وبلاگ‌نویسی از دیگر برنامه‌های انجام شده خانه فعالان مجازی در سال گذشته محسوب می‌شود.

همچنین در این غرفه با توجه به تولیدات ارزشمندی که در نخستین مسابقه طرح ملی تولیدات دیجیتال امام‌هادی(ع) ارائه شده، دستاوردهای آن به منظور آگاه‌کردن مردم از فعالیت خانه فعالان مجازی برای نخستین بار در نمایشگاه قرآن معرفی می‌شود. طرح ملی تولیدات دیجیتالی با موضوع امام‌هادی(ع) در پی اهانت‌های مغرضانه عده‌ای از کاربران فضای مجازی و غرض‌ورزی‌های استکبار جهانی و صهیونیسم شکل گرفت و در حال حاضر نیز بیش از ۲۰۰۰ عضو دارد.

وزیر ارشاد در مراسم تجلیل از رسانه‌های بیست و نهمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم:

بزرگ‌ترین سرمایه هر رسانه، اعتماد مردم است



دکتر سیدمحمد حسینی وزیر ارشاد، در مراسم تجلیل از رسانه‌های فعال در انعکاس اخبار و گزارش‌های بیست و نهمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم که دیشب در هتل ارم تهران برگزار شد، با اشاره به اینکه خبرنگاران با تأسی به قرآن باید مطالب را برمبنای واقعیت بیان کنند، گفت: در همه قصه‌های قرآن می خوانیم که خداوند آن چیزی را که منطبق بر واقعیت است بیان می کند و بر این اساس، بزرگترین سرمایه هر رسانه اعتماد مردم است چرا که اگر غیر از این باشد، شاید در کوتاه‌مدت مخاطب جذب شود اما در درازمدت چیزی که مبنای درستی ندارد، نمی تواند مردم را جذب کند. وزیر ارشاد با بیان اینکه انبیاء خود خبرنگار و خبررسان بودند به ریشه خبر اشاره کرد و گفت: «نباء» خود به معنای خبر است اما انبیاء خبرهای معمولی ندارند بلکه خبرهای آنان از جنس خلقت و اخبار غیبی است و بر این اساس شرافت و جایگاه والایی دارند. ایشان نه فقط خود خبررسانی می کنند، بلکه از کائنات و موجودات استفاده می کنند مثلاً در داستان ملکه صبا و ایمان آوردن او از طریق هدهد حضرت سلیمان شنیده‌اید که جنود آسمان و زمین در دست خداوند است و از این بابت انبیاء نیز از آن بهره می گیرند.وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: در قرآن آمده است «وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ» و بر این اساس ویژگی قرآن شفا و رحمت است. خبرنگاران باید به فکر درمان هم باشند و بیان دردها صرفاً مشکل گشانیست.اینکه گرفتاری های جامعه را مطرح کنیم خود گام خوبی است اما کافی نیست بلکه باید راه برون‌رفت هم توسط راهکارهایی ارائه شود.پیش از سخنان وزیر ارشاد، حجت‌الاسلام‌والمسلمین علی محمدی رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه سخنرانی کرد.در پایان مراسم نیز با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از برگزیدگان به شرح زیر تجلیل شد:

لوح سپاس و سفر حج عمره مفرده برای علی دارابی معاون سیما و حسن گروسی مدیر شبکه قرآن و معارف سیما.

لوح سپاس و سفر عتبات عالیات برای مدیران و خبرنگاران صدا و سیما: محمدحسین محمدزاده، اکبر خاکسار هرندی، ابراهیم‌زادگان، اردشیر زابلی‌زاده، خندق‌آبادی، مهدی قصری‌زاده، حمید شیخ‌محمدی و حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله گودرزی.

بیژن مقدم مدیرمسئول روزنامه جام جم، نظام‌الدین موسوی مدیرعامل خبرگزاری فارس، مهدی تقوی مدیرعامل خبرگزاری «ایکنا» و سیدمحمود دعایی مدیر مسئول روزنامه اطلاعات.

لوح سپاس و سفر مشهد مقدس هم به اکبر صمصامی، پرویز امیری، سیدنورالدین سجادی، محمودرضا ذکاوت، بهروز امانی، سیدعلی موسوی، میثم آقابیگی، علی اعتمادی، یوسف موسوی و امیری از صدا و سیما، مدرس‌زاده (باشگاه خبرنگاران جوان)، سیدمحمدهادی حجتی (جام جم)، محمد شجاعیان (نسیم آن‌لاین) و عباس قبادی (مشرق نیوز) تعلق گرفت.

بانک‌ها ۵۰ درصد جوایز غیرنقدی خود را به صنایع دستی اختصاص دهند

سرویس آموزشی: «اگر همه نهادها و سازمان‌ها نسبت به حمایت از صنایع دستی کشور متعهد می‌شدند، امروز این همه مشکل در این حوزه وجود نداشت. صنایع دستی، روح جامعه ما است که به دست فراموشی سپرده شده است. در حالی که با حمایت از این صنعت و سود قابل توجه حاصل از آن می‌توان کشور را اداره کرد.»

به گزارش خبرنگار ما، این مطلب را محمدحسن صالحی‌مرام معاون صنایع دستی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور، دیروز در نشستی با مسئولان بانک‌های عامل که موضوع آن، «طرح اختصاص جوایز نقدی به کالاهای صنایع دستی» بود، گفت.

صالحی‌مرام به بانک‌های مشارکت‌کننده در این طرح اشاره کرد و گفت: سپه، ملی، تجارت، کشاورزی، اقتصاد نوین، رفاه کارگران، پست‌بانک، صادرات، توسعه تعاون، مسکن و ملت بانک‌های مشارکت‌کننده در این طرح طی سال‌های اخیر بوده‌اند و امسال بانک سپه با حدود ۳ میلیارد تومان، بیشترین و پست بانک با ۶۲ میلیون تومان، کمترین میزان جوایز غیرنقدی خود را به صنایع دستی اختصاص دادند.

او ادامه داد: بانک‌های صادرات و ملت هم طی دو سال گذشته هیچ نوع همکاری با ما نکردند.

به گفته معاون صنایع دستی سازمان میراث فرهنگی، جمع کل اعتبار تخصیصی بانک‌ها به کالاهای صنایع دستی در سال ۱۳۹۰ بیش از ٤ میلیارد تومان بود که در مقایسه با سال ۱۳۸۹، ۳/۸ درصد رشد داشت.

صالحی‌مرام با تأکید بر این‌که که کف انتظار ما از بانک‌های عامل، اختصاص ۵۰ درصد از جوایز نقدی خود به کالاهای صنایع دستی است، افزود: بانک‌های عامل اگر با سازمان میراث فرهنگی در این زمینه همکاری می‌کنند، وظیفه خود را انجام می‌دهند و منتی بر سر ما ندارند. من از اصحاب رسانه می‌خواهم که بروند و یقه رؤسای بانک‌ها را بگیرند و از آنها بخواهند که پاسخگوباشند.

به گفته این مقام مسئول، ۵۶۷ فروشگاه صنایع دستی در سراسر کشور وجود دارد که به بانک‌های عامل خدمات ارائه می‌کنندو بانک‌ها می‌توانند جوایز نقدی خود را از این فروشگاه‌ها خریداری کنند.

عَرضه عُرضه می‌خواهد

صالحی مرام با بیان این که همکاری در صادرات صنایع دستی و ایجاد بازارچه صنایع دستی در تمامی استان‌ها، از دیگر انتظارات ما از بانک‌های کشور است، گفت: عَرضه محصولات صنایع دستی نیازمند عُرضه است. ماچون بازارچه ویژه صنایع دستی نداریم، کالا به دست واسطه می‌افتد و به این ترتیب، به تدریج کالاهای خارجی کم کیفیت جای کالاهای زیبا و با کیفیت ایرانی را در بازار می‌گیرد.

او با اشاره به این‌که صادرات صنایع دستی کشور در سه ماه اول امسال در مقایسه با مدت مشابه پارسال ۲۷۰ درصد رشد داشته است، افزود: اهمیت صنایع دستی به گونه‌ای است که امروز باید وزارتخانه‌ای ویژه صنایع دستی می‌داشتیم، اما در حال حاضر این صنعت در کشور در اوضاع نامطلوبی به سر می‌برد.

در ادامه نشست دیروز، عبادیان کارشناس مسئول برگزاری جشنواره‌های بانک ملت یکی از دلایل همکاری نکردن این بانک با سازمان میراث فرهنگی در طرح یاد شده را شیوه ناقص توزیع و ارائه محصولات صنایع دستی و واحد نبودن قیمت آنها ذکر کرد و ادامه داد: ما برای خرید جوایز غیرنقدی، بارها به فروشگاه‌های معرفی شده از سوی سازمان میراث فرهنگی مراجعه کردیم، اما هرگز نتوانستیم مثلاً هزار گلدان میناکاری که کار دست یک استاد باشد و یک قیمت واحد داشته باشد، خریداری کنیم.

او افزود: محصولات، کار دست چنداستادو باقیمت‌های متفاوت هستند و ما نمی توانیم آنها را به عنوان جایزه در اختیار مشریان برنده خود بگذاریم.

هنر آفرینی استادان بزرگ خوشنویسی در «نگارخانه ایوان»



نمایشگاه خوشنویسی ۱۷ استاد خط، به همت انتشارات علمی و فرهنگی و با حضور دکتر علی زارع نجفدری، مشاور رئیس جمهور و مدیرعامل انتشارات علمی و فرهنگی و دکتر محمد باقر خرمشاد رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در نگارخانه ایوان گشایش یافت.

این نمایشگاه که تا ۱۵ مرداد امسال میزبان دیدارکنندگان خواهد بود، ۲۹ اثر از استادان مسلم خط، در ابعاد مختلف و با خط نستعلیق و با موضوعات قطعات ادبی، دینی و اشعار فارسی به نمایش گذاشته شده است.

در این نمایشگاه آثاری از استادان غلامحسین امیرخانی، اسفندیار ستارپور، رضا صفری، عباس نوری، کیخسرو خروش، عباس اخوین، محمد اکبر دفتری، محمد سمیعی، مهدی ابراهیمی، ناصر نوروزی منش، محمد سلحشور، جلیل رسولی، خسرو روشن، جواد صادقی، محمد شهبازی، صفر نورزاد و غلامرضا مشعشعی ارائه شده است.

در حاشیه این مراسم افتتاحیه، دکتر خرمشاد در نوشته یادبودی ضمن قدردانی از برگزارکنندگان این نمایشگاه ابراز امیدواری کرد که که دل مردم ایران همچون خط و شعرشان همیشه بهاری باشد. متن کامل آن به این شرح است: در بهار قرآن، ماه رمضان، از تماشای خوشنویسی خوشنویسان مشهور ایرانی، دل و روان بهاری گشت. از تهیه کنندگان به اندازه نویسندگان تشکر و قدردانی لازم است. امید است دل مردم ایران همچون خط و شعرشان همیشه بهاری باشد.

علاقه‌مندان می‌توانند برای دیدار از این نمایشگاه به خیابان آفریقا، چهارراه شهید حقانی، کوچه کمان، شماره ۲۵، ساختمان مرکزی انتشارات علمی و فرهنگی، «نگارخانه ایوان» مراجعه کنند. این نمایشگاه همه روزه از ساعت ۹ تا ۱۲ و ۱۵ تا ۱۸ میزبان عموم دیدار کنندگان خواهد بود.

اعلام نتایج اولیه کنکور ۹۱

سرویس آموزشی: سرپرست سازمان سنجش آموزش کشور با اعلام این‌که نتایج اولیه کنکور سال ۱۳۹۱ ساعت ١٤ امروز (چهارشنبه) برروی سایت سازمان قرار می‌گیرد، گفت: ۹۳۲ هزار نفر در کنکور مجاز به انتخاب رشته شده‌اند که ظرفیت نهایی پذیرش ۵۷۳ هزار نفر است.

به گزارش خبرنگار ما، ابراهیم خدایی با بیان این مطلب در نشست خبری دیروز، افزود: آمار قبلی که درباره ظرفیت پذیرش اعلام کرده بودیم با تأیید نهایی شورای عالی آموزش عالی افزایش یافته است. وی افزود: داوطلبان آزمون سراسری می‌توانند با مراجعه به پایگاه اینترنتی سازمان سنجش به نشانی www.sanjesh.org از نتیجه آزمون خود مطلع شوند.

خدایی تأکید کرد: مهلت انتخاب رشته داوطلبان مجاز آزمون سراسری نیز از روز ۱۷ مردادماه آغاز می‌شود و تا روز ۲۳ همین ماه ادامه خواهد داشت که داوطلبان می‌توانند با مراجعه به پایگاه اینترنتی سازمان سنجش حداکثر ۱۰۰ کدرشته محل را به ترتیب اولویت علاقه خود در فرم الکترونیکی انتخاب رشته درج کنند.

وی افزود: تمامی ۹۳۲ هزار داوطلب حاضر در جلسه آزمون مجاز به انتخاب رشته شدند که از این تعداد ٤۵۰ هزار نفر می‌توانند رشته‌های روزانه را انتخاب کنند و بقیه برای انتخاب رشته در دانشگاه‌های غیر انتفاعی و پیام نور مجاز شناخته شدند.

به گفته خدایی نتیجه نهایی آزمون امسال نیمه دوم شهریورماه اعلام خواهدشد.

نفرات برتر کنکور

بنابراین گزارش اسامی نفرات برتر آزمون سراسری ۹۱ در گروه‌های آزمایشی پنج گانه علوم ریاضی و فنی، علوم تجربی، علوم انسانی، هنر و زبان‌های خارجی به شرح زیر اعلام شد:

علوم ریاضی و فنی

۱- محمد استاد محمدی از کاشان
۲- سینا ملکیان از بابل
۳- الهام احسانی مقدم از بابل
٤- ونداد داودنیا از تهران
۵- میلاد اکرمی از مشهد
٦- آرمان محمدی از قزوین
۷- بهروز طهماسبی از اهواز
۸- سینا فرجی الموتی از کرج
۹- سروش آرایی از اصفهان
۱۰- امیرمهدی صوفی عنایتی از تهران

گروه آزمایشی علوم تجربی

۱- فرزانه رحمانی از سنندج
۲- علیرضا اورعی از تهران
۳- مهدی سلیمان زاده از تبریز
٤- پدرام افشار از ساری
۵- غزاله اتفاق از یزد
٦- معصومه عظیمی از شمیرانات
۷- فرزین واحدی از تبریز
۸- سینا امینی بهابادی از یزد
۹- سید سعید طامهریزاده از یزد
۱۰- پروا جوان شایانی از اردبیل

گروه آزمایشی علوم انسانی

۱- فاطمه فتاحی از تهران
۲- امیر محمد هوشمند چترودی از کرمان
۳- فاطمه السادات حسینی دهنوی از کرمان
٤- سیدمجتبی حسینی از مشهد
۵- وحید حامد از یزد
٦- نیلوفر حیدرپوربیدگلی از تهران
۷- محمد حجازی نوقابی از مشهد
۸- فاطمه محسنی از کرمانشاه
۹- سمیرا افضلی شهری از گناباد
۱۰- سیده طیبه خدابخشی از تهران

گروه آزمایشی هنر

۱- یاسمین قلعه نویی از تهران
۲- شیرین جعفری نسب کرمانی از تهران
۳- میترا موحد از تهران

گروه آزمایشی زبان‌های خارجی

۱- فاطمه ولی زاده پاشا از بابل
۲- سروش آرایی از اصفهان
۳- بیتا مهری از اصفهان و پردیس پاشا خانلو از تهران

پرویز کیمیاوی فیلم جدیدش را کلید می‌زند

پرویز کیمیاوی فیلم تازه‌اش را با موضوع سفرنامه نویسنده فرانسوی به ایران در قالب مستندی ۱۲۰ دقیقه‌ای با عنوان «پیرلوتی بین دو دریا» پاییز امسال مقابل دوربین می‌برد. رامین رحیمی، تهیه‌کننده این فیلم مستند با اعلام این خبر در توضیح سوژه این مستند در گفتگو با مهر، گفت: سوژه این مستند بلند درباره سفر یک نویسنده فرانسوی به نام «پیرلوتی» است که در سال ۱۹۰۰ میلادی به ایران سفر کرده است و کیمیاوی به عنوان محقق و نویسنده قصد دارد این فیلم را در قالب یک فیلم مستند کارگردانی کند.

تهیه فیلم مستند «پیرلوتی بین دو دریا» درباره چرایی انتخاب این اسم برای این مستند گفت: این نویسنده فرانسوی زمانی که به ایران آمد از راه بندر بوشهر سفر خود به نقاط مختلف ایران را آغاز کرد و در نهایت این سفر را در بندر انزلی به پایان رساند و به این دلیل است که اسم این مستند «پیرلوتی بین دو دریا» نام‌گذاری شد.

پرویز کیمیاوی در سال ۱۳۵۲ تحت عنوان نویسنده، کارگردان و بازیگر با فیلم مغول‌ها پا به عرصه سینمای حرفه‌ای گذاشت. او در سال ۱۳۵۷ به فرانسه مهاجرت کرد و فیلمسازی را در تلویزیون آموزشی پاریس ادامه داد. وی پس از سال‌ها به ایران بازگشت و فیلم «ایران سرای من است» را ساخت که در بخش خارج از مسابقه هفدهمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و با استقبال نسبتا خوب منتقدان مواجه شد. وی در سال ۱۳۸۲ «پیرمرد و باغ سنگی‌اش» را ساخت.

بازدید مهدی چمران از پشت صحنه فیلم سینمایی «چ»



مهدی چمران رئیس شورای شهر تهران از پشت صحنه فیلم سینمایی «چ» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا دیدن کرد. به گزارش مهر، دکتر مهدی چمران رئیس شورای اسلامی شهر تهران و برادر شهید مصطفی چمران هشتم مرداد، به همراه معاون سیاسی استاندار کرمانشاه از مراحل فیلمبرداری فیلم سینمایی «چ» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا که هم اکنون در شهر پاوه دنبال می‌شود، دیدن کردند.

مهدی چمران در ادامه حمایت‌هایی که از این پروژه از مرحله پیش تولید تا کنون داشته است، هم‌زمان با نهمین روز ماه رمضان به صرف افطار و سحر با عوامل این پروژه در محل لوکیشن این فیلم در پاوه دیدار کرد.

فیلم سینمایی «چ» تازه‌ترین فیلم سینمایی ابراهیم حاتمی‌کیا است که با توجه به موضوع محوری آن یعنی رشادت‌های شهید مصطفی چمران در دوران دفاع مقدس به‌نوعی بازگشت این فیلمساز به سینمای جنگ تعبیر شده‌است.

در این فیلم فریبرز عرب‌نیا، مریلا زارعی، بابک حمیدیان، سعید راد و... بازی می‌کنند. مهدی کریمی نیز تهیه‌کننده پروژه است.

انتشار ۱۲ اثر پژوهشی درباره «بیدل دهلوی»

دو اثر پژوهشی اسدالله حبیب، بیدل‌شناس افغانستانی با عنوان‌های «واژه‌نامه شعر بیدل» و «دری به خانه خورشید»، توسط دکتر سیدمهدی طباطبایی ویرایش و بازبینی شده و به زودی از سوی انتشارات «سوره مهر» منتشر خواهدشد.

به گزارش پایگاه خبری حوزه هنری به نقل از سوره مهر، سیدمهدی طباطبایی ویراستار این آثار در این‌باره اظهار کرد: کتاب‌های یاد شده که در کشور آلمان نیز به چاپ رسیده‌اند، تالیف بیدل‌شناس برجسته افغانی اسدالله حبیب است که اکنون در شهر هامبورگ آلمان اقامت دارد. وی گفت: «واژه‌نامه شعر بیدل» فرهنگنامه تخصصی واژگان شعری بیدل است که حبیب در آن به بررسی معنای واژگان و برخی ترکیبات شعر بیدل پرداخته است. چاپ اول این کتاب در سال ۲۰۰۵ درکشور آلمان منتشر شده است و در حال حاضر در ۲۵۷ صفحه آماده انتشار گردیده است.

طباطبایی ادامه داد: «دری به خانه خورشید» کتاب دیگر حبیب است که در ۱۲ گفتار به بررسی سبک هندی، بیدل و بیدل‌شناسی پرداخته است. چاپ نخست این کتاب هم در سال ۲۰۱۰ در کشور آلمان بوده است و در حال حاضر در قالب ۲۸٤ صفحه برای انتشار آماده شده است.

کوتاه آموزشی

دستوری برای حذف ارز دانشجویی صادر نشده است

مدیر کل امور بورس و دانشجویان خارج وزارت علوم با اشاره به انتشار اخباری مبنی بر مشکل ارزی برای دانشجویان خارج از کشور، گفت: بانک مرکزی دراین رابطه اعلام کرده که برنامه خاصی در ارتباط باحذف ارز دانشجویی نداشته و دستوری نیز تاکنون صادر نشده است.

به گزارش ایسنا، دکتر حسن مسلمی نایینی با بیان اینکه به نظر می‌رسد بحث فرار مغزها صحیح نبوده و بهتر است بجای آن از واژه مهاجرت نخبگان استفاده شود، گفت: در صورت ایجاد بستر لازم برای استفاده از توانایی‌های نخبگان در کشور و ایجاد شرایط لازم برای رشد و ارتقاء و رعایت منزلت علمی آنها یقینا بسیاری از دانشجویان بورسیه به کشور باز خواهند گشت.

وی تصریح کرد: ظرفیت پایین دوره‌های تحصیلات تکمیلی در داخل کشور و حجم بالای متقاضیان ادامه تحصیل در این مقاطع باعث اعزام دانشجویان به دانشگاه‌های خارج از کشور و پرداخت هزینه تحصیل و زندگی درخارج توسط آنها می‌شود و در صورت تامین نشدن ارز مورد نیاز آنها ممکن است این افراد با مشکلات متعددی روبرو شده و حتی افراد سودجو از این فرصت استفاده کنند.

نتایج اولیه ۱۸ رشته آزمون دکترای دانشگاه آزاد اعلام شد

نتایج اولیه ۱۸ رشته آزمون دکترای تخصصی سال ۹۱ دانشگاه آزاد اسلامی اعلام شد.

به گزارش ایسنا، ناصر اقبالی، رییس مرکز آزمون دانشگاه آزاد اسلامی با اعلام این خبر گفت: نتایج دعوت به مصاحبه ۱۸ رشته آزمون دکترای تخصصی سال ۹۱ این دانشگاه به همراه دوره بدون آزمون این رشته‌ها اعلام شد.

وی افزود: داوطلبان این آزمون برای اطلاع از وضعیت خود می‌توانند به پایگاه اینترنتی مرکز آزمون دانشگاه آزاد به نشانی www.azmoon.net مراجعه کنند.

آغاز سال تحصیلی جدید در دانشگاه تهران از ۲۵ شهریور

با انتشار تقویم آموزشی دانشگاه تهران، ثبت نام ترم اول تحصیلی این دانشگاه از اول شهریور و آغاز کلاس‌ها از ۲۵ شهریور تعیین شده است.

به گزارش ایسنا، بر این اساس زمان ثبت نام در این دانشگاه از یکم تا هشتم شهریورماه است و زمان حذف و اضافه نیز روزهای یکم تا چهارم مهرماه خواهد بود.

همچنین حذف اضطراری در دانشگاه تهران از ششم آذر ماه آغاز شده و تا هشتم همان ماه ادامه دارد، همچنین زمان ارزشیابی نیز از ۱۸ تا ۲۹ آذر ماه خواهد بود.

سهم رشته‌های دانشگاهی در تولید علم

سرپرست پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) با ارائه آماری از تولید علم در ایران بر حسب رشته‌های دانشگاهی اعلام کرد که طی کمتر از یک سال ۱۲۰۰۰ مقاله توسط دانشمندان ایرانی تولید شده است.

جعفر مهراد در گفتگو با خبرنگارمهر، با اشاره به میزان تولیدات علمی رشته‌های دانشگاهی گفت: آماری که از پایگاه تامسون رویترز استخراج شده و مربوط به اول ژانویه تا ۲۱ ژونیه سال ۲۰۱۲ میلادی است، نشان می‌دهد که در مجموع ۱۲ هزار و۳٤٦ مقاله در نشریات معتبر بین‌المللی به نام جمهوری اسلامی ایران ثبت شده که در این مدت رقمی درخور توجه به شمار می‌آید.

وی تاکید کرد که تفکیک کل آمار تولید علم ایران به رشته‌های دانشگاهی، سهم و مشارکت هر یک از رشته‌ها را در تولید علم به خوبی به تصویر می‌کشد. در این‌باره می‌توان گفت که رشته مهندسی به طور کلی بر حسب تعداد انتشارات با تولید ۲۳۷۸ مقاله حائز رتبه اول است،سپس رشته‌های شیمی، علم مواد، فیزیک و ریاضیات به ترتیب با تولید۱۹۱۲ مقاله، ۱۱۳۰مقاله، ۱۰۵۷ مقاله و ۷۷۸ مقاله رتبه‌های دوم تا پنجم را به دست آورده‌اند.

پذیرش دانشجوی دکترای پژوهش محور در شرکت‌های خصوصی

معاون پژوهش و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تحویل در پذیرش دانشجویان دوره‌های دکتری پژوهش محور خبر داد و گفت: در این زمینه آیین نامه‌ای تدوین می‌شود و براساس آن دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های خصوصی می‌توانند نسبت به پذیرش آنها اقدام کنند.

به گزارش مهر، دکتر محمدمهدی نژاد دیروز در نشست خبری با اشاره به برگزاری یازدهمین جلسه شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری (عتف)، افزود: در این جلسه که با حضور وزرای علوم، ارتباطات و فناوری اطلاعات، جانشین وزیر دفاع و روسای دانشگاه‌ها برگزار شد، در خصوص تحولات دوره‌های دکترای پژوهش محور، پیشرفت طرح‌های کلان ملی، توسعه شرکت‌های دانش بنیان و آیین‌نامه تاسیس این شرکت‌ها و سیاست‌ها و الویت‌ها بررسی و تصویب شد.

وی تعیین اولویت‌ها و سیاست‌ها را از جمله موضوعات مطرح در این جلسه ذکر کرد.

سرانه فضای آموزشی کشور ٤/۷۵ متر مربع به ازای هر دانش آموز است

معاون عمرانی وزیر آموزش و پرورش، سرانه فضای آموزشی کشور را به طور میانگین به ازای هر دانش آموز، ٤/۷۵ متر مربع عنوان کرد.

مرتضی رئیسی، رئیس سازمان نوسازی، توسعه، تجهیز مدارس کشور در گفت‌وگو با فارس، سرانه فضای آموزشی کشور را اعلام کرد و اظهار داشت: سرانه فضای آموزشی از سال ۸٤ به بعد ۱/۵۷ مترمربع افزایش یافته است و از ۳/۱۸ مترمربع به ٤/۷۵ مترمربع رسیده است.

وی به میانگین جهانی سرانه فضای آموزشی اشاره کرد و گفت: در مقطع ابتدایی میانگین جهانی سرانه فضای آموزشی ٤/۳٤ مترمربع، در مقطع راهنمایی ۵/۲۷ مترمربع و در مقطع متوسطه ۷/۹۱ مترمربع است.معاون عمرانی وزیر آموزش و پرورش، درباره میانگین سرانه فضای آموزشی کشور گفت: در مقطع ابتدائی میانگین سرانه فضای آموزشی ۳/٦٤ مترمربع، در مقطع راهنمایی ٤/۸۳ مترمربع و در مقطع متوسطه ٦/۱۹ مترمربع است.

ایران هفتمین کانون سرمایه گذاری در جهان

صندوق بین المللی پول با انتشار فهرست ۱۷۱ کشور جهان از نظر سرمایه گذاری اعلام کرد ایران با نسبت ۴۳/۱ درصدی سرمایه گذاری به تولید ناخالص داخلی خود در رتبه هفتم جهان و بالاتر از تمامی کشورهای صنعتی و خاورمیانه‌ای از این نظر قرار گرفته است.

به گزارش فارس، صندوق بین المللی پول در پایگاه داده‌های گزارش چشم انداز اقتصادی جهان آمار مربوط به سرمایه گذاری در ۱۷۱ کشور جهان را منتشر کرده است که از رتبه بالای ایران در این فهرست حکایت دارد.

بر اساس این گزارش نسبت سرمایه گذاری که شامل سرمایه‌های داخلی و خارجی می‌شود به تولید ناخالص داخلی ایران در سال گذشته میلادی بالغ بر ۴۳/۱ درصد بوده است. بدین ترتیب ایران از این نظر رتبه هفتم در جهان را کسب کرده است.

کشورهای مغولستان، سیرالئون و چین به ترتیب رتبه‌های نخست تا سوم را از این نظر به خود اختصاص داده‌اند. نسبت سرمایه گذاری به تولید ناخالص داخلی در این کشورها به ترتیب ۶۹ درصد، ۵۷ درصد و ۴۸ درصد اعلام شده است.

الجزایر با نسبت ۳۹ درصدی سرمایه گذاری به تولید ناخالص داخلی خود یک پله پایین‌تر از ایران قرار گرفته است. کشورهای صنعتی و کشورهای خاورمیانه‌ای همه در مراتب پایین‌تر از ایران در فهرست منتشر شده از سوی صندوق بین‌المللی پول قرار گرفته اند.

آمریکا رتبه‌ای بهتر از ۱۴۶ را نتوانسته است به خود اختصاص دهد. نسبت سرمایه گذاری به تولید ناخالص داخلی این کشور ۱۵/۸ درصد اعلام شده است. انگلیس هم با ۱۴/۸ درصد در رتبه ۱۵۲ قرار گرفته است. همچنین عربستان با نسبت ۱۹ درصدی سرمایه گذاری به تولید ناخالص داخلی خود در رتبه ۱۲۵ و امارات با ۲۲/۴ درصد در رتبه ۸۸ قرار گرفته اند.

نسبت سرمایه گذاری به تولید ناخالص داخلی در برخی کشورهای دیگر عبارت است از: هند ۳۴ درصد(رتبه ۱۹)، کره‌جنوبی ۲۹ درصد(رتبه ۳۲)، قطر ۲۵ درصد(رتبه ۴۸)، ترکیه ۲۲/۳ درصد (رتبه ۹۰)، و آلمان ۱۷/۹ درصد(رتبه ۱۳۴).

کشور بحران زده یمن هم با نسبت ۱۱/۱۳ درصدی سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی خود رتبه آخر را در میان کشورهای جهان از این نظر به خود اختصاص داده است.

آمادگی بخش خصوصی برای نقش آفرینی در اقتصاد مقاومتی

فعالان اقتصادی بخش خصوصی معتقدند که تحقق اقتصاد مقاومتی در گرو میدان دادن به تلاشگران این بخش است.

به گزارش فارس، دکتر یحیی آل اسحاق رئیس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن تهران دیروز در هفدهمین نشست هیأت نمایندگان اتاق تهران اظهار داشت: امروز در حوزه اقتصاد در یک شرایط ویژه هستیم که برای خبرگان و آحاد مردم این ویژگی مشخص است؛ تشخیص این فضا مهم و برای شناخت بهتر باید برنامه، تدبیر و سیاست مشخص وجود داشته باشد.

وی گفت: دشمنان تهدیدات جدی را علیه ایران تنظیم کرده‌اند و با یک طرح عملیاتی و با حضور افسران میدانی، نقشه جنگی طراحی کرده‌اند و این جنگ سخت افزاری نیست، بلکه جنگ نرم افزاری است.

نامبرده افزود: برای مقابله با این تهدیدها باید چند عامل مهم را بپذیریم. اول اینکه قبول کنیم جنگی و تهدیدی در کار است و سپس ابزار و لوازم مقابله با آنرا فراهم کنیم.

وی ادامه داد: اگر دشمن پنجره‌ای را می‌بندند، باید ۱۰ پنجره را باز کنیم، نه آنکه پنجره‌های دیگری را ببندیم؛ الزام دیگری که در این شرایط وجود دارد انسجام واقعی است، هرگونه تلاطم و اختلاف در شرایط فعلی سم مطلق است، قوای کشور امروز باید وحدت نظر داشته باشند.

آل‌اسحاق گفت: امروز فرماندهی اجرایی کشور تحت‌نظر دولت است و در این شرایط باید از دولت حمایت کرد، باید پشت دولت را گرفت این به این معنا نیست که اختلاف نظر نداریم.

دولت فرمانده مقدم جبهه‌است؛ البته دولت هم باید قبول کند که وقت اختلاف نیست و باید به همه میدان داد که یکی از این الزامات، میدان دادن به بخش خصوصی است.

دولت باید به بخش خصوصی میدان دهد و اعتماد کند. بعضی از سیاست‌ها نظیر استاندارد، مالیات، گمرک و طرح شبنم خوب است که اجرا شود اما الان شرایط مناسبی برای در تنگنا قرار دادن فعالان اقتصادی نیست.

وی با اشاره به فرمایش مقام معظم رهبری درخصوص اینکه بخش خصوصی باید عملیاتی وارد صحنه شود، اظهار داشت: معنای این پیام رهبری این است که بخش خصوصی در تمام پروژه‌های اساسی از فروش نفت گرفته تا پروژه‌های زیربنایی زمینه حضور را فراهم کند. اگر قرار است اقتصاد مقاومتی عملیاتی شود، الزاماتی دارد و باید دست و پای بخش خصوصی را باز گذاشت.

اضافه می‌شود وزیر صنعت، معدن و تجارت دیروز در نامه‌ای به هیأت‌رئیسه اتاق تهران، شش نماینده جدید خود را در این اتاق معرفی کرد.

براین اساس، وزیر صنعت، معدن و تجارت، «حسن رادمرد»، جواد نجم‌الدین، سیدجواد تقوی، اصغر ابوالحسنی، محسن صالحی‌نیا و غلامرضا شافعی را به عنوان نمایندگان جدید خود در اتاق تهران معرفی کرد.

آغاز ذخیره‌سازی گسترده ۹ قلم کالای اساسی

* سرویس اقتصادی: ذخیره‌سازی ۹ قلم کالای اساسی با تخصیص ارز ۱۲۲۶ تومانی برای واردات آغاز شد.

دکتر مهدی غضنفری وزیر صنعت، معدن و تجارت دیروز اعلام کرد: با همکاری همه دستگاه‌ها به ویژه بانک مرکزی وضع ذخیره‌سازی کالاهای اساسی در نقطه قابل قبولی قرار دارد.

وی تاکید کرد دولت قصد ندارد بازار را از طریق واردات تنظیم کند و اتکاء به تولید داخلی یک اصل است.

حسین رادمرد سرپرست معاونت بازرگانی داخلی وزارت صنعت، معدن و تجارت هم در گفت‌وگو با فارس گفت: ذخیره‌سازی ۹ قلم کالای اساسی که شامل مرغ، گوشت، برنج، روغن، شکر و بقیه کالاهای اساسی است آغاز شده است.

وی در واکنش به این سؤال که میزان ذخیره‌سازی چقدر است گفت: فعلاً در کارگروه در حال بررسی این موضوع هستیم.

سرپرست معاونت بازرگانی داخلی وزارت صنعت درباره میزان واردات به لحاظ وزنی و ارزشی گفت: کالاهای اساسی مورد نیاز ۷۰ میلیون نفر را وارد می‌کنیم.

رئیس‌جمهوری: باید به سمت توقف صادرات نفت خام حرکت کنیم

بقیه از صفحه اول

رئیس‌جمهوری با بیان این که استعمارگران به گونه‌ای حلقه‌ها را بسته بودند که بیشترین منافع نفت به جیب خودشان برود، تصریح کرد: قیمت نفت اقتصادی نیست، بلکه سیاسی است چرا که اگر بنا باشد قیمت نفت متناسب با قیمت سایر کالاها باشد، بسیار بیشتر از قیمت کنونی خواهد بود.

وی ادامه داد: نفت کشورمان ملی شد، اما روند ملی‌شدن تکمیل نشد و زمانی تکمیل می‌شود که صفر تا صد در صد منافع نفتی در جیب ملت ایران باشد.

احمدی‌نژاد در عین حال اضافه کرد که امروز متخصصان صنعت نفت ایران با عزم الهی به سمتی حرکت می‌کنند که حلقه‌ها را کامل کنند.

وی ادامه داد: امروز تصمیم گرفته‌ایم و در حال حرکت به سوی پیشرفت هستیم بنابراین باید به سمت نقطه نهایی برویم.

رئیس‌جمهوری با تاکید بر این که نفت متعلق به ملت ایران است و صد درصد منافع هم باید در جیب ملت باشد، تصریح کرد: باید به سمتی حرکت کنیم که صادرات نفت خام نداشته باشیم.

وی افزایش یک میلیون بشکه‌ای تولید نفت کشور تا پایان برنامه پنجم را مورد اشاره قرار داد و گفت: باید متناسب با آن پالایش، پخش و تبدیل فرآورده‌های نفتی هم سرعت یابد.

نامبرده با یادآوری این که قدرت‌های استکباری ساخت قطعات، طراحی کارخانه، سرمایه گذاری و تمامی حلقه‌ها را به خودشان منحصر کرده بودند، ادامه داد: اکنون این حلقه در کشور ما در حال تکمیل شدن است و همانگونه که گفته شد پروژه افتتاح شده امروز اولین واحدی است که طراحی مهندسی آن به طور کامل توسط ایرانیان انجام شده است.

وی صنعت نفت را لوکوموتیو صنعت کشور دانست و افزود: وقتی این صنعت خود اقدام به طراحی می‌کند، باید بقیه صنایع هم خودشان طراحی‌های خود را انجام دهند.

رئیس‌جمهوری اضافه کرد: از زمانی که غربی‌ها اعلام کرده‌اند در صنعت نفت ایران سرمایه‌گذاری نمی‌کنند تا کنون بیش از ۲/۵ درصد نسبت به گذشته سرمایه‌گذاری انجام شده است که در کل، رقم آن به ۱۵ هزار میلیارد تومان می‌رسد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با بیان این که باید با منابع، نیرو، انرژی و فکر خود اقدام به ساختن کشور کنیم، تصریح کرد: قرارگرفتن در این مسیر سخت است اما زمانی که وارد آن مسیر شدیم، طی مسیر به راحتی ممکن می‌شود.

وی خطاب به مجموعه صنعت نفت اظهار داشت: باید افق ما نقطه‌ای باشد تا استانداردهایی را که خودمان وضع می‌کنیم، تبدیل به معیار در جهان شود و دیگران تحت لیسانس مارک‌های ایرانی قرار بگیرند.

رئیس قوه مجریه تاکید کرد: باید به نقطه‌ای برسیم که از صنعت نفت ایران، خدمات فنی و مهندسی به دنیا صادر شود و می‌بایست بخش مهمی از درآمدهای‌مان از صدور این خدمات در صنعت نفت به دست آید.

وی اضافه کرد: درست است که امروز پول‌ها، بانک‌ها، رسانه‌ها و مراکز سیاسی دنیا در اختیار صهیونیست‌ها قرار دارد، اما این وضع خیلی متزلزل است.

احمدی‌نژاد افزود: وقتی ملت‌ها چیزی را مطالبه کنند، همه چیز تغییر خواهد کرد و امروز هم شاهد این تغییرات در دنیا هستیم.

وی خطاب به سیاستمداران غربی گفت: به همان داشته‌های خود اکتفا و عزت خود را حفظ کنید زیرا این وضع بدون تردید تغییر خواهد کرد و دیگر قابل دوام نیست و لو به طور موقت لشکر کشی کنید و بر خاورمیانه مسلط شوید.

رئیس‌جمهوری در ادامه سخنان خود تاکید کرد: امروز عمر اندیشه استکباری و سلطه گری و عمر استعمار نو و کهنه تمام شده است و دیگر امکان این وجود ندارد که عده کمی بخواهند پشت پرده بنشینند و بر کل دنیا حاکم باشند و شیره جان ملت‌ها را بکشند.

رئیس قوه مجریه خطاب به سیاستمداران غربی اظهار داشت: بیدار شوید؛ ما نمی‌خواهیم کسی ساقط شود بلکه می‌خواهیم همه به اوج انسانیت برسند و حتی یک نفر هم به دره حیوانیت سقوط نکند.

گفت: این چه ادبیات، رفتار و بیانی است؟ ملت ایران هفت هزار سال پیش هنگامی که خیلی از شماها غار نشین بودید، دارای تمدن بوده است.

وی در ادامه با بیان این که اگر ملت ایران حرکت کند، همه شما را جارو می‌کند، گفت: ملت ایران نیازی به سلاح ندارد و با منطق، فرهنگ، انسانیت، عدالت خواهی و آزادیخواهی همه شما را شست و شو می‌دهد و از صحنه تاریخ می‌روید؛ پس طوری رفتار کنید که نام خوبی از شما در تاریخ باقی بماند.

وی با بیان این که جمهوری اسلامی ایران دشمن را به حساب نمی‌آورد و نگاهش به آینده است، تصریح کرد: ما روزی را می‌بینیم که ملت ایران پیشگام همه ملت‌ها در زمینه پاکی، عدالت، انسانیت، فرهنگ، علم، دانش و فناوری خواهد بود و آن روز نزدیک است.

رئیس‌جمهوری در بخش دیگری از سخنانش درباره طرح مهر ماندگار گفت: در دولت دهم تصمیم گرفته شد پروژه‌های اصلی که هزینه بر است و امکان بهره وری آن در این دولت وجود دارد، به پایان برسد.

وی اظهار امیدواری کرد: همانگونه که صنعت نفت همیشه پیشگام بوده است، امیدواریم در طرح‌های مهر ماندگار هم پیشتاز باشد.

در این مراسم همچنین مهندس رستم قاسمی وزیر نفت با اشاره به برنامه توسعه پالایشگاه‌های کشور گفت: ظرفیت تولید فرآورده‌های نفتی تا پایان سال ۱۳۹۴ یک میلیون بشکه در روز افزایش می‌یابد.

وی گفت: خوشبختانه امروز جزو صادرکنندگان انواع فرآورده از جمله نفت سفید، نفت گاز و سوخت جت شده‌ایم.

مهندس قاسمی تأکید کرد: چنانچه مصرف بنزین در کشور کنترل نمی‌شد، امروز باید سالانه ۳۵ میلیارد دلار صرف واردات این فرآورده می‌کردیم.

وی تأکید کرد: تولید محصولات جدید هم، یکی دیگر از محورهای مهم صنایع پالایش و پخش است که به عنوان محوری جدید در دستور کار صنعت نفت بوده و برای مثال مطالعات مربوط به تولید محصولاتی مانند هلیوم در دستور کار پژوهشگاه صنعت نفت قرار گرفته است.

وزیر نفت تأکید کرد: خوشبختانه امروز در زمینه تولید توربوکمپرسورها، الکتروموتورها، کاتالیست‌هاو... پیشرفت‌های بسیار خوبی حاصل شده است و برای این تجهیزات سند تولید صادر می‌شود؛ به گونه‌ای که در کوتاه مدت در این زمینه به خودکفایی کامل می‌رسیم.

وی با تأکید بر این که تعداد زیادی از پروژه‌های مهر ماندگار صنعت نفت در حال راه‌اندازی است، گفت: با راه اندازی پروژه‌های مهر ماندگار در صنعت گاز، کشور از واردات این حامل انرژی بی‌نیاز خواهد شد و ظرفیت تولید گاز کشور به روزانه یک میلیارد و ۴۷۰ میلیون مترمکعب خواهد رسید.

نامبرده همچنین تأکید کرد: پروژه‌های مهر ماندگار در بخش صنایع نفت هم از پیشرفت قابل قبولی برخوردار است و با راه اندازی این پروژه‌ها به ویژه در بخش میدان‌های مشترک، تولید روزانه نفت کشور به ۵/۲ میلیون بشکه در روز خواهد رسید.

خبر دیگری حاکیست وزیر نفت دیروز در نشست صمیمانه انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت و مسئولان وزارت نفت گفت: با کمک نمایندگان مجلس به دنبال تشکیل صندوق حمایت از سازندگان تجهیزات نفت هستیم.

وی با اشاره به قراردادهای پیمانکاری گفت: اکثر قراردادها با دلار محاسبه می‌شود و حتی قرارداد میدان آزادگان و پارس جنوبی که ممکن است ریالی یا دلاری باشد، براساس بخشنامه‌ای که صادر شده است دلار در اختیار پیمانکار قرار می‌دهیم تا تجهیزات مورد نیاز را به راحتی وارد کنند.

قاسمی اضافه کرد: با ابلاغ یک بخشنامه از ماه گذشته سازندگان و پیمانکاران داخلی می‌توانند در تمامی قراردادهای دلاری - ریالی یا ریالی برای وارد کردن کالا ارز مرجع دریافت کنند و هزینه‌های انتقال تجهیزات و مواد اولیه وارداتی هم توسط وزارت نفت پرداخت می‌شود.

وی ادامه داد: در جلسه‌ای با نمایندگان مجلس به این توافق رسیدیم که صندوق حمایت از سازندگان داخلی را هر چه زودتر تشکیل دهیم تا سازندگان بتوانند پول مورد نیاز خود را با بهره بسیار پایین یا حتی بدون بهره دریافت کنند و تجهیزات مورد نیاز ما را بسازند و پس از آن این پول را به صندوق بازگردانند.

سیروس تالاری رئیس انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت هم گفت: کارگروه ویژه‌ای به منظور پیگیری و انجام دستورات وزیر نفت در زمینه ساخت تجهیزات داخلی تشکیل شده است.

رئیس انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت اظهار کرد: هم اکنون ۶۰ درصد از ظرفیت صنعت نفت توسط داخل ساخته می‌شود، اگر بی‌اعتمادی و خصوصی‌سازی غیرواقعی در کشور انجام شود، می‌تواند مشکلاتی را ایجاد کند که این دو عامل تهدیدهای بزرگ بخش خصوصی است.

بررسی طرح پوشش نوسانات نرخ ارز در کار گروه صادرات

در جلسه دیروز کارگروه صادرات کشور، گزارشی پیرامون طرح پوشش نوسانات نرخ ارز (هجینگ) ارائه و در خصوص راهکارهای اجرای این طرح بحث و تبادل نظر شد.

به گزارش مهر، معاون اول رئیس جمهوری با بیان اینکه علی رغم فشارها و محدودیت های ناشی از تحریم ها، وضع صادرات غیرنفتی کشور رضایت بخش و امیدوارکننده است، از همه مسئولان و کسانی که در بخش صادرات غیرنفتی دست دارند خواست با تعصب و جدیت بیش از پیش در جهت پیشبرد برنامه های صادراتی و تحقق هدفگذاری تعیین شده در سال جاری تلاش کنند.

محمدرضا رحیمی در جلسه کارگروه صادرات کشور همچنین بر لزوم درک اهمیت صادرات غیر نفتی برای اقتصاد کشور تاکید کرد و افزود: باید تلاش شود ضمن مراقبت از وضعیت موجود با برنامه ریزی های تشویقی، کمبودها و نواقص برطرف و در جهت گسترش صادرات غیرنفتی اقدام شود.

رحیمی همچنین استانداران سراسر کشور و سفرای جمهوری اسلامی ایران را به تلاش هرچه بیشتر و بکارگیری ظرفیت های فراوان موجود در جهت پیشبرد اهداف صادراتی دولت فراخواند.

در این جلسه که وزرای امور خارجه و صنعت، معدن و تجارت حضور داشتند، گزارشی تحلیلی از عملکرد و اهداف صادراتی در بخش های میعانات گازی، پتروشیمی، صنعت، فرش و صنایع دستی، کشاورزی، معدن و خدمات فنی و مهندسی در سه ماهه اول سال ۹۱ ارائه شد.

قیمت ساخت و زمین مسکن ویژه تهران مشخص نیست

رئیس کانون سراسری انبوه سازان گفت: هنوز قیمت ساخت و زمین مسکن ویژه تعیین نشده است.

ایرج رهبر در گفتگو با مهر در خصوص ساخت مسکن ویژه در تهران اظهار داشت: هنوز قیمت ساخت و زمین این مسکن تعیین نشده و هر قیمتی هم که اعلام شود غیر کارشناسی و نادرست است. قیمت زمین بر اساس هزینه آماده سازی تعیین می شود و دولت هم زمین فروش نیست که به بنگاه مراجعه کند تا قیمت یک ملک را دربیاورد، بلکه با احتساب هزینه ها باید قیمت را مشخص کند.

وی با بیان اینکه اعیانی یک ملک هم براساس دیگر هزینه ها مشخص خواهد شد،، اظهار داشت: اعیانی براساس هزینه ساخت، صدور پروانه ساختمانی، نظام مهندسی و دیگر هزینه های لازم برای صدور مجوز ساخت تعیین می شود بنابراین در حال حاضر نمی توان قیمت مشخصی را برای مسکن ویژه تهران اعلام کرد.

رهبر قیمت ساخت را مانند دیگر پروژه های مسکن مهر ۳۳۰ هزار تومان در هر مترمربع اعلام کرد و افزود: این پروژه ها به دلیل اینکه صنعتی سازی هستند، ۲۵ میلیون تومان وام دارند که علاوه بر آن متقاضی باید مبلغی را متناسب با متراژ واحد و امکانات آن بپردازد که این مبلغ هم پس از بررسی هزینه ها اعلام می شود.

اعلام فهرست کالاهای وارداتی مشمول ارز مرجع

با دستور رییس جمهوری از هفته آینده بورس ارز راه‌اندازی می‌شود.

به گزارش ایسنا، از هفته آینده بورس ارز با هدف ایجاد تعادل بین نرخ ارز مرجع و نرخ ارز در بازار آزاد راه‌اندازی می‌شود. بر این اساس بانک مرکزی هم می‌تواند مانند سایر سهامداران در این بازار سرمایه‌گذاری کند.

در همین زمینه رئیس اداره امور بورس‌ها از ارسال نشدن ابلاغیه‌ای رسمی برای راه‌اندازی معاملات ارز به سازمان بورس خبر داد و گفت: در کمیته فرعی شورای بورس گواهی معاملات ارزی تصویب شده و خرید و فروش ارز بر این اساس انجام می‌شود.

محمود خواجه نصیر در گفت‌وگو با فارس در خصوص خبر راه‌اندازی بورس ارز اظهار داشت: مدلی به نام مدل معاملات گواهی ارزی طراحی شده که در آن امکان فروش ارز حاصل از صادرات به متقاضیان ارز برای واردات کالا و خدمات فراهم می‌شود. براین اساس افرادی که ارز دارند از طریق کارگزاران بورس آن را عرضه و خریداران اقدام به خرید می‌کنند.

وی خاطرنشان کرد: البته خریدارانی می‌توانند از این ارز استفاده کنند که بابت واردات کالا و خدمات نیاز داشته باشند و ثبت سفارش هم انجام داده‌اند.

رئیس اداره امور بورس‌ها در خصوص مزایای این معاملات اعلام کرد: تمرکز در این بازار باعث شفافیت و نظارت‌پذیری بیشتر و تخصیص بهتر ارز به خریداران و فروشندگان شده و همچنین خریدار و فروشنده راحت‌تر می‌توانند یکدیگر را پیدا کنند.

وی با اشاره به اینکه بورس اختصاصی ارز وجود ندارد و مسئله‌ای که مطرح شده، منظور گواهی ارز است، تصریح کرد: دستورالعمل معاملات گواهی ارزی در کمیسیون فرعی شورای بورس تصویب شده است.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا امکان راه‌اندازی این معاملات تا یک هفته آینده وجود دارد گفت: هنوز که ابلاغیه‌ای در این خصوص به سازمان ارسال نشده است بنابراین پس از ابلاغ سعی می‌کنیم این معاملات سریع عملیاتی شود.

از سوی دیگر فهرست کالاهای وارداتی که ارز ۱۲۲۶ تومانی به آنها تخصیص می‌یابد منتشر شد.

حمید صافدل معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت و رئیس‌کل سازمان توسعه تجارت ایران در گفتگو با مهر اعلام کرد: فعلاً فقط کالاهای اساسی در اولویت تامین ارز با نرخ مرجع قرار دارند.

به گفته وی فهرست کالاهایی که شامل دریافت ارز ۱۲۲۶ تومانی برای واردات می‌شوند عبارتست از: گوشت قرمز، گوشت مرغ، برنج، شکر، سویا، دارو، مواد اولیه ساخت دارو و تجهیزات پزشکی، حیوانات زنده، جوجه یک روزه، انواع آلیاژ آهنی، روغن‌های خوراکی، ماشین‌آلات چاپ، ذرت دامی، لاستیک اتوبوس و کامیون و همچنین دستگاه‌های الکترونیکی.

وی تصریح کرد: سایر اقلام کالایی باید ارز مورد نیاز خود برای واردات کالا را با توافق با صادرکنندگان یا از محل‌هایی همچون صادرات کالا تامین کنند، به این معنا که اگر صادرکننده‌ای کالایی را صادر کند، می‌تواند بدون محدودیت همچون سایر افراد به واردات کالاهای مورد نیاز کشور بپردازد که البته جزو کالاهای اساسی نیستند، چرا که کالاهای اساسی ارز ۱۲۲۶ تومانی می‌گیرند.

در همین زمینه یک فعال اقتصادی اطلاع داد که ثبت سفارش کالاهای اولویت ۹ و ۱۰ غیر ممکن شده است.

عضو اتاق بازرگانی تهران در گفت‌وگو با ایسنا، با بیان این که پس از اعلام اولویت‌های کالایی برای دریافت ارز دولتی، ارائه ارز ۱۲۲۶ تومانی فقط به گروه‌های اول و دوم محدود شده است، گفت: براساس آخرین اطلاعات موجود ثبت سفارش کالاهای اولویت ۹ و ۱۰ به طور کلی غیر ممکن شده است.

وی افزود: گفته شده که کالاهای اولویت ۹ و ۱۰ متقاضی ندارند و واردات آن‌ها هم مشکلی حل نخواهد کرد، بنابراین به طور کلی ثبت سفارشی برای آن‌ها انجام نمی‌شود.

این عضو اتاق بازرگانی تهران ادامه داد: از سوی دیگر کالاهای اولویت ۳ و ۴ هم با وجود ثبت سفارش و قرار گرفتن در صف دریافت ارز دولتی، ارز ۱۶۰۰ تومانی دریافت کرده‌اند؛ در صورتی که چنین نرخی برای ارز تعیین نشده است.

از سوی دیگر با توجه به آمار خروج بیش از ۱۱ میلیون ایرانی از کشور در سال گذشته برآورد می‌شود حداقل ارز مسافرتی که از کشور خارج شده حدود ۴/۵ میلیارد دلار است که این میزان تنها سه درصد از درآمدهای ارزی کشور را شامل می‌شود.

به گزارش ایسنا، این در حالی است که سهم ارزش واردات ایران از کل درآمدهای ارزی آن در سال گذشته ۵۰ درصد بوده است.

پیش از این محمود بهمنی رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرده بود: کل واردات ایران ۷۱ میلیارد دلار و کل درآمدهای نفتی ایران ۱۰۰ میلیارد دلار در سال است و اگر درآمدهای ناشی از صادرات غیرنفتی و غیردولتی را حساب کنیم، همین رقم درآمدها به ۱۴۰ میلیارد دلار می‌رسد.

درآمد ارزی ۱۴۰ میلیارد دلاری ایران و خروج حداقل ۴/۵میلیارد دلاری ارز مسافرتی در سال ۹۰ نشان می‌دهد که در سال گذشته ارزهای مسافرتی تنها سه درصد از کل درآمدهای ارزی ایران سهم داشته‌اند.

براساس آمار گمرک ایران در سال ۹۰ بیش از ۱۴ میلیون و ۳۴ هزار مسافر در قالب زیارتی، دانشجویی، توریستی و غیره از کشور خارج شده‌اند که این رقم در سال ۸۹ بیش از ۱۳میلیون و ۶۶۵ هزار مسافر بود. اما از آنجایی که در این آمار گمرک، گردشگران خارجی از مسافران ایرانی تفکیک نشده‌اند می‌توان با توجه به آمار گردشگران خارجی در سال ۹۰ به تعداد ایرانیان خارج شده از کشور اشاره کرد.

طبق آنچه که رئیس سازمان میراث فرهنگی کشور اسفند سال ۹۰ اعلام کرده است، در این سال بیش از ۳ میلیون گردشگر خارجی وارد ایران شده بودند. کسر این میزان از کل ۱۴میلیون فرد خارج شده از ایران نشان می‌دهد که در سال گذشته حداقل ۱۱ میلیون ایرانی مسافرت خارجی داشته‌اند.

با در نظر گرفتن این که ارز مسافران تنها یک‌بار در سال به مسافرانی تعلق گرفته و برای کشورهای نزدیک (کشورهای همسایه، خاورمیانه، آسیای میانه، قفقاز و غیره)، چین و تایلند ۴۰۰ دلار پرداخت شده است، می‌توان به این نتیجه رسید که برای در نظر گرفتن حد میانه، اگر همه ۱۱ میلیون تن تنها یک‌بار به سفر رفته و همگی ۴۰۰ دلار ارز دریافت کرده باشند، سال گذشته حدود ۴۴ میلیارد دلار ارز مسافرتی داده شده است.

در همین حال عضو هیات عامل صندوق توسعه ملی با اعتقاد بر این‌که تفاوت قابل توجه بین نرخ ارز رسمی و غیررسمی موجب ایجاد فضای رانتی و مشکلات اقتصادی می‌شود، ارز آزاد را راهکاری مناسب برای تنظیم بازار ارز می‌داند.

محمود دودانگه در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: نرخ ارز باید یک نرخ شناور مدیریت شده باشد و طبق یک چارچوب و نظم صحیح با لحاظ تورم و مسائل مرتبط با تراز ارزی هم‌چنین مسائل کلان اقتصادی به‌کار خود ادامه دهد.

وی با اشاره به تاثیر گذار بودن ارز آزاد در تعدیل بازار افزود: اگر در یک فضای عرضه و تقاضای مدیریت شده، نرخ ارز تنظیم شود، ضمن مفید بودن برای اقتصاد می‌تواند آثار مثبت فراوانی را در درازمدت به دنبال داشته باشد.

این اقتصاددان با بیان این‌که فاصله میان نرخ ارز آزاد و مرجع بیشتر جنبه روانی دارد و واقعی نیست، تصریح کرد: دغدغه اساسی دولت و فعالان اقتصادی اختلاف میان نرخ‌های ارز است که آنها را با مشکلات بسیاری مواجه کرده است؛ بنابراین می‌توان با تنظیم نرخ جدید ارز و آزادسازی آن براساس توانایی‌ها و ظرفیت اقتصادی کشور هم‌چنین مدیریت عرضه و تقاضا شرایط بازار را به حالت طبیعی بازگرداند.

به گفته دودانگه، بسیاری از بی‌نظمی‌های ارزی مربوط به انتقال ارز است و با کنترل این متغیر می‌توان به تدریج نرخ ارز را پایین‌تر از نرخ رسمی تعیین کرد.

سرانه مصرف روغن زیتون در ایران یک سوم میانگین جهانی است

سرانه مصرف روغن زیتون در شرایطی در برخی کشورهای حوزه مدیترانه به ۲۰ کیلوگرم می‌رسد که در ایران حداکثر این رقم ۱۵۰ گرم است و در مقابل، هرایرانی سالانه ۱۶/۵ کیلوگرم روغن نباتی مصرف می‌کند.

به گزارش خبرنگار ما، دکتر علی اصغر زینالو مجری طرح زیتون وزارت جهاد کشاورزی با اعلام این مطالب در جمع خبرنگاران ادامه داد: سرانه مصرف روغن زیتون در یونان ۲۰، اسپانیا ۱۲ و ایتالیا ۱۰ کیلوگرم و در سطح جهان ۴۴۰ گرم است.

به گفته وی، در حالی که این روغن ضد سرطان بوده و برای سلامتی بسیار مفید است، سرانه مصرف آن در ایران با احتساب روغن‌های وارداتی حداکثر ۱۵۰ گرم است در مقابل روغن‌های نباتی که خواص روغن زیتون را نداشته و بعضاً زیان آور است سالانه ۱۶/۵ کیلوگرم توسط هر ایرانی به مصرف می‌رسد.

زینالو با اشاره به سلامتی شهروندان حوزه مدیترانه نسبت به سایر ملل دنیا، گفت: جالب اینکه از ۳ میلیون و ۳۶۰ هزار تن روغن زیتون تولیدی در جهان، ۳ میلیون تن آن در سه کشور عمده تولید کننده زیتون به مصرف می‌رسد.

مجری طرح زیتون پیرامون کیفیت روغن‌های داخلی کشور گفت: از نظر استحصال، ۱۰۰ درصد روغن گیری به صورت مکانیکی انجام می‌شود اما کشاورزان قطب‌های قدیمی تولید زیتون مانند گیلان، قزوین و زنجان به شکل سنتی و مثلا در گونی تولیداست خود را به کارخانه‌ها عرضه می‌کنند.

به این ترتیب با طولانی شدن زمان رسیدن نوبت روغن‌کشی که نباید بیش از دو روز باشد بعضاً به ۱۲ روز هم می‌رسد، محصول کیفیت خود را از دست داده و میوه خراب شده برای روغن کشی مورد استفاده قرار می‌گیرد که ناچار باید روغن مذکور را با راهکارهای شیمیایی تصفیه کرد.

وی افزود: این روغن ارزش روغن اکستراویرجین و حتی معمولی راهم ندارد با این حال ۴۰ تا ۵۰ درصد روغن‌های تولیدی دراین مناطق به این شکل است. ۳۰ تا ۳۵ درصد روغن این استان‌ها به صورت اکسترا ویرجین و مابقی به صورت معمولی است. اما در استانهایی که در سالهای اخیر در طرح توسعه قرار گرفته‌اند، این مشکل را نداریم.

زینالو در پاسخ به این سوال که چرا به این مساله رسیدگی نمی‌کنید، گفت: مشکل ما آنجایی است که خرید درکارخانه‌ها براساس نوع طبقه‌بندی و کیفیت روغن نیست و همه نوع روغن به یک قیمت خریداری می‌شود. حال آنکه در ایتالیا زیتون‌های روغن‌گیری را زودتر برداشت می‌کنند و به رغم اینکه ۸ درصد روغن کمتری برای باغدار حاصل می‌شود، اما به علت آشنایی بالای مردم با مقوله کیفیت و درصد بالای پروفینول، اینگونه روغن‌ها ۲ تا ۲۰ یورو گرانتر خریداری شده و زیان باغدار هم جبران می‌شود.

وی افزود: اما در کشورمان مردم با این مباحث آشنایی نداشته و نوع روغن مصرفی برایشان تفاوت نمی‌کند. به همین علت کارخانه دار هم ملزم به تفاوت در خرید روغن نمی‌شود و این زنجیره معیوب باقی می‌ماند.

مجری طرح زیتون سپس به طبقه‌بندی روغن‌های زیتون برای آشنایی شهروندان پرداخت و گفت: در روغن اکسترا ویرجین به عنوان عالی‌ترین روغن زیتون، نباید اسیدتیه آن بیش از هشت دهم باشد. این نوع روغن بوی سیب، گوجه فرنگی و علف تازه بریده شده می‌دهد و مزه آن تلخ است که این تلخی یک امتیاز بزرگ برای آن است که در انتهای دهان چشیده می‌شود. چنین روغنی بر خلاف روغن‌های نباتی حاوی مواد نگهدارنده طبیعی است.

وی گفت: روغن بعدی «ویرجین» یا روغن زیتون بکر است که اسیدیته آن نباید از ۲ بیشتر باشد. مازاد بر این مقدار اسیدتیه تا ۳/۲ روغن معمولی را شامل می‌شود و اگر میزان اسیدتیه بیش از ۳/۲ باشد، دیگر چنین روغنی خوراکی نیست. اما متاسفانه در برخی روغن‌های موجود در بازار بعضاً اسیدتیه تا ۱۴ هم می‌رسد که ناشی از ماندگاری زیاد و نگهداری در شیشه‌های شفاف و در مقابل نور است.

زینالو گروه دیگری از روغن‌ها را روغن‌های بی‌بوی ناشی از تصفیه شیمیایی عنوان کرد که اسیدیته آن بیش از ۳/۲ بوده و از طریق روش‌های شیمیایی قابلیت خوراکی پیدا کرده‌اند. این روغن‌ها بی خاصیت هستند و علت بی‌بو بودن آنها از دست دادن پروفینول موجود در آن است که خواص بسیار زیادی برای بدن دارد.

کارخانه‌ها برای قابل استفاده کردن این روغن ۱۰ درصد روغن ویرجین به آن اضافه می‌کنند که در این صورت اسیدیته آن نباید بیش از ۲ باشد.

مقام مسئول در وزارت جهاد کشاورزی گروه بعدی را شامل روغن‌های استحصال شده از تفاله‌ها عنوان کرد که از طریق حلال‌های شیمیایی تولید می‌شود و قابلیت خوراکی ندارند و واردات دولت آن ممنوع است. با این حال برخی واردکنندگان کشورمان آنرا به صورت قاچاقی وارد کرده و مقداری به آن روغن زیتون ویرجین اضافه می‌کنند تا کمی عطر و بوی روغن زیتون به خود بگیرد سپس آنرا در بازار توزیع می‌کنند، مقدار اسیدتیه چنین روغن‌هایی نباید بیش از یک باشد.

وی روغن ایتالیا را به لحاظ شرایط اقلیمی گران‌تر و با کیفیت تراز اسپانیا عنوان کرد و گفت: در ایران هم روغن مناطق خنک‌تر مانندزنجان و گیلان به علت بیشتر بودن مقدار اسیداولیک و مرغوب‌تر است.

نامبرده در بخش دیگری از سخنان خود گفت: در ایران مانند سایر کشورهای بزرگ و تولیدکنندگان باغات زیتون را برای تولید روغن ایجاد کرده‌ایم، در حالی که اغلب تولیدات به صورت کنسرو مصرف می‌شود و از این نظر هم مردم‌مان بر خلاف دنیا عمل می کنند.

وی گفت: پتانسیل تولید در ایران بسیار بالا است ودر حالی که میانگین تولید کشور ۲/۲ کیلوگرم در هکتار است، رکورد تولید در استهبان فارس به ۳۰ تن در هکتار و زنجان ۲۸ تن به ثبت رسیده است بالاترین عملکرد هم در استان قزوین با ۴ تن در هکتار به عمل می‌آید.

زینالو خاطرنشان کرد: میانگین تولید زیتون در دنیا ۲/۴ تن در هکتار است اما حداقل تولید ما باید ۳/۵ تا ۴ تن درهکتار باشد زیرا تولید ما به صورت آبیاری است و اغلب تولید دنیا به روش دیم انجام می‌شود.

وی یادآور شد: هدف ما ایجاد و ۵۰۰ هزار هکتار باغات زیتون برای تامین ۱۸ درجه از روغن مصرفی کشور در چشم انداز این صنعت است.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۹۰/۱۰ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۰۷/۵۲ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۶۲۶/۶۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۷۳۶۵۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۷۳۴۵۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۳۶۶۵۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۱۸۴۵۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۱۱۰۵۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۷۵۲۰۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۲۲۶ تومان
دلار آمریکا(نرخ غیر رسمی)	۱۹۶۰ تومان
یورو (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۵۱۰/۱تومان
یورو(نرخ غیر رسمی)	۲۴۱۵ تومان
پوند انگلستان (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۹۳۳/۶ تومان
پوند انگلستان (نرخ غیر رسمی)	۳۰۹۰ تومان

اخبار کوتاه اقتصادی

مدت زمان ثبت سفارش کالا ۳ ماهه شد

مدت زمان لازم برای ثبت سفارش انواع کالا از شش ماه به سه ماه کاهش یافت تا واردکنندگان از زمان ثبت سفارش فقط سه ماه برای واردات فرصت داشته باشند.

به گزارش فارس؛ بعد از اولویت‌بندی‌های ارزی و تبدیل گروه‌های کالایی به ۱۰ گروه در تصمیمی مدت زمان ثبت سفارش از شش ماه به سه ماه رسیده است. این تصمیم به دلیل شرایط خاص کالاهای مورد نیاز مردم است تا واردکنندگان در مدت زمان کمتری کالای مورد نیاز را وارد کنند.

تجارت ۲۹ میلیارد دلاری ایران در ۴ماهه امسال

حجم تجارت ایران در چهار ماهه ابتدای سال جاری به ۲۹/۲ میلیارد دلار رسید که سهم صادرات غیرنفتی ۱۲ میلیارد دلار بوده است.

عباس معمارنژاد رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگو با فارس، در مورد آمار واردات و صادرات در چهار ماه سال جاری گفت: در چهار ماه اول سال جاری ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تن کالا به ارزش ۱۷ میلیارد و ۲۷۳ میلیون دلار وارد کشور شده است که از نظر وزنی نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۲/۵درصد افزایش و از نظر ارزش ۷ درصد کاهش نشان می‌دهد.

وی افزود: صادرات کشور در چهار ماه نخست سال جاری به مرز ۲۴ میلیون و ۲۰۰ هزار تن رسید که از نظر ارزش حدود ۱۲ میلیارد دلار بوده است. این رقم نسبت به مشابه سال قبل از نظر وزنی ۷/۵درصد کاهش و از نظر ارزشی ۱۶ درصد کاهش نشان می‌دهد.

وی در مورد ترکیب واردات گفت: مانند روال قبل ۷۱ درصد از کالاهای وارداتی شامل مواد اولیه و واسطه‌ای تولید ۱۷ درصد کالای سرمایه‌ای و ۱۲ درصد کالای مصرفی بوده است.

پیش فروش ۱۶ هزار واحد مسکن مهر در پرند

مدیرعامل شهر جدید پرند به انعقاد قرارداد پیش فروش ۱۶ هزار واحد مسکن مهر در این شهر اشاره کرد و گفت: متقاضیانی که در مرحله افتتاح حساب هستند با مراجعه به شرکت عمران پرند می توانند واحد مورد نظر خود را انتخاب کنند.

سعید صابونی در گفت‌وگو با مهر با اشاره به پیش فروش ۱۶ هزار واحد مسکن مهر در پرند، اظهار داشت: این آپارتمان‌ها در متراژهای ۷۵، ۷۱، ۵۷ و ۸۹ متری به صورت یک خواب، دو خواب و سه خواب ساخته شده و پس از انعقاد قرارداد با شرکت سازنده از سوی شرکت عمران پرند پیش فروش می‌شوند. مدیرعامل شهر جدید پرند تصریح کرد: این واحدها در مرحله نازک کاری و ساخت مشاعات هستند و از ابتدای دی امسال تا آخر فروردین سال آینده اتمام و به مرحله واگذاری می‌رسند. صابونی با اشاره به اینکه متقاضیان باید واجدشرایط مسکن مهر باشند، گفت: موضوعی که برای ثبت نام مسکن مهر در پرند اهمیت ویژه‌ای دارد سابقه سکونت ۵ ساله متقاضی در تهران است که حتما باید مدارک آن به شرکت عمران پرند ارایه شود.

تغییر رئیس سازمان خصوصی‌سازی

با حکم وزیر امور اقتصادی و دارایی، محمدرحیم احمدوند رئیس جدید سازمان خصوصی‌سازی شد.

دکتر پیمان نوری که از شهریور ۸۹ رئیس سازمان خصوصی‌سازی بود، از این سمت استعفا داد که با موافقت وزیر اقتصاد مواجه شد.

قرار است به جای او محمدرحیم احمدوند رئیس سازمان اقتصاد و دارایی اصفهان که فوق لیسانس علوم اقتصاد از دانشگاه تهران است به عنوان رئیس جدید سازمان خصوصی‌سازی معرفی شود.

بهره‌برداری از ۴ سد و نیروگاه در آینده نزدیک

وزیرنیرو از بهره‌برداری از چهار سد و نیروگاه مهم به عنوان جدیدترین پروژه‌های مهر ماندگار این وزارتخانه در آینده‌ای نزدیک خبرداد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی وزارت نیرو مجید نامجو با اشاره به اینکه مطابق برنامه‌ریزی‌های انجام شده تمامی طرح‌های مهر ماندگار وزارت نیرو در موعد مقرر به بهره‌برداری رسیده است گفت: همچنین سدماشکید اولیا در استان سیستان و بلوچستان، سد دانشمند، چندین شبکه آبیاری و زهکشی چند نیروگاه مانند نیروگاه‌های شاهرود و سمنان آماده بهره‌برداری است.

مخالفت دولت با طرح بیمه بیکاری مجلس

دولت با طرح بیمه بیکاری مجلس به دلیل بار مالی و گستردگی آن مخالف است و به همین دلیل لایحه ارائه کرده است.

محمود نیازی مدیرکل امور مجلس وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گفت و گو با فارس در خصوص طرح بیمه بیکاری در مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: پس از ایراد شورای نگهبان به این طرح که درخصوص بار مالی جدید آن به دولت بود، مجلس آن را بررسی و پس از اصلاح مجدا به شورای نگهبان ارسال کرد. اما در حال حاضر باز هم ایراداتی به این طرح گرفته شده که باید اصلاح شود.

نیازی تاکید کرد: در حال حاضر دولت لایحه بیمه بیکاری به مجلس ارائه کرده که کمی محدودتر از طرح بیمه بیکاری مجلس است.

اجرای طرح مقاوم‌سازی مخازن آب پایتخت

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران با اعلام اجرای پایلوت طرح مقاوم سازی مخازن آب در پایتخت برای آمادگی در برابر حوادثی مانند زلزله، شرایط درخواست و هزینه‌های دریافت انشعاب اختصاصی آب را تشریح کرد.

محمد پرورش در گفت‌وگو با مهر از انجام برخی اقدامات برای ایمن سازی تاسیسات آب و فاضلاب در پایتخت و کاهش زیان‌های ناشی از وقوع احتمالی زلزله خبر داد و با اعلام اینکه چند پروژه در دست اقدام داریم که تمام مخازن تهران را مقاوم سازی کنیم، بیان داشت: ظرف دو سال گذشته کار مطالعاتی در این زمینه انجام شده و بیش از ۲ ماه است که کار اجرا در ۳ مخزن آب تهران هم آغاز شده است.

پرورش تصریح کرد: در تهران هزینه‌های دریافت انشعاب جداگانه کمی از متوسط کشوری (۱۰۰هزار تومان) بیشتر است، گفت: به صورت کلی در مناطق جنوب و شمال شهر کمی هزینه‌ها تفاوت دارد و حداقل آن ۲۵۰ هزار تومان و حداکثر آن به ۵۰۰ هزار تومان خواهد رسید.

طرح بیمه البرز برای پوشش هزینه‌های بیماری سرطان در افراد سالم

هزینه‌های ناشی از بیماری سرطان برای کسانی که علائم سرطان ندارند، در قالب طرح امید آفرین شرکت بیمه البرز، تحت پوشش بیمه قرار می گیرند.

سید رسول تاجدار، قائم مقام مدیرعامل بیمه البرز، با اشاره به آمارنگران کننده از افزایش افراد مبتلا به سرطان در کشور، گفت: در طرح بیمه البرز، افراد مبتلا به بیماری سرطان بیمه نمی‌شوند و این طرح شامل تمامی افرادی می‌شود که علائم سرطان ندارند و درصورت وقوع این بیماری، هزینه‌های آنان پوشش داده خواهد شد.

وی افزود: درطرح امید آفرین بیمه البرز، بیمه شدگان برای پنج سال حق بیمه پرداخت می کنند و پس از آن تا پایان عمر در مقابل سرطان تحت پوشش بیمه قرار می گیرند.

تاجدار، تصریح کرد: یکی از مزایای این بیمه‌نامه، پرداخت حق بیمه به دوروش یکجا یا تقسیط پنج ساله است و افراد تا ۶۰ سالگی امکان خرید این نوع بیمه نامه را دارند.

ایجاد ایستگاه‌های مشاوره مذهبی در ماه مبارک رمضان

مشاوره در ایستگاه نسیم بهشت

***حضرت علی(ع): هرگاه به مشورت نیازمند شدی، نخست به جوانان مراجعه کن، زیرا آنان ذهنی تیزتر و حدسی سریع‌تر دارند. سپس نتیجه آن را با میانسالان و پیران در میان بگذار تا پیگیری کنند، عاقبت آن را بسنجند و راه بهتر را انتخاب کنند، چرا که تجربه آنان بیشتر است**

***یکی از کارهایی که چندسالی است به مناسبت ماه مبارک رمضان انجام می گیرد، ایجاد ایستگاه‌های مشاوره مذهبی در سالن‌های مترو است که در آنها، کارشناسان روحانی، به سوالات مراجعان پاسخ می دهند و شک و شبهه‌ها را برطرف می کنند**

***کارشناس ارشد فقه و حقوق: روحانیون در برنامه‌های تلویزیونی و مساجد، سخنرانی می کنند و نظر می دهند، اما واقعیت این است که رویارویی چهره به چهره شان با مردم کم است**

***روحانی مشاور ایستگاه نسیم بهشت: در خیلی از فیلم‌هایی که طی سال‌های اخیر درباره روحانیون ساخته شده، حرف اصلی این است که اینها هم مثل بقیه زندگی می کنند و همان مشکلات و دغدغه‌ها را دارند، در حالی که جامعه روحانیت سال‌ها کار کرده است و حرف‌های خیلی بیشتری برای گفتن دارد**

***همه مردم باید دلشان به حال دینشان بسوزد و درباره‌اش سوال کنند، و تمامی حوزه‌ها و نهادها و سازمان تبلیغات، به تلاش خود بیفزایند، تا حلقه مفقوده بین مردم و روحانیت، پیدا و پر شود**

عاقد، چند بار تاکید می کند، جوری که به نظر می رسد خودش هم دلسوخته ماجراست! اینجا دفتر ثبت ازدواج است، نه طلاق، اما لابد سردفترش بهتر از ما می‌داند که در محضرهای طلاق چه می گذرد. برای همین این قدر تاکید دارد که اگر بین زن و شوهر اختلافی به وجود آمد، آن را بین خودشان حل کنند و تا می توانند از کسی مشورت نخواهند، به خصوص خانواده‌های طرفین!

اولین بار است که می شنوم کسی اصل مشورت را زیر سوال می برد! مدتی طول می کشد تا عاقد، بعد از خواندن خطبه عقد، دوباره روی حرف اولش تاکید و آن را این طوری تکمیل کند که اگر هم مورد خاصی پیش آمد و مجبور به دخالت دادن دیگران شدند، حتما این کار را پیش یک مشاور خانواده انجام بدهند و مشکلشان را برای هرکسی بازگو نکنند.

البته مشخص بود این حرف به آن معناست که پادرمیانی خانواده‌های یک زوج، نمی‌تواند در حل اختلافاتشان کارآمد باشد، زیرا اغلب، هریک از آنان منافع و مصالح طرف خود را در نظر می گیرند، نه جانب عدل و انصاف را. نتیجه بسیاری از مشاوره‌های غلط و جانبدارانه‌ای که اطرافیان زوج‌های جوان به آنها می‌دهند، چیزی به جز محضر طلاق نیست. اینجاست که نتیجه می‌گیریم «وامرهم شورا بینهم»، مشورت با همه کس را در برنمی‌گیرد و مانند«لااله»، حتما «الاالله»ی به دنبال دارد.

مشورت یا دهن بینی؟

«تینا» دختر جوانی است که از مشورت کردن، نتیجه خوبی به دست نیاورده است.

او می گوید: خودم می دانم آدم دهن بینی هستم. حتی وقتی از چیزی خوشم می‌آید، اگر دیگران بگویند آن چیز خوب نیست، نظرم عوض می‌شود. تا وقتی این اظهار نظرها و تحت تاثیر بودن‌های من، مربوط به مدل مانتو و کیف و کفش می‌شد، اشکالی وجود نداشت، اما ماجرا از آنجا شروع شد که برایم خواستگاری با شرایط مناسب آمد. او پسر خوب، تحصیلکرده و معقولی بود، اما در نگاه اول به دلم ننشست.

می‌دانستم به تشویق اطرافیانم احتیاج دارم تا بتوانم تصمیم عاقلانه‌ای بگیرم. تیپ و قیافه، چیزی نبود که به خاطرش بخواهم به یک جوان خوب، جواب رد بدهم.

اما یک روز یکی از دوستانم آن جوان را دید و جلوی خود او گفت: وای... شما که اصلا به هم نمی‌آیید! همین حرف باعث شد به کلی نسبت به خواستگارم سرد بشوم و به او جواب منفی بدهم. الان فکر می‌کنم شاید در آن مقطع، اشتباه کردم.

من به دیدگاه دوستم به عنوان یک مشاوره نگاه کردم، در حالی که نه او صلاحیت مشورت دادن داشت و نه نظرش، یک مشاوره به حساب می‌آمد. چند ماه بعد دوستم نامزد کرد و اگرچه من هم نسبت به نامزدش خیلی انتقاد داشتم، اما هیچ وقت چیزی نگفتم، با آن که می‌دانستم او مثل من دهن بین نیست.

مشاوران خوب، مشاوران بد

درباره خصوصیات کسانی که می‌توانیم با آنها مشورت کنیم و کسانی که نباید با آنها مشورت کنیم، حدیث و نقل قول بسیار داریم. فصل مشترک و چکیده تمامی توصیه‌ها آن است که فرد مشورت دهنده باید صاحب عقل و علم و تجربه و دوراندیشی باشد. حضرت علی (ع) در این باره به نکته جالبی اشاره می‌کنند: هرگاه به مشورت نیازمند شدی، نخست به جوانان مراجعه کن، زیرا آنان ذهنی تیزتر و حدسی سریع‌تر دارند.

سپس نتیجه آن را با میانسالان و پیران درمیان بگذار تا پیگیری کنند، عاقبت آن را بسنجند و راه بهتر را انتخاب کنند، چرا که تجربه آنان بیشتر است. همچنین فرموده‌اند: با دروغگو مشورت نکن، چون دروغگو، مانند سراب، دور را در نظرت نزدیک نشان می‌دهد و نزدیک را دور.

ما در مقاطع مختلف و حساس زندگیمان به مشاوره نیاز داریم. هم اکنون در میان آگهی‌های تبلیغاتی، به موارد متعددی از این قبیل برمی‌خوریم: مشاوره تحصیلی، مشاوره ازدواج، مشاوره دوران بارداری، مشاوره خانواده، مشاوره شغلی، مشاوره حقوقی و... در گذشته‌های نه چندان دور، نه امکان بهره‌گرفتن از این حجم مشاوره وجود داشت و نه لزوم آن احساس می شد. چه موقع به این نتیجه رسیدیم که باید از مشاوره در زندگی‌هایمان استفاده کنیم؟

به تدریج که جمعیت انسان‌ها روی کره زمین بیشتر شد، ارتباطات آنها نیز باید براساس قوانین مشخصی تعریف می‌شد تا مشکلی به وجود نیاید. دیگر تنها نگرانی آدم‌ها، تهیه خوراک و پوشاک نبود، بلکه با پیشرفت‌های روز به روز بشر و آسانتر شدن برآوردن نیازهای روزمره، دغدغه‌های انسان شکل و رنگ تازه‌ای به خود می‌گرفت.

از طرفی، ماشینی شدن زندگی، هر روز فشار استرس‌ها و پیچیدگی ارتباطات را بیشتر می کرد. امور اداری، تحصیل و اشتغال، ازدواج، دوستی‌ها، رفت و آمدهای فامیلی و... دیگر به سادگی گذشته نبود و هرکدام، تحت تاثیر شرایط اجتماعی، قوانین جدید و پیشرفت‌های فردی، پیچیده‌تر می شد. هرکس در گذرگاه هر یک از مقاطع زندگی اش، با انتخاب‌های بیشتر و متنوع‌تری رو به رو بود که تصمیم‌گیری درباره آنها کار آسانی به نظر نمی‌رسید. این دشواری‌ها، هر روز، نقش مشاوره را در زندگی انسانی پررنگ‌تر کرد.

نسیم بهشت

یکی از کارهایی که چندسالی است به مناسبت ماه مبارک رمضان، انجام می گیرد، ایجاد ایستگاه‌های مشاوره‌های مذهبی در مترو است که در آنها، کارشناسان روحانی، به سوالات مراجعان پاسخ می دهند و شک و شبهه‌ها را برطرف می‌کنند.

این طرح امسال هم با عنوان طرح «نسیم بهشت» در ایستگاه‌های متروی تهران اجرا شده است.

اما هدف از آن چیست و چرا تنها در ماه رمضان اجرا می شود، مگر در سایر ماه‌های سال، نیاز به مشاوره مذهبی احساس نمی شود؟

روحانی جوانی که در یکی از ایستگاه‌های پررفت و آمد مترو نشسته است تا در ساعات ۱۰ تا ۱۳ و ۱۴ تا ۱۷ پاسخگوی مراجعان باشد، می گوید: این ضرورت همیشه احساس می‌شود، اما توان اجرایی ما کم است و هزینه لازم برای انجام این کار در تمامی سال را نداریم. از آنجا که رکن اصلی کار طلبه‌ها و روحانیون در ماه رمضان، تبلیغ است، این ماه، فرصت مناسبی برای اجرای چنین طرح‌هایی است، چرا که در باقی اوقات آنها یا مشغول تحصیل‌اند یا مشغول تدریس. یکی از فلسفه‌های چنین طرحی، دیده شدن روحانیون است.

به نظر می‌رسد روحانیون در جامعه ما نقش پررنگی دارند، آنان در برنامه‌های تلویزیونی و مساجد، سخنرانی می‌کنند و نظر می دهند، اما واقعیت این است که رویارویی چهره به چهره‌شان با مردم کم است. پریروز یک ایرانی که از ایتالیا آمده بود، به قصد انتقاد پیش من آمد و گفت چرا روحانیون در ایران همه جا هستند و تبلیغ می شوند؟! به او گفتم آخرین بار که با یک روحانی رو در رو شدی کی بوده؟ گفت هیچ وقت! گفتم پس آن قدرها هم زیاد نیستند! ما با توجه به جمعیت هفتاد میلیونی مردم ایران، صدهزار طلبه هم نداریم. اتفاقا مشکل اینجاست که برخورد مردم با روحانیون کم است.

قدیم‌ترها، مردم برای خرید ماشین هم از روحانی مسجد محلشان نظر می‌خواستند که مثلا حاج آقا، من فلان قدر پول دارم، به نظر شما یک خودرو کارکرده بخرم یا برای خودرو صفر ثبت‌نام کنم؟!

خنده ام که می گیرد، روحانی جوان تاکید می‌کند: بله، آقایی می‌آید به من می‌گوید عذر شرعی دارم و روزه نیستم، حالا چه کار کنم؟ می گویم خوب برو یک دست کله پاچه بزن! او هم مثل شما خنده‌اش می‌گیرد که یعنی ای بابا، مگر شما هم کله پاچه می‌خورید و از این اصطلاحات استفاده می‌کنید؟! در خیلی از فیلم‌هایی که طی سال‌های اخیر درباره روحانیون ساخته شده، حرف اصلی این است که اینها هم مثل بقیه زندگی می‌کنند و همان مشکلات و دغدغه‌ها را دارند. در حالی که جامعه روحانیت سال‌ها کار کرده است و حرف‌های خیلی بیشتری برای گفتن دارد و این فیلم‌ها، گام‌های ابتدایی برای مرتبط کردن بیشتر روحانیون و مردم به یکدیگر محسوب می‌شود.

باید به مردم نشان داد کسی که به درجه اجتهاد می‌رسد، چقدر تلاش کرده و چطور به اینجا رسیده است. باید بین حوزه و دانشگاه، کارهای مشترک و مباحثات بیشتری صورت بگیرد تا این دو به هم و هردو به مردم نزدیک‌تر شوند.

آیا طرحی مثل «نسیم بهشت»، برای رسیدن به این اهداف موثر است؟

روحانی ۲۶ ساله در پاسخ به این سوال می‌گوید: شنیده‌ام که آقای قرائتی گفته‌اند بعد از ۳۰ سال صحبت کردن در تلویزیون، به این نتیجه رسیدم که هیچ چیز به اندازه تبلیغ Face to face (رو در رو) اثرگذار نیست. هم مردم باید دلشان به حال دینشان بسوزد و درباره‌اش سوال کنند، هم حوزه‌ها و نهادها و سازمان تبلیغات، به تلاش خود بیفزایند تا حلقه مفقوده بین مردم و روحانیت، پیدا و پر شود.

فاصله ما و مردم یک قدم است. ما به اینجا آمده‌ایم تا آنها هم به ما نزدیک شوند. هرکس که آمده، شاید آمدنش سخت بوده است، اما خیلی زود به هم گره خورده ایم و دوست شده‌ایم. بعضی‌ها هم نمی‌آیند و نمی خواهند همدیگر را بهتر بشناسیم، این دیگر به عهده خودشان است. علاوه بر فاعلیتِ فاعل که همان روحانی و مبلغ سخنگوست، قابلیتِ قابل که همان مستمع است نیز باید قوی‌تر شود، تا به یک ارتباط مطلوب برسیم.

روحانیون در میان مردم

بیشترین مراجعان به ایستگاه‌های «نسیم بهشت» را چه کسانی تشکیل می دهند؟

کارشناس ارشد فقه و حقوق ایستگاه نسیم بهشت، پاسخ می‌دهد: اگرچه جامعه آماری من دقیق نیست، اما به‌طور نسبی می‌توانم بگویم حدود ۱۰ درصد از مراجعان، زیر ۱۵ سال دارند. ۷۰درصد از آنان از ۱۵ سال تا سنین میانسالی هستند و ۲۰ درصدشان را هم افراد مسن تشکیل می‌دهند.

می‌گوئیم: با توجه به این آمار که به طور میانگین، بیشترین مراجعان برای مشاوره را از میان قشر جوان می‌داند، و با علم به این که در عصر تکنولوژی، جوانان، حتی اگر به رساله مراجعه نکنند، می توانند با جستجو در اینترنت، به پاسخ سوال‌هایشان برسند، چه عاملی آنان را به ایستگاه‌های نسیم بهشت می‌کشاند؟

نظر طلبه جوان این است: روحانیون در مساجد هستند و جوانان به دلایل گوناگون کمتر به مسجد می‌روند.

ما نمی‌خواهیم در اینجا، این مسأله را آسیب‌شناسی کنیم، اما واقعیتی است که وجود دارد. در عین حال شاید برای جوانان جالب باشد که بالاخره در یک جایی با یک روحانی رو در رو شوند و سوالاتشان را بپرسند. روزی ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر از مترو استفاده می‌کنند و ما را می‌بینند، روزی ۳ هزار مراجعه مستقیم داریم و این عظمت آماری نشان می‌دهد کار ما مفید است.

بیشترین پرسش‌های مردم در چه حیطه‌هایی است؟

مشاور روحانی در پاسخ می‌گوید: از آنجا که در ماه مبارک رمضان هستیم، ۷۰ درصد درباره روزه مسافر و روزه فرد بیمار سوال می‌کنند، بقیه سوالات را هم معمولا درباره مسائل اخلاقی و خانوادگی می‌پرسند.

روحانیونی که برای این طرح انتخاب شده‌اند، بر اساس چه معیارهایی انتخاب شده‌اند و چه ویژگی‌هایی دارند؟

طلبه طرح «نسیم بهشت» پاسخ می‌دهد: مسئولان طرح، بر اساس شناخت اجمالی که از روحانیون داشتند، این عده را با توجه به سن، ظاهر، تحصیلات، روابط اجتماعی و سابقه کاری‌شان – یعنی برای تبلیغ به کجاها رفته‌اند و چه کارهایی انجام داده‌اند، انتخاب کرده‌اند.

مشورت، کلید دوراهی‌ها

در میان صحبت‌هایمان، یک بار مرد میانسالی نزدیک می‌شود و پرسش‌اش را با روحانی جوان مطرح می‌کند: از اواخر رمضان پارسال مریض شدم. پزشک به من گفته روزه نگیر. آیا می‌توانم به حرفش عمل کنم؟

وقتی پاسخش را می‌گیرد و مطمئن می‌شود روزه نگرفتنش بلااشکال است، از او می‌پرسم چرا برای دانستن پاسخ، به رساله مرجع تقلید خود مراجعه نکرده است. می گوید: رساله دارم، اما خواستم نظر علما را به شکل حضوری بدانم.

بعدتر، دختر جوانی که شاید به نظر برسد هرگز با یک طلبه همکلام نشده است، پا کند می‌کند و نزدیک می شود. پرسشی دارد که در جستجوی پاسخ آن است. برای آن که راحت حرفش را بزند، چند قدم دور می شوم. او می نشیند و گرم صحبت می شود.

هربار که قطار مترو می رسد و جمعیتی را در ایستگاه پیاده می کند، در میان مردم از گرد راه رسیده، خیلی‌ها با تعجب یا لبخند به این صحنه نگاه می‌کنند. حرف‌هایشان که تمام می شود، خودم را به دختر می‌رسانم و می پرسم چرا برای مشاوره به ایستگاه نسیم بهشت مراجعه کرده است؟ می‌گوید: درباره یک نفر، اشتباهی کرده بودم و عذاب وجدان داشتم. الان که این آقا را دیدم، ناگهان به فکرم رسید با او درددل کنم و راه جبران اشتباهم را بپرسم. اتفاقا بعد از صحبت مان، خیلی آرام شدم. درباره دنیای دیگر و راه‌های توبه که حرف زد، خیلی خوشم آمد.

البته یک جای حرف‌هایش را هم قبول نداشتم، مگر می شود در این گرما از عطر استفاده نکرد؟!

این روزها پیدا کردن یک گوش شنوا هم سخت شده است، چه برسد به یک مشاور دلسوز و بدون حق ویزیت که پاسخ آرامش بخشی هم برای درد دل آدم داشته باشد! مشورت با اهل نظر می‌تواند دل‌ها را آرام کند.

مشورت، کلید دوراهی‌هاست. امام حسن(ع) می فرماید: هیچ ملّتی با هم مشورت نکردند، مگر آن که راه درست خود را پیدا کردند.

ارمغان زمان فشمی

جدول ۲۱۷۶۷

افقی:
۱ـ مناسبت بین‌المللی چهارشنبه ۱۱ مرداد
۲ـ معادل فارسی «تست» ـ موج دریا
۳ـ بیخ و ریشه ـ رنج و عذاب ـ دوری جستن ـ رفع مزاحم
۴ـ درخت تسبیح ـ حرص و طمع ـ منت‌ها ـ مرطوب
۵ـ طفلی که تازه به دنیا آمده ـ گزاردن ـ زودشکن
۶ـ عدد بلبل ـ مسابقه دوچرخه‌سواری ـ میّسر بودن
۷ـ باسکول، ترازویی بزرگ ـ علف گربه را گویند
۸ـ مادر به زبان محلی ـ پهلوانان ـ میوه نورسیده ـ طلیعه اعداد
۹ـ فیلمی از ابراهیم حاتمی کیا ـ مخلوقات
۱۰ـ دوست مخلص ـ اندام تنفس ماهی ـ خواننده آوازهای اصیل ایرانی
۱۱ـ پول کشورهای خارجی ـ مقابل تشنه ـ رگ‌های ظریف بدن
۱۲ـ ضرر و خسارت ـ از مصالح ساختمانی ـ گفتگوی اینترنتی ـ از حبوب ریز و گرد دانه
۱۳ـ کلمه شگفتی ـ مقابل پایین ـ به رو خوابیده ـ نیم تنه
۱۴ـ جوانمردی ـ کنیه خادم امام رضا (ع)
۱۵ـ کنایه از زود گریه کردن است!

عمودی:
۱ـ قهرمان افسانه‌ای قرون وسطی انگلستان در جنگل «شروود» ـ نوعی سلاح ضد تانک
۲ـ در آتش نمی‌سوزد ـ محله‌ای در تهران
۳ـ بدنیا آوردن ـ روزی دهنده ـ گاو کاری، گاو شخم‌زدن ـ به اندازه
۴ـ سزای عمل ـ نوعی موشک‌انداز کوچک ضد تانک ـ پیکار
۵ـ دو نفر که در یک روز به دنیا آمده باشند ـ کربن خالص ـ شهر زادگاه حضرت ابراهیم (ع)
۶ـ سرود ـ جنب و پهلو ـ کنفرانس تاریخی پس از جنگ جهانی دوم
۷ـ لوس ـ دل آزار کهنه ـ فیلمی از محمدرضا عرب
۸ـ یک خودمانی ـ چهره‌ای همچون ماه ـ فرق سر ـ گوشت آذری
۹ـ کاهل و سست عنصر ـ روی تاریک زمین ـ از شیخ‌نشین‌های امارات
۱۰ـ متصل و بلاانقطاع ـ نان کاغذی ـ خرامان
۱۱ـ ناحیه صنعتی آلمان مجتمع تهیه فولاد ـ درخت انار ـ چشم براه
۱۲ـ نامی زنانه ـ خطیب و رهبر انقلابی معروف فرانسوی ـ محبت و دوستی
۱۳ـ سودای ناله ـ بالش ـ بلندمرتبه ـ مخفف آتش
۱۴ـ حرکت دایره مانند ـ مرغابی
۱۵ـ فرار کردن غریزی جانور ـ پایتخت «جامائیکا»

طراح : غلامحسین باغبان

حل جدول ۲۱۷۶۶

جدول شرح در متن شماره ۳۰۷۵

طراح: غلامحسین باغبان

حل جدول شماره ۳۰۷۴

تشیع و ایران‌زمین



پروفسور هانری کربن
ترجمه دکتر انشاءالله رحمتی

۳

در اینجا از «Shi ism iranien» [تشیع ایرانی] سخن خواهم گفت. چنین مضمون‌پردازیها [و مضامینی] برای ما [فرانسه زبانها] امری کاملاً بدیهی است؛ ولی در حقیقت ترجمهٔ لفظ به لفظ آن به زبان فارسی، چندان قابل تحمل نیست؛ زیرا چنین توصیفی حکایت از نوعی دنیوی شدن مفهوم دینی، مفهوم قدسی دارد. غالباً دوستان ایرانی‌ام مرا به این موضوع توجه داده‌اند: در صورت ترجمه تحت‌اللفظی این ترکیب، به تعابیر [فارسی] غیرعادی و زننده‌ای می‌رسیم. آیا این بدان معنا نیست که بدیهیات و دلمشغولی‌های مسلم ما [غربیان] با روح [و روحیه] سنتی بیگانه است؟ در این صورت آیا نباید گفت که ما یک حقیقت اساسی را قلب کرده‌ایم؟[1]

به همین دلیل، به جای طراحی یک تبیین نظری برمبنای علل بیرونی، بهتر این است توجهمان را به ساختار واقعیات روحانی آن‌گونه که هستند و آن‌گونه که برای ما مطرح می‌شوند، معطوف سازیم؛ یعنی کشف کنیم که پدیدار دینی چه چیزی را به ما نشان می‌دهد، و چه چیزی را برای ما تبیین می‌کند. آنچه این پدیدار، در مورد فعلی، قبل از هر چیز به ما نشان می‌دهد یک واقعیت استثنایی، یک نوع ایثار تام روح ایرانی است در راه فکرت شیعی به عنوان فکرتی که [گویی] به تمام معنا از آن خویشش ساخته است؛ ولی در مورد چیزی که آدمی خویش را به تمامی وقف آن می‌دارد، بسی درست‌تر این است که بگوییم آدمی به تملک آن درآمده نه اینکه آن چیز ملک او شده است. بسی درست‌تر این است که بگوییم این حقیقت معنوی دربرگیرنده و محیط برماست نه اینکه ما در بردارندهٔ آنیم. اگر در پرتو این تلقی معکوس، بتوانیم ماهیت حقیقی پیوند باطنی را تمیز دهیم، البته که میثاق منعقد شده میان تشیع و ایران زمین معنایی بی‌بدیل و اعتباری بی‌زوال پیدا می‌کند.

بنابراین باید چیزی را بفهمیم که فیلسوفان و اهل معنا در ایران زمین دل و دین بدان داده و خویش را وقف آن داشته‌اند و این چیز همان [معنویت و] امر معنوی است که حتی پیش از ظهور اسلام از آن خویشش ساخته‌اند و این می‌تواند مبین نوع و نحوهٔ درک و دریافت آنها از اسلام باشد. تشیع اساساً تأمل فلسفی [بشر] را به واقعیت پیام نبوی معطوف می‌سازد. این «فلسفهٔ نبوی» مستلزم نوعی انسان‌شناسی است که نمونه اعلایش را در وجود پیامبر(ص) و دوازده امام(ع) یافته‌اند [یا مورد تأمل قرار داده‌اند]. حکمت اشراق، در حقیقت احیای فلسفه نور ایران باستان است. اهم اوصاف معنوی مخصوص به ایران اسلامی، در واقع اوصاف تشیع و اشراق است. همه اینها به همان نسبت که تا به حال [برای ما غربیان] تقریباً ناشناخته مانده‌اند، این را هم نشان می‌دهند که هنوز باید چه مطالبی را از محضر فیلسوفان و اهل معنای ایران زمین فرا گرفت و از این رهگذر وظایفی را که باید امروز و فردا، به همراه آنان و به خاطرشان عهده‌دار شد، یادآور می‌شوند.

واژه «فلسفهٔ نبوی» را بر زبان آوردم. جالب اینجاست که در زبان فارسی واژه‌های سره ایرانی برای تعبیر از نبوت و شخص نبی (وَخشور، وخشور، پیغمبر، به عربی نبی و رسول) وجود دارد؛ زیرا این واژه‌ها قبلاً در اوستا آمده است. از طریق حکمت اشراق سهروردی، پیام نبوی ایران باستان در تبار پیامبران بزرگ سامی تلفیق شد. پیش از سهروردی، عرفان اسماعیلیه زردشت را یک «حجت» دوران موسوی دانسته بود. ممکن است بگویند چنین تلفیق و ترکیبی از نقد تاریخی نتیجه نمی‌شود [و هماهنگ با نقد تاریخی نیست]؛ ولی همین خود یکی از آن واقعه‌های روحانی است که در صورت مبنا قراردادن چیزی که در اینجا محور و مدار بحث است، بسی چیزها را برای ما تبیین می‌کند: محور و مدار بحث در اینجا طلب پیامبر حقیقی، جستجوی «فلسفه نبوی» به عنوان اسلوب ثابت ضمیر ایرانی است.

همچنین وقتی یک نوجوان ایرانی، گذشتهٔ ایران پیش از اسلام را در مدرسه فرامی گیرد، یک دوران جهل، ظلمت و «بت‌پرستی» (جاهلیت) را پیش روی خویش نمی‌یابد، بلکه با اسامی و اعمال پهلوانان افسانه شاهنامه فردوسی آشنا می‌شود. نام یک پیامبر ایرانی را فرامی گیرد و او زرتشت است که نامش با کلوکر، نیچه و فخر به منابع فلسفی غرب راه یافته است. این قدیمی‌ترین نامی است که در افق گذشته دینی ایران زمین (یعنی در سدهٔ دهم یا هشتم پیش از میلاد) ظهور یافته است. «پیامبر»، یعنی حامل وحی الهی برای بشر. بنا بر سنت معمول، تلقی پیروان زردشت از وی، این گونه بوده است، کما اینکه در اسلام، مکتب اشراقیون منبعث از اندیشه سهروردی نیز همین تلقی را از او داشته است و این تصوری سنتی است که حقوق آن بر اثر تفسیرهای جدیدی که در روزگار ما با کمک قوم‌شناسی ارائه می‌شود، مشمول مرور زمان قرار نمی‌گیرد [و در نتیجه منسوخ نمی‌گردد]. با این همه آن گذشتهٔ شگفت‌انگیز، موضوع بحث ما نیست. قبلاً در کتاب دیگری، سعی کرده‌ام برخی ویژگیهای ثابت نگاه ایرانی به جهان را نشان دهم، نگاهی که زمین و منظرهٔ زمینی را «دگرگون» می‌سازد. تفکر دینی ایران، از بدو امر، ذاتاً بر مبنای پیش‌بینی واضح [و انتظار] آخرت‌شناسی[2] هدایت شده است؛ این آخرت شناخت، فصل‌الختام فاجعه کیهانی است که با هجوم نیروهای اهریمنی به راه افتاده است. این مضمون که خوب است آن را «فلسفه قیامت» نامید، از ابتدا باید تقریر می‌شد و تقریر آن دغدغه همیشگی من خواهد بود. این ویژگیهای ثابت، را در اینجا تکرار نمی‌کنم.

کاری که در اینجا باید بکنم، گزینش صفحاتی چند از جوامع عظیم حدیثی است که تعالیم ائمه شیعه به شاگردان بلافصل‌شان در آنها محفوظ مانده است. مقصد و مقصود همه آنها یک تعلیم دینی و معنوی رفیع است که هیچ نسبتی با مطالبات سیاسی ندارد. وقتی خلیفه عباسی، مأمون پسر هارون‌الرشید، بنا به دلایلی که همچنان نامعلوم است، تصمیم گرفت امام هشتم، امام رضا(ع) را به ولایتعهدی خویش برگزیند، این تصمیم نه فقط اعتراض شدید هاشمیان مخالف را در پی داشت، بلکه حتی خود امام نیز از سر اکراه و اجبار به آن تن داد. البته با رحلت زودهنگام آن حضرت یک سال پس از آن، که تصادفی هم نبود، آن نقشه ناصواب نقش برآب شد. و همچنین وقتی کسی، حتی با حسن نیت، سخن از «حقانیت» ائمه (علویان) به میان می‌آورد، قضیه را دنیوی می‌کند و اصل موضوع را به کلی نادیده می‌گیرد.[3] سلسلهٔ بستهٔ دوازده امام که آخرینشان تا پایان عصر ما، غائبانه در این عالم حی و حاضر است، حریف و هماورد هیچ سلسلهٔ سیاسی این عالم نیست؛ زیرا فصل مشترکی میان آنها وجود ندارد. همان‌طور که می‌توان گفت سلسله سری پاسداران جام مقدس در روایات غربی ما، نه با هیچ سلسلهٔ سیاسی رقابت دارد و نه حتی رقیب سلسله رسمی کلیسا و جانشینی رسولان، است؛[4] زیرا این سلسله فوق سلسله رسمی کلیسا و مشرف بر آن است. و این از آن روست که در مورد امامان کما اینکه در مورد پاسداران جام مقدس، اصل موضوع، عالم دیگری است، عالمی که دست تلاشهای اجتماعی‌شدن و مادی‌شدن تاریخی از آن کوتاه است.

ائمه شیعه(ع) یکی پس از دیگری، تکرار فرموده‌اند که: «**أمرُنا صعبٌ مُستصعب، لایحتملهُ إلا ملکٌ مقربٌ أو نبیٌ مرسل، أو مؤمنٌ إمتحن الله قلبهُ للایمان**: امر ما بسیار دشوار است و کسی طاقت و تحمل آن را ندارد مگر فرشته مقرب یا پیامبر مرسل، یا بندهٔ مؤمنی که خداوند دلش را برای ایمان آزموده است.» باز هم به این حدیث خواهیم پرداخت، کما اینکه حدیث زیر از امام ششم، جعفر صادق(ع) را نیز دوباره مورد بحث قرار خواهیم داد: «**بدأ الاسلامُ غریباً و سیعود غریباً کما بدأ غریباً فطوبی للغرباء**: اسلام غریبانه آغاز شد و همان‌طور که غریبانه آغاز شده است، غریبانه هم باز خواهد گشت. پس خوشا به حال غریبان از امت محمد! منظور از «غریبان امت محمد» کسانی است که از عوام‌الناس غربت گزیده‌اند تا آیین معنوی امام را اقامه کنند. هستند کسانی که با طیب خاطر [و از سر تولی] دعوت امام را اجابت می‌کنند و این اجابتشان را جز بر مبنای نفس وجودشان، انتخاب ازلی‌شان (انتخابشان در عهد الست) تبیین نمی‌توان کرد؛ زیرا علل اخیر و کافی این اجابت هرگز به کمند استنتاجهای ما درنمی‌آید.[5] این رضا (و تولا) واقعه [و واقعیت] شیعه و اصل پیام باطنی اسلام است بنا به فهمی که بسیاری از اهل معنای ایران زمین، قرن به قرن، از آن داشته‌اند و از سر تقوایی شورمندانه با تمام وجود بدان دلبسته‌اند.

ادامه دارد

پی نوشتها:

۱ـ خود این واقعیت که تعبیری چون «اسلام ایرانی» در کشوری مانند فرانسه، تعبیری عادی است، حال آنکه نزد ایرانیان و به‌طور کلی مسلمانان و شرقیان معنایی کاملاً غیرعادی و زننده دارد، بیانگر تفاوتی عمیق میان نگاه سنتی و نگاه مدرن به امر دین و حقیقت دین است، در نگاه سنتی دین اصل و اساس علوی و قدسی دارد و بنابراین برطبق علل و عوامل اجتماعی، سیاسی، زیستی و غیره قابل تبیین نیست و در نتیجه وقتی به یک صفت قومی یا جغرافیایی متصف گردد، حقیقت آن مورد تحریف قرار می‌گیرد، حال آنکه در نگاه مدرن اینگونه نیست.

2. eschatology.

۳ـ به نظرم بهتر این است که گفته شود اصل موضوع امامت ائمه(ع) منحصر در موضوع «حقانیت» یا «مشروعیت» آنان برای خلافت نیست. امامت ابعادی به مراتب عمیق‌تر و عالی‌تر از صرف تشکیل حکومت دارد؛ ولی این بدان معنا نیست که هرگز نمی‌توان از حقانیت و مشروعیت، حکومت امام معصوم سخن گفت. واقعیت این است که در طول تاریخ همیشه فضا برای حکومت امام فراهم نبوده است و در عین حال دیگر وظایف امام و دیگر ابعاد وجودی مافوق او معطل نمانده است. اما اگر زمینه برای حکومت دنیوی امام فراهم شود (هر چند که ممکن است چنین اعتقادی آرمان‌گرایانه باشد)، البته در آن صورت زمان و زمانه نورانی خواهد شد. همان‌طور که سهروردی دربارهٔ حکیم کامل در تعقل و تأله می‌نویسد: «وإذا کانت السیاسةُ بیده، کان الزمانُ نوریاً». (حکمه‌الاشراق، ص ۱۲)

۴ـ succession apostolique. جانشینی رسولانه، عقیده‌ای که بر طبق آن زعامت کلیسا و کشیشان، تداوم زعامت رسولان صدر مسیحیت است.

۵ـ نمی‌توان تبیین کرد که چرا این افراد خاص بر گرد شمع وجود ائمه گرد می‌آیند. فقط باید گفت اینان وقتی در عهد است به سئوال خداوند پاسخ گفتند، در نوع پاسخشان، اجابت دعوت ائمه نیز مستتر بود.

نگاهی به ایران

به مناسبت نمایش تصاویر بندیکت فورمان، عکاس آلمانی از ایران



اشاره: به رغم همه تبلیغات، هیاهوها و بدگویی‌های پایان‌ناپذیر از ایران، حقیقت و جاذبه جادویی این دیار به گونه‌ای است که کافی است تا کسی برای یک بار همت کند و پا به این سرزمین بگذارد تا نگاهش دگرگون شود و دلش در کمند مهر ایران گرفتار شود؛ اتفاقی که برای بندیکت فورمان، عکاس آلمانی افتاد و اکنون اوست که برای ایران اشک می‌ریزد. آنچه در پی می‌آید، گزارشی است که «شفقنا» (پایگاه بین‌المللی همکاریهای خبری شیعه) تهیه کرده است.

***

مقصد اصلی سفر بندیکت فورمان (Benedikt Fuhrmann)، عکاس و مستندساز آلمانی، ویتنام بود و او تنها قصد داشت شش ماه را به دور از خانه سپری کند؛ اما مرز ترکیه با ایران همه چیز را تغییر می‌دهد و اقامت دو ساله او را در ایران رقم می‌زند.

به نوشته دویچه‌وله: به طور قطع آلمانیهای زیادی پیدا نمی‌شوند که وقتی از ایران حرف می‌زنند، اشک از چشمانشان جاری شود؛ اما بندیکت فورمان روی آخرین ردیفهای صندلی کلیسای سنت ماکسی‌میلیان در شهر مونیخ از دیدارش با پیرمردی تنها در روستایی خالی از سکنه، در گوشه‌ای دور افتاده از ایران تعریف می‌کند و قطرات اشکی را که حین روایت بر گونه‌هایش جاری می‌شوند، با دست پاک می‌کند.

وی چندین بار برای اینکه نتوانسته خود را نگه دارد و میان مصاحبه گریه کرده، عذرخواهی می‌کند؛ اما از همان میانه گفتگو وقتی جوابهایش همراه با بغضهایی می‌شد که فرو می‌خورد، انتظار جاری شدن اشکهایی را داشتم که این عکاس و مستندساز ۳۵ ساله در تمام مدت سعی در پس زدنشان داشت.

وقتی بندیکت فورمان به همراه دوستش در سال ۲۰۰۵ وسایل سفر شش ماهه از مونیخ به مقصد ویتنام را آماده می‌کرد، ایران برایش تنها کشوری در میانه راه بود که بایست از آن گذر کرد. این دو سوار بر خودرویی که نزدیک به ۴۰ کیلو تجهیزات فیلمبرداری و عکاسی بارش شده بود، عازم می‌شوند.

مرز ایران و ترکیه نخستین مرز واقعی برای این دو اروپایی بود که بایست با مرزبانان روبرو می‌شدند و مدارکشان را ارائه می‌دادند. ترس از برخورد سربازان، ضبط وسایل فیلمبرداری و عکاسی و در نهایت خواباندن ماشین با نزدیک شدن به مرز ایران در بندیکت شدت می‌گرفت. پنج دقیقه بعد این ترسها همگی در استکان چایی که بندیکت در اتاقک مرزبانی با سرباز کنجکاو ایرانی می‌نوشید، حل شده بودند؛ در آن لحظه برای این عکاس آلمانی مسجل شده بود که به جای رفتن به ویتنام، می‌خواهد در ایران بماند. برای همین دوستش راهی ویتنام می‌شود و بندیکت راهی کشف ایران؛ کشفی که نزدیک به دو سال به طول انجامید.

عشق به انسانها

بندیکت فورمان تا کنون پروژه‌های عکاسی و فیلمهای تبلیغاتی متعددی را برای شرکتهای بزرگ و نامدار نظیر بی ام و، مرسدس بنز و اسکودا انجام داده است؛ اما به گفته خودش، در ایران با «ریشه‌های این سرزمین» پیوند خورد و تصاویر طبیعت و مردمش را ثبت کرد.

در روزهای اولیه، ندانستن زبان مشکل بزرگی برای او نبود و گاهی حتی او به آلمانی و روستاییان به فارسی حرف می‌زدند و با این حال هر دو منظور همدیگر را می‌فهمیدند! آنجاست که درک می‌کند «برای ارتباط برقرار کردن با مردم، لزوماً نیازی به زبان نیست.»

بندیکت در ابتدا تلاش می‌کند تا برای ماندن در ایران ویزای خبرنگاری بگیرد. دونگی‌ها سرانجام پس از سه ماه جواب می‌دهند، هر چند فضای پر از بی‌اعتمادی در ادارات ایرانی نمی‌توانست این امر را بپذیرد که یک آلمانی صرفا به عکاسی از مناظر و مردم ایران، به خصوص روستاییان علاقه‌مند است. نتیجه این باور نیز گرفتاریهای گاه و بیگاه بندیکت بود که هر بار با توضیح و تفسیر از پشت میله‌ها بیرون آمد.

او در مدت اقامت در ایران، تجربه‌های فراوانی را با روستاییان پشت سر می‌گذارد. هر چند نام اغلب این روستاهای دور افتاده را که مسیرش به آنها افتاده به یاد نمی‌آورد، اما صحنه‌های رقم‌خورده جایی عمیق در ذهنش ته‌نشین شده‌اند، تا جایی که هر بار خاطره‌ای را از همین برخوردها نقل می‌کند، لرزش به صدایش باز می‌گردد. در یکی از همین روستاها، تنگی یکی از کوچه‌ها او را مجبور می‌کند تا ماشین را پارک کند و با پای پیاده به همراه تجهیزات عکاسی‌اش راهی بلندی یکی از تپه‌های اطراف شود. زمانی که سخت مشغول عکاسی بود، ناگهان متوجه می‌شود روستاییان از گوشه و کنار برایش چیزی می‌آورند؛ یکی با زیرانداز، دیگری با نان و کره و مقداری آب و ... در یزد با یک روحانی در مسجد هم‌کلام می‌شود و به این ترتیب این روحانی به او اجازه می‌دهد تا به هنگام غروب به پشت بام مسجد برود و به تماشای پایین رفتن خورشید در دل کویر بنشیند.

در کوهها با عشایر زیر یک کرسی می‌نشیند و چای می‌نوشد و متوجه می‌شود که آن فارسی که او در تهران کمی یاد گرفته، چقدر در میان ساکنان این دشتها و کوهها غریب و بی‌اعتبار است.

مجموعه عکسهای او از ایران بیش از همه چهره مردان و زنان روستایی را در بر می‌گیرد که در برابر دوربین با گشاده‌دستی لبخند می‌زنند. می‌گوید عکاسی نیست که از آدمها بدون اطلاعشان عکس بگیرد. او در جواب این پرسش که آیا قانع کردن مردم در کوه و کمر برای ایستادن جلوی دوربینش کار ساده‌ای بوده یا نه، می‌گوید: «من با تمام این آدمها پیش از عکاسی ساعتها وقت صرف کردم. وقتی که انسان سفر می‌کند، انگار خودش را بازمی‌یابد. نگاهی که در چشمان این آدمهاست، راهی به سوی قلبشان دارد.»

سپس عکس پسربچه‌ای روستایی با موهایی کاملا بور و لبخندی رو به دوربین را نشان می‌دهد که وقتی او را دیده، تصویری از کودکی خودش ترسیم شده است. بندیکت می‌گوید: «وقتی این پسربچه روستایی را دیدم، انگار تصویری از کودکی‌ام پیش روی چشمانم قرار گرفت.»

زبان شیرین فارسی

بندیکت تهران را شهری بزرگ می‌خواند که مردمش مثل تمامی شهرهای بزرگ جهان در شلوغی، هیاهو و استرس در حرکت‌اند. نخستین کلمات زبان فارسی را نه از اشعار حافظ یا سعدی، بلکه از متصدی هتلی در جنوب تهران می‌آموزد که هنوز هم بعد از شش سال به خوبی به یاد می‌آورد: «دل به تو دادم که بری ناز کنی / دل بت ندادم که بری جیگرکی باز کنی!» با خنده می‌گوید: «تا ماهها معنی این جمله را نمی‌دانستم، تا زمانی که دوستی برایم آن را ترجمه کرد و تازه فهمیدم که خدای من، تمام این مدت چه می‌گفتم!»

این عکاس و فیلمساز آلمانی به انسانها و قدرتی که در اختیار دارند، سخت باور دارد؛ همان طور که به نیروی جادویی خاک و زمین. مثال مورد علاقه‌اش در این باره «سیب» است. می‌گوید: یک سیب، سیب است صرف‌نظر از اینکه در آلمان یا ایران پرورش داده‌شده باشد. برای این سیب مرزها معنی ندارد؛ زیرا ریشه‌هایش در اعماق خاکی دویده شده که متعلق به زمین و تمام آدمیان است. بندیکت همان زمان که در ایران سفر می‌کرد، می‌دانست که می‌خواهد عکسها و تصاویری که از ایران ثبت کرده، در آلمان به نمایش بگذارد.

همزیستی مسالمت‌آمیز

پس از بازگشت به وطن، گمان می‌کرد که گالری‌دارها و موزه‌ها تصاویرش از ایران را «روی دست می‌برند»؛ اما به زودی برایش نادرست بودن این تصور مسجل شد؛ هیچ گالری یا موزه‌ای حاضر نبود از کشوری که خبر های منفی فراوانی رسانه های غربی از آن می فرستند نظیر اعدام، ساخت بمب هسته‌ای، خشونت علیه زنان و محدود کردن اقلیت‌های مذهبی، چنین تصاویری را به نمایش گذارد!

پس از تلاشها و جستجوی فراوان که چند سال به طول انجامید، راینر ماریا شیسلر، کشیش کلیسای سنت ماکسی میلیان مونیخ آمادگی خود را برای در اختیار گذاشتن کلیسایش اعلام می‌کند. از عکس این کشیش که بر تابلوی ورودی کلیسا چسبانده شده، می‌توان حدس زد که نگاهش به دین و دنیا، متفاوت از دیگر همکیشان اوست.

بر روی پلاکارد نمایشگاه در دستان این کشیش نوشته شده: «بگو سرووس (کلمه رایج برای سلام در نقاطی از آلمان و اروپا) و سلام». وی هنگامی که برای گفتگو، ردای مذهبی را کنار گذاشته و در کاپشنی چرم با دستمال گردنی مشکی با طرح جمجمه‌های اسکلت ظاهر می‌شود، به یقین درمی‌یابد که با کشیشی متفاوت روبرو هستید. کشیش شیسلر می‌گوید: «زمانی که بندیکت با ایده برپایی این نمایشگاه به سراغم آمد، هیچ دلیلی برای نه گفتن نیافتم. نمی‌دانستم چرا باید اصلا نه می‌گفتم!»

او از حضرت مسیح(ع) مثال می‌زند که در تمام عمر با عشق به انسانها، آنهایی را که به حاشیه رانده شده بودند، به مرکز توجه می‌کشاند و در کارهای عکاس آلمانی نیز صحبت از انسانهای ساده و معمولی ایران است. این کشیش به خوبی به تمامی خبرهای منفی رسیده از ایران واقف بود؛ اما بستن درهای «خانه خدا» به روی تصاویر و نمایشگاه را غیراخلاقی می‌داند: «خدا به این ساختمان بزرگ بتونی احتیاجی ندارد؛ مهمترین چیزی که او به آن احتیاج دارد، فضاست. این فضا نیز درون قلب ماست.»

موافقت کشیش شیسلر با این نمایشگاه و برگزاری دعای صلح ادیان در شب افتتاحیه، با واکنش منفی شدید کشیش‌های دیگر روبرو می‌شود. همکاری به او می‌گوید: «این امر ناممکن است. چرا ادیان دیگر باید به صحن کلیسا راه یابند؟» انتقادی که شیسلر، نمادی از «ذهنیت عمیق قرون وسطایی» در افکار می‌خواند و با تحکم می‌گوید: «نبایست از ادیان دیگر ترس داشت و ادیان نیز باید دست از به وحشت انداختن یکدیگر بردارند.»

بندیکت فورمان برای برگزاری این نمایشگاه با نام «نگاهی به ایران» (Ein Blick Iran) با مشکل دیگری هم روبرو بود: یافتن حامیان مالی. پس از استقبال سرد نهادها، موزه‌ها و شرکتها، او دست به دامان اینترنت می‌شود و از مردم کمک می‌خواهد؛ در روشی نو و متفاوت با نام Crowdfunding که هر کس می‌تواند با اهدای مبلغی هر چند اندک، در به راه افتادن این پروژه سهیم باشد. بندیکت می‌گوید: «نکته قابل توجه این بود که ایرانیهای زیادی نسبت به این پروژه بی‌اعتماد بودند و تمایلی به کمک نداشتند!»

دو دقیقه مانده به پایان روز ۱۵ ژوئن که از پیش به عنوان پایان مهلت کمک‌رسانی در نظر گرفته شده بود، بیش از ۳۰۰ نفر کمکهای مالی خود را بالغ بر ۵۰ هزار یورو ارسال می‌کنند. نگاهی به ایران، تا کنون در آلمان بزرگترین پروژه Crowdfunding بوده و تا روز ۱۲ اوت ۲۰۱۲ برپاست.

با هم زیستن

در مجموعه عکسهای بندیکت تصویری سیاه و سفید از پیرمرد روستایی خندانی دیده می‌شود که خاطره‌ای حک شده در ذهن عکاس به جای گذاشته است. هارتموت نیمان بیش از ۳۰ سال است که گردشگران آلمانی را به تماشای ایران می‌برد و چنان با ایرانیها خو گرفته که خود را از آنان می‌داند؛ مردی که شهرش را شیراز می‌نامد و کامش را با قطاب تازه یزد شیرین می‌کند.

این پیرمرد تنها ساکن روستایی دور افتاده در ایران بود که گذر بندیکت به آن می‌افتد. چوپانی با گله‌ای گوسفند که برای عکاس آلمانی تعریف می‌کند که همه برای یافتن کار به شهر مهاجرت کرده‌اند و اینک او و گوسفندانش تنها ساکنان روستا به شمار می‌آیند. پیرمرد می‌گوید که عاشق این مکان است و مهم نیست همه از آنجا رفته‌اند، او تا پایان در اینجا باقی خواهد ماند.

آن دو در سکوت صحرا با یکدیگر چای می‌نوشند و در تمام مدت خنده صورت پر چروک مرد روستایی را ترک نمی‌کند. او از بودن بندیکت غرق خوشحالی می‌شود و بندیکت نیز از بودن او در این روستای متروکه شادمان است و در توصیف آن ساعات می‌گوید: «لحظاتی سرشار از حس عمیق خوشبختی که در آن مرزها کوچکترین معنایی نداشتند و هیچ چیز در آن لحظه نمی‌توانست ما را از یکدیگر جدا کند.»

پس از گذشت هفت سال، بازگویی این خاطره چشمان بندیکت را غرق اشک می‌کند.

داستان فرهنگستان

__اشاره__: انجمن‌های ادبی دوره قاجار پیشگامان معادل‌سازی برای واژه‌های فرنگی بودند که این امر بعدها برنامه اصلی کار «فرهنگستان اول» شد؛ اما اندیشه تأسیس سازمانی رسمی به نام فرهنگستان، از آنجا پدید آمد که عده‌ای که زبان فارسی را در معرض خطر کج‌اندیشی شماری نااهل دیدند که به بهانه اصلاح و پرورش آن، درصدد وضع واژه‌ها و اصطلاحات برساخته و نشاندن آن به‌جای کلمات عربی برآمدند. آنچه در پی می‌آید، نگاهی گذرا به جریان شکل‌گیری این نهاد علمی در ایران است.

پیش از تأسیس **فرهنگستان ایران** (فرهنگستان اول) در سال ۱۳۱۳، ابتدا وزارت معارف در صدد برآمد انجمن‌هایی متشکل از کارشناسان و ارباب فن برپا کند که «آکادمی طبی» نخستین گام در این راه بود. جلسه‌های آن آکادمی با شرکت چند تن از پزشکان معروف و دانشمند برگزار می‌شد. معادل فارسی «فرهنگستان» در برابر واژهٔ بیگانهٔ «آکادمی» در این زمان انتخاب شد و سرانجام در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۴ فرهنگستان ایران تشکیل شد.

اعضای پیوسته فرهنگستان ایران عبارت بودند از: حسن اسفندیاری (محتشم‌السلطنه)، ملک‌الشعرا بهار، علی پرتو اعظم، حاج سید نصرالله تقوی، محمود حسابی، دهخدا، غلامرضا رشید یاسمی، صادق رضازاده شفق، غلامحسین رهنما، حسین سمیعی (ادیب‌السلطنه)، عیسی صدیق، سید محمدکاظم عصار، محمد فاطمی، بدیع‌الزمان فروزانفر، ابوالحسن فروغی، محمدعلی فروغی، عبدالعظیم‌خان قریب، حسین گل گلاب، سرتیپ غلامحسین مقتدر، احمد نخجوان، ولی‌الله نصر، سعید نفیسی، حسن وثوق. از اعضای وابسته فرهنگستان می‌توان از محمدعلی جمالزاده، فخر ادهم، کریستین سن (از دانمارک)، و هانری ماسه (از فرانسه) نام برد.

فضای سیاسی حاکم آن زمان، فرهنگستان را ناگزیر ساخت که بیشتر وقت خود را صرف انتخاب معادل برای اصطلاحات و واژگان خارجی کند. می‌توان گفت که فرهنگستان اول بیشتر مهارکننده و بازدارنده بود تا سازنده. فرهنگستان ایران در بهمن ۱۳۱۵ نظامنامه‌ای برای بازبینی در اصطلاحات علمی تصویب کرد و در آن راه و روش و ضوابط معادل‌یابی را تعیین نمود. تدابیر حاکم بر این نظامنامه، اتخاذ طریقی سالم و معتدل، دور از تعصب عربی‌زدایی و سره‌آفرینی و منطبق با طبیعت زبان و تحول و تطور در امر واژه گزینی بود؛ ازاین‌رو عملکردش در این حوزه موفقیت‌آمیز بود و نتایج مصوبات آن از اقبال عمومی برخوردار شد.

فرهنگستان اول با پیشگیری به‌موقع از آفتی که به زبان فارسی روی آورده بود، وظیفه خود را ادا کرد و حاصل کارش به تصویب رساندن ۲۰۰۰ واژه تا سال ۱۳۲۰ بود. همچنین انتشار نامه فرهنگستان را از سال ۱۳۲۲ آغاز کرد؛ اما در سال ۱۳۳۳ رسماً تعطیل شد.

فرهنگستان زبان ایران

استاد محمد مقدم، پایه گذار گروههای آموزشی زبان‌شناسی، در سال ۱۳۴۲ درباره خطر حضور و هجوم واژه‌های بیگانه هشدار داد و در رسانه‌ها نیز بحثهای بسیاری درباره لزوم حراست از زبان فارسی و پروراندن آن برای جوابگویی به مقتضیات پیشرفتهای علمی و فنی جدید درگرفت.

با این مقدمات، زمینه بازگشایی فرهنگستان فراهم شد و سرانجام در سال ۱۳۴۷ فرهنگستان زبان ایران (فرهنگستان دوم) تأسیس شد. در این دوره، فرهنگستان در پی تشکیل جلسه‌های شورای خود در سال ۱۳۴۹، چهار پژوهشکده واژه‌گزینی، گردآوری واژه‌های فارسی، زبانهای باستانی و میانه و دستور را ایجاد کرد که تا سال ۱۳۵۷ دایر بود.

برخی از اعضای پیوسته این فرهنگستان عبارت بودند از: ذبیح بهروز، محمود حسابی، رضازاده شفق، جمال رضایی، سپهبد علی کریم‌لو، صادق کیا، حسین گل گلاب، یحیی ماهیار نوابی، محمد مقدم و مصطفی مقربی.

در سال ۱۳۶۰ با ادغام این فرهنگستان و چند مرکز و سازمان تحقیقاتی دیگر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پدید آمد. در چارچوب فعالیتهای علمی فرهنگستان دوم دو برنامه عمده در نظر بود: برنامه واژه‌گزینی که به گزینش معادلهای فارسی برای واژگان و اصطلاحات بیگانه اختصاص داشت؛ و بررسی و مطالعه درباره زبانها و گویشهای ایرانی.

وسیعترین فعالیت این فرهنگستان درزمینه واژه‌گزینی بود و تا سال ۱۳۵۱، گروههای واژه‌گزینی، مجموعاً ۶۶۵۰ واژه فارسی دربرابر واژه‌های بیگانه پیشنهاد کردند. و هرچند در این زمینه به دلیل اختیار کردن روش افراطی با ناکامی روبرو شد، اما درزمینه پژوهشهای زبانی و چاپ آثار گرانسنگ، اجرای برنامه‌های سودمندی را وجهه همت خود ساخت.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

نظر به اینکه زبان فارسی، زبان دوم عالم اسلام و کلید بخش عظیمی از ذخایر ارزشمند علمی و ادبی تمدن اسلامی، و خود از ارکان هویت فرهنگی ملت ایران است، به‌منظور حفظ سلامت و تقویت و گسترش این زبان و تجهیزش برای برآوردن نیازهای روزافزون فرهنگی و علمی و فنی و رفع تشتت و ایجاد هماهنگی در فعالیتهای مراکز فرهنگی و پژوهشی در حوزهٔ زبان و ادب فارسی و سازمان دادن به تبادل گسترده و پربار تجربه درزمینه تحقیقات و مطالعات در این حوزه و صرفه‌جویی درنیرو و استفادهٔ صحیح از کارشناسان و پژوهشگران و ایجاد مرجعی معتبر و برخوردار از وجهه و حیثیت جهانی در ایران، شورای عالی انقلاب فرهنگی اساسنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی را در ۶۸/۱۱/۲۴ به تصویب رساند.

اهدافی که در اساسنامه برای فرهنگستان در نظر گرفته شده به شرح زیر است:

•حفظ قوت و اصالت زبان فارسی، به‌عنوان یکی از ارکان هویت ملی ایران و زبان دوم عالم اسلام و حامل معارف و فرهنگ اسلامی؛

•پروردن زبانی مهذب و رسا برای بیان اندیشه‌های علمی و ادبی و ایجاد انس با مآثر معارف تاریخی در نسل کنونی و نسل‌های آینده؛

•رواج زبان و ادب فارسی و گسترش حوزه و قلمرو آن در داخل و خارج از کشور؛

•ایجاد نشاط و بالندگی در زبان فارسی، به تناسب مقتضیات زمان و زندگی و پیشرفت علوم و فنون بشری با حفظ اصالت آن.

وظایف

وظایفی که در اساسنامه برای فرهنگستان در نظر گرفته شده به شرح زیر است:

•سازمان دادن و تمشیت فعالیتهای ناظر به حفظ میراث زبانی و ادبی فارسی؛

•تأسیس واحدهای واژه‌سازی و واژه‌گزینی و سازمان دادن واحدهای مشابه در مراکز دانشگاهی و دیگر سازمانهای علمی و فرهنگی و هماهنگ ساختن فعالیتهای آنان از راه تبادل تجارب؛

•نظارت بر واژه‌سازی و معادل‌یابی در ترجمه از زبانهای دیگر به زبان فارسی و تعیین معیارهای لازم برای حفظ و تقویت بنیه زبان فارسی در برخورد با مفاهیم و اصطلاحات جدید؛

•کمک به معرفی و نشر میراث زبانی و ادبی فارسی به‌صورت اصلی و معتبر؛

•اهتمام در حفظ فرهنگهای علمی و مردمی و جمع‌آوری و ضبط و نشر امثال‌وحکم و کلیه اعلام و اصطلاحات فارسی در همه زمینه‌ها و بهره‌برداری از آن‌ها برای پرورش و تقویت زبان و ادب فارسی؛

•سازمان دادن تبادل تجربه‌ها و دستاوردهای مراکز پژوهشی در حوزهٔ زبان و ادب فارسی و تأمین موجبات بهره‌برداری صحیح از این تجربه‌ها؛

•بهره‌برداری صحیح از زبانهای محلی (در داخل و خارج از ایران) به‌منظور تقویت و تجهیز این زبان و غنی ساختن و گستردن دامنه کارکرد آن؛

•معرفی محققان و ادیبان و خدمتگزاران زبان و ادب فارسی و حمایت از نشر آثار ایشان و کمک به تأمین وسایل فعالیت علمی و فرهنگی آنان و فراهم آوردن موجبات تقدیر از خدمات آنها؛

•بررسی و تصویب نتایج فعالیتهای مراکز پژوهشی و فرهنگی که تهذیب و اصلاح یا توسعه و تقویت زبان فارسی مفید شمرده می‌شوند و ابلاغ و توصیه کاربرد آنها به مؤسسات علمی و فرهنگی و سازمانها و نهادهای عمومی.

فرهنگستان دارای اعضای پیوسته، وابسته و افتخاری است. تعداد اعضای پیوسته ایرانی حداقل پانزده و حداکثر بیست‌وپنج نفر، و تعداد اعضای پیوسته غیرایرانی ده نفر است.

اعضای پیوستهٔ شورای فرهنگستان درحال حاضر عبارتند از استادان: عبدالمحمد آیتی، حسن انوری، نصرالله پورجوادی، یدالله ثمره، حسن حبیبی، غلامعلی حدادعادل، بهاءالدین خرمشاهی، محمد دبیرمقدم، حسن رضائی باغ‌بیدی، علی رواقی، بهمن سرکاراتی، اسماعیل سعادت، احمد سمیعی گیلانی، علی‌اشرف صادقی، محمود عابدی، کامران فانی، بدرالزمان قریب، فتح‌الله مجتبائی، مهدی محقق، هوشنگ مرادی کرمانی، حسین معصومی همدانی، محمدعلی موحد، ابوالحسن نجفی، سلیم نیساری و محمدجعفر یاحقی.

اعضای غیرایرانی شورای فرهنگستان عبارتند از استادان: دادخدا سیم‌الدین، محمدجان شکوری (از تاجیکستان)، فضل‌الله قدسی، غلام سرور همایون، محمدحسین یمین (از افغانستان).

در چند سال اخیر استادان، سید محمد محیط طباطبایی، محمدتقی دانش پژوه، احمد آرام، احمد تفضلی، مصطفی مقربی، جواد حدیدی، قیصر امین‌پور، حمید فرزام، محمد خوانساری و عبدالقادر منیازوف، از اعضای پیوسته فرهنگستان، چهره در نقاب خاک کشیده‌اند.

فرهنگستان این **مجله‌ها** را منتشر می‌سازد: نامه فرهنگستان، مجله ادبیات تطبیقی، مجله دستور، مجله فرهنگ‌نویسی، مجله گویش‌شناسی و فرهنگستان علوم. **انتشارات فرهنگستان** نیز بخش پرکاری است که تا کنون کتابهای فراوان و ارزشمندی را به بازار نشر روانه کرده است.

* برگرفته از پایگاه اینترنتی فرهنگستان و دانشنامه ویکی‌پدیا

رودهای ایران

استاد ادیب برومند

سزد گر فرستم به زیبا سرود
بر ایران و بر رودهایش درود
همان رودهایی که در همرهی
بسی سیم ناب آورد با سرود
سلامم به رودی فروزنده‌فر
که خوانندش از فخر، «زاینده‌رود»
درودم به «کارون» کزو بهره‌هاست
به چند آبخَورد از فراز و فرود
به جان دوستدار «هراز»م که کرد
بر و بوم مازندران مُشکسود
بسی شکر دارم ز «رود سپید»
کزو خاک دیلم برانگیخت سود
به «گرگان» درود آورم با سپاس
که بس ترکمانش به صحرا ستود
گرانمایه رودی‌ست رود «ارس»
که عمران از او یافت بس رهنمود
چه گویم که از «کرخه» شد شادمند
لرستان و پیرامُنش هرچه بود

ز تهرانیان پُرس از آن کام‌بخش
که شد نامش از دیرگه «جاجرود»
«کَشَف رود» را نازم از جان و دل
که سوی خراسان همی ره گشود
چو افغانیان شادم از «هیرمند»
اگر چند افغان به سهمش فزود
ز «اروند» رودم بسی قصه‌هاست
ز دوران گُودرز و گیو و فرود[1]
فرا یادم آمد کنون رود «کر»
که در فارس جولانگری‌ها نمود
در ایران فراوان ازین رودها
فزودند از خویشتن زاد و رود[2]
سزدگر ز یزدان سپاس آوریم
به همراهی چنگ و آوای رود[3]
«ادیبا»، وطن سبز و خرم همی
بماناد در زیر چرخ کبود

پی‌نوشتها:

۱ـ گودرز و گیو و فرود: سه تن از قهرمانان ایران باستان

۲ـ زاد و رود: فرزند

۳ـ رود: نام یکی از سازها «آلات موسیقی»

ما روزنامه‌نویسان عصر پهلوی

خاطرات جهانگیر بهروز (روزنامه‌نگار قدیمی)

۴۳

در نمایشگاه بین‌المللی، وضع از آن هم بدتر بود. در آنجا زنان جوان و دختران نوجوان لهستانی به‌عنوان مترجم و همراه و... از میهمانان خارجی پذیرایی می‌کردند و بعضی در ازای غذای مجانی یا یک جفت جوراب نایلون که فقط با دلار می‌شد از فروشگاه مخصوص خارجیان خرید، آماده برای هر نوع پذیرایی بودند!

برای نشان دادن پیشرفت صنعتی لهستان، مرا به بازدید از کارخانه اتومبیل‌سازی «وارشاوا» بردند. اگر اتومبیل پابدای شوروی را در تهران ندیده بودم، شاید توضیح سخنگوی کارخانه را باور می‌کردم که لهستان جنگ‌زده چندان در صنعتی شدن پیش رفته که اتومبیل می‌سازد؛ اما به زودی دریافتم که مسکو کارخانه فرسوده پابدا را که از اتومبیل‌های فورد ۱۹۳۶ امریکایی تقلید شده بود، از دور خارج کرده و به لهستان فروخته بود و آنها آن را به عنوان صنعت اتومبیل‌سازی لهستان به رخ من می‌کشیدند!

تصوری که من از یک کشور سوسیالیستی زیر حمایت شوروی تا پیش از دیدار از لهستان داشتم، از آنچه به چشم می‌دیدم، بسیار دور بود. باید اعتراف کنم که در لهستان خیالی من، ویرانی این کشور در جنگ به حساب نیامده بود؛ زیرا از روی گزارشهای مطبوعات شوروی و انعکاس آن گزارشها در مطبوعات حزب توده، تصور می‌کردم با حمایت مسکو، از خرابیهای گذشته در ۱۵ سالی که از جنگ می‌گذشت، دیگر اثری نمانده و مردم بر روی آن ویرانه‌ها کشوری ساخته‌اند و در آزادی و رفاه در آن زندگی می‌کنند.

دیدار از لهستان ضربه‌ای سنگین و عمیق بر اعتقادات من بود. در دوران سردبیری «قیام ایران» کتابی از یک خانم نویسنده آمریکایی به‌دستم رسیده بود که سراسر ستایش از پیشرفتهای شوروی پس از جنگ بود. من با اشتیاق آن را خوانده، بخشهایی از این کتاب را ترجمه و در پاورقی روزنامه چاپ کرده بودم و اکنون به نظرم می‌آمد که چقدر به خطا رفته بودم. از آن پس دیگر نمی‌توانستم تبلیغات مسکو را دربست بپذیرم. اگرچه پس از مرگ استالین ساعتی در صف طولانی در مقابل سفارت شوروی ماندم تا دفتر یادبود را امضا کنم.

خواندنیهای امیرانی

اخراج دوباره از آیندگان، بار دیگر مرا «ممنوع‌القلم» کرد؛ یعنی دیگر مطبوعات فارسی اجازه نداشتند مطلبی با امضای جهانگیر بهروز چاپ کنند. پیش از آن من، گاه‌گاهی نوشته‌ای برای «خواندنی‌ها» می‌فرستادم و امیرانی که در انتخاب مطالب خواندنی سختگیر بود، نوشته‌های مرا بی تغییر یا جابجایی چاپ می‌کرد.

علی‌اصغر امیرانی مدیر خواندنیها مردی خودساخته و روزنامه‌نویسی کاردان بود. کارش را از خبرنگاری اطلاعات آغاز کرد و با راهنمایی و پشتیبانی مسعودی، خواندنی‌ها را راه انداخت که تا پایان عمر، چنان که در وصیت‌نامه‌اش آمده، بزرگترین مایه امید و افتخارش بود. خواندنی‌ها که عمری به میزان دوران سلطنت پهلوی دوم داشت، یکی از نشریات جدی و انتقادی زمان خود بود و نویسندگان شناخته شده‌ای چون نصرالله شیفته، عباس فروتن، محمود طلوعی و هوشنگ عسکری روزنامه‌نویسی را در مکتب خواندنی‌ها آموختند. اگرچه نتوانستند همکاری با امیرانی را ادامه دهند و از نیش قلم و مصون بمانند. آخرین سردبیر او **علی شعبانی** معروف (نویسنده نامه رشیدی مطلق) بود که وزارت اطلاعات معرفی کرده بود.

علی بهزادی یک روزنامه‌نویس برجسته، مدیر مجله سپید و سیاه، در شبه‌خاطراتش از علی‌اصغر امیرانی چنین یاد می‌کند: «امیرانی در مجله خواندنیها دو شماره در هفته و در هر شماره یک تا سه مقاله (کوتاه، متوسط و بلند) می‌نوشت. امیرانی در این مقاله‌ها در همه زمینه‌ها (اعم از مسائل ساده نظیر چراغ راهنمای چهارراهها و خط‌کشی خیابانها) و مسائل مهم مانند بودجه کشور یا سیاست واردات و صادرات، نطقهای نماینده‌های مجلس یا کارهای وزیران بحث می‌کرد و با قلم تند و تیزش همه را مورد حمله و انتقاد قرار می‌داد. در یک دوره نفوذ امیرانی به حدی رسیده بود که دولت و دستگاه ناچار بودند در تصمیم‌گیری‌های خود عکس‌العمل امیرانی را در نظر بگیرند. جالب اینجاست که این وضع در زمانی بود که امیرانی حتی زحمت رفتن به دفتر کارش در خیابان فردوسی را هم به خود نمی‌داد و کارهای مجله را با تلفن و وسایل مخابراتی و ارتباطی دیگر که در خانه‌اش واقع در قلهک انباشته بود، انجام می‌داد.» (شبه خاطرات)

امیرانی کسی را در میان روزنامه‌نویسان همتراز خود نمی‌دانست. مزدوران دولتی را «روزنامه نویس» می‌نامید. دولت شاید برای آنکه نشان دهد در ایران مطبوعات آزادند، به او اجازه می‌داد که آشکارتر از دیگران از افراد هیأت حاکمه انتقاد کند و از آنها نام ببرد.

آخرین بار امیرانی را در پارکینگ مجموعه سامان دیدم؛ زمانی که تازه از زندان آزاد شده بود. از وضعش پرسیدم، گفت: «گناهی نداشتم و آزاد شدم.» اما این زمان آزادی کوتاه بود و او دوباره بازداشت و محاکمه و محکوم گردید و اعدام شد. چند سطر که او پیش از اعدام خطاب به همسرش نوشته، چنان خوش خط و محکم است که ناگزیر همه را به تحسین وامی‌دارد. او روزنامه‌نویس کاردانی بود که به راهی نادرست رفت.

جز در خواندنیها، دیگر نوشته‌ای از من در هیچ‌یک از مطبوعات فارسی غیرحزبی چاپ نشد. اگرچه پیشه اصلی را هیچ‌گاه کنار نگذاشتم و در همه حال خود را یک روزنامه‌نگار می‌دانستم و می‌دانم. در یک نوشته کوتاه که در خواندنیها چاپ شد و اعتراض سانسورچی‌ها را در پی داشت، پیشنهاد کرده بودم که دولت باید سرانجام آموزش دمکراسی واقعی را به مردم از نقطه‌ای آغاز کند.

همین مطلب را در یک سرمقاله در «آیندگان» هم عنوان کردم، با این پیشنهاد که «انتخابات انجمن‌های شهری و استانی را آزاد بگذارید تا مردم با شیوه انتخابات آزاد آشنا شوند.» این نوشته خشم شاه را برانگیخت و هویدا از قول شاه به من اخطار داد که: «با این پیشنهاد آیا می‌خواهید ایران هم به سرنوشت فرانسه دچار شود؟» این اخطار همزمان بود با اعتصاب و اعتراض دسته‌جمعی دانشجویان علیه **ژنرال دوگل** در ۱۹۶۸ که سرانجام موجب سقوط دولت او شد. شاه به دوگل ارادتی خاص داشت و در میان رهبران غربی، تنها او را همتراز خود می‌دانست؛ اما عقب‌نشینی ناگزیرش را در برابر اعتراض‌کنندگان تأیید نمی‌کرد و اخطارش توسط هویدا به من همین بود که اگر او (شاه) هم بخواهد دمکراسی به سبک غرب را اجرا کند، سرنوشتی شبیه دوگل خواهد داشت.

امروز با گذشت زمان دیگر داوری درباره اینکه شاه یا دوگل کدام به راه درست رفتند، دشوار نیست. دوگل در برابر اعتراض وسیع دانشجویان عقب نشست. کم و بیش نظرات آنها را پذیرفت و رستگار شد؛ زیرا فرزندان و نوادگان آن دانشجویان امروز با احترام بر مزارش گل می‌گذارند. و شاه که واقعیت را نپذیرفت، دیدیم کارش به کجا کشید.

اگرچه نام من از مطبوعات فارسی به دستور شاهنشاه حذف شده بود، اما نام «اکو اف ایران» و نشریات مختلف وابسته به آن در مراکز خبری و تحقیقی غرب همچنان مطلوب بود و هر ماه خبر درخواست تازه برای اشتراک نشریات یا خرید کتابها به ما می‌رسید. انتشارات مؤسسه اکو در آن ایام چنین بود:

* یک بولتن هفتگی به نام Iran Press Digest، شامل ترجمه خلاصه مطالب مهم مطبوعات به زبان انگلیسی.

* یک مجله اقتصادی ماهانه به نام Iran Trade & Iindustry شامل اخبار و ارقام گزارش و تحقیقات اقتصادی و بازرگانی.

* یک مجله سیاسی ماهنامه به نام Monthly Echo شامل اخبار سیاسی که به علت تعطیل بولتن اکو انتشار آن قطع شد.

* یک سالنامه به نام Iran Almanac که شامل ارقام و اطلاعات گزارشهای رسمی و غیررسمی درباره فعالیتهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران در یک سال پیش از آن بود و کتابخانه‌های دانشگاههای مهم امریکا مشتری ثابت آن بودند.

* یک مجموعه دو سال یک بار شامل شرح احوال شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی، دانشگاهی، هنری و اقتصادی ایران به نام Iran Who is Who که بیوگرافی مختصر بیش از دوهزار شخصیت ایرانی را در بر می‌گرفت و مراکز خبری و روزنامه‌های مهم غربی خریدارش بودند.

به این ترتیب مؤسسه اکو با همکاری یاران لایق و پرکاری چون حسن شیدا که به زبانهای انگلیسی و فارسی تسلط داشت و امان‌الله قرشی که محققی برجسته در مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مربوط به ایران بود، انتشارات مهمی داشت که در مطبوعات آن زمان کم‌نظیر بود.

بخش عمده فعالیت مطبوعاتی من در دوران سلطنت پهلوی دوم بود که با جلوس او بر تخت پادشاهی آغاز شد و تا وداع اشک‌آلودش با سلطنت ادامه داشت. اگر سرآغاز جدی روزنامه‌نویسی مرا سردبیری قیام ایران بدانیم، این دوران سی سال بود (۱۳۲۷ـ۱۳۵۷). در این سی سال، زندگی روزنامه‌نگاری من هماهنگ با تحولات سیاسی و اجتماعی کشور فراز و نشیب زیاد داشت. در حالی که در دادگاه نظامی رژیم به زندان محکوم شده بودم، چند سال بعد بختم چندان یاری کرد که با «شاه و شهبانو» در دو مورد مختلف دست دادم!

در این سی سال در حالی که من خود را یک روزنامه‌نویس مستقل و صادق و سرفراز می‌دانستم، شاه به من عنوان «توده‌ای نفتی» داده بود، ساواک مرا عامل شوروی می‌شناخت و بعد از انقلاب به نظر دانشجویان خط امام «دوست خوب امریکا» معرفی شدم.[1]

ادامه دارد

۱. نظر شاه در حاشیه درخواست من. گفتگو با سرتیپ هاشمی رئیس اداره هشتم در لندن، بعد از انقلاب. ج۱۷، اسناد کشف شده در سفارت امریکا.

تبریز؛ میزبان بزرگترین رویداد قرآنی جهان اسلام

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل سازمان فرهنگی ـ هنری شهرداری تبریز از برگزاری چهارمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن دانشجویان مسلمان جهان در تبریز خبر داد.

سیدرضا علوی این مسابقات را یکی از بزرگترین رویدادهای قرآنی جهان اسلام خواند و افزود: تبریز به عنوان نخستین پایتخت جهان تشیع شایسته برگزاری این مسابقات است و سازمان فرهنگی ـ هنری شهرداری تمام تلاش خود را برای برگزاری مطلوب این مسابقات به کار خواهد گرفت.

او همچنین با اشاره به تاریخچه برگزاری مسابقات بین‌المللی قرآن دانشجویان مسلمان جهان در ایران گفت: این مسابقات به صورت دوسالانه برگزار می‌شود که سال ۸۵ شهر اصفهان به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام میزبان نخستین دوره مسابقات بود. در سال ۸۷، دومین دوره با همکاری شهرداری تهران در سالن همایش‌های برج میلاد برگزار شد و سومین دوره نیز سال ۸۹ به میزبانی مشهد مقدس به عنوان پایتخت معنوی برگزار شد.

وی یادآور شد: شهرداری تبریز با همکاری جهاد دانشگاهی کشور و خبرگزاری قرآنی ایکنا، از ۲۲ تا ۲۵ شهریور میزبان قاریان و حافظان دانشجو از ۵۰ کشور جهان خواهد بود و برگزاری این مسابقات افتخاری بزرگ برای شهر تبریز به شمار می‌رود.

به گفته علوی این مسابقات در راستای ترویج و اشاعه فرهنگ و مفاهیم ناب قرآن و تعالیم این کتاب آسمانی و با شرکت ۱۲۰ قاری و حافظ ممتاز و بین‌المللی قرآن از داخل و خارج کشور برگزار می‌شود.

برپایی کارگاه‌های آموزشی قرآن‌پژوهی، سخنرانی‌های تخصصی با موضوع قرآن و بیداری اسلامی و نقش قرآن در تداوم موج اسلام‌خواهی در جهان از مهم‌ترین شاخص‌های این دوره از مسابقات قرآن دانشجویان مسلمان جهان است.

ایجاد خانه طراحان مد و لباس جنوب کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: خانه طراحان مد و لباس جنوب کرمان در چارچوب سیاست‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ایجاد می‌شود.

حجت‌الاسلام احمد حسینی ـ مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی جنوب کرمان هدف از ایجاد این خانه را شناسایی استعدادها و آموزش صحیح طراحی به طراحان مد و لباس منطقه اعلام کرد و گفت: بزودی با دعوت از همه طراحان و خیاطان شاغل در بازار و طراحان تجربی این خانه فعال خواهد شد.

وی افزود: مراکز فنی و حرفه‌ای و آموزش و پرورش در راه‌اندازی این مرکز همکاری دارند و تلاش بر این است که پوششی برابر فرهنگ منطقه و همچنین مد روز طراحی و به بازار عرضه شود. در راستای سیاست‌های حوزه هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز کارگروه مد و لباس اسلامی در جنوب کرمان تشکیل شد.

بهرام مسلمی مهنی معاون فرهنگی و هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی هدف از تشکیل این کارگروه را ترویج فرهنگ اسلامی، شناسایی ترفندهای تهاجم فرهنگی، ترویج فرهنگ عفاف و حجاب و همچنین پوشش اسلامی در جهت آموزه‌های دینی اعلام کرد و گفت: تقویت حفظ پوشش‌های محلی برابر با معیارهای اسلامی، تشکیل خانه طراحان مد و لباس در جنوب استان کرمان و نیز شناسایی طراحان خلاق برای معرفی به خانه طراحان کشور از دیگر اهداف تشکیل کارگروه مد و لباس اسلامی در جنوب در کرمان است.وی تأکید کرد: طراحی مد و لباس باید به گونه‌ای باشد که جوانان بتوانند هم از جنبه اسلامی بودن لباس و هم به روز بودن آن بهره‌مند شوند.

۱۰۰۰مدرسه در مازندران به اینترنت ملی وصل می‌شود

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: همزمان با آغاز سال آینده تحصیلی بیش از ۱۰۰۰ مدرسه در مازندران به اینترنت ملی متصل می‌شوند.

مدیرکل آموزش و پرورش مازندران با اعلام این خبر، افزود: تا پایان امسال ۲۳۶۰ مدرسه در مازندران باید به اینترنت ملی وصل شود.

امیری، هوشمندسازی مدارس را یکی از اصول اساسی طرح تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت معرفی کرد و گفت: تا پایان امسال ۱۵۰۰ مدرسه در مازندران به این سامانه تجهیز خواهند شد.

وی اضافه کرد: تاکنون ۱۱۰۰ مدرسه در مازندران به سامانه هوشمند تجهیز شده که ۷۵۰ مدرسه از این تعداد مدرسه عادی و بقیه مدارس خاص هستند.

وی افزود: ۱۸۰۳ کلاس در مازندران به پایه ششم ابتدایی اختصاص یافت که تمام این کلاس‌ها هوشمند هستند.

حفر ۵۰ حلقه چاه آب در جنوب‌غرب استان تهران

بخش گلستان ـ خبرنگار اطلاعات: ۵۰ حلقه چاه در حوزه آبفای جنوب‌غرب تهران حفر شد و فعالیت ۴۰ حلقه چاه جدید در این منطقه آغاز شد.

معاون نظارت بر بهره‌برداری آبفای جنوب‌غرب استان تهران با اعلام این مطلب، افزود: چاه‌های تأمین‌کننده آب آشامیدنی با عمر بالای این حوزه رسوب‌زدایی و شستشو می‌شود.

ماجد کیاست گفت: به لحاظ تراکم جمعیتی، فصل گرما و ایام اوج مصرف آب آشامیدنی و در زمینه تأمین و تقویت و پیشگیری از هرگونه افت فشار و کمبود آب در شبکه‌های توزیع، برنامه دقیق و مطالعه شده‌ای تدارک دیده شده است که پیرو دستورالعمل زمانبندی شده در حال اجرا است.

وی با اشاره به برنامه شستشو و رسوب‌زدایی چاه‌های تأمین‌کننده آب با عمر بالا، افزود: هم‌اکنون برای افزایش میزان آبدهی چاه‌های قدیمی که به لحاظ رسوب‌گرفتگی و سایر موانع دارای میزان آبدهی پایینی هستند با برنامه شستشو و احیای پنجاه حلقه چاه شناسایی شده با اعتباری معادل ۸ میلیارد و ۵۰۰هزار میلیون ریال از محل اعتبارات جاری شرکت در دست اقدام است که پیرو برنامه‌ریزی انجام شده و قرارداد منعقده با پیمانکاران مجری طرح، کل این پروژه باید تا آخر امسال تمام و به مرحله بهره‌برداری برسد.

وی گفت: از ابتدای اجرای این طرح ۸ حلقه چاه در شهرهای رباط‌کریم، شمس‌آباد، حسن‌آباد و واوان، شستشو و احیای مجدد شده است که در مجموع آبدهی این ۸ حلقه چاه به میزان ۱۰۰ لیتر بر ثانیه افزوده شده است.

او یادآور شد: در همین زمینه برای تأمین کمی و کیفی مطلوب آب آشامیدنی شهروندان، برنامه اصلاح شبکه به طول ۱۱۰ کیلومتر و حفر و راه‌اندازی ۴۰ حلقه چاه جدید نیز در دستور کار قرار دارد و اجرای این عملیات نیز شروع شده است.

انتخابات هیات رئیسه شورای هماهنگی روابط عمومی‌های ادارات بهاباد

بهاباد یزد ـ خبرنگار اطلاعات: اولین جلسه شورای هماهنگی روابط عمومی‌های ادارات بهاباد یزد به ریاست فرماندار و با حضور رئیس روابط عمومی استانداری یزد و مسئولین و رابطین روابط عمومی ادارات در فرمانداری بهاباد برگزار شد.

فرماندار بهاباد در این جلسه با اشاره به اهمیت جایگاه روابط عمومی در دستگاه‌ها گفت: افرادی که در روابط عمومی‌ها فعالیت می‌کنند، باید بتوانند ارتباط خوب و قابل اعتمادی با مردم و مسئول دستگاه برقرار کنند.

محمدرضا هدایی، مهمترین وظیفه روابط عمومی را اطلاع‌رسانی دانست و گفت: امروزه تبلیغات حرف اول را در دنیا می‌زند و دشمنان با استفاده از رسانه‌ها جنگ‌نرم را علیه ما شروع کرده‌اند.

رئیس شورای هماهنگی روابط عمومی‌های ادارات شهرستان در ادامه با اشاره به بیانات مقام معظم رهبری در تبیین جایگاه روابط عمومی گفت: روابط عمومی‌ها باید پل ارتباطی امنی بین مردم و مسئولین باشند و با ارائه گزارش خدمات ارزنده دولت، مردم را شاد و امیدوار سازند.

در ادامه جلسه مشاور استاندار و رئیس روابط عمومی استانداری یزد توضیحاتی در رابطه با وظایف شورای هماهنگی روابط عمومی‌های ادارات شهرستان ارائه داد و گفت: استان یزد در راه‌اندازی شورای هماهنگی روابط عمومی‌های ادارات شهرستان‌ها در کشور پیشرو بوده است.

عبدالمجید قائم محمدی گفت: رفع کردن شایعات، فرهنگ‌سازی صحیح در اداره مربوط و جامعه، اطلاع از وضع همکاران و شریک شدن با آنها در غم‌ها و شادی‌هایشان از وظایف روابط عمومی است.

وی جایگاه روابط عمومی را مهم و حساس اعلام کرد و گفت: روابط عمومی‌ها چشمان بینای سازمان‌ها هستند که در مهندسی اجتماعی و فرهنگی نقش بسزایی دارند و می‌توانند به عنوان مشاور عالی، مدیر دستگاه را در انجام بهتر وظایفش یاری دهند.در پایان جلسه انتخابات هیات رئیسه شورای هماهنگی روابط عمومی‌های ادارات شهرستان بهاباد انجام شد و از بین ۹ کاندیدا، چهار نفر به عنوان عضو اصلی و دو نفر عضو علی‌البدل انتخاب شدند.

اخبار کوتاه شهرستان

رکن اصلی اعتماد عمومی، برخورد عادلانه با متخلفان است

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: رعایت قانون و اخلاق باید سرلوحه قضات و کارمندان دادگستری باشد.توکل حیدری رئیس کل دادگستری آذربایجان غربی این مطلب را در جمع رؤسا و دادستان‌های حوزه‌های قضایی استان اعلام کرد و افزود: رکن اصلی و اساسی اعتماد عمومی، برخورد عادلانه و بدون تبعیض با تمام مجرمان و متخلفان بدون در نظر گرفتن وابستگی‌ها و جایگاه سیاسی و اجتماعی آنان است.وی ادامه داد: رؤسای دادگستری و دادستان‌ها حتماً به بازرسی از شعبه‌ها توجه ویژه داشته باشند و نظارت خود را بیشتر کنند تا نقاط قوت و کاستی‌ها در این بازرسی‌ها مشخص شود.او افزود: دقت شود تا پرونده‌های خارج از صلاحیت شوراهای حل اختلاف به شوراها ارسال نشود مخصوصاً در بحث دادگاه خانواده از ظرفیت شورا استفاده شود.رؤسا و دادستان‌های حوزه‌های قضایی آذربایجان غربی در این نشست گزارشی از عملکرد خود ارائه دادند و دستورات لازم از سوی رئیس کل دادگستری آذربایجان غربی صادر شد.

همکاری فنی و حرفه‌ای گیلان با کشورهای همسایه

رشت ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل آموزش فنی و حرفه‌ای گیلان از مسئولیت این استان برای تبادل آموزش‌ها و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای با کشورهای تاجیکستان، ارمنستان، گرجستان و جمهوری آذربایجان خبر داد.رسول شمشادی گفت: نیازهای مهارت آموزشی این کشورها از طریق سفارتخانه‌های ایران ارزیابی و در اختیار این اداره کل قرار می‌گیرد.وی افزود: آموزش فنی و حرفه‌ای گیلان هم با اعزام مربی به این کشورها به علاقه‌مندان در رشته‌های مورد نظر آموزش خواهد داد.

فعالان هلال‌احمر سودان در اصفهان با مدیریت بحران آشنا شدند

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: فعالان جمعیت هلال‌احمر کشور سودان با حضور در مرکز بین‌المللی تخصصی امداد و نجات هلال‌احمر استان اصفهان، با یک دوره آموزشی مدیریت بحران آشنا شدند.

دکتر علیزاده مدیر آموزش و پرورش جمعیت هلال‌احمر استان اصفهان گفت: این یازدهمین دوره آموزشی تخصصی امداد و نجات است که با حضور فراگیر کشورهای مختلف در این مرکز برگزار می‌شود.به گفته او، شرکت‌کنندگان در این دوره آموزشی در کارگاه‌های تئوری و عملی با موضوعاتی همچون ضرورت مدیریت بحران، اصول و مفاهیم مدیریت بحران و چرخه مدیریت آن، ارزیابی و شناخت سوانح، سامانه فرماندهی سوانح ICS، جستجو و نجات، آموزش انبارداری، بی‌سیم و تجهیزات امداد و نجات آشنا شدند.در این دوره ۳۲ نفر از کارکنان و پزشکان هلال‌احمر کشور سودان از این آموزش‌ها بهره‌مند شدند.

کشت هندوانه زرد در نرماشیر

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: برای نخستین بار کشت و تولید آزمایشی هندوانه زرد یا آناناسی در شهرستان نرماشیر آغاز شد.کارشناس جهادکشاورزی نرماشیر با اشاره به کشت این محصول در سطح نیم هکتار گفت: بذر اولیه تولید این نوع هندوانه با قیمت هر کیلوگرم ۵ میلیون تومان از شهرستان چابهار استان سیستان و بلوچستان تهیه شده است.دادخدا محمدآبادی با اشاره به اقلیم متفاوت دو منطقه در یک سال گذشته، افزود: بذر اولیه این نوع هندوانه در شرایط ویژه به بار می‌نشیند که در نرماشیر در نیمه دوم اسفند است.وی با اشاره به این که سال آینده نیز ۱۰ هکتار زمین، به کشت هندوانه زرد اختصاص می‌یابد، گفت: پیش‌بینی می‌شود از هر هکتار زمین زیر کشت هندوانه زرد ۳۰ تن محصول برداشت شود.به گفته محمدآبادی این نوع هندوانه بیشتر جنبه صادراتی دارد و شرکت‌های خصوصی آنرا خریداری و به کشورهای آسیایی صادر می‌کنند.

ایجاد ۵ ایستگاه مطالعه در شهر کرمان

* پنج ایستگاه مطالعه در شهر کرمان ایجاد می‌شود.مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان کرمان با اعلام این خبر، گفت: این ایستگاه‌ها در مکان‌هایی جانمایی می‌شود که ظرفیت فعال‌سازی کتابخانه‌ها را داشته باشند.محمدجواد حسین‌زاده افزود: برای اجرای این طرح پایانه‌های مسافربری و اداراتی که مراجعه‌کنندگان زیاد دارند، مراکز بهداشتی و درمانی، مساجد و اماکن متبرکه در اولویت هستند.وی هدف از ایجاد این ایستگاه‌ها را ارتقای سطح مطالعه مفید و دسترسی آسان شهروندان به کتاب اعلام کرد و گفت: تامین کتاب و پشتیبانی از این پنج ایستگاه به صورت مستمر انجام می‌شود.به گفته حسین‌زاده برای این ایستگاه‌ها در هر دوره ۱۵ عنوان کتاب برای گروه‌های سنی مختلف و از هر عنوان ۲۰ نسخه پیش‌بینی شده است.

برگزاری مراسم بزرگداشت «عاشیق درویش» در ارومیه

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: آیین بزرگداشت عاشیق درویش وهاب‌زاده همزمان با نوزدهمین سالگرد درگذشت این هنرمند امروز در ارومیه برگزار می‌شود.

داریوش علیزاده مدیر روابط عمومی حوزه هنری آذربایجان غربی این خبر را اعلام کرد و گفت: حضور در سر مزار این هنرمند بزرگ عرصه موسیقی آذربایجان، اجرای موسیقی توسط عده‌ای از شاگردان عاشیق درویش با ساز قوپوز استاد و پخش فیلم‌هایی از اجراهای مختلف وی از برنامه‌های ویژه این مراسم است.

وی اضافه کرد: ارائه مقاله درباره زندگی عاشیق درویش و ذکر خاطره توسط افرادی که با او مانوس بوده‌اند از بخش‌های دیگر این مراسم است.

عاشیق درویش وهاب‌زاده در سال ۱۳۰۹ شمسی در روستای کردلر از توابع ارومیه چشم به جهان گشود و در ۹ مرداد ۱۳۷۲ دار فانی را وداع گفت.

توزیع مرغ یارانه‌ای در آذربایجان شرقی

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: مرغ فروشی‌های آذربایجان شرقی بر اساس تازه‌ترین تصمیمات کمیسیون تنظیم بازار یارانه‌ای مرغ شدند. رئیس سازمان صنعت معدن و تجارت آذربایجان شرقی با اشاره به کشوری بودن این تصمیم از تشدید کنترل بازار مرغ خبر داد و گفت: این سازمان با تمام توان و با همکاری اتحادیه‌ها از ایجاد خلل در بازار مرغ جلوگیری خواهد کرد.

محمدجعفر عظمایی تاکید کرد: با متخلفان و کسانی که درصدد سوءاستفاده باشند به شدت برخورد خواهد شد.

وی با اشاره به افزایش تقاضا در بازار مرغ، افزود: مردم می‌خواهند نیاز ماه مبارک رمضان را در زمان کم تامین کنند و این میزان تقاضا باعث ایجاد صف‌های طویل در مقابل فروشگاه‌های مرغ می‌شود.

به گفته او در تامین و توزیع نهاده‌های طیور بین مرغداری‌ها مشکلی وجود ندارد و در صورت متعادل شدن تقاضا نیاز آذربایجان شرقی از تولیدات داخلی قابل تامین است.

وی یادآور شد: در صورت نیاز با واردات گوشت مرغ منجمد بازار تنظیم خواهد شد.

مسعود محمدیان رئیس سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان شرقی نیز از جوجه‌ریزی ۲/۵ میلیون قطعه در خرداد خبر داد و گفت: مرغ مورد نیاز ماه مبارک رمضان تامین است.

وی با اشاره به کشتار ۲۸۶ تن مرغ در روز اول ماه مبارک رمضان، افزود: این میزان کشتار که بیشتر از روز اول ماه مبارک رمضان پارسال است، نشانگر افزایش تقاضا به دلیل شرایط روانی بازار است.

در روزهای اخیر عرضه مرغ یارانه‌ای در واحدهای فروش آذربایجان شرقی موجب ازدحام جمعیت و ایجاد صف‌های طولانی شده است که امید می‌رود با تصمیم جدید کمیسیون تنظیم بازار این مشکل برطرف شود.بنا به این گزارش هر کیلوگرم مرغ یارانه‌ای در تبریز ۴۷هزار ریال است.

آب سرشاخه‌های دز بهار سال آینده به قم می‌رسد

قم ـ خبرنگار اطلاعات: استان قم هر سال با کم‌آبی دست و پنجه نرم می‌کند، بنابراین بازنگری در مصرف آب ضروری به نظر می‌رسد.

مهندس عبدالحمید توکلی‌بینا، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان قم با بیان اینکه با آغاز فصل گرما مصرف آب در تمام شهرها رشد فزاینده‌ای به خود می‌گیرد افزود: تأمین آب همواره یکی از مشکلات اساسی در شهر و استان قم بوده است و این استان هر سال با کم‌آبی روبرو می‌شود.

وی با بیان اینکه استان قم در ۱۰ سال گذشته ۸ سال با خشکسالی مواجه بوده است، یادآور شد: تأمین آب در این سال‌ها کاری بسیار مشقت‌بار، پرزحمت و هزینه‌بار برای وزارت نیرو و متولیان بخش آب در استان بوده است.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان قم با بیان اینکه مصرف آب در چهار ماه نخست امسال حدود ۵ درصد افزایش یافته است، اضافه کرد: مصرف آب در قم این روزها به ۳۹۰۰ لیتر در ثانیه رسیده که این میزان برای شهر کم‌آبی مثل قم بسیار قابل توجه است.

وی با اشاره به اینکه در حال حاضر ۵۰ درصد آب قم از سرشاخه‌های دز تأمین می‌شود، گفت: بقیه آب مورد نیاز شهر قم از ۷۰ حلقه چاه‌های بستر رودخانه و دشت علی‌آباد تأمین می‌شود.

توکلی‌بینا با بیان اینکه کم‌آبی مخصوص استان قم و کشور ایران نیست، یادآور شد: کم‌آبی مقوله جهانی است و هر سال سران کشورها در اجلاس جهانی آب جمع می‌شوند، درباره مقابله با خشکسالی، هم‌اندیشی می‌کنند.

وی با بیان اینکه ایران نیز از کشورهای شرکت‌کننده در این اجلاس است، از ارائه طرح شبکه دوم آب قم به این اجلاس خبر داد و گفت: طرح آب و فاضلاب قم به عنوان یکی از شش طرح برگزیده ایران در اجلاس جهانی آب در کشور فرانسه شد.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان قم با بیان اینکه با افزایش جمعیت نیاز آبی مردم نیز افزایش پیدا می‌کند، افزود: با تغییرات اقلیم در چند سال گذشته دمای هوا یک درجه افزایش داشته است.

*** مصرف آب در ۴ ماه گذشته ۵ درصد افزایش یافته است**

*** مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان قم: اگر مصرف آب همین‌گونه ادامه یابد، پروژه انتقال آب از سرشاخه‌های دز به قم که برای افق ۱۴۲۰ درنظر گرفته شده است، در خوشبینانه‌ترین حالت تا سال ۱۴۱۰ می‌تواند آب مورد نیاز مردم استان را تأمین کند**

وی با اشاره به اینکه هر یک درجه افزایش دما ۱/۵ درصد مصرف آب را افزایش می‌دهد، اضافه کرد: ما باید توجه کنیم که نسل‌های آینده نیازمند آب هستند و باید از آب بهره‌مند شوند.

او استفاده سخاوتمندانه و کریمانه از آب را صحیح ندانست و یادآور شد: اگر روند افزایش مصرف آب همین‌گونه ادامه پیدا کند، پروژه انتقال آب از سرشاخه‌های دز به قم که برای افق ۱۴۲۰ یعنی ۳۰ سال آینده درنظر گرفته شده است در خوش‌بینانه‌ترین حالت تا سال ۱۴۱۰ می‌تواند آب مورد نیاز مردم قم را تأمین کند و پس از آن باید به دنبال منبع جدیدی باشیم.

وی در ادامه بر لزوم بازنگری در رفتار و ابزار مصرف آب تأکید کرد و افزود: اگر از آبی که در اختیار داریم به درستی استفاده نکنیم، حق نسل‌های آینده و فرزندان خود را ضایع خواهیم کرد.

وی استفاده از ابزارآلات کاهنده مصرف را در کاهش مصرف آب بسیار تأثیرگذار دانست و گفت: استفاده از ابزارهای کاهنده مصرف همانند شیرهای اهرمی ۵۰ تا ۷۰ درصد مصرف آب را کاهش می‌دهد.

توکلی‌بینا اضافه کرد: استفاده صحیح از آب از نظر اقتصادی نیز به صرفه خواهد بود و تأمین آب برای نسل آینده را نیز با دشواری مواجه نخواهد ساخت.

وی تأکید کرد: محور راهبردی کاهش و بهینه‌سازی مصرف آب، اصلاح فرهنگ و رفتار مصرفی در همه بخش‌ها است.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان قم در ادامه با بیان اینکه امروز آب شهر قم با زحمات و صرف هزینه‌های زیادی تأمین می‌شود، اضافه کرد: پروژه انتقال آب از سرشاخه‌های دز با بیش از ۱۰۰۰ میلیارد تومان هزینه و در مدت ۱۰ سال اجرا شده است.

او از پروژه انتقال آب از سرشاخه‌های دز به قم به عنوان یکی از بزرگترین پروژه‌های آبی خاورمیانه یاد کرد و گفت: از ۵۴ کیلومتر تونل این پروژه که به قطر ۵ متر حفر می‌شود فقط ۲۵۰ متر باقی مانده است که امیدواریم تا شهریور به پایان برسد.

توکلی‌بینا گفت: سد کوچری نیز که یکی از بخش‌های انتقال آب از سرشاخه‌های دز به قم است ۵۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد و قرار است مرحله اول آبگیری این سد تا پایان سال انجام گیرد.

وی با بیان اینکه پروژه عظیم انتقال آب از سرشاخه‌های دز در نهایت قرار است آب شهر قم و ۹ شهر دیگر را تأمین کند، افزود: با تلاش متولیان امر به ویژه مدیران شرکت آب منطقه‌ای قم بهار سال ۹۲ آب گوارا و شیرین سرشاخه‌های دز به قم خواهد رسید.او در پایان بار دیگر بر استفاده صحیح از این نعمت عظیم الهی تأکید کرد و از مردم خواست در ماه مبارک رمضان با زبان روزه برای نزول باران دعا کنند.

اختصاص اعتبار برای توسعه کشاورزی بناب

بناب ـ خبرنگار اطلاعات: فرماندار بناب از اختصاص ۲۳ میلیارد و ۷۴۰ میلیون ریال تسهیلات بانکی برای توسعه بخش کشاورزی این شهرستان خبر داد.

سعید برقی در جلسه «ستاد اجرایی توسعه بخش کشاورزی» بناب گفت: این مبلغ در قالب ۹۹ پرونده به تصویب رسیده است.

وی اعلام کرد: از این تعداد ۵۴ پرونده به بانک کشاورزی بناب ارسال شده است و ۱۳ فقره نیز برای تصویب به ستاد اجرایی توسعه بخش کشاورزی استان آذربایجان‌شرقی ارجاع شده است.

به گفته برقی، بانک کشاورزی بناب تاکنون فقط به ۷ پرونده به ارزش ۴۸۲ میلیون ریال تسهیلات پرداخت کرده است که رقم ناچیزی است. وی باشاره به این‌که بیش از ۴۰ درصد جمعیت شهرستان بناب در روستاها ساکن هستند و بیشتر آنها به شغل کشاورزی مشغولند، خواهان حمایت و پشتیبانی از کشاورزان شد.

او یادآور شد: با وجود توسعه نسبتاً خوب بخش کشاورزی در بناب باید برای حل مشکلات و موانع موجود در این بخش بیش از پیش تلاش و برنامه‌ریزی شود.

فرماندار بناب از کشاورزان خواست با مصرف بهینه منابع آب و استفاده از روش‌های نوین کشاورزی، راندمان و کیفیت تولید محصولات را بالا ببرند.

برقی همچنین با اشاره به نقش مهم تولید مواد غذایی بر لزوم ترغیب جوانان علاقه‌مند و جویای کار به فعالیت در بخش کشاورزی تأکید کرد.

مدیر جهاد کشاورزی بناب هم در این نشست از وجود ۵۸ متقاضی تولید محصولات گلخانه‌ای در شهرستان خبر داد و گفت: این عده که بیشتر آنها دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی هستند، در انتظار واگذاری زمین مناسب و گرفتن مجوز برای ایجاد گلخانه به سر می‌برند.

جعفر صادقی روند استقبال از کشت زعفران در بناب را مطلوب ارزیابی کرد و گفت: سهم کل استان برای کشت زعفران ۲ هکتار است که در صورت تامین منابع آب برای این محصول ارزشمند، میزان سطح زیرکشت در بناب محدودیتی ندارد. وی از اداره منابع طبیعی خواست زمین‌های بدون معارض را در اسرع وقت به جهاد کشاورزی معرفی کند تا برای فعالیت به کشاورزان و دامداران منطقه واگذار شود.

صادقی همچنین باشاره به درخواست گسترده کشاورزان بناب برای خرید تراکتور، گفت: متأسفانه قانون الزام وجود نیم هکتار زمین کشاورزی برای هر اسب بخار تراکتور، دست و پای کشاورزانی را که زمین کمتری دارند، بسته است و باید این قانون اصلاح شود تا کشاورزان بنابی هم از تراکتور بهره‌مند شوند.

به گفته وی از ابتدای امسال تاکنون ۲۵ پرونده متقاضیان تسهیلات بانکی برای خرید تراکتور در بانک کشاورزی بناب متوقف شده است.

مدیر جهاد کشاورزی بناب در حاشیه این نشست در جمع خبرنگاران با انتقاد از کشاورزانی که بدون اخذ مجوز تغییر کاربری، اقدام به ساخت خانه باغ و نصب انشعاب برق می‌کنند؛ گفت: کشاورزان قبل از هرگونه ساخت خانه باغ باید با مراجعه به جهاد کشاورزی شهرستان، مجوز تغییر کاربری دریافت کنند تا تعرفه برق آنها کشاورزی محاسبه شود و متحمل تعرفه سنگین برق تجاری نشوند.

اخبار کوتاه شهرستان

نشست هم‌اندیشی مبارزه با قاچاق کالا در نیشابور

نیشابور ـ خبرنگار اطلاعات: نشست مسئولان پایانه‌ها و شرکت‌های حمل و نقل با مسئولان انتظامی نیشابور با هدف آشنایی با شرکت‌ها با قانون جدید مبارزه با قاچاق کالا و ارز برگزار شد.

فرمانده انتظامی نیشابور در این جلسه به برخورد قاطع با جرائم اقتصادی تأکید کرد و گفت: با توجه به نامگذاری سال ۱۳۹۱ با عنوان تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، پلیس تمام تلاش خود را برای بسترسازی و تحقق این شعار در حوزه مأموریت‌های خویش به کار گرفته است.سرهنگ محمدحسن امیری با اشاره به اینکه پدیده قاچاق کالا یکی از چالش‌ها و موانع مهم رشد و شکوفایی اقتصادی است، افزود: پایانه‌ها و ناوگان حمل و نقل به منزله شریان‌های حیاتی در اقتصاد کشور مطرح است.وی تأکید کرد: تمام ارگان‌ها و شرکت‌ها باید برای ایجاد شکوفایی اقتصادی همکاری و تعامل مؤثری با پلیس داشته باشند.وی با تشریح قانون جدید مبارزه با قاچاق کالا و ارز، گفت: امنیت شرط اصلی حمایت از تولید و کار و سرمایه ایرانی است و پلیس امروزه با فعالیتی جهادگونه برای پاسداشت از سرمایه ملی تلاش می‌کند.امیری افزایش کشفیات قاچاق کالا و ارز پلیس را نشانه عزم و تلاش جدی پلیس شهرستان برای امنیت اقتصادی و برخورد با جرائم اقتصادی دانست و خواستار تلاش همه‌جانبه نهادها در این زمینه شد.

انسداد چاه‌های آب شور قائمشهر و نوشهر

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: ٤ حلقه چاه آب شور در مازندران با اعتبار ۲ میلیارد ریال امسال مسدود می‌شود.این چاه‌ها در قائمشهر و نوشهر قرار دارند و تاکنون عملیات اجرایی انسداد ۲ حلقه از آنها به پایان رسیده و عملیات اجرایی انسداد ۲ حلقه دیگر در دست اجرا است که ماه‌های آینده به پایان می‌رسد.این چاه‌ها موجب آلوده کردن آب چاه‌های مجاور و همچنین بایر ماندن اراضی کشاورزی و غیرقابل استفاده شدن بخشی از چاه‌های اطراف شده بودند و شرکت آب منطقه‌ای مازندران از محل اعتبارات طرح تعادل بخشی آب زیرزمینی خود نسبت به انسداد آنها اقدام کرد.

خانه اسکواش مازندران به بهره‌برداری رسید

*خانه اسکواش مازندران با بهره‌برداری از سه کورت مجزا در زمینی به مساحت ۹۰۰ مترمربع و با اعتبار ۸۰۰میلیون تومان به بهره‌برداری رسید.رئیس هیأت اسکواش مازندران در این مراسم گفت: با بهره‌برداری از این سالن تخصصی، مشکل کمبود مکان اختصاصی برای انجام حرفه‌ای این ورزش در استان تا حدود زیادی برطرف می‌شود.احمدی افزود: در حال حاضر اسکواش در هفت شهر مازندران به طور نیمه‌حرفه‌ای دنبال می‌شود و بیش از ۱۰۰ ورزشکار سازمان‌یافته در این رشته فعالند که با شروع فعالیت این خانه تخصصی، بیش از ۵۰۰ ورزشکار در این رشته فعالیت خواهند کرد.

افتتاح ۲۹۳ طرح اشتغال بهزیستی لنجان

زرین‌شهر ـ خبرنگار اطلاعات: ۲۹۳ طرح اشتغال با اعتبار ۸ میلیارد ریال توسط اداره بهزیستی لنجان افتتاح شد.رئیس اداره بهزیستی شهرستان لنجان گفت: در هفته بهزیستی ۹ برنامه متنوع ارائه شد که از مهمترین آنها ایجاد ۲۹۳ طرح اشتغال ویژه مددجویان زیر پوشش، افتتاح ۱۹ واحد مسکونی مهر و مددجویی با اعتبار ٦٤٠ میلیون ریال و توزیع اقلام جهیزیه به مددجویان بود.صادقی افزود: در ماه مبارک رمضان این اداره نسبت به توزیع سبد کالا که شامل مایحتاج ضروری مددجویان است اقدام کرده و غذای طبخ شده برای مصرف افطاری در در منازل توزیع می‌شود.

وی از خیرین خواست کمک‌های خود به مددجویان را به شماره حساب ۲۳٤٥٠٣٥٣٣٨ (حساب جام ملت) واریز کنند.

فعالیت ۳۳ کانون فرهنگی - هنری مساجد در نایین و خور و بیابانک

نایین ـ خبرنگار اطلاعات: مسئول امورکانون‌های مساجد شهرستان‌های نایین و خوروبیابانک گفت: ۳۳ کانون فرهنگی – هنری مساجد این شهرستان‌ها امسال به انجام فعالیت در طول ماه مبارک رمضان می‌پردازند. کریم پور بافرانی درجلسه کانون‌های فرهنگی – هنری مساجد در محل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی نایین افزود: از این تعداد ١٤ کانون در شهرستان خوروبیابانک و ۱۹ کانون در شهرستان نایین مشغول فعالیت هستند. وی به فعالیت‌های کانون‌های مساجد درطول ماه مبارک رمضان اشاره کرد و گفت: برگزاری نشست‌های مذهبی، جزء خوانی قرآن، جلسات پرسش و پاسخ مذهبی، مهدویت و تفسیر قرآن برای برادران و خواهران از جمله برنامه‌های کانون‌ها درطول ماه مبارک رمضان در نایین و خوروبیابانک است.

برپایی نمایشگاه قرآن و عترت خوزستان

اهواز ـ خبرنگار اطلاعات: ششمین نمایشگاه قرآن و عترت خوزستان آغاز به کار کرد. حجت‌الاسلام سپهر مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان در مراسم آغاز به کار این نمایشگاه به عرضه ۱۳ هزار عنوان کتاب، نرم‌افزار و نشریه در خصوص مسائل قرآنی و مذهبی اشاره کرد و گفت: ۸۰۰ عنوان کتاب قرآنی و دینی به زبان عربی، بیش از ۱۵ هزار عنوان تفسیر قرآن، نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه ۱۰۰۰ نرم‌افزار قرآنی ویژه بزرگسالان و کودکان با ٤٠ درصد تخفیف در این نمایشگاه ارائه می‌شود. او به غرفه‌های موجود در این نمایشگاه اشاره کرد و گفت: غرفه محصولات عفاف و حجاب، تابلوهای قرآنی، غرفه اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران خوزستان، غرفه ستاد بازسازی عتبات عالیات استان، غرفه‌های ستاد اقامه نماز و ستاد از جمله این غرفه‌ها است. وی افزود: برگزاری محافل قرآنی با حضور قاریان ممتاز استانی، اجرای تواشیح توسط گروه‌های برتر استانی و کشوری، برگزاری مسابقات قرآنی و دینی در نمایشگاه و دعوت از سخنرانان برجسته استانی، استانی حوزه و دانشگاه از جمله برنامه‌های جنبی نمایشگاه قرآن و عترت است. در مراسم آغاز به کار این نمایشگاه که روحانیون، استادان دانشگاه و مسئولان کشوری حضور داشتند آیت‌الله موسوی جزایری نماینده ولی فقیه در خوزستان و امام جمعه اهواز افتتاح نمایشگاه‌های قرآنی را یکی از نعمت‌های الهی برشمرد و گفت: از مهمترین اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی از ابتدا تربیت نفوس، تزکیه قلوب با روی آوردن به قرآن و اهل بیت (ع) بوده که بحمدالله تحقق یافته است. وی اظهار امیدواری کرد: امید است جوانان ما در سایه این قرآن و عترت و روی آوردن به آن بتوانند مدارج تعالی را طی کنند.

ششمین نمایشگاه قرآن و عترت خوزستان تا ١٦ مرداد در موزه هنرهای معاصر اهواز پذیرای علاقه‌مندان است.

برگزاری سومین جشنواره سراسری یادمان ولایت با مشارکت ٦ استان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: سومین جشنواره سراسری یادمان ولایت با مشارکت شش استان آبان برگزار می‌شود. حجت‌الاسلام احمدحسینی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی جنوب کرمان با اعلام این خبر، گفت: این جشنواره متفاوت از سال‌های پیش و با موضوعات و برنامه‌های ویژه در همه استان‌های کشور برگزار می‌شود و آیین پایانی آن نیز ۳۰ آبان در جیرفت برگزار خواهد شد. وی افزود: این جشنواره در شش موضوع، برگزار خواهد شد. به گفته وی استان خراسان رضوی با موضوع قرائت قرآن در ١٤ آبان استان گلستان با موضوع نقاشی در ١٥ آبان و آذربایجان غربی با موضوع شعر آذری در ١٦ آبان میزبانی مرحله مقدماتی جشنواره را برعهده دارند و استان قزوین با موضوع عکس در ١٧ آبان، خوزستان در شعر عربی ٢٩ آبان و جنوب کرمان در شعر فارسی ٢٩ آبان برگزاری مسابقات در بخش‌های مختلف را برعهده خواهند داشت. سومین جشنواره سراسری یادمان ولایت با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، استانداری کرمان، فرمانداری و دفتر امام جمعه جیرفت، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی جنوب کرمان و مؤسسه فرهنگی و هنری یادمان ولایت برگزار می‌شود.

ارائه تسهیلات ویژه سفر به کیش به کرمانی‌ها

*تسهیلات ویژه سفر به جزیره کیش با هدف توسعه گردشگری داخلی به مردم کرمان اعطا می‌شود.

نایب رئیس کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان کرمان با اعلام این خبر، گفت: این تسهیلات از سوی دفاتر خدمات مسافرتی به هم استانی‌ها ارائه خواهد شد. مسعود دهقانی افزود: تسهیلات سفر به کیش، در قالب اقساط بلند مدت و تخفیف ویژه به مسافران خواهد بود. به گفته وی هدف از اعطای تسهیلات برای سفر کیش توسعه گردشگری داخلی و رونق بازار صنایع دستی بومی و محلی و پایین آوردن هزینه‌های سفر به منظور تشویق و ترغیب مردم به سمت سفر و گردش است. دهقانی توسعه گردشگری داخلی را پیش شرط توسعه گردشگری خارجی و عاملی برای ورود گردشگر به کشور دانست و اعلام کرد: در پانزدهمین جشنواره تابستانی کیش ویژه برنامه‌هایی مانند برگزاری جُنگ‌ها و ایستگاه‌های شادی، اجرای موسیقی سنتی پاپ و محلی پیش‌بینی شده است. او با اشاره به برگزاری جُنگ‌های شبانه در تالار شهر این جزیره مرجانی، افزود: اهدای جوایز ویژه مانند خودرو و لوازم خانگی از جمله برنامه‌های جنبی این جنگ‌ها است.

اخبار کوتاه حوادث

کشف ۵۹ هزار قلم دارو و مکمل ورزشی غیرمجاز در خراسان رضوی

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: دبیر کمیسیون مبارزه با قاچاق کالا و ارز خراسان رضوی از کشف ۵۹ هزار و ۵۱۷ قلم دارو و مکمل ورزشی غیرمجاز در چهار ماه گذشته خبر داد.

پرویز فروزانفر با اشاره به فعالیت ۱۱۰۰ باشگاه ورزشی در مشهد، اظهار داشت: طبق بررسی‌های به عمل آمده، از این تعداد ۴۰۰ باشگاه بدون داشتن هرگونه مجوزی از مراجع ذیربط فعالیت می‌کنند.

وی افزود: البته اعتبار مجوز تعدادی از ۷۰۰ باشگاه دارای مجوز نیز به پایان رسیده است که صاحبان آنها هنوز نسبت به تمدید آن اقدام نکرده‌اند. وی از باشگاه‌های بدون مجوز به عنوان یکی از عمده‌ترین محل‌های عرضه و تجویز این مکمل‌ها یاد کرد و افزود: با برگزاری یک همایش، برای جلب مشارکت مسئولان باشگاه‌ها برای اجباری شدن حضور آنان در دوره‌های آموزشی تلاش می‌کنیم. فروزانفر با استناد به دستورالعمل ۶ خرداد امسال معاونت غذا و داروی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تصریح کرد: طبق این دستورالعمل توزیع هرگونه مکمل غذایی و ورزشی در هر مکانی به جز داروخانه‌ها ممنوع است. وی ادامه داد: مسئولان داروخانه‌ها نیز تا ۱۵ مرداد فرصت دارند تا نسبت به دریافت کد رهگیری تعریف شده در طرح شبنم اقدام کنند. وی ضمن تاکید بر آسیب‌های جسمی وارد شده به مصرف کنندگان مکمل‌های ورزشی خاطرنشان کرد: اطلاع‌رسانی در مورد مضرات جبران‌ناپذیر این مواد با کمک صدا و سیما، رسانه‌های استانی، محلی، آموزش و پرورش و نیز چاپ و نصب پوسترهای هشدار دهنده در باشگاه‌ها در دستور کار قرار داد.

دستگیری اعضای شبکه سارقان موتورسیکلت در لنجان

اصفهان– خبرنگار اطلاعات: شبکه سارقان موتورسیکلت در شهرستان لنجان استان اصفهان شناسایی و متلاشی شد.

سرهنگ علی فروغ‌نیا فرمانده انتظامی شهرستان لنجان استان اصفهان با اعلام این خبر افزود: با کسب خبر وقوع چندین فقره سرقت موتورسیکلت دراین شهرستان، با ردیابی ماموران، اعضای شبکه هفت نفری سارقان شناسایی شدند

به گفته او پس از هماهنگی‌های قضایی در یک عملیات غافلگیرانه هفت متهم به نام‌های تیمور، بابک، داریوش، منصور، اسکندر، سعید و شهرام دستگیر و یک دستگاه موتورسیکلت مسروقه و تجهیزات اوراق شده موتورسیکلت و مقادیری مواد مخدر از محل اختفای آنان کشف و ضبط شد.

دستگیری ۳ قاچاقچی زن در لنجان

*سه قاچاقچی زن که در شهرستان لنجان مواد مخدر خرید و فروش می‌کردند، با تلاش مأموران فرماندهی انتظامی این شهرستان دستگیر و در بازرسی از این مجرمان ۱۶ کیلوگرم تریاک کشف و ضبط شد.

سرهنگ علی فروغ‌نیا فرمانده انتظامی شهرستان لنجان دراین‌باره گفت: به دنبال کسب خبری مبنی بر این که دو زن در شهر چرمهین مبادرت به فروش مواد مخدر به صورت گسترده می‌کنند بررسی موضوع در دستور کار قرار گرفت. به گفته او مأموران با تحقیقات نامحسوس دو قاچاقچی زن را هنگام فروش مواد مخدر به زن دیگری به نام لاله شناسایی و هر سه زن قاچاقچی را دستگیر کردند.

وی افزود: در بازرسی از این قاچاقچیان ۱۵ کیلو و ۹۰۰ گرم تریاک بسته‌بندی شده و ۱۰ گرم سوخته تریاک کشف و ضبط شد.

دستگیری ۷ سارق در قزوین

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: فرمانده نیروی انتظامی استان قزوین از دستگیر شدن ۷ سارق هنگام ارتکاب سرقت در این استان خبر داد.

سردار مسعود جعفری نسب با اشاره به دستگیری دو سارق کابل برق در شهرستان البرز گفت: با تلاش مأموران پلیس آگاهی شهرستان البرز سارقان سیم‌های برق که در استان البرز فعالیت می‌کردند، هنگام سرقت از کابل‌های برق سطح شهر در شهرستان البرز قزوین دستگیر شدند.

وی افزود: در بازرسی از خودرو سارقان، ۶۰ متر کابل، دو عدد قیچی بزرگ و تعدادی دستکش کشف و ضبط شد و متهمان نیز در بازجویی پلیس به ارتکاب ۳۱ فقره سرقت سیم برق در استان‌های البرز و قزوین اعتراف کردند. وی به دستگیری دو سارق سیم برق در شهرستان بوئین‌زهرا و دو سارق دوچرخه در قزوین اشاره کرد و افزود: در عملیات دیگر مأموران کلانتری ۱۳ قزوین نیز موفق به دستگیری یک سارق سابقه‌دار لوازم خودرو شدند که او به سرقت چهار فقره لوازم داخلی و لوازم و قطعات خودرو اعتراف کرد.

خودکفایی مازندران در طراحی و اجرای سازه‌های عمرانی

تنکابن ـ خبرنگار اطلاعات: مازندران در طراحی و اجرای سازه‌های عمرانی به خودکفایی رسیده است. و فقط در زمینه سدسازی نیازمند تلاش و همت بیشتری هستیم.

معاون عمرانی استاندار مازندران در مراسم کلنگ‌زنی پروژه عظیم پل چهارم چشمه کیله و بهره‌برداری از پل واچک تنکابن، با اعلام این مطلب، گفت: توسعه شهری در سایه تخصص و در گرو تعامل مثبت تمام اجزای شهر است و ما نمی‌توانیم شهری را بدون داشتن این شاخصه‌ها توسعه یافته تصور کنیم بنابراین تمام اجزای شهر باید در قالب یک سیستم جامع با همفکری و دیدگاه سیستمی قرار گیرند.

مهندس عیسی هاشمی در ادامه افزود: در نظام مقدس جمهوری اسلامی و همچنین بنابر تأکید مقام معظم رهبری باید تلاش کنیم ایرانی بسازیم که هر بیگانه‌ای به آن می‌نگرد به قدرت و توانمندی‌های آن به وضوح واقف شود و در این راه باید از تمام ظرفیت‌های موجود بهره‌گیری کنیم.

وی با تأکید بر اینکه در راستای ساماندهی مشکل و معضلات ترافیک در غرب مازندران بحث احداث کمربندی شهرهای رامسر و تنکابن و نشتارود عملیاتی شده‌اند، افزود: به‌زودی عملیات ساخت کنارگذر سلمانشهر و عباس‌آباد نیز وارد مرحله اجرایی می‌شود و باتوجه به اینکه بزودی تا پایان نیمه نخست امسال قطعه ٤ آزادراه تهران ـ شمال به بهره‌برداری می‌رسد، از مدیران و مسئولان منطقه غرب استان می‌خواهیم از تمام ظرفیت‌های منطقه در ساخت کنارگذرهای شهری برای پذیرش گردشگران و پیشگیری ترافیک بهره‌گیری کنند.

رئیس شورای اسلامی شهر تنکابن نیز گفت: با اجرای پل چهارم چشمه کیله یکی از آرزوهای دیرینه مردم مبنی بر حل مشکل ترافیک شهر محقق می‌شود.

مهندس نیکفرجام مدت اجرای این پروژه را که با نصب روزشمار در محل پروژه مشخص شده است، ۱۸۸ روز (حدود ٦ماه) اعلام کرد و افزود: پروژه پل چهارم چشمه کیله به طول ۱۳۲ متر و عرض ۲۱ متر که ۱٦ متر آن سواره و دارای پایه‌های بتنی و سازه عرشه نیز فلزی است که در دهانه رودخانه چشمه کیله و حریم دریا در حال اجرا است و تکمیل‌کننده کنارگذر ساحلی شهر است.

الزام‌های قانونی، توزیع اعتبارات را در سمنان مشکل کرده است

سمنان ـ خبرنگار اطلاعات: الزامات قانونی، مدیریتی و مصوبات دولت از مواردی است که کار بودجه‌ریزی و توزیع اعتبارات را مشکل کرده است.

معاون برنامه‌ریزی استانداری در جلسه شورای برنامه‌ریزی استان سمنان با اشاره به این‌که اعتبارات تملک دارایی امسال این استان با رشد ٤١ درصد نسبت به پارسال بیش از ۱۰۸۸ میلیارد ریال است، افزود: اعتبارات هزینه‌ای استان سمنان امسال نیز ۸۱۷ میلیارد ریال است.

مهندس مفیدغلامی رشد اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی امسال استان سمنان را ۲۳/۵ درصد ذکر کرد و از دستگاه‌های اجرایی خواست نهایت تلاش را برای جذب و تخصیص کامل این اعتبارات به کار گیرند.

وی متوسط رشد اعتبارات امسال استان‌های کشور را ۱٦/۷ درصد اعلام کرد و با اشاره به رشد ٦۲ درصدی درآمدهای استان سمنان در سال ۹۰ اظهار داشت: درآمد پارسال استان ۲۰۹ میلیارد تومان بود که باتوجه به اهمیت درآمدزایی بیشتر، نهضت درآمدزایی در استان سمنان باید ایجاد شود.

وی با بیان این‌که در بودجه امسال ۲۹٦ میلیارد ریال برای توسعه روستاها درنظر گرفته شده است، یادآور شد: ۲۷ درصد اعتبارات تملک دارایی به توسعه روستاها اختصاص یافته در حالی که روستاها ۲۵ درصد جمعیت استان سمنان را در خود جای داده‌اند.

وی با اشاره به لزوم عملکرد انقباضی دستگاه‌های اجرایی در استفاده از اعتبارات هزینه‌ای، تأکید کرد: باتوجه به شرایط کشور، دستگاه‌های اجرایی فقط در موارد اجتناب‌ناپذیر از اعتبارات هزینه کنند.

او بودجه‌ریزی را در شرایط فعلی کشور مشکل برشمرد و اضافه کرد: الزامات قانونی، مدیریتی و مصوبات دولت، به دلیل این‌که بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها در گذشته انجام شده، از مواردی است که کار بودجه‌ریزی و توزیع اعتبارات را مشکل کرده است.

در این جلسه از کل بودجه ۹۱٦ میلیارد ریالی تملک دارایی توزیعی امسال استان سمنان، سهم سمنان ۱۵۵ میلیارد ریال، دامغان ۱٤۲ میلیارد ریال، و مهدیشهر و گرمسار هر کدام ۹۵ میلیارد ریال، شاهرود ۲۵۳ میلیارد ریال، میامی ٦۵ میلیارد ریال و سهم آرادان ۵۰ میلیارد ریال اعلام شد.

۳ مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای در استان اصفهان گشایش می‌یابد

اصفهان – خبرنگار اطلاعات: همزمان با چهارمین دور سفر رئیس‌جمهوری به‌استان‌اصفهان، مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهرستان‌های خور و بیابانک، دهاقان و مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهر گز از توابع شهرستان برخوار افتتاح خواهد شد.

مدیر کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان اصفهان با بیان اینکه این طرح‌ها از مصوبه‌های سفرهای رئیس جمهوری به استان اصفهان است اضافه کرد: با افتتاح مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهرستان خور و بیابانک، تمام شهرستان‌های استان حداقل دارای یک مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای خواهند شد.

محمد علی زارع افزود: اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان اصفهان ٤۱۱ حرفه را با ٦۲۲ مربی در مراکز آموزشی خود، آموزش می‌دهد. وی، شمار افرادی که پارسال آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای استان فرا گرفته‌اند، افزون بر ۱۷۵ هزار نفر اعلام کرد و گفت: به طور متوسط ۲۵ درصد این افراد جذب بازار کار می‌شوند.

وی از برنامه‌های امسال این اداره کل را ایجاد رشته‌های تقاضا محور برای افزایش جذب حرفه آموزان به بازار کار اعلام کرد. زارع به ۱۳۸٦ آموزشگاه آزاد فعال فنی و حرفه‌ای استان که زیر نظر این اداره کل هستند اشاره کرد و گفت: آموزشگاه‌های آزاد فنی و حرفه‌ای استان در بخش خدمات تقریبا اشباع شده است و این اداره کل مجوز ایجاد آموزشگاه آزاد فنی و حرفه‌ای برای آموزش رشته‌های خدماتی را صادر نمی‌کند ولی مجوز رشته‌های فنی را صادر می‌کند.

او از اجرای طرح (مهندسان فردا) برای نهادینه کردن فرهنگ مهارت آموزی ویژه دانش آموزان مقاطع دبستان، راهنمایی و دبیرستان خبر داد و گفت: این طرح در رشته‌هایی همچون روباتیک که موجب تقویت خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان می‌شود، ارائه می‌شود. به گفته مدیر کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان اصفهان، طرح (مهندسان فردا) از امسال در آموزشگاه‌های آزاد که زیر نظر این اداره کل هستند اجرا می‌شود و در طول سال هم ادامه خواهد داشت. زارع از ارائه دوره‌های آموزشی برای اتباع خارجی که دفتر امور خارجی استانداری به این اداره کل معرفی کند نیز خبر داد و گفت: این دوره‌های آموزشی زیر نظر و با هزینه سازمان ملل متحد انجام می‌شود. به گفته وی، پارسال ۲۱٦ نفر از اتباع خارجی آموزش‌های مهارت را فرا گرفتند.

خط ارتباطی اطلاعات بامردم

۲ تا ۷ بعدازظهر بجز پنجشنبه و تعطیلات

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

از خوانندگان محترم شهرستانی تقاضا دارد در پیام های خود، نام شهرستان مربوطه را ذکر کنند

بقیه از صفحه ۱۳

پرداخت ارز دانشجویی تسهیل شود

وزارت علوم برای معرفی دانشجویان به بانک برای دریافت ارز دانشجویی، مدارکی را طلب و با دریافت آن‌ها، معرفی‌نامه را صادر می‌کند. حال آنکه بانک‌های خصوصی برای پرداخت ارز دانشجویی، مجدد همان مدارک را می‌خواهند که دوباره‌کاری و تهیه آن زمانبر است. از مسئولان تقاضای تسهیل در پرداخت ارز دانشجویی را دارم.

پدر یک دانشجوی مقیم خارج از کشور

بر مطالبات بازنشستگان کشوری اضافه شد!

بازنشستگان کشوری به لطف دولت عدالت‌محور نه تنها معوقات سال‌های ۸٦ و ۸۷ خود را دریافت نکردند، بلکه با پرداخت نشدن افزایش ۱۵ درصدی حقوقشان در سه ماهه اول سال، بر مطالباتشان اضافه شده است که جای بسی سپاس و تشکر دارد!

چند تماس تلفنی با خط ارتباطی

لزوم تعدیل قیمت گاز

اسفند پارسال برای خانواده ۳ نفری ما ٤۰۰ هزار تومان پول گاز آمد و وقتی اعتراض کردیم، مسئولان مربوط اظهار داشتند که خانه ما تک واحدی است. آیا این دلیل درست و قانع کننده است؟ از شرکت گاز گیلان تقاضای تجدیدنظر در نرخ گاز مصرفی را داریم.

رشت ـ مشترک گاز

روزنامه اطلاعات به ارتقای فرهنگ کتابخوانی کمک می‌کند

از روزنامه اطلاعات تشکر می‌کنم که با چاپ گزارش‌های جذاب و خواندنی درباره کتابخوانی، به ارتقای فرهنگ آن در بین مردم کمک می‌کند، امیدوارم چنین مطالبی به صورت مداوم نگاشته شود.

صحرایی

نشانی ایمیل آقای بهروز چاپ شود

در پاورقی «ما روزنامه‌نویسان عصر پهلوی» نوشته جهانگیر بهروز، مطالب بسیار جالب و به یادماندنی چاپ می‌شود. خواهشمندم نشانی ایمیل آقای بهروز را زیر نام ایشان چاپ کنید تا خوانندگان بتوانند از این طریق با او ارتباط برقرار کنند. زیرا به نظر می‌رسد برخی مطالب در عین زیبا بودن، جابه‌جا چاپ می‌شود که علاقه‌مندیم به اطلاع وی برسانیم!

لاجوردی

خودکفایی در تولید خوراک مرغ!

پیشنهاد می‌کنم با توجه به اعلام رسانه‌ها مبنی بر اینکه در همه چیز خودکفا شدیم، در زمینه تولید کنجاله که خوراک اصلی دام و طیور هست نیز به خودکفایی برسیم تا مجبور نباشیم مرغ را کیلویی ۷۰۰۰ تومان بخریم یا برای خرید ارزان‌تر آن، در صف‌های طویل بایستیم.

یک شهروند

چرا دولت به مشکلات بازنشستگان رسیدگی نمی‌کند؟

داستان بیمه طلایی بازنشستگان کشوری ناتمام باقی ماند، مطالبات سال‌های ۸٦ و ۸۷ آنان هم پرداخت نشد و از سبد کالای ماه رمضان هم که دیگر خبری نیست. آیا دولت به قشر بازنشسته مثل فرزند ناتنی خود می‌نگرد که اگر پاسخ منفی است، چرا به مشکلات آنان رسیدگی نمی‌کند؟

بازنشسته کشوری

تقاضا از طراح جدول‌های روزنامه

لطفاً از طراح جدول روزنامه اطلاعات بخواهید سؤالاتی طرح کند که آگاهی طرفداران جدول را درباره مملکت خود افزایش دهد، حال آنکه بیشتر سؤالات درباره فیلم‌ها، نویسندگان، کارگردانان و کوه‌های کشورهای بیگانه است!

از علاقه‌مندان به جدول‌های روزنامه

وزارت بهداشت و درمان رسیدگی کند

در میدان رسالت و خیابان‌های شهید مدنی و سمنگان، عده‌ای دست‌فروش مشغول عرضه لباس‌های دست دوم خارجی هستند. این لباس‌ها غالباً آلودگی‌هایی را به انسان منتقل می‌کند و موجب ابتلا به بیماری‌های پوستی می‌شود. از وزارت بهداشت و درمان خواهشمندم به این معضل رسیدگی کند.

تلفن به خط ارتباطی

شمیرانات غلط است!

همان طور که گفتن شهرستان «البرزات»، و یا «دماوندات» و یا «ری‌ات» غلط است، به شهرستان شمیران هم نمی‌توان «شمیرانات» گفت، بلکه بهتر است به جای به کار بردن این واژه غلط، کلمه درست «شمیران» را به کار بست و نیز از گفتن کلمه عامیانه «شمرون» خودداری کرد.

از اهالی شمیران

خط ارتباطی: «شمیرانات» اصطلاحی است متداول از زمان‌های قدیم که شامل مجموعه آبادی‌های شمیران، لواسان و رودبار قصران می‌شود.

۲ سطل آب برای خاموش کردن آتش کشتزار هزینه‌ها!

افزایش ۱۵درصدی حقوق بازنشستگان کشوری مانند چند سطل آب است که بر کشتزار سوزان هزینه‌های زندگی پاشیده می‌شود که نه تنها این آتش فرو نمی‌نشیند، بلکه متاسفانه دامنه‌اش روز به روز گسترده‌تر می‌شود.

بازنشسته کشوری

خبرنگارانی که تغییر شخصیت داده‌اند

برخی از خبرنگاران واحد مرکزی خبر و مجریان صدا و سیما که قبلاً شخصیت متین و باوقار و رفتاری رسمی داشتند، نمی‌دانم چرا یکباره تغییر شخصیت داده‌اند و حرکات سبک و شوخی‌های مبتذل دارند که حتی در برابر مسئولان کشور نیز از این اعمال خارج از ادب و نزاکت دست بر نمی‌دارند. بهتر است صدا و سیما به خبرنگاران و مجریان یادشده تذکر دهد از خطوط قرمز مصاحبه‌هایشان با مردم و مسئولان، جلوتر نروند.

بیننده تلویزیون

سدمعبر در خیابان مسجد مصلی

در خیابان مسجد مصلی اصفهان، نزدیک چهارراه اوحدی تعدادی واحدهای تعمیرگاه و تعویض روغن خودرو و جوشکاری و درب و پنجره‌سازی، تمامی پیاده‌روها و قسمتی از خیابان مصلی را اشغال کرده‌اند و با قرار دادن وسایل کار و خودروهای در حال تعمیر، موجب سدمعبر و آلودگی محیط در این خیابان کم‌عرض و شلوغ شده‌اند. از شهرداری منطقه ۱۰ اصفهان تقاضا داریم در اسرع وقت مشکل سدمعبر را حل کند.

اصفهان ـ از ساکنان خیابان مسجد مصلی

دهستان آستانه به بانک کشاورزی نیاز دارد

دهستان «آستانه» از توابع شهرستان رشتخوار (خراسان‌رضوی) با ۱۰ روستا فاقد شعبه بانک کشاورزی است، حال آن که بیش از ۳۰درصد محصولات کشاورزی رشتخوار در دهستان مزبور کشت می‌شود و نبود بانک کشاورزی سبب شده است روستائیان از دریافت تسهیلات بانکی محروم بمانند و برای این منظور و یا پرداخت اقساط وام و بیمه محصولاتشان، ۳۰کیلومتر تا مرکز شهرستان مسافرت کنند.

دهستان آستانه ـ تلفن به خط ارتباطی

بیمه دی تسریع کند

برای درمان هزینه سنگینی را متحمل شدم که شرکت بیمه دی به عنوان ارائه‌دهنده بیمه تکمیل درمان بازنشستگان تأمین‌اجتماعی فقط ٤۰۰هزار تومان از هزینه‌هایم را پذیرفت که علیرغم گذشت ۳ ماه، آن را هم نپرداخته است. انتظار می‌رود بیمه دی ضمن تسریع در پرداخت هزینه یادشده، امکاناتی فراهم آورد تا در روند معالجات آینده‌ام وقفه نیفتد.

لوشان (گیلان) ـ محمد ثقفی سیبنی

رفع ایراد موتور خودروهای داخلی

گاهی در موتور خودروهای ساخت داخل مانند سمند ایرادهایی به چشم می‌خورد که موجب خسارات خریداران آن‌ها می‌شود. ضروری است مسئولان ذی‌ربط بر کیفیت تولید خودروها نظارت بیشتری داشته باشند، تا بدون عیب و نقص در اختیار مصرف‌کنندگان قرار گیرد.

شهرستان درمیان (خراسان جنوبی) ـ معروفی

بهترین روش تقسیم دارایی همسران است

در خبرها بود که سال گذشته ۲۰هزار زوج از یکدیگر جدا شده‌اند و خانم‌ها مهریه‌هایشان را به اجرا گذاشته‌اند، که با توجه به لااقل ۲۰هزار فرزند آنان، معلوم نیست تکلیف تربیت آینده آنان چه خواهد بود؟ به نظر من حتی قبول ۱٤ سکه طلا مهریه نیز می‌تواند مشکل‌ساز باشد و به افزایش موارد طلاق کمک کند. از این رو بهترین روش آن است که زنان و شوهران در دارایی‌های یکدیگر شریک باشند و هنگام جدایی نیز هر کدام نصف آن‌ها را بردارند.

محمودزاده

بازسازی ۲ بنای تاریخی در شهری

شهری ـ خبرنگار اطلاعات: اثر تاریخی زندان هارون از مصوبات سفر سوم رئیس‌جمهوری به شهری با اعتبار ۵۰۰ میلیون ریال مرمت شد.

امیر مسیب رحیم‌زاده رئیس اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهری با اعلام این خبر افزود: ساخت و نصب در ورودی، مرمت سردر ورودی، اجرای کانال دور تا دور بنا، مرمت راه‌پله‌ها، مرمت دیوارهای طبقه دوم، بندکشی دیوارهای بیرونی، مرمت قسمت‌های آسیب‌دیده، سنگفرش‌های کف بنا، اجرای ناودانی سنگی در طبقه فوقانی و اجرای سنگفرش دورتادور بنا به طول ۸۰ متر از جمله اقدام‌های مرمتی در این اثر تاریخی است.

وی گفت: اثر تاریخی آتشکده ری نیز با اعتبار ۲۳۰ میلیارد ریال مرمت شد. و مهمترین اقدام‌های انجام شده در آتشکده ری ایجاد معبر دسترسی به طول ۷۰۰ متر، اجرای مرمت‌های قسمت‌های آسیب‌دیده ۵۵ مترمربع طراحی و ساخت تابلو معرفی بنا به متراژ ۲مترمربع است. همچنین برای معرفی بهتر اثر، تابلو راهنما و علائم راهنمایی و زیرنویس اشیای موزه برای آشنایی بهتر و بیشتر گردشگران تهیه شده است.

او با اشاره به اهمیت و قدمت تپه‌های باستانی شهرستان ری گفت: برای حفظ و نگهداری از تاریخ کهن شهرستان هرگونه گودبرداری، ساخت و ساز و عملیات عمرانی در نزدیکی حریم‌های آثار تاریخی باید با مجوز اداره میراث فرهنگی شهرستان انجام شود.

وی افزود: برای قانونمند کردن ساخت‌وسازها و جلوگیری از حفاری‌های غیرمجاز توسط افراد سودجو و قطع دست زمینخواران و دست‌اندازان به اراضی ملی و تخریب‌کننده آثار تاریخی، اداره میراث فرهنگی اقدام به تهیه پرونده ثبتی ۱۰ اثر از جمله تپه خانلق، تپه نمرود، تپه گنده، تپه قمی‌آباد، تپه شمس‌آباد، تپه موشی، تپه صادق‌آباد و تپه حکیم‌آباد، تپه امامزاده و تپه شیخ کرده است که این آثار تا پایان امسال در فهرست آثار ملی کشور به ثبت خواهند رسید.

وی ضمن هشدار نسبت به حفاری در محدوده محوطه‌های تاریخی گفت: یگان حفاظت اداره میراث فرهنگی شهری به طور شبانه‌روزی اقدام به گشت‌زنی در محدوده بناها و اماکن تاریخی می‌کند و تاکنون سه گروه از حفاران غیرمجاز توسط این یگان دستگیر شده‌اند. وی افزود: با غارتگران میراث فرهنگی، تاریخی و تمدن چند هزارساله کشور به شدت برخورد می‌شود.

رحیم‌زاده شهروندان این شهرستان را حامی و میراث‌دار تاریخ و تمدن این منطقه برشمرد و گفت: هموطنان عزیز در صورت مشاهده هرگونه حفاری غیرمجاز مراتب را به یگان حفاظت اداره میراث فرهنگی با شماره تلفن ۳۳۷۵۵۰۵۰ اطلاع دهند.

همکاری بخش خصوصی با اداره کل استاندارد اصفهان

اصفهان – خبرنگار اطلاعات: اداره کل استاندارد و تحقیقات صنعتی و خانه صنعت و معدن استان اصفهان در راستای اجرای قانون اصلاح قوانین و مقررات سازمان ملی استاندارد ایران تفاهمنامه امضا کردند.

این تفاهمنامه یکساله، پیرامون استفاده بهینه از توانایی‌های علمی، فنی و پژوهشی دو طرف و همکاری در زمینه مشارکت در تدوین استانداردهای ملی و بین المللی، اجرای مقررات استانداردهای اجباری و قانون ارتقای کیفی تولید خودرو و سایر کالاهای صنعتی استان، توسعه و تجهیز آزمایشگاه‌های همکار تایید صلاحیت شده، ارائه خدمات متقابل آموزشی و عضویت خانه صنعت و معدن در شورای استاندارد استان تنظیم شده است.مدیرکل استاندارد و تحقیقات صنعتی استان اصفهان، امضای این تفاهمنامه را سرآغاز فصل جدید همکاری‌های مثبت و موثر بخش دولتی و خصوصی اعلام کرد و گفت: از این پس خانه صنعت و معدن استان به عنوان متولی بخش خصوصی علاوه بر همکاری با اداره کل استاندارد و تحقیقات صنعتی استان اصفهان، می‌تواند در تدوین و استاندارد سازی کالا و خدمات در حوزه امور نظارتی نیز نقش بسزایی داشته باشد. اصغر صالح‌زاده، بخش خصوصی را بازوی توانمند اداره کل استاندارد و تحقیقات صنعتی دانست و افزود: با اجرایی شدن مندرجات این تفاهمنامه، اداره کل استاندارد و تحقیقات صنعتی استان به عنوان نماینده دولت در امر کیفیت و استاندارد سازی محصولات و خدمات نظارت خود را گسترش خواهد داد و بخش خصوصی نیز می‌تواند، در زمینه‌های مختلف حوزه وظایف استاندارد نیز فعالیت کند. مدیرکل استاندارد و تحقیقات صنعتی استان اصفهان، همکاری دیگر اداره‌ها و دستگاه‌ها در استاندارد سازی و مبارزه با تولید بی کیفیت را لازم دانست و گفت: دستگاه‌های نظارتی همکاری خوبی با این اداره کل دارند ولی لازم است تمام دستگاه‌های اجرایی دغدغه لازم در زمینه استاندارد سازی و تولید باکیفیت و حمایت از حقوق مسلم مصرف کننده را به شکل کامل داشته باشند.

کرمان؛ میزبان جشنواره ملی خرما

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: جشنواره ملی خرما ۱۲ و ۱۳ شهریور در کرمان برگزار می‌شود.

رئیس روابط عمومی دانشگاه شهیدباهنر کرمان هدف از برگزاری این جشنواره را گردهم آمدن پژوهشگران، متخصصان، دانشجویان و کارشناسان کشاورزی و هم‌اندیشی پیرامون مباحث مربوط به خرما در ایران اعلام کرد.

حسام عارفی با اشاره به این که نتایج داوری مقالات ارسالی به جشنواره بزودی اعلام می‌شود، یادآور شد: یافته‌های فیزیولوژی پس از برداشت خرما، آفات و بیماری‌ها و علف‌های هرز، بهنژادی و بیوتکنولوژی، تغذیه و آبیاری، بازارشناسی، بازاریابی، توسعه و بهبود اقتصاد و تجارت و صادرات خرما از محورهای این همایش است.

به گفته وی مکانیزاسیون و کاربرد تکنولوژی نوین در تولید و فرآوری خرما، راهکارهای بهبود و ارتقای صنایع فرآوری و بسته‌بندی، استانداردهای کاشت، داشت و برداشت، مدیریت بازیافت و فرآورده‌های جانبی، بهداشت، ارزش دارویی و تغذیه‌ای، تحلیل زنجیره ارزش صنعت خرما و بازاریابی بین‌المللی از دیگر محورهای این جشنواره ملی به شمار می‌آید.

اجرای طرح شبنم در خور و بیابانک

خور و بیابانک ـ خبرنگار اطلاعات: سرپرست نمایندگی صنعت، معدن و تجارت خور و بیابانک برخورد با کالاهای غیرقانونی رامحور اصلی طرح شبنم دانست و افزود: این طرح درجهت گسترش ضریب کنترل کالاهای قاچاق و غیرمجاز است.

اسدالله فیروزی افزایش امنیت، برخورد با کالاهای قاچاق و کنترل بازار را از اهداف این طرح بیان کرد.وی با هشدار به واحدهای صنفی افزود: همه کالاهای وارداتی مشمول طرح که فاقد کد رهگیری شبنم باشند، به عنوان کالای قاچاق ضبط و موضوع به محاکم تعزیرات حکومتی ارجاع داده می‌شود.

فیروزی لوازم خانگی، صوتی وتصویری، تجهیزات پزشکی، آرایشی و بهداشتی، انواع اسباب بازی و تلفن همراه را کالاهای وارداتی مشمول این طرح اعلام کرد.

معرفی رئیس جدید ادارهٔ فرهنگ و ارشاد اسلامی شهری

شهری ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس جدید اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی ری با حضور فرماندار این شهرستان معرفی شد.

در حکمی از سوی سید احسان قاضی‌زاده‌هاشمی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران، سید مهدی مؤمنی به سمت رئیس جدید اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان ری منصوب شد.

دکتر باقر نژاد فرماندار شهری در مراسم معارفه رئیس جدید اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهری در فرهنگسرای ولاء گفت: در حوزه ارشادی تاکنون فعالیت‌های خوبی انجام شده است، اما توقع مردم از اداره ارشاد در شهرستان‌های مختلف متفاوت است. وی همچنین یادآور شد: شهر ری با وجود داشتن ۱۵۰ هزار تبعه افغان بیشترین تجمع مهاجرین خارجی را دارد و اثرات سوء آن بر فرهنگ شهرستان کاملاً مشهود است.

در پایان این مراسم که معاون فرهنگی، مطبوعاتی ادره کل ارشاد استان تهران و برخی از مسئولان شهرستان حضور داشتند از صمد مؤمنی رئیس سابق اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان ری با اهدای لوح، قدرانی به عمل آمد.

فرماندار رباط‌کریم به مشکلات شهروندان رسیدگی کرد

بخش گلستان ـ خبرنگار اطلاعات: در جلسه ملاقات عمومی، فرماندار رباط‌کریم به مشکلات ۵۳ نفر از شهروندان رسیدگی کرد.

بیژن سلیمان‌پور در ملاقات چهره به چهره با شهروندان در یازدهمین ملاقات مردمی در سالن شهید باهنر فرمانداری، دستور لازم برای حل مشکلات و درخواست شهروندان را صادر کرد.

فرماندار رباط‌کریم در این جلسه گفت: همزمان با آغاز ماه مبارک رمضان و در راستای اجرای تنظیم بازار ۳۵ تن مرغ منجمد و ۱۵ تن مرغ گرم با قیمت مصوب بازرگانی بین شهروندان توزیع شد.

وی افزود: این مقدار مرغ در نمایشگاه ضیافت که به مناسبت ماه رمضان برپا شده است، توزیع و عرضه شد و بازرسان نظارت‌های لازم را در روند توزیع و کیفیت مرغ دولتی به عمل آوردند.سلیمان‌پور گفت: شهروندان می‌توانند از این پس همه روزه با مراجعه به نمایشگاه ضیافت واقع در فروشگاه تعاونی روستایی اتحاد رباط‌کریم، مرغ موردنیاز خود را به نرخ دولتی تهیه کنند.

اخبار کوتاه شهرستان

آغاز برنامه‌های تابستانی بوستان ترافیک در شهری

شهری ـ خبرنگار اطلاعات: برنامه‌های ویژهٔ تابستان در بوستان ترافیک از سوی شهرداری منطقه ۲۰ شروع شد.

معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۲۰ با اشاره به این مطلب افزود: از ابتدای امسال بیش از ۳۰۰۰ دانش‌آموز مفاهیم ترافیکی را آموزش دیده‌اند و کارگاه‌های آموزشی تابستانه این بوستان که به صورت رایگان برگزار می‌شود آغاز شد.

علیرضا اسفراینی‌نژاد گفت: به منظور غنی‌سازی اوقات فراغت کودکان و نوجوانان همچنین کارگاه‌های تابستانی در رشته‌های طراحی، نقاشی، حجم و سفال، جامعه‌القرآن، ترافیک یار، اسکیت و دوچرخه با محوریت انتقال مفاهیم ترافیکی در بوستان ترافیک برگزار می‌شود.

وی با اشاره به این‌که ثبت‌نام برای عموم در کلاس‌های تابستانی این بوستان رایگان است، افزود: این کارگاه‌های آموزشی ویژه افراد ٤ تا ۱۷ سال در روزهای فرد تشکیل می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند برای ثبت‌نام با شماره تلفن ۵۵۹۶۶۶۰۵ تماس بگیرند.

اعزام کاروان پزشکی سلامت به روستای اینجلین خرمدره

خرمدره ـ خبرنگار اطلاعات: مسئول بسیج سازندگی سپاه خرمدره از اعزام دو تیم پزشکی عمومی و تخصصی شامل ۱۱ نفر برای درمان محرومان به روستای اینجلین از توابع شهرستان خرمدره به مناسبت ماه مبارک رمضان خبر داد.

فیروزی گفت: در مدت حضور تیم پزشکی در روستای اینجلین ٤۵ نفر مورد ویزیت رایگان قرار گرفتند.

وی گفت: بسیج جامعه پزشکی آمادگی ارائه هرگونه خدمات در دورترین نقاط را دارد و سپاه و بسیج خدمت به محرومان را از وظایف خود می‌داند. وی افزود: این سومین کاروان پزشکی است که به مناطق محروم در خرمدره اعزام می‌شود.

معرفی شهردار جدید ارومیه

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: آیین معارفه شهردار جدید ارومیه برگزار شد.

در این آیین محمد حضرت پور به عنوان شهردار جدید ارومیه معرفی شد و از خدمات علیرضا عصمت‌پرست شهردار پیشین قدردانی به عمل آمد.

برگزاری نمایشگاه سراسری کتاب در اردبیل

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: نهمین نمایشگاه سراسری کتاب دهه اول شهریور در مرکز استان برگزار می‌شود.

منصور شرفی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اردبیل ، با بیان مطلب بالا، افزود: در این نمایشگاه قرار است عده‌ای از ناشران و فعالان عرصه کتاب و نشر حضور فعال داشته باشند.

شرفی گفت: در این نمایشگاه قرار است ناشران جدیدترین آثار خود را در معرض نمایش خانواده‌ها، دانشجویان و دانش‌آموزان قرار دهند.

وی افزود: تدارک و تمهیدات لازم برای برگزاری این نمایشگاه به وجود آمده است و سعی داریم در یک فضای مناسب و مطلوب نمایشگاه نهم کتاب را نیز به شایستگی و با میزبانی مطلوب برگزار کنیم.

نتایج مسابقات کاراته بانوان ساوه

ساوه ـ خبرنگار اطلاعات: یک دوره مسابقه کاراته ویژه بانوان به مدت دو روز در مجموعه ورزشی شهید چمران ساوه برگزار شد.

محمدعلیزاده رئیس اداره ورزش و جوان ساوه با اعلام این خبر، افزود: در این دوره از مسابقات ۵۰ ورزشکار در رده‌های سنی نونهالان، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان با یکدیگر به رقابت پرداختند.

وی اضافه کرد: در رده سنی نونهالان مریم نعمتی ، زهرا احساندار، در رده سنی نوجوانان نسترن گلفر، زهرا رضایی، ندا نصرتی و فاطمه پاداشی عنوان های برتر را از آن خود کردند.

علیزاده ادامه داد: در رده سنی جوانان نیز زهرا اسماعیلی، فاطمه یاری، آیدا احمدی و محدثه ابراهیمی و در رده سنی بزرگسالان لطیفه کیهان، فاطمه زکی‌زاده و الهام ابراهیمی مقام های برتر را کسب کردند.

انتشار شناختنامه حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) به ٦ زبان

شهری ـ خبرنگار اطلاعات: شناختنامه حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) به زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسه، اردو، ترکی استانبولی و ترکی آذری (باکو) در سایت آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) منتشر شد.به گزارش روابط عمومی آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) در شناختنامه حضرت عبدالعظیم حسنی(ع)، بر پایه روایات و اسناد علمی شخصیت والای این محدث عظیم‌الشأن و امامزاده والامقام معرفی شده است. در این شناختنامه موضوعاتی چون ویژگی‌های فردی و خانوادگی، شاخصه‌های علمی و عملی، هجرت به شهری و وفات حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) مطرح شده است. علاقه‌مندان با مراجعه به سایت www.abdulazim.com و در لینک شناختنامه حضرت عبدالعظیم حسنی(ع)، به این متون دسترسی خواهند داشت.

ایجاد شهرک‌های پسته و خرما در کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: دو شهرک تخصصی پسته و خرما در رفسنجان و بم ایجاد می‌شود.

مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی کرمان هدف از ایجاد این شهرک‌ها را ایجاد ارزش افزوده، اشتغال بیشتر و باقی ماندن سرمایه‌ها در منطقه اعلام کرد و گفت: استان کرمان از پسته و خرما ۲۰۰۰ میلیارد تومان درآمد دارد که متأسفانه تأثیر این درآمد در استان بسیار ناچیز است. قاسم‌نژاد با اشاره به انجام عملیات زیرسازی شهرک تخصصی پسته، افزود: در این شهرک، بورس کالای پسته نیز فعال می‌شود.وی ابراز امیدواری کرد؛ با ایجاد شهرک‌های تخصصی، بخش خصوصی در ایجاد صنایع تبدیلی خرما و پسته سرمایه‌گذاری کند و بر روی این دو مزیت مطلق کرمان کار تخصصی انجام شود.

وی همچنین از ایجاد نماد پسته و خرما در این شهرک‌ها خبر داد و افزود: در شهرک پسته یک نمایشگاه دائمی پیش‌بینی شده است تا همه محصولات مرتبط با پسته در آن عرضه شود.

برگزاری جشن کاغذ در ساوه

ساوه ـ خبرنگار اطلاعات: کاغذهای جمع‌آوری شده در دومین جشن کاغذ ساوه به شرکت بازیافت ارسال و درآمد حاصل از آن به انجمن خیریه حمایت از بیماران کلیوی این شهرستان اهدا شد.

رضا یزدی مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری ساوه با اعلام این خبر، افزود: در جشن کاغذ، شهروندان ساوه‌ای کاغذهای باطله خود را به پایگاه‌های سازمان مدیریت پسماند شهرداری تحویل دادند و در جشن کاغذ شرکت کردند.

وی افزود: در دومین جشن کاغذ ساوه علاوه بر کسب یک میلیون و ٤۰۰ هزار تومان عواید حاصل از کاغذ باطله، ۱۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان کمک‌های مردم نیکوکار به بیماران کلیوی نیز جمع‌آوری شد.یزدی اضافه کرد: در این جشن ٤ کامیون کاغذ باطله جمع‌آوری شد و در پایان این جشن پس از قرعه‌کشی به کسانی که کاغذ باطله تحویل داده بودند پنج دستگاه دوچرخه و پنج کمک هزینه سفر به مشهد مقدس اهدا شد.

وی هدف از برگزاری جشن کاغذ را اشاعه فرهنگ حفاظت از محیط‌زیست، فرهنگ‌سازی و بیان اهمیت بازیافت در زندگی شهری با شعار «کاغذ باطله زباله نیست» اعلام کرد.

لازمهٔ حمایت از تولید ملی، جلوگیری از واردات بی‌رویه است

* لازمه حمایت از تولید ملی جلوگیری از واردات بی‌رویه است که تحقق این مهم استقلال اقتصادی را به همراه خواهد داشت. مطلب بالا را شهیلا میرگلو بیات نماینده مردم ساوه و زرندیه در حاشیه بازدید از کارخانه‌های داروسازی منطقه اعلام کرد. او گفت: واردات بی‌رویه کالاها مانع از اشتغالزایی و حمایت از تولید ملی می‌شود. وی اضافه کرد: به برکت پیروزی انقلاب اسلامی، ایران اسلامی همیشه در اوج عزت و افتخار است و به‌رغم تهدیدات و تحریم‌های دشمنان انقلاب، شاهد پیشرفت‌های چشمگیری در تمام حوزه‌ها به ویژه در بخش دارویی بوده‌ایم.

شکل گیری لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) به ابتکار حاج احمد متوسلیان

*حاج احمد متوسلیان: فرماندهی این تیپ به عهده من است. برادرهای عزیز من! اگر قطره خونی از بینی یکی از شما به زمین بریزد، این طور نیست که من حالا صرفا باید جواب پدر و مادر و خانواده‌های شما را بدهم... نه! و لله باید جواب خدا را هم بدهم که چرا شما نتوانستید وظایف نظامی خودتان را درست انجام دهید

*ما گرم کار شناسایی بودیم که پیامی از حاج احمد به دستمان رسید وی در این پیام خیلی کوتاه و صریح نوشته بود: تصمیم گرفته شده که ما برای جنگ با اسرائیل عازم لبنان بشویم. سریع وسایل و تجهیزات تیپ را جمع کنید و بیایید تهران، پادگان امام حسین(ع)

*بخش دوم و پایانی

حاج احمد به وزوایی فرمان خیز رفتن داد. او که به سختی از این برخورد آزرده خاطر شده بود، گفت: بنده خیز نمی‌روم!

حاج احمد هم که ابدا توقع تمرد از دستور را نداشت، رو کرد به بنده و گفت: برادر برقی! بروید و سلاح فرمانده این گردان را از او بگیرید. من هم با آنکه می‌دانستم برادر وزوایی یکی از ارکان قدرت تیپ است و خودم هم قلبا با این نحوه برخورد حاج احمد موافق نبودم، چاره دیگری جز امتثال امر نداشتم.

این بود که رفتن به سمت وزوایی و گفتم: برادر وزوایی! شنیدید که... لطفا تفنگ خودتان را تحویل بدهید.

برق عجیبی توی چشم‌های وزوایی درخشید. با صلابت و لحنی که به خوبی نشان دهنده غرور جریحه‌دار شده او بود، گفت: تفنگم را تحویل نمی‌دهم!

حالا این وسط من مانده بودم حیران که چه کار کنم. یک طرف حاج احمد بود و دستور اکیدش، یک طرف هم وزوایی و امتناع صریحش. خوب می‌دانستم که خمیره این دو نفر از یک آب و گل سرشته شده و آن غرور مقدس در وجود هر دو نفرشان به یک اندازه جریحه‌دار شده است. حاجی از محسن توقع تمرد نداشت. محسن هم از حاجی توقع چنین برخوردی را. سرانجام این حاج احمد بود که کوتاه آمد. رو کرد به طرف بچه‌های گردان حبیب و گفت: برادرها! همه بنشینید، وقتی بچه‌های نشستند، ادامه داد: روزی که شما به دوکوهه آمدید، ما و شما با هم قرار گذاشته بودیم مبنی بر این که شرط پذیرش شما به تیپ، رعایت دقیق، مو به مو و کامل اصول نظم و انضباط باشد، یادتان هست؟ همه سر تکان دادند و گفتند: بله، یادمان هست.

حاج احمد ادامه داد: شما بیشترتان نهج‌البلاغه را خوانده‌اید. حضرت امیر(ع) در وصیت‌نامه و اکثر خطبه‌هایش مومنین را به ترس از خدا و رعایت نظم و انضباط در امور سفارش فرموده‌اند. مبادا فکر کنید طرف خطاب این سفارش فقط شما هستید؛ من هم مشمول همین فرمایش حضرت امیر(ع) هستم، چرا که فرماندهی این تیپ به عهده من است. برادرهای عزیز من! اگر قطره خونی از بینی یکی از شما به زمین بریزد، این طور نیست که من حالا صرفا باید جواب پدر و مادر و خانواده‌های شما را بدهم... نه! والله باید جواب خدا را هم بدهم که چرا شما نتوانستید وظایف نظامی خودتان را درست انجام دهید که همین یک قطره خون از بینی یکی از برادرها به زمین ریخته؛ تا چه رسد به این که شب حمله جلو بروید و کار بلد نباشید و به همین دلیل شهید بشوید! برخورد من با فرمانده شما، نه به دلیل ناوارد بودن ایشان به مسایل بدیهی نظامی، بلکه دقیقا به این علت است که فرمانده محترم شما باید در امر آموزش و ارائه دانش جنگی خودش به شما، از من بیشتر احساس مسئولیت داشته باشد.

حرف‌های منطقی و بی تکلف حاج احمد چنان تاثیری داشت که بچه‌ها بی‌اختیار گریه می‌کردند. وقتی حرف‌های حاج احمد به آخر رسید، از وجنات و چهره‌های متاثر وزوایی و بچه‌های گردان پیدا بود که فهمیده‌اند منظور از این شدت عمل ظاهری، صرفا جلب رضای خدا، عمل به تکلیف و آمادگی رزمی هرچه بهتر بچه‌ها بوده. حاج احمد در پایان سخنانش به بچه‌های گردان گفت: خب، حالا من یک بار دیگر به شما دستور خیز پنج ثانیه می‌دهم، ببینم چه می‌کنید.

وقتی حاجی به گردان دستور خیز را داد، نیروها این فرمان را به قدری درست و عالی اجرا کردند که غبار کدورت از چهره حاج احمد یکسره به کنار رفت. لب‌هایش به لبخندی نمکین باز شد و آن برق عجیبی که تنها در مواقع شعف قلبی او در نگاهش ساطع می‌شد، در چشم‌های بادامی‌اش درخشید. فهمیدم که از کار بچه‌های گردان راضی است. بعد هم جلو رفت، وزوایی را محکم و به گرمی در آغوش گرفت، صورتش را بوسید و به او گفت: آقا محسن! شما و برادران این گردان، امیدهای اسلام هستید. اسلام به امثال شما افتخار می‌کند.

وزوایی هم در حالی که از این همه فروتنی و برخورد صمیمی حاج احمد به شدت متاثر شده بود، گفت: حاج آقا! ما تابعیم و تحت امر شما.

سرانجام حاج احمد به بچه‌های گردان حبیب‌بن‌مظاهر فرمان «آزادباش» داد و از آنجا با هم به دوکوهه برگشتیم.

دیدار با امام (ره)

بعد از فتح خرمشهر با برخی از فرماندهان به دیدار حضرت امام رفتیم. از بیت امام که خارج شدیم، هر کدام از بچه‌ها چیزی می‌گفت. یکی از نورانیت حضرت امام صحبت می‌کرد و دیگری از خلوص معنوی ایشان می‌گفت. در این بین، چشمم به حاج احمد افتاد که عصا به دست با پای زخمی و ترکش خورده از بیت خارج می‌شد. همین که پای را از بیت بیرون گذاشت، با عصبانیت عصا را به سمتی پرت کرد و با صدای بلند بدون این که کسی را مخاطب قرار دهد، گفت: به خدا قسم دیگر عصا را به دست نمی‌گیرم. می‌خواهم بدون عصا راه بروم. جمعی که آنجا بودیم با نگرانی به او که به سختی راه می‌رفت نگاه انداختیم. همان‌طور که راه می‌رفت. زیر لب چیزی را زمزمه می‌کرد. همه می‌دانستیم که حاج احمد با حضرت امام ملاقات خصوصی داشته، ولی این که در آنجا چه گذشته، کسی خبر نداشت.

سرانجام طاقت نیاوردم. به همراه چند نفر از بچه‌ها به سراغ او رفتیم و جریان را پرسیدیم. گفت: پیش امام که بودم ایشان دستی روی پایم کشید و با لحن پدرانه پرسید: آقای متوسلیان! پایت چه شده؟ در جواب گفتم: زخمی شده. بعد هم ساکت شدم. آن وقت امام با همان مهربانی دستی روی پایم کشید و گفت: ان‌شاءالله خوب می‌شود و شما به دنبال عملیات می‌روی.

بعد از شرح این واقعه، حاج احمد همه ما را با خود از جماران برد و با رسیدن به ابتدای میدان قدس، همه ما را در آنجا روی زمین نشاند و گفت: برادرها! حضرت امام فرمودند که جنگ باید با همان قوت خودش ادامه داده شود و امر دفاع کما فی‌السابق پیش برود.

وی ضمن تشریح نقطه نظرات امام، در حالی که بچه‌ها دور او حلقه زده بودند، گفت: برادرها! یا زنگی زنگ یا رومی روم! دیگر تکلیف ما واضح است. باید برای عملیات بعدی عازم منطقه بشوید و خیلی سریع عملیات را شروع کنید.

این دستور که مبتنی بر رهنمود فرماندهی معظم کل قوا حضرت امام بود، باعث شد بلافاصله برای شناسایی عملیات بعدی، عازم منطقه شلمچه یا همان منطقه عملیاتی رمضان بشویم.

جنگ با اسرائیل

ما گرم کار شناسایی بودیم که پیامی از حاج احمد به دستمان رسید. وی در این پیام خیلی کوتاه و صریح نوشته بود: تصمیم گرفته شده که ما برای جنگ با اسرائیل عازم لبنان بشویم. سریع وسایل و تجهیزات تیپ را جمع کنید و بیایید تهران، پادگان امام حسین(ع).

بلافاصله ظرف دو سه روز، تمامی تجهیزات و وسایل تیپ را جمع کردیم و عازم پادگان امام حسین(ع) شدیم. هنگامی که به تهران رسیدیم، در پادگان امام حسین(ع) باخبر شدیم که حاج احمد به اتفاق حاج همت و یک تعداد دیگر از برادران تیپ برای اقدامات اولیه به لبنان رفته‌اند و به زودی برای اعزام ما به آنجا باز خواهند گشت.

از لبنان برنمی گردم

آن روز که برادر احمد از سوریه به تهران بازگشت، قرار شد بعد از ادای نماز مغرب و عشاء، به اتفاق ایشان و برادران جعفر جهروتی زاده، محسن حیاتی‌پور و یک برادر روحانی از پادگان امام حسین(ع) به خانه حاج احمد در محله امامزاده سید اسماعیل تهران برویم. بنا بود شب خدمت وی باشیم و صبح به همراه ایشان برویم فرودگاه برای اعزام به سوریه. حوالی نیمه شب بود که دو نفر از بچه‌های سپاهی پادگان امام حسین(ع) به در خانه حاج احمد مراجعه کردند. ما در طبقه بالا داخل اتاق نشسته بودیم. وی رفت دم در و مدتی بعد با حالت آشفته‌ای برگشت بالا. پرسیدیم: قضیه چیست؟ گفت: از قراری که این‌ها می‌گفتند، گویا برادرهایی که در نوبت اول به لبنان رفته‌اند، دچار مشکل شده‌اند و اسرائیلی‌ها هم نیروهای اعزامی ایران را تهدید کرده‌اند. حاج احمد خیلی ناراحت بود. توی آن اتاق کوچکش قدم می‌زد. اولین باری بود که من در یک حالت عادی، گریه این مرد را می‌دیدم. بی‌تاب بود، اشک می‌ریخت، گریه می‌کرد و می‌گفت: چرا تیپ به این حالت درآمده؟ یک نیمه از آن در سوریه و لبنان و یک نیمه در جنوب و یک تعداد هم در تهران پراکنده‌اند. تیپ قدرتمندی که در حمله بیت‌المقدس داشتیم، حالا از هم پاشیده شده و مشکل سازماندهی و وحدت فرماندهی داریم. جمع کردن این وضع خیلی مشکل است.

در همین حالت ناراحتی و گریه، ایشان جمله عجیبی را به زبان آورد که ما بار اول آن را به شوخی گرفتیم؛ ولی بعد که به منطقه لبنان رسیدیم، دیدیم آنچه در آن شب گفت، عین حقیقت بود. حقیقتی بس سنگین که ما نتوانستیم آن را هضم کنیم.

حاج احمد با چشم‌هایی خیس از اشک گفت: من که به لبنان بروم، دیگر برنمی‌گردم. اینها باید به فکر خودشان باشند. من می‌دانم که بروم لبنان، دیگر برنمی‌گردم.

ما باز هم حرفش را جدی نگرفتیم. با خودمان گفتیم: مگر ممکن است کسی که می‌داند اگر به لبنان برود، دیگر برگشتی نیست، باز هم عازم چنین سفری بشود؟ برای همین هم بالحن دوستانه به حاج احمد گفتم: شوخی نکن حاجی! این حرف‌ها دیگر چیست که می‌زنی؟ ان‌شاءالله سالم می‌روی و برمی‌گردی و هیچ مشکلی هم پیش نمی‌آید. به خواست خدا، موفق و پیروز برمی‌گردی.

ایشان باز هم با همان حالت محزون، در حالی که لاینقطع اشک می‌ریخت، گفت: نه! من دیگر برنمی‌گردم.

خیلی تعجب کردیم. با اصرار از او خواستیم علت این یقین خودش را ـ که البته ما صرف حمل بر توهم می‌کردیم ـ به ما هم بگوید. سرانجام تسلیم شد و گفت: عملیات فتح‌المبین را به یاد دارید؟ گفتیم: خب. بله، خدمتتان بودیم. گفت: یادتان هست که پیش از عملیات قرار بود ۹۰ دستگاه نفربر «آیفا»، ۱۰۰ دستگاه تویوتا و امکانات وسیعی را برای عملیات به ما بدهند ولی در عمل، امکاناتی خیلی جزیی در اختیارمان قرار گرفت؟ گفتیم: بله، خوب یادمان هست.

گفت: من آن زمان خیلی ناراحت بودم که خدایا! آخر با این امکانات جزیی چه جوری می‌توانیم عملیات کنیم؟ مثلا ما را از کردستان آوردند به عنوان عده‌ای که قادریم یک تیپ جدیدی تشکیل بدهیم و عملیات موفقی در جنوب داشته باشیم، حالا با این وضع می‌ترسم این عملیات موفق نباشد و مایه آبروریزی بشود. خلاصه توی همین عوالم، با خودم کلنجار می‌رفتم که شب شد. آمدم بیرون وضو بگیرم که از پشت سرم توی تاریکی شب، یک برادر سپاهی دست بر شانه‌ام گذاشت و آن را فشار داد.

با تعجب سر چرخاندم که این کیست؟ دیدم می‌گوید: برادر احمد! شما خدا و ائمه(ع) را فراموش کرده‌اید؛ به فکر آمبولانس و امکانات مادی این دنیا هستید. توکل بر خدا کن و این امکانات را نادیده بگیر. به حق قسم، شما پیروز خواهید شد. ان‌شاءالله بعد از این عملیات هم، عملیات دیگری در پیش دارید به نام «بیت‌المقدس». شما بعد از عملیات بیت‌المقدس، برای جنگ با اسرائیل، عازم لبنان خواهید شد. پایان کار شما در آنجاست و از آن سفر برنخواهید گشت! وقتی که حاج احمد داشت این مطالب را برای ما تعریف می‌کرد، به شدت منقلب بود.

ما هم که بیشتر حواسمان متوجه انقلاب روحی این مرد بود تا حرف‌های حیرت‌آوری که به زبان می‌آورد، به اصطلاح مطلب را جدی نگرفتیم و خواستیم به او دلداری بدهیم. برای همین هم گفتیم: اصلا هم این طور نیست. چه کسی از فردای خودش خبر دارد؟ ان‌شاءالله همه چیز به خوبی و خوشی انجام می‌شود و سالم می‌روی، سالم و موفق هم برمی‌گردی؛ اما باز هم حاج احمد حرفش یکی بود؛ این رفتن برگشتنی در پی ندارد!

حاج احمد دیگر برنمی گردد

ساعت‌ها از رفتن حاج احمد می‌گذشت و ما خبری از او نداشتیم. ترسیده بودیم. فکری ناراحت‌کننده آزارم می‌داد. هرچه فکر می‌کردم، نمی‌دانستم علت این همه نگرانی و آزار چیست. مدتی را در حالت گیجی گذراندم. یک دفعه موضوع تازه‌ای تمام ذهنم را اشغال کرد. از همان جا به یاد صحبت‌های حاج احمد افتادم. صحبت‌های آن شب، مثل پتکی محکم بر سرم می‌کوبید.

موضوع چنان بر ذهنم فشار می‌آورد که باعث شد با ترس و لرز خودم را به حاج همت برسانم. حاج احمد از بس به جاده خیره شده بود نگاهش پر از خستگی بود. با نگرانی گفتم: برادر همت! چیزی می‌خواهم بگویم. نمی‌دانم چطور بگویم. حاج همت، بدون اینکه نگاهم کند، گفت: چیه برقی، چی می‌خواهی بگی؟ گفتم: باور کن حاجی، نمی‌دانم چطور بگویم. حاج همت که از طرز صحبت کردن من نگران شده بود، با کنجکاوی پرسید: چی می‌خواهی بگی؟ خبری از حاج احمد شنیدی؟

از گفتن آنچه که می‌دانستم، اکراه داشتم. با توجه به صحبت‌های چند شب پیش، این فکر برایم تداعی شد که حاج احمد، یا اسیر شده است یا شهید. گفتم: راستش را بخواهی، حاج احمد دیگر برنمی‌گردد.

حاج همت با شنیدن این جمله، مثل این که از خواب عمیقی بیدار شده باشد، نگاهی به من کرد و پرسید: چرا این حرف را می‌زنی؟ ناچار تمام آنچه را که حاج احمد در آن شب برایمان تعریف کرده بود، گفتم: رنگ حاج همت پرید و حالش دگرگون شد. غم سنگینی بر چهره‌اش نشست. ساکت نگاهش می‌کردم که یکدفعه با غضب نگاهی به من کرد و گفت: برقی! الهی لال بشی! این حرف چیه که می‌زنی؟ این را گفت، با عصبانیت از من رو گرداند و به سمتی رفت. قبل از این که دور شود، گفتم: این که گفتم همان چیزی بود که خود حاج احمد گفته، حالا من هم تصور می‌کنم که دیگر برنگردد.

حاج همت که دور شد، لرزیدن شانه‌هایش را دیدم.

بدین ترتیب حاج احمد متوسلیان بنیانگذار و فرمانده سلحشور تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) به همراه سه تن از یارانش در ساعت ۱۲ ظهر روز چهاردهم تیر ماه ۱۳۶۱ به اسارت فالانژها درآمد.

هر چند نیروهای اعزامی به سوریه و لبنان نتوانستند در هیچ عملیات نظامی‌ای علیه اسرائیلی‌ها شرکت داشته باشند، اما همین حضور معنوی آن‌ها باعث شکل گیری هسته‌های مقاومت حزب‌الله در لبنان شد.

* برگرفته از ماهنامه تیرماه ۹۱ «شاهد یاران» - شماره ۸۱

سودان جنوبی؛ یک سال پس از استقلال

سرویس خارجی: سودان جنوبی در حالی نخستین سالگرد استقلال خود را جشن گرفته که هنوز با مشکلات فراوانی دست به گریبان است.

هجدهم تیرماه ۱۳۹۰ در حافظه تاریخی مردم سودان، سایر کشورهای آفریقایی و عرب و حتی دیگر کشورهای در حال توسعه حک خواهد شد؛ چرا که در این روز کشوری از اتحادیه آفریقا، عضوی از اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی (سازمان کنفرانس اسلامی پیشین) و یکی از اعضای جنبش غیرمتعهدها سیر تجزیه را طی کرد.

تولد صد و نود و سومین کشور جهان با نام سودان جنوبی سبب شد مردم سودان دیگر نتوانند خود را شهروندان دهمین کشور وسیع دنیا بدانند، چراکه حدود یک چهارم زمین‌های خود را (۶۲۰ هزار کیلومتر مربع) در اختیار جمعیتی ۸ میلیونی (۲۲ درصد جمعیت کل سودان پیش از تجزیه) گذاشتند. همه‌پرسی جدایی جنوب سودان از بخش شمالی به عنوان یکی از بندهای توافق «نواشا»، در حالی نوزدهم دی‌ماه ۱۳۸۹ پس از یک هفته به انجام رسید که دهم بهمن‌ماه همان سال بر اساس اعلام کمیساریای انتخابات، بیش از ۳ میلیون نفر (نزدیک به ۸۳ درصد از رأی‌دهندگان) پای صندوق‌های رای رفتند و ۹۹/۵۷ درصد آنان، استقلال جنوب را برگزیدند.

توافق «نواشا» در دی‌ماه سال ۱۳۸۳ بین «عمر البشیر» رئیس‌جمهوری سودان، با شورشیان جنوب این کشور امضا شد تا طولانی‌ترین جنگ داخلی آفریقا که به گفته سازمان ملل متحد بیش از ۲ میلیون نفر طی آن جان خود را از دست داده بودند و حدود ٤ میلیون نفر نیز آواره شدند، پایان یابد.

گرچه چنین انتظاری جامه عمل به خود ندید و کشتارهای گاه و بیگاه همچنان ادامه یافت، اما برگزاری همه‌پرسی به عنوان یکی از بندهای توافق، در دستور کار قرار گرفت و به نتیجه رسید.

تاثیر کشورهای غربی

البته در این میان نمی‌توان از تاثیر کشورهای غربی برای تجزیه سودان چشم پوشی کرد.

دادگاه بین‌المللی کیفری لاهه در سیزدهم اسفندماه ۱۳۸۷ حکم تعقیب قضایی البشیر را به اتهام آنچه «ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت در دارفور» خواند، صادر کرد و نخستین گام جدی را برای تحت فشار گذاشتن البشیر برداشت.

پس از آن نیز جریان وعده کمک‌های هنگفت به این کشور جنگ‌زده، درگیر با خشکسالی و بیماری و گرفتار میان نزاع‌های گروه‌های قومی و قبیله‌ای آغاز شد.

از آن جمله باید به وعده «جان کری» رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا، مبنی بر اعطای بسته‌های تشویقی به سودان در صورت برگزاری آرام همه‌پرسی، اشاره کرد.

البته در این میان، غرب تهدید به اعمال تحریم‌های بیشتر را نیز از دستور کار خارج نکرد، به طوری که به نوشته سایت «دورنمای جدید سودان»، باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا، با تهدید سودان به اعمال تحریم‌های بیشتر، اذعان کرد که تلاش این کشور برای ممانعت از بروز جنگ در سودان، فقط دلایل بشردوستانه ندارد، بلکه منافع آمریکا هم در معرض تهدید قرار می‌گیرد.

پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت امورخارجه آمریکا، در آن زمان به نقل از «جانی کارسون» معاون آفریقای وزارت امور خارجه آمریکا، گفت: دولت آمریکا علاوه بر ساحل عاج، تمرکز زیادی بر سودان کرده است.

وی درباره همه‌پرسی سودان گفت: ما خوش‌بین هستیم که همه چیز در جنوب سودان در مسیر درست حرکت کند.

کارسون همچنین اعلام کرد که ایالات متحده آمریکا تعداد دیپلمات‌های خود در منطقه همه‌پرسی را چهار برابر کرده است و با همکاری اتحادیه اروپا و جامعه جهانی، تلاش می‌کند که همه‌پرسی جنوب به بهترین نحو ممکن و در فضایی مثبت و سالم انجام گیرد.

نقش رژیم صهیونیستی

نباید نقش حمایتی رژیم صهیونیستی از تجزیه سودان را نادیده گرفت.

البته تلاش تل‌آویو برای نفوذ در بزرگ‌ترین کشور آفریقا به منظور خنثی‌سازی سیاست‌های ضدصهیونیستی عمر البشیر که پیشینه شرکت در جنگ ۱۹۷۳ اعراب با رژیم صهیونیستی را نیز در کارنامه دارد، کاملاً روشن است.

«زیفی باریبل» تحلیلگر روزنامه صهیونیستی «هاآرتص»، اندکی پیش از برگزاری همه‌پرسی نوشت: هم اکنون شماری از ماموران تل‌آویو در جنوب سودان به سر می‌برند و به جدایی‌طلبان این کشور برای تحقق این مهم، کمک فکری می‌کنند.

رژیم صهیونیستی برای به دست گرفتن اختیار آبراهه‌های استراتژیک منطقه مانند دریای سرخ و تنگه‌های «تیران» و «باب‌المندب» در شاخ آفریقا، به دلیل جلوگیری از تکرار حوادثی مانند مسدود کردن این تنگه‌ها در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳، تلاش می‌کند تا با استقرار در ۳۸۰ جزیره در این منطقه عبور کشتی‌های باری و نفتکش‌های متعدد و در حقیقت شاهراه انرژی را به چنگ آورد.

گرچه در نظر نخست، سودان جنوبی به دلیل نداشتن دسترسی به آب‌های آزاد مجاور شاخ آفریقا، با محدودیت‌های زیادی روبروست و از جذابیت‌های ظاهری برای تل‌آویو برخوردار نیست، اما نفوذ رژیم صهیونیستی در اتیوپی، این مانع را رفع می‌کند.

وجود ۸۵ درصد سرچشمه‌های رود نیل در کشور اتیوپی، اسباب سفر سال ۱۹۶۵ «موشه دایان» فرمانده پیشین ستاد کل ارتش رژیم صهیونیستی به این کشور را برای تأسیس یک پایگاه نظامی و همچنین راه‌اندازی دو پایگاه نظامی دیگر با موافقت اتیوپی در نزدیک مرز میان اریتره و سودان، فراهم آورد.

با وجود اینکه ممکن است به نظر رسد آغاز به کار دولت نوپای مصر، این کشور را از موضوع‌های دیگری مانند تعیین رژیم حقوقی نیل غافل کرده است، اما تاکنون تعارض‌های پرسابقه‌ای میان کشورهای اوگاندا، تانزانیا، رواندا، بروندی، کنیا، سودان، اتیوپی و مصر در این زمینه ایجاد شده است.

به هر حال، در این آشفته بازار باید برای کشور نوپای سودان جنوبی نیز در معاهده‌ها و توافقنامه‌های مربوط به نیل، جایی ویژه باز کرد.

با توجه به وجود بقیه سرچشمه‌های نیل در سودان جنوبی و اوگاندا، حضور رژیم صهیونیستی در منطقه، اینک می‌تواند در خاک سودان جنوبی گسترش یابد.

این اهمیت زمانی بیشتر می‌شود که به شعار «از نیل تا فرات» رژیم صهیونیستی نگاهی دیگر بندازیم. این طرح، جایگاه منابع آبی عمده منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را در محاسبات این رژیم، روشن می‌کند.

بر اساس این طرح، تل‌آویو با محکم کردن جای پای خود در سودان جنوبی، علاوه بر نفوذ نظامی بین کشورهای اسلامی، نظارت بر عبور و مرور طولانی‌ترین رود جهان از بیش از ۱۰ کشور منطقه را به دست خواهد آورد.

سدسازی، مسدود کردن و حتی انحراف مسیر نیل، اقدام‌هایی خواهند بود که می‌تواند کشورهای تشنه‌ای همچون مصر و سودان شمالی را تحت فشار قرار دهد و بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آب این کشورها را فلج کند.

ایجاد بازارهای مصرف برای محصولات کشاورزی و مصرفی صهیونیستی در منطقه، از دیگر تبعات حضور این رژیم در میان کشورهایی است که علاوه بر میزان توسعه کم زیرساخت‌ها، در راه‌اندازی صنعت‌های اولیه نیز ناتوان هستند.

گرچه بخشی از حساسیت‌های غرب در قبال سودان جنوبی به دلیل موقعیت استراتژیک این منطقه است، اما نباید از منابع طبیعی این بخش بویژه چاه‌های نفت نیز غافل شد.

جنوب سودان ۸۵ درصد از ذخایر نفتی حدود ٦ میلیارد بشکه‌ای این کشور را در خود جای می‌دهد. از سوی دیگر، قرار گرفتن بخشی از سرچشمه‌های رود نیل در جنوب سودان و کشف لایه‌هایی از معادن منیزیم، اورانیوم و مس، اهمیت این خاک را بیش از پیش می‌کند.

از سوی دیگر، درگیری‌ها در منطقه دارفور و مناطق مرزی بین دو بخش مانند «ابیه» و «کردوان» با توجه به ساختار قبیله‌ای منطقه، می‌تواند گام بعدی برای تجزیه سودان باشد.

هشدارهای مقام‌های سودانی درباره اهداف رژیم صهیونیستی برای تکه تکه کردن سودان نیز اکثرا با استناد به گفته‌های مقام‌های این رژیم درباره توجه ویژه به سودان تکرار می‌شود، چرا که «آوی دیختر» رئیس دستگاه امنیت دولت صهیونیستی (شاباک) و وزیر کشور اولمرت، طی سخنرانی در جمع دانشجویان آکادمی تحقیقات امنیت ملی رژیم صهیونیستی، به نقل از «بن گوریون» و دیگر مؤسسان این رژیم گفته بود: «تضعیف سودان از طریق پراکندگی تلاش‌ها و تضعیف نیروی این کشور، باید انجام شود.»

به گفته دیختر، طرف‌های بین‌المللی نظیر آمریکا اصرار دارند به شکل گسترده در سودان مداخله کنند تا اقلیم جنوب سودان و دارفور، مانند کوزوو، بتوانند استقلال خود را از حکومت مرکزی اعلام کنند.

«موشه فرجی» یکی از مؤسسان سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی (موساد) در کتاب «اسرائیل و جنبش آزادیخواهانه جنوب سودان»، هدف غایی صهیونیسم را مخالفت با پذیرش قومیت عربی و توجیه مشروعیت حضور اسرائیلی ـ صهیونیستی در منطقه عنوان کرده و می‌نویسد: همین موضع و الگوی اولیه، تل‌آویو را وادار کرده است تلاش‌های خود را در جنوب و دارفور بیشتر و برای ایجاد آشوب در قسمت‌های دیگر سودان اقدام کند.

بنابراین در برنامه بلندمدت رژیم صهیونیستی، سودان باید مانند یوگسلاوی سابق که به شش جمهوری کوچک تقسیم شد، تجزیه شود.

ارتباط میان مقام‌های سودان جنوبی با مقام‌های بلندپایه صهیونیسم، گرچه از زمان جنگ‌های داخلی وجود داشت، اما پس از تشکیل این کشور، به دنبال سفر رئیس‌جمهوری سودان جنوبی به تل آویو و همچنین دیدارهای مقام‌های نظامی صهیونیستی از سودان جنوبی، این ارتباط بیش از پیش روشن شد.

در این میان، بروز ناآرامی‌هایی در مناطق مرزی با سودان که بارها آتش جنگ را برافروخت، در کنار اختلاف دو کشور بر سر مالیات انتقال نفت سودان جنوبی از خاک سودان، آرامش را از منطقه گرفته است.

درگیری‌های قومی و قبیله‌ای در سودان جنوبی و همچنین فقر مردم این منطقه نیز با هشدار سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی همراه بوده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، «آکسفام» در بیانیه‌ای اعلام کرد حدود نیمی از مردم سودان جنوبی غذای کافی ندارند و دولت، هزینه‌های مربوط به راه سازی، مدارس، بهداشت و شبکه آبرسانی را کاهش داده و قیمت مواد غذایی و سوخت به طور بی سابقه‌ای افزایش یافته است.

آکسفام به افزایش تورم، از ۲۱/۳ درصد در فوریه ۲۰۱۲، به ۸۰ درصد در ماه می همین سال اشاره کرد و افزود: مردم سودان جنوبی نمی‌توانند به راحتی مواد غذایی خود را تأمین کنند و شمار کسانی که با مشکل تامین مواد غذایی مواجه هستند، از سال ۲۰۱۱ میلادی تاکنون، دو برابر افزایش یافته است.

«هلن مک الهینی» مشاور سیاسی آکسفام در سودان جنوبی نیز گفت: برخی از مردم سودان جنوبی فقط با یک وعده غذایی روزگار می‌گذرانند و شمار کسانی که به کمک‌های غذایی نیاز مبرم دارند، از سال گذشته تاکنون به دو برابر افزایش یافته است.

صلیب سرخ نیز از وجود مشکل خدمات درمانی در سودان جنوبی خبر داد و اعلام کرد بسیاری از مردم سودان جنوبی از خدمات درمانی محروم هستند و شمار کودکانی که به علت سوء‌تغذیه بستری می‌شوند، بسیار افزایش یافته است.

به نظر می‌رسد سودان جنوبی گرچه توانست سال گذشته استقلال خود را با حمایت کشورهای غربی به دست آورد، اما طی یک سال گذشته نتوانسته است بر مشکلات ساده مردم خود غلبه کند و شرایط رفاهی مناسب را برای آنان فراهم آورد.

در چنین شرایطی، هنوز آتش جنگ و اختلاف‌ها میان خارطوم و «جوبا» خاموش نشده است.

با وجود توافق اخیر دو کشور برای کاهش تنش‌ها، جای نگرانی درباره آینده روابط دو همسایه همچنان وجود دارد؛ امری که فقط به بهای از بین رفتن آرامش مردم این کشورها تمام خواهد شد.

***ارتباط میان مقام‌های سودان جنوبی با مقام‌های بلندپایه صهیونیسم، گرچه از زمان جنگ‌های داخلی وجود داشت، اما پس از تشکیل این کشور، به دنبال سفر رئیس‌جمهوری سودان جنوبی به تل آویو و همچنین دیدارهای مقام‌های نظامی رژیم صهیونیستی از سودان جنوبی، این ارتباط بیش از پیش روشن شد**

***آمریکا در راستای سوق دادن سودان به سمت تجزیه، در کنار دادن وعده بسته‌های تشویقی به خارطوم، اعمال تحریم‌های بیشتر را نیز از دستور کار خود خارج نکرد، به نحوی که اوباما چند ماه قبل از برگزاری همه‌پرسی جدایی جنوب، ضمن تهدید شمال سودان، اعلام کرد که تلاش آمریکا برای جلوگیری از جنگ در سودان، فقط جنبه بشردوستانه ندارد، بلکه منافع واشنگتن در منطقه با بروز چنین جنگی تهدید می‌شود**

Chad
Sudan
Khartoum
Eritrea
Ethiopia
Central African Republic
South Sudan
Juba

اخبار کوتاه

شورای شهر به مشکلات ناشران و روزنامه‌ها رسیدگی می کند

«شـورای اسلامی شهر تهران به مشکلات ناشران، کتابفروشی‌ها و روزنامه‌ها رسیدگی می کند.»

این مطلب را معصومه ابتکار رئیس کمیته محیط زیسـت شـورا در گفتگو با ایلنا اعلام کرد و افزود: از فعالان این عرصه‌ها دعوت می کنیم که مشکلاتشان را با ما در میان بگذارند تا به آنان کمک کنیم.

مددجویان بهزیستی بن کارت می گیرند

«در حال تدارک نحوه تولید بن کارت در اسـتان‌ها هسـتیم و به نظر می‌رسد ابتدای هفته آینده توزیع را در کل کشور شروع کنیم.»

به گزارش ایسنا این مطلب را همایون هاشمی رئیس سازمان بهزیستی کشـور در جمع معلولان گفت و افزود: چند سـالی است که بهزیستی به هر علتی نتوانسـته سـبد کالای ماه رمضان را پرداخت کند، اما امسـال، از چهار پنج ماه پیش صحبت‌هایی داشتیم و به زودی این بن‌ها را پرداخت خواهیم کرد.

حل مشکل درمان راننده درستکار اتوبوسرانی با دستور شهردار تهران

مشـکل درمان راننده درستکار شرکت واحد اتوبوسرانی با دستور شهردار تهران حل می‌شود.

به گزارش تهران سـما ناصر امانی قائم مقام معاونت مالی و اداری شهرداری تهران با اعلام این خبر افزود: با توجه به اینکه راننده زحمت کش و فداکار شـرکت واحد اتوبوسـرانی که با امانتداری و درستکاری کیف حاوی ۳ میلیارد ریال را به صاحب آن برگرداند، دچار ناراحتی جسـمی است و برای درمان و پرداخت هزینه‌های مرتبط با آن مشکل‌هایی دارد به دستور شهردار تهران، شرکت شهر سالم موظف شد مراحل درمان وی را انجام و هزینه‌های آن را پرداخت کند.

به گفته امانی برآورد هزینه درمان این شخص بالغ بر ۱۲۰ میلیون ریال است که توسط شهرداری تهران پرداخت می‌شود.

اجرای احکام پرونده‌های زمین‌خواری بعد از ماه رمضان

استاندار تهران از اجرای احکام زمین‌خواری بعد از ماه رمضان خبر داد و گفت: قلع و قمع ساخت‌وسازهای غیرمجاز در مناطقی که حکم قضایی قطعی برای آنها صادر شده، صورت می‌گیرد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسـانی دولت، مرتضی تمدن درباره اجرای احکام پرونده‌هایی که ماه گذشته دادستانی لیست آنها را اعلام کرده است، افزود: استانداری مبارزه با پدیده زمین‌خواری را به طور جدی آغاز کرده و تاکنون در شـهرداری‌های استان تهران ۱۱۴۰ واحد غیرمجاز تخریب و قلع و قمع شده است.

وی ادامـه داد: در میان ایـن پرونده‌ها برخی احکام بزرگ نیز وجود داشـت که قلع و قمع ساخت‌وسـازهای غیرمجاز منطقه پارچین، خجیر، کن و سـولقان و مناطق همجوار شـهر پردیس از جمله این پرونده‌های بزرگ بود.

پلمب ۲ شهر بازی به دلیل خطرآفرینی تجهیزات در تهران

سـرویس خبر: اداره کل اسـتاندارد اسـتان تهران اعـلام کرد: همه تجهیزات شـهربازی نرگس تهرانسـر و برخی از تجهیزات پارک بسیج، غیر استاندارد و خطرآفرین است.

به گزارش روابط عمومی اداره کل استاندارد استان تهران، در جریان بازرسی‌های صورت گرفته به دلیل غیر استاندارد بودن تجهیزات شهربازی، این شهربازی‌ها از جانب، کارشناسان استاندارد تهران پلمب شدند.

مدیر کل استاندارد استان تهران افزود: بر اساس گزارش نتایج آزمون تجهیزات شـهربازی نرگس تهرانسر مشخص شـد، همه تجهیزات این شهربازی غیراستاندارد و خطرآفرین است.

مسـلم بیات افزود: شـهر بازی‌ها باید دارای استانداردهای محیطی، مکانیکی و الکتریکی باشـند و از نظر ایمنی نیز در مبحث آتش سـوزی و حوادث دارای کمک‌های اولیه باشند.

بیـات افزود: برهمین مبنا اداره کل اسـتاندارد اسـتان تهران اقدام به بازرسـی از شهر بازی‌ها کرده و برای شهر بازی‌ها گواهینامه بهره برداری صادر می‌کند.

مدیر کل اسـتاندارد تهران اضافه کرد: گواهینامه‌های صادره حداکثر دارای اعتبار یکساله بوده و لازم است بعد از گذشت زمان انقضاء، دوباره مورد بازرسی و تجدید اعتبار قرار بگیرند.

فراخوان مشمولان عضو هیات علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور

سـرویس خبر: مشمولان عضو هیات علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور برای سپری کردن دوره آموزش رزم مقدماتی فراخوان شدند.

سـرهنگ رحمان علیدوسـت، معاون احضار و اعزام سازمان وظیفه عمومی ناجا با تشریح نحوه تأمین اعضای هیأت علمی مورد نیاز دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور افزود: مشمولان دارای مدرک تحصیلی کارشناسـی ارشد و بالاتر درصورت نیاز دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور می توانند با سپردن حداقل چهار سال تعهّد، به عضویت کادر هیأت علمی در آیند.

وی افزود: برای این قبیل از مشمولان پس از اتمام مدت تعهّد، کارت پایان خدمت صادر خواهد شد، بنابراین ضرورت دارد تا به همین منظور دوره آموزشی را نیز طی کنند.

علیدوسـت گفت: پس از انجام هماهنگی‌های لازم و صدور اوراق اعزام مقرر شد تا اعضای هیأت علمی سال تحصیلی ۹۱-۹۰ راس ساعت ۸ روز ۱۶ مرداد امسال برای گذراندن دوره آموزش به مرکز آموزش شهید مدرس سپاه اعزام شوند.

به گفته وی، این افراد، پس از سـپری کردن این دوره در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور به کارگرفته خواهند شد.



پدر و مادری بعد از ۵ سال فرزند گمشده خود را یافتند

سـرویس خبر: پدر و مادری که پنج سـال پیش فرزند معلول ذهنی خود را گم کرده بودند، در دهمین روز از ماه مبارک رمضان از طریق برنامه ضیافت الهی گمشده خود را پیدا کردند.

سعید ۲۵ساله که دچار معلولیت ذهنی است، پنج سال پیش در استان قم گم شـده بود و بعد از پنج سـال در یکی از مراکز نگهداری بهزیستی در استان قزوین پیدا شد.

برنامه ضیافت الهی که با همکاری سـازمان بهزیستی و شبکه ۲ سیما از ابتدای ماه مبارک رمضان شروع شده است، هر شب در یکی از استان‌ها برنامـه زنده دارد و این برنامه سـعی می کنـد با حضور در مراکز نگهداری معلولان از برنامه‌ها و اقدامات بهزیستی مردم را آگاه سازد.

وزیر بهداشت: لایحه افزایش مرخصی زایمان تقدیم دولت شد



سرویس سیاسـی ـ اجتماعی: «لایحه افزایـش مرخصی زایمان به مدت ۹ ماه برای زایمان‌های یک‌قلو و ۱۲ ماه بـرای زایمان‌های چندقلو و بیشتر و مرخصی بـرای پدران به مـدت ۱۰ روز کاری به دولت تقدیم شده است.»

به گزارش خبرنگار اطلاعات، دکتر مرضیه وحید دستجردی، وزیر بهداشـت، دیـروز در مراسـم روز جهانی تغذیه با شـیر مادر در پیامی با اشـاره به مطلب بالا بر نقش شـیر مادر در سـلامت و بقای شیرخواران تأکید کرد و افزود: بر اساس گزارش یونیسـف در سـال ۲۰۱۱، سـالانه ۱۳۶/۷میلیـون کودک در سراسـر جهـان متولـد می‌شـوند کـه فقط ۳۲/۶درصـد آنان در شـش ماه اول به طور انحصاری با شـیر مادر تغذیه می‌شوند.

وی در پیـام خـود اقدامـات انجام شـده بـرای تغذیـه مطلوب با شـیر مـادر را بر شـمرد و افزود: راه‌اندازی بیمارسـتان‌های دوستدار کودک، آموزش گروه‌های پزشـکی و پیراپزشـکی در دانشـگاه‌ها و نهایی‌سازی دسـتورالعمل واحدهای مشـاوره شـیردهی از جملـه ایـن اقدامات است.

دسـتجردی در ادامه این پیام با اشـاره به آخرین مطالعه انجام شده در کشور در سال ۱۳۸۹ تصریح کرد: بر اساس این مطالعه شاخص تغذیه انحصاری با شـیر مـادر ۵۳درصد و تداوم شیردهی تا یک سال ۸۴درصد بوده اسـت که تغذیـه انحصاری با شـیر مادر نسبت به سال‌های گذشته افزایش داشـته و این در حالی است که تداوم شیردهی با افت نسبی همراه بوده است.

دکتـر محمداسـماعیل مطلق، مدیـرکل دفتر سـلامت جمعیت و خانـواده وزارت بهداشـت هم در حاشـیه مراسـم روز جهانی شـیر مـادر در مـورد افزایـش مرخصی پـس از زایمان مـادران گفت: همه وزارتخانه‌هـا و ارگان‌هـا در مورد افزایـش مرخصـی زایمـان توافق کرده‌اند و این مسأله پس از تصویب مجلس برای اجرایی شـدن به همه سازمان‌ها ابلاغ می‌شود.

وی با اشـاره به ایـن که میزان باروری نسبت به جمعیت ۱/۶درصد اسـت، افـزود: ایـن نـرخ بایـد به ۲/۲درصد برسد و دهک‌های بالای جامعه که از نظر اقتصادی مشـکلی ندارند، می‌توانند فرزندان بیشـتری داشته باشند.

مطلق یکی از مشکلات جمعیتی کشور را سن ازدواج دانست و اظهار داشت: سن ازدواج هفت تا ۱۰ سال افزایش داشـته و به ۲۷ سـال رسیده است و این در حالی است که از لحاظ فیزیکی، بهترین سـن باروری ۲۰ تا ۲۵ سال است.

مدیرکل دفتر سلامت جمعیت و خانواده وزارت بهداشت ادامه داد: کاهـش تأخیر در فرزندآوری بعد از ازدواج به نفع سـلامت فرزند و مادر اسـت. وی تک‌فرزنـدی را از دیگر مشـکلات جمعیتـی کشـور اعلام کرد و افزود: با اجرای طرح پزشـک خانـواده بـرای افزایـش جمعیت هیچ‌گونه مشکل بهداشتی نخواهیم داشت.

دکتـر علیرضا مرنـدی، عضو کمیسیون بهداشت مجلس هم در این مراسم با بیان این که تغذیه با شیر مادر اولیـن و مهم‌ترین قدم برای کاهش مـرگ و میر در تمام طول زندگی هر فرد است، گفت: سالانه تغذیه با شیر مادر از مرگ ۸میلیون کودک در دنیا و ۸۰هزار کودک زیر پنج سال در ایران جلوگیری می‌کند.

وی با اشاره به این که ۵۶درصد کودکان زیر پنج سـال به دلیل سـوء تغذیـه دچار مرگ و میر می‌شـوند، اظهار داشـت: سوء تغذیه در مرگ و میر زودرس این کودکان نقش کلیدی دارد و سوء‌تغذیه می‌تواند به دو دلیل بیماری‌هـای عفونی و خوب تغذیه نشـدن کودک با شیر مادر، به وجود بیاید که تغذیه با شـیر مادر از هر دو این‌ها جلوگیری می‌کند.

رئیـس دفتـر تغذیـه با شـیر مـادر ادامـه داد: ۶۰درصـد مرگ و میر انسـان‌ها به علت بیماری‌های غیرواگیـر اسـت که بـا پیش‌گیری می‌تـوان از میـزان آن کم کرد که در این میان تغذیه با شیر مادر در کودکی می‌توانـد از ابتلا به این بیماری‌ها در بزرگسالی جلوگیری کند.

سیاسـت‌های کنترل جمعیت اعمال نمی‌شود

معاون بهداشت وزیر بهداشت، درمان وآموزش پزشـکی به اجرای برنامـه کنترل جمعیت درگذشـته اشـاره کرد و گفت: دیگر سیاسـتی بـرای کنتـرل جمعیت در کشـور نداریم. علیرضا مصداقی‌نیا در گفتگو با ایرنا تصریح کرد: اگر زنی به علت بیماری یا به علت مشکلات جسمی نتواند بچه‌دار شود از او مراقبت‌های لازم بـه عمـل می‌آوریم، اما دیگر این گونه نیست که سراغ مردم برویم و از آنها بخواهیم بچه داشته باشند یا نداشته باشند.

وی تاکیـد کرد: بـرای کاهش میزان جمعیت، دیگرکاری نمی‌کنیم. این مساله، سیاست دولت و وزارت بهداشت نیست.

معـاون وزیر بهداشـت خاطر نشـان کـرد: اکنون فقط سـلامت خانواده برای ما مهم است وسلامت مـادران و نـوزادان در اولویـت کار وزارت بهداشـت قرار دارد، این‌که شـمار فرزندان کم شود، جزو برنامه وزارت بهداشت نیست.

مدیرکل آمار، اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت‌احوال:

ایران رتبه ۲۵ نرخ باروری را در میان ۲۶ کشور منطقه دارد

سـرویس سیاسـی ـ اجتماعی: ایران با نرخ ۱/۶ درصـدی در میـان ۲۶ کشـور منطقـه رتبه بیست و پنجم را داراست.

بـه گزارش خبرنـگار اطلاعـات، علی‌اکبر محـزون، مدیرکل آمـار، اطلاعـات جمعیتی در مهاجرت سـازمان ثبت احوال کشور روزگذشته در نشسـت خبری با بیان این مطلب و با اشـاره به بیانات اخیر مقام معظـم رهبری درباره ضرورت بازنگری در سیاست‌های جمعیتی کشور به بررسی منشـاء تحولات جمعیتی کشور پرداخت و گفت: تحولات جمعیتی با سـیر فرایند توسـعه ارتباط مستقیم دارد.

وی بـا بیان این کـه درکشـورهای درحال توسـعه صد سال زمان لازم است تا گذر جمعیتی اتفـاق بیفتد، افـزود: گذار یا انتقـال جمعیتی در چنـد مرحلـه اتفـاق می‌افتد و بر شـدت رشـد جمعیت تاثیر می‌گذارد. محزون به تشـریح سابقه سیاسـت‌های جمعیتی درکشـورمان پرداخت و گفت: مدرنیزاسیون، توسعه شهرنشینی و بالا رفتن سـطح بهداشـت باعث شد که از دهه ۳۰ کشور با کاهش مرگ و میر مواجه شـود لذا در سال ۱۳۴۶ نخستین سیاسـت جمعیتی درکشور با تغییر سن قانونی ازدواج و اجرای سیاست‌های پیشگیری از بارداری تدوین شد.

وی با بیان این که تا اوایل دهه ۶۰ رشد شتابان جمعیت را داشتیم گفت: در این زمان دومین قانون سیاست‌های جمعیتی تدوین شد.

مدیرکل آمار، اطلاعات جمعیتی و مهاجرت نرخ رشد جمعیت درکشور را ۱/۶ درصد ذکرکرد و گفت: از نظر نرخ رشد جمعیت نیز ایران در میان ۲۶ کشور منطقه رتبه بیست و سوم را داراست.

وی برخـی عوامـل اقتصـادی، اجتماعی و فرهنگی را باعث کاهش رشـد جمعیت در ایران ذکرکردو گفـت: تغییر در تصور و باور افراد درباره ازدواج و فرزنـدآوری، هزینه‌های بالای ازدواج و داشـتن فرزند، بالارفتن سـن ازدواج و تاخیر در فرزنـدآوری از جمله علل کاهش رشـد جمعیت اسـت. وی گفـت: بـا توجه به این که نرخ رشـد جمعیت درحال حاضر به زیر سطح جانشین (۲/۱) رسیده است، پیش‌بینی می‌شود در ۲۰ الی ۳۰ سال آینده کشورمان با رشد منفی مواجه شود.

محزون افزود: درحـال حاضر ۲۳/۵ درصد جمعیت زیر ۱۵ سال سن، ۳۱/۵ درصد، ۱۵ تا ۲۹ سال سن، ۳۹/۵ درصد ۳۰ الی ۶۴ سال سن و بیش از ۵/۵ درصد جمعیت بالای ۶۵ سال سن دارند.

بـه گفتـه وی، پیش بینی می‌شـود جمعیت سـالمندان کشور درسال ۱۴۰۵ به ۷/۴ درصد و در سال‌های ۲۵-۱۴۲۰ به ۱۸ درصد برسد.

وی تصریح کـرد: با توجه به این که جمعیت کشور به سوی میانسـالی پیش می‌رود، بازنگری در سیاسـت‌های جمعیتی کشور ضروری به نظر می‌رسـد. وی تاکیدکـرد: باید نرخ بـاروری کل را درکشـور حداقـل به سـطح جانشـینی (۲/۱) برسانیم.

محـزون جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سـال کشـور را جمعیـت فعـال و فرصتـی طلایی برای کشـور ذکـر کـرد و گفت: این جمعیت سـهم زیادی در رشـد و توسعه کشـور دارند و می‌توانند به ترمیم جمعیت کمک کنند. وی تسهیل ازدواج و شرایط آن با اقدامات زیر سـاختی و جلوگیری از اشـاعه فرهنگ نداشتن فرزند و یا تک فرزندی را از جمله راهکارهـای ضروری برای سیاسـت‌های جدید جمعیتی ذکرکرد.

مدیرکل آمار، اطلاعات جمعیتی و مهاجرت دربخش دیگری از سـخنانش بـه اهمیت تعادل جمعیتی میان دختران و پسـران پرداخت و گفت: اختلاف سنی حدود پنج سال میان دختران و پسران شرف ازدواج باعث به هم خوردن تعادل جمعیت می‌شود.

وی تاکید کرد: ترویج هم‌سن گزینی و نزدیک کردن سن زوجین به حفظ تعال جمعیت در شرف ازدواج کمک می‌کند.

بـه گفته وی سیاسـت‌های جمعیتـی ابعاد مختلفی دارد که باید متناسـب با ظرفیت کشـور به آن پرداخت.

محزون تاکید کرد: سیاسـت‌های تشـویقی فرزنـدآوری براسـاس سیاسـت‌های آمایـش سـرزمینی و با توجه به ظرفیت‌ها و میزان توسـعه مناطق مختلف اجرا خواهد شد.

وی بر ضرورت پیشـگیری از طلاق و پایدار کردن ازدواج‌ها نیز تاکیدکرد و افزود: قرار است در زمان ثبت طلاق علل آن نیز ثبت شود تا ریشه‌یابی طلاق ها درجهت جلوگیری از آن اقدام شود.

مدیرکل آمار و اطلاعات جمعیتی ثبت احوال نقش سـازمان ثبت احـوال رادرا ین زمینه رصد مسـتمر تحولات جمعیتی و ترسـیم هرم سـنی جمعیت ذکر کرد.

واجدان شرایط معافیت ۳ برادری تا پایان شهریور فرصت دارند

جانشین اداره منابع انسانی ستاد کل نیروهای مسلح با اشاره به این که واجدین شرایط معافیت سه برادری تا پایان شهریور مهلت دارند، گفت: کسـانی که به دلیل تاریخ اعزامشان در روز ۱۸ تیر، هشت ماه خدمتشان با پایان سـال ۹۰ تکمیل نشده، برادر چهـارم آنان هـم از خدمت معاف است.

سـردار موسـی کمالـی در گفت‌وگو با فارس با اشـاره به قانون معافیت سه‌برادری، افزود: بر اساس تصمیم‌گیری‌های صـورت گرفته اگر برادر سـوم فرد، ۸ ماه از خدمت وظیفه‌اش گذشته باشد، برادر چهارم وی از خدمت وظیفه معاف خواهد شـد، لذا کسـانی که در سال ۹۰ به خدمت اعزام شـده‌اند، می‌توانند از این شرایط بهره ببرند.

وی ادامـه داد: افرادی هسـتند که به دلیل تاریخ اعزامشـان در روز هجدهم تیرماه با شـروع سـال ۹۱ هشـت ماه خدمتشـان پرنشده لذا برای این افراد هم تسهیلاتی در نظر گرفته شد تا آنان به عنوان سرباز کامل شـناخته شـوند و برادر چهارمشان بتواند با مراجعه به سـازمان وظیفه عمومـی، از خدمت وظیفه عمومی معاف شود.

وی خاطرنشـان کرد: در قانون چند بار موضوع معافیت سه‌برداری مورد بررسـی قرار گرفت، به نحوی که در یک مـورد در این قانون آمده بـود کـه اگر ۳ بـرادر خدمت کرده باشند، برادر چهارم از خدمت معاف است.

کمالـی تصریـح کـرد: در بررسـی‌های بعدی تعیین شد که دو بـرادر خدمت کرده باشـند و برادر سوم در حین خدمت یا فوت کرده یا جانباز شده باشد، وی را هم خدمت کرده به حساب آورده و برادر چهارم وی از خدمت معاف شود.

ایـن مقام ارشـد نظامی اذعان داشـت: در مرحله بعدی اجرای این قانون چنین آمد که اگر برادر سـوم یک سال خدمت کرده باشد فرض را بر این می‌گذاریم که وی می‌خواهد بـه خدمت خود ادامه دهد، لذا برادر سـوم هم خدمت‌کرده فرض شد و بـرادر چهارم نیازی بـرای خدمت کردنش نبود، اما مشـکلاتی در برابر اجـرای آن ایجاد شـد تا این که این زمان یک سـاله به هشـت ماه تقلیل پیدا کرد.

وی ادامه داد: کسـانی که واجد هرگونه شـرایط معافیت در سال ۹۰ بودند تا پایان شـهریور ماه فرصت دارند پیگیر معافیت خود از خدمت وظیفه عمومی باشند.

شهادت پرسنل نیروی انتظامی همدان

همدان ـ در جریان تعقیب و گریز قاچاقچیان موادمخدر در همدان، یک نفر از پرسنل انتظامی همدان به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

فرمانده انتظامی شهرسـتان همدان با تأیید این خبر به ایرنا گفت: در جریان تعقیب و گریز قاچاقچیان موادمخدر در سطح شهر و برخورد خودرو آنها با خودرو سد شده نیروی انتظامی بر مسیر آنها یک سرباز وظیفه انتظامی همدان شهید شد.

سـرهنگ رسول مرادی در گفت‌وگو با ایرنا افزود: عوامل کلانتری ۱۲ شهر همدان هنگام گشت‌زنی در سطح شهر به یکی از خودروهای عبوری ظنین شدند و دستور ایست به راننده خودرو دادند.

وی اضافه کرد: راننده خودرو بدون توجه به دستور ایست مأموران اقدام به افزودن سرعت خود کرد که به دنبال فرار راننده علاوه بر تعقیب خودرو موضوع به مرکز انتظامی گزارش داده شد، وی با ذکر این‌که واحدهای پشتیبانی بلافاصله وارد عمل شدند اظهار داشت: به دنبال تعقیب و گریز راننده خودرو فراری اقدام به حرکت در مسیر مخالف در میدان سپاه (معروف به چراغ قرمز) همدان کرد و در خلاف جهت خودروها در جاده همدان ـ تهران به حرکت خود ادامه داد.

فرمانده انتظامی شهرستان همدان اضافه کرد: سپس خودرو از روی جدول به سمت منطقه حصار راه علی‌آباد فرار کرد و از آنجا نیز وارد بلوار آیت‌الله نجفی و در نهایت به چهارراه آیت‌الله نجفی (میدان میوه و تره‌بار) رسید.

سرهنگ مرادی بیان کرد: در این هنگام عوامل انتظامی در محل چهارراه میدان بار مسیر قاچاقچیان را سد کرده بودند که راننده با عبور از چراغ قرمز با سرعت بیش از ۱۰۰ کیلومتر در ساعت به خودرو نیروی انتظامی برخورد کرد.

وی اضافه کرد: برخورد خودرو قاچاقچیان با خودرو عوامل انتظامی موجب مجروح شـدن راننده و دو سرنشین خودرو قاچاقچیان و به شهادت رسیدن یک سرباز وظیفه شد.

دلار فروش، قربانی معامله میلیونی ارز خارجی شد

سـرویس حوادث: سرایدار پاسازی که به بهانه فروش ارز خارجی، دلال فروش سیاری را به محل قرار کشانده و پس از قتل پول‌هایش را دزدیده بود، با ردیابی کارآگاهان اداره پلیس آگاهی تهران بازداشت

مامـوران کلانتـری ۱۱۲ ابوسـعید در ۲۷ تیر امسـال از موضوع کشـف جسـد مردی در داخل یک کارتن بزرگ در میدان حسن‌آباد کوچه خیام مطلع شـدند و با حضور در محل مشـخص شد که جسد به مرد میانسالی تعلق دارد که یک رشـته طناب به دور گردن او پیچیده شـده و از ناحیه گلو نیز دارای آثار بریدگی بود با اعلام موضوع به قاضی شـهریاری بازپرس شـعبه اول دادسرای امورجنایـی تهـران و با حضور بازپرس و عوامل بررسـی صحنه جرم، پرونده مقدماتی با موضوع قتل عمد تشـکیل و در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

کارآگاهان با توجه به بررسـی شـواهد صحنه کشـف جسد که نشان از ارتکاب جنایت در محل دیگر داشـت، اقدام به بررسـی تصاویر دوربین‌های مداربسته شعبات بانکی و دیگر مغازه‌های اطراف محل کشف جسد کردند و با بهره‌گیری از تصاویر دوربین‌های مداربسته متعلق به یک مغازه سوپرمارکت در نزدیکی محل کشف جسد، مرد میانسالی را در حال انتقال کارتن بزرگی (مشابه همان کارتن کشـف شـده در محل کشف جسد) با استفاده از یک چرخ‌دستی مورد شناسایی قرار دادند.

همزمان با آغاز تحقیقات و بدسـت آمدن تصاویر حمل جسـد از طریق دوربین‌های مداربسـته، خانواده فردی به هویت «اسـماعیل تیمورخانی» (۵۷ سـاله) در ۲۹ تیر با مراجعه به پلیس اعلام کردندکه او از صبح ۲۶ تیر از خانه شده و دیگر به خانه بازنگشته است که با ارجاع پرونده فقدانی به پایگاه هشتم پلیس آگاهی و اداره دهم، خانواده فقدانی جسـد مکشـوفه در کوچه خیام را به عنوان پدر خانواده شناسایی کردند.

با شناسایی هویت مقتول، کارآگاهان اداره دهم به تحقیق از اعضای خانواده مقتول پرداختند و معلوم شـد که اسـماعیل در زمینه خرید و فروش ارزهای خارجی فعالیت داشته و در این چند سال نیز با شخصی به نام مسعود کار می‌کرده است. به گفته خانواده اسماعیل، او به آنها گفته بودکه تا چند روز آینده اقدام به خرید مقداری دلار خواهد کرد و به همین علت در ۲۶ تیر و در زمان خروج از منزلش در منطقه فلاح، مبلغ ۱۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان به همراه خود داشته و پس از آن دیگر به منزل باز نگشته بود.

با احضار مسعود و بررسی صحت اظهارات او، بیگناهی وی مشخص شده، اما وقتی تصاویر به دسـت آمده از دوربین‌های مداربسـته سوپرمارکت را به او نشان دادند، او توانست هویت حامل چرخ‌دستی به نام «اکبر» را شناسایی کند.

مسعود گفت: با وجود آنکه کار اصلی اکبر سرایداری است، اما مدتی بود که علاوه بر کار اصلی خود در زمینه خرید و فروش دلار و ارز نیز فعالیت داشت و از حدود چند ماه پیش با مقتول آشنا شده بود.

با شناسایی هویت اکبر، او چند روز قبل در محل کارش دستگیر شد و با وجودی که مدعی بود قتل را فرد دیگری مرتکب شده است، با رد این موضوع در تحقیقات پلیسـی، متهم به قتل در بازجویی نزد قاضی شـهریاری بازپرس پرونده به قتل اسماعیل اعتراف کذد.

بازپـرس جنایـی تهران، پس از اعتراف متهم بـه ارتکاب جنایت او را با صـدور قرار قانونی برای انجام تحقیقات تکمیلـی در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار داد.

اخبار حوادث

اتوبوس شهری در آتش سوخت

سرویس حوادث: نقص فنی در سیم‌کشی اتوبوس شهری سبب سوختن کامل موتور و قسـمتی از اتاق اتوبوس نرسـیده به چهارراه گلوبندک تهران شد.

اکبر اکبری، افسر آماده منطقه یک آتش‌نشانی با بیان این که، نقص فنی در سیم‌کشـی این خودرو سـبب آتش گرفتن قسمت موتور شد و سپس به داخل اتاق خودرو سـرایت کرد، گفت: خوشـبختانه مسافران به سرعت از اتوبوس خارج شدند.

وی افزود: آتش‌نشانان، به وسیله لوله‌های آبدهی آتش را خاموش و از سرایت آن به دیگر قسمت‌های اتوبوس جلوگیری کردند.

دستبرد پرستار خانگی پس از مرگ صاحبخانه

سـرویس حوادث: پرسـتار خانگی که پس از مرگ زن سالمند از خانه اوسرقت میلیونی کرده بود توسط ماموران پلیس دستگیر شد.

هفته گذشـته فرزندان زنی با مراجعه به کلانتری یوسـف‌آباد از سرقت اموال مادرشان پس از مرگ او خبر دادند. آنها در شکایت خود گفتند، مادرمان به خاطر کهولت سن و بیماری مزمنی که داشت چند روز قبل فوت کرد. پس از برگزاری مراسم تدفین او متوجه شدیم یک تابلو فرش قدیمی و یک قالیچه دستباف که حدود ۱۰۰ میلیون تومان ارزش دارد، از خانه مادرمان سرقت شده اسـت. با انجام بررسـی‌ها مأموران دریافتند که زنی به عنوان پرستار درخانه این پیرزن مشـغول به کار بوده اسـت که در بازجویی او منکر سرقت شد، اما با کشف فرش و تابلو فرش سرقتی در خانه‌اش اعتراف کرد که پس از مرگ زن سالمند و قبل از این‌که فرزندانش به آنجا بیایند، این اموال را سرقت کرده است. متهم با صدور قرار قانونی روانه دادسرا شد.

شرور فراری در تهران بازداشت شد

سرویس حوادث: پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ یکی از اشرار درجه یک شهر تهران را بازداشت کرد.

به گزارش سـایت پلیس، سرهنگ علیرضا محرابی رئیس پلیس امنیت عمومـی تهـران در این باره گفت: چندی پیش یکـی از اراذل و اوباش به نام «معین» اقدام به سـرقت از یک منزل کرد که با تشـکیل پرونده در دادسـرای ناحیه ۷ و در دادنامه غیابی این متهم به تحمّل دو سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق تعزیری و همچنین باز پس دادن اموال مسروقه محکوم شد.

وی افزود: از آنجا که این متهم به یکی دیگر از شهرها گریخته بود، ردیابی او ادامه داشت تا این‌که مشخص شد وی مدتی پیش به تهران بازگشته و در خفا زندگی می‌کند.

محرابی گفت: با شناسایی مخفیگاه این شرور، مأموران با کسب دستور قضایی او را در منزلش بازداشـت کردند، البته متهم قصد داشـت به مأموران حمله کند که ناکام ماند. این متهم با صدور قرار قانونی روانه زندان شد.

تابلوهای دیجیتالی جایگزین تابلوهای مدت‌دار می‌شوند

سـرویس حوادث: رئیس پلیس ترافیـک شـهری ناجـا از جایگزینی تابلوهای دیجیتالی راهنمایی و رانندگی به جای تابلوهای مدت‌دار یا فصلی در معابر درون شهری خبر داد.

سـرهنگ محسن مهرایی با اشاره به این‌که برخی تابلوهای پلیس راهور کـه به صـورت فصلـی یا مـدت‌دار در سـطح شـهرهای کشـور نصب می‌شـوند در خارج از زمان خود دیگر موضوعیت ندارند، از تشکیل کمیته‌ای برای سـاماندهی تابلوهای راهنمایی و رانندگی خبر داد و گفت: این دسته از تابلوها با تابلوهای دیجیتال جایگزین می‌شـوند که بدین ترتیب می‌توان از آنها در تمامی فصول سـال و در تمام موقعیت‌ها استفاده کرد.

وی به تصادفات درون شهری در چهارماهه امسال اشاره کرد و گفت: عابران پیاده و راکبان موتورسـیکلت عمده‌ترین کشته‌های تصادفات درون شهری در کشور هستند، به طوری که از ۵۲۴ فقره تصادف منجر به فوت در صحنه، ۴۰۰ فقره مربوط به عابران پیاده و موتورسواران بوده است.

رئیس پلیس ترافیک شـهری به شمار کشته‌های تصادفات رانندگی درون شهری اشاره کرد و گفت: آمارها نشان می‌دهد ۴۰ درصد کشته‌های در صحنه تصادفات در درون شهرها در چهار ماهه امسال راکبان موتورسیکلت اعم از مقصر یا غیر مقصر و ۳۸/۴ درصد نیز عابران پیاده بوده‌اند.

وی از اتخاذ تدابیر ویژه برای کاهش شمار کشته‌های تصادفات درون شهری در امسال خبر داد و گفت: هشت تخلّف عمده شامل استفاده‌نکردن از کمربند ایمنی، سرعت غیر مجاز، سبقت غیر مجاز، توقّف‌های دوبله، تجاوز به گذرگاه عابر پیاده، حرکتِ با دنده عقب در بزرگراه‌ها، صحبت کردن با تلفن همراه هنگام رانندگی و تخلّفات موتورسیکلت سواران شامل استفاده‌نکردن از کلاه ایمنی، حرکت در پیاده رو، حرکت در خلاف جهت و عبور از چراغ قرمز در دسـتور کارِ جدی پلیس راهورناجا در شـهرها قرار دارد که بر این اساس با هرگونه تخلّف در این زمینه به طور جدی و بدون اغماض برخورد خواهد شد. رئیس پلیس ترافیک شهری با اشاره به قانون جدید رسیدگی به تخلّفات رانندگی گفت: مأموران راهنمایی و رانندگی در درون شهرها نسبت به معرفی دسـتگاه‌های مقصر در تصادفات رانندگی به مراجع ذیربط اقدام می‌کنند و بر اساس قانون این دستگاه‌ها مکلف هستند خسارات وارده را بر اساس سهم خود پرداخت کنند. وی یکی از معضلات شهرها را حجم بالای موتورسـیکلت و رشد بی‌رویه اسـتفاده از این وسیله نقلیه دانست و گفت: قـدرت مانور بالا و قیمت پایین موتورسـیکلت‌ها موجب افزایش گرایش شهروندان به استفاده از این وسیله نقلیه شده است به شکلی که آمارها نشان می‌دهد فقط در شهر تهران حدود ۶۰ هزار دستگاه موتورسیکلت توقیفی در پارکینگ‌ها هستند که مالکان آنها برای ترخیصشان مراجعه نمی‌کنند.

سرهنگ مهرایی اضافه کرد: مالکان موتورسیکلت‌ها زمانی که می‌بینند با روزی ۱۰۰۰ تومان می‌توانند یک موتورسیکلت از دم قسط خریداری کنند، دیگر نیازی به ترخیص موتورسیکلت و انجام مراحل مربوطه نمی‌بینند که در این خصوص نیز پلیس راهور برنامه‌هایی را در دستور کار قرار داده است که به زودی جزئیات آن اعلام می‌شود.

وی با اشاره به این‌که برخورد با موتورسیکلت سواران متخلف امسال به طور جدی در دستورکار قرار دارد، گفت: آمار توقیف این دسته از وسایط نقلیه نشان می‌دهد که برخورد با موتورسواران متخلّف در امسال به طور قابل ملاحظه‌ای در شهرهای کشور افزایش داشته است.

سرهنگ مهرآیی به تمهیدات ویژه پلیس برای لیالی قدر و نماز عید فطر اشاره کرد و گفت: نماز عید فطر در تهران در مصلی امام (ره) برگزار می‌شود کـه تمهیـدات ترافیکی ویژه‌ای را برای ایـن روز در نظر گرفته‌ایم. درلیالی قدرنیز تدابیر ویژه در اطراف مسـاجد و امامزاده‌ها پیش بینی شـده است. از سوی دیگر برای اجلاس سران جنبش غیرمتعهّدها که قرار است در دهه اول شهریور برگزار شود نیز تدابیر ویژه‌ای اتخاذ شده و محدودیت‌های خاص ترافیکی در نظر گرفته شـده اسـت.. وی به کاهش سـاعت طرح ترافیک و زوج و فرد در تهران اشـاره کرد و گفت: مدت زمان هر دو این طرح در ماه مبارک رمضان از سـاعت ۷ تا ۱۶ در پایتخت شـده است و اگر خودرویی به غیر از این ساعات در محدوده طرح ترافیک و زوج و فرد جریمه شده باشد به صورت سیستمی جریمه راننده آن حذف خواهد شد.

اسامی جدید مخدرهای صنعتی برای به دام انداختن جوانان است

سـرویس خبر: مدیـرکل مقابله با عرضه سـتاد مبارزه با موادمخدر با بیـان این‌که تمامی مواد مخدر صنعتی موجود در بازار از مشـتقات شیشـه اسـت، گفت: اسم‌هایی مانند شوره سر شیطان، سوخت موشک و نمک‌هاوایی بـرای جذب جوانان و به دام انداختن این قشر است.

علی علی‌اکبری درباره اسـامی جوان‌پسـند مواد مخدر صنعتی اظهار داشت: قرائن و شواهد موجود حاکی از یـک حرکت برنامه ریزی شـده از جانب بیگانگان و کشورهای معاند با نظـام در تغییر الگوی تولید و مصرف مواد در سطح کشـور است.وی ادامه داد: این برنامه شـوم عمدتاً بر تولید و عرضه مواد مخدر صنعتی و روانگردان با هدف تباهی نسل مولّد جامعه و تهی ساختن کشور از توان فکری ـ عملیاتی قشرهای جوان و نوجوان و به نوعی در تقابـل قرار دادن مردم با نظام از طریق ایجـاد نارضایتی در جامعه و انحراف توجه نیروهای امنیتی ـ انتظامی از دیگر مسائل اساسی کشور متمرکز است.

بـه گفته مدیرکل مقابله با عرضه سـتاد مبارزه با مواد مخدر، در این بین نکته مهمی که وجود دارد آن است که ترکیب بسـیاری از مـواد مذکور که با نام‌هـای جدید عرضه می‌شـود یکی اسـت و در حقیقت سوداگران مرگ با بکاربردن اصطلاحات و عناوین جوان پسـند و نو، سـعی در آلودگی بیشتر اجتماع و افزایش شـمار مشـتریان و طبعاً سودآندوزی بیشتر دارند.

علـی اکبری افـزود: متامفتامین کریستاله که ما با نام شیشه می‌شناسیم بـا نام‌هـای دیگری چون یخ، شـابو، آیـس و مـت نیز عرضه می‌شـود در حالیکـه ترکیب اصلـی همه این مواد همان متامفتامین اسـت و این نام‌ها و اصطلاحات مشـابه عمومـا برگرفته از متامفتامین عرضه شـده در فرهنگ محلی دیگر کشورهاست.

وی تأکید کرد: به‌عنوان نمونه شابو واژه‌ای است که در ژاپن مورداستفاده قرار می گیـرد، همچنانکه مالزیایی‌ها به ایـن ماده باتوکیـلات می گویند و اسـپانیایی‌ها آن را ویدریو می‌نامند. از دیگر نام‌های مورد استفاده می‌توان به کرانک، گچ، شوره سر شیطان، دوپ، گرد مصنوعـی، نمک‌هاوایی، کراک، هیلی بیلی، راشت جاوا، هرویین گردن قرمز، اسمارفدوپ و سوخت موشک اشاره کرد.

ناکامی در ربودن طلافروش برای اخاذی میلیونی

سـرویس حوادث: جانشین فرماندهی انتظامی استان کردستان از دستگیری دو نفر که قصد داشتند با ربودن یک طلافروش از خانواده‌اش اخاذی ۲۰۰ میلیون تومانی کنند، خبر داد.

سـرهنگ قنبری با بیان این‌که مأموران اداره مبارزه با قاچاق کالا و ارز پلیس آگاهی اسـتان هنگام گشـت در محور سنندج به دیواندره به یک دستگاه خودرو پژو ۴۰۵ ظنین شدند و به آن فرمان ایست دادند، گفت: راننده این خودرو به محض مشـاهده مأموران به سـمت یکی از روستاهای مجاور تغییر مسیر داد که با تعقیب و گریز این خودرو در یکی از کوچه‌های روستا متوقف و راننده و سرنشین آن با رهاکردن خودرو اقدام به فرار کردند، اما در نهایت دستگیر شدند و به همراه خودرو توقیف شده به اداره آگاهی استان انتقال داده شدند.

قنبری افزود: در بازرسـی از خودرو توقیف شـده یک قبضه سلاح کمری با ۴۹ تیـر جنگـی، دو عدد کلاه‌گیس مخصوص تغییر چهره، ۹ عدد دسـتبند یکبار مصرف، یک دسـتگاه شـوکر، دستگاه مخصوص پرچ و سه عدد پلاک خودرو به همراه تعدادی مدارک شناسایی کشف و ضبط شد.

متهمان دربازجویی اعتراف کردند که حدود دو ماه است برای ربودن یک طلا فروش نقشه کشیده‌اند و قصد داشتند پس از ربودن شخص طلافروش از خانواده او مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان اخاذی کنند که با حضور مأموران ناکام ماندند.

خط ارتباطی اطلاعات با مردم

۲۲۲۲۶۰۹۰

۲ تا ۷ بعدازظهر بجز پنجشنبه و تعطیلات

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
* موضوعات پیام‌ها جنبه خصوصی، حقوقی و قضایی نداشته باشد.
* از تکرار یک پیام روی پیامگیر اکیداً خودداری بفرمایید.
* پیام‌ها مختصر و مفید، شمرده و دقیق باشد.
* چاپ پیام‌ها بر اساس نوبت است

باتشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

قدردانی از زحمات نماینده نائین در مجلس

شهرسـتان نائین (استان اصفهان) با روستاهای بسیار در حاشیه کویر مرکزی ایران قرار گرفته است و روستاهایش نیز تا ۳۰۰ و ۴۰۰ کیلومتر از یکدیگر فاصله دارند. با این حال آقای طباطبایی نائینی نماینده محترم مردم نائین در مجلس شورای اسلامی با سفر به دورترین روستاها، به مسائل اهالی آن‌ها از نزدیک رسیدگی می کنند که جای تشکر دارد.

نائین ـ یغمایی

پاورقی ستاره کاروان را چگونه تهیه کنم؟

حوالی سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۵ کتاب «ستاره کاروان» درباره زندگی ابوعلی‌سـینا و پدر و مادرش به‌صـورت پاورقی در روزنامه اطلاعات آن دوران چاپ شـده اسـت، لطفاً راهنمایی‌ام کنید که چگونه می‌توانم به آن نوشته‌ها دست یابم.

نسرین وحیدی دستگردی ـ مجتمع آتی‌ساز

خط ارتباطی: این خواننده گرامی می‌تواند با واحد آرشـیو روزنامه اطلاعات تماس بگیرد.

گلایه از سردبیر روزنامه اطلاعات

مقاله سـردبیر محتـرم روزنامه اطلاعات که تحـت عنوان «فرهنگ رمضان» ۳۱ تیر ۹۱ چاپ شد، باعث می‌شود کسانی که به فقرا و اهالی یک محله سـالی یکبار غذا و بامیه و زولبیایی می‌دادند، آن را هم قطع کنند! در ضمن کسانی که سفره‌های رنگین می‌اندازند، خداوند هم کمک می‌کند که همیشه سفره‌های رنگین داشته باشند.

تلفن به خط ارتباطی

خط ارتباطی: همانطور که در مقاله تأکید شده، منظور پرهیز از چیدن سفره‌های رنگارنگ از محل بودجه‌های عمومی و ریخت و پاش‌های بسیار و دورریز و اسـراف و افراط در چیدن سـفره‌های افطاری بوده و برقناعت نیز به عنوان یک آموزه پر اهمیت دینی، در تمامی موارد زندگی تأکید شده است.

استقبال پزشکان عمومی از سراجبار است

به نظر می‌رسـد هزینه اجرای طرح پزشک خانواده از جیب پزشکان عمومی دارای مطب و شاغل در بخش خصوصی باید پرداخت شود. چرا که با حق ویزیت ناچیز سرانه ۲۱۰۰ تومان باید کار کنند و اگر هم حاضر به همکاری با طرح نباشند، بیمه‌ها قراردادهایشان را با آنان قطع می‌کنند و از این رو می‌توان گفت که استقبال پزشکان عمومی از طرح پزشک خانواده، از سر اجبار است!

خانم پزشک عمومی

تعطیلی شعبه بانک سپه در هادیشهر

سرپرسـتی بانک سـپه در اسـتان آذربایجان شـرقی اخیراً شعبه این بانک در میدان قیام‌هادیشـهر را تعطیل کرده و این اقدام باعث سـرگردانی بازنشستگان، مستمری‌بگیران و جانبازانی شده است که باید حقوق‌هایشان را از بانک سپه دریافت دارند.

هادیشهر ـ یک بازنشسته

ممنوعیت حمل مرغ زنده به تهران

در گذشته حدود ۲۰۰ دستگاه کامیون مرغ‌های زنده را برای کشتار از آمل و دیگر شهرهای مازندران، به تهران حمل می‌کردند که موجب تأمین گوشـت مرغ مورد نیاز سـاکنان این شهر و ثابت ماندن قیمت می‌شد. اما از وقتی حمل مرغ زنده به تهران را ممنوع اعلام کرده‌اند، از عرضه گوشـت مرغ در این شهر به نحو چشمگیری کاسته شده است و در ضمن اکثریت رانندگان کامیون‌های حمل مرغ هم بیکار شـده‌اند که برایشان باید فکری شود.

آمل ـ علی درزی

محاسبه دوران خدمت در جبهه‌ها

منقضی خدمت سـال ۱۳۵۶ هسـتم که ۳۰ مـاه در جبهه‌های جنگ تحمیلـی حضور داشـته‌ام. از سـازمان تأمیـن اجتماعی انتظـار می‌رود بـا اجـرای حکم دیوان عدالـت اداری، دوران خدمت ما در جبهه‌ها را هم جزء سـوابق بیمه‌مان منظور کند تا از آن بتوانیم برای بازنشسـتگی خود استفاده کنیم.

ارومیه ـ بیمه شده تأمین اجتماعی

تجدید قرارداد پرسنل یگان حفاظت منابع طبیعی

پرسنل یگان حفاظت سازمان منابع طبیعی شمیران از ۲ سال پیش به وسیله یک شرکت کاریابی به استخدام موقت سازمان یاد شده درآمدند و حال که موعد پایان یافتن مدت این قرارداد فرا رسیده است جا دارد ضمن تجدید آن، با توجه به دسـتور رئیس جمهـوری قراردادهایمان به صورت مستقیم با منابع طبیعی شمیران منعقد شود.

رودبار قصران ـ از پرسنل یگان حفاظت

معافیت مالیاتی کتابفروشان

بـا این که دولت و وزارتخانه‌های ارشـاد و دارایـی بر لزوم معافیت کتابفروشـی‌ها از پرداخت مالیات تاکید کرده اند، این مصوبه هنوز به اجرا درنیامده است که باید اجرا گردد.

میاندوآب (آذربایجان غربی) ـ یک کتابفروش

با گیاه‌خواری سالمتر می‌توان زندگی کرد

با این که من هم از افزایش بی‌رویه قیمت گوشت ناراحتم، اما معتقدم انسـان اگر بتواند گوشتخواری را کنار بگذارد و به گیاهخواری روی آورد بهتر و سالمتر می‌تواند زندگی کند. من سال هاست که گوشت نمی‌خورم و با این که اندام لاغری دارم از انجام کارهای سـخت و از جمله بنایی، به خوبی برمی‌آیم.

دزفول ـ شهروند گیاهخوار

بررسی دلایل تجدیدی دانش‌آموزان

تعـداد تجدیدی‌های ریاضی دانش‌آموزان هنرسـتان امام صادق(ع) واقع در خیابان ری، در سـال تحصیلی گذشـته افزایش یافته است که امید است دلایل آن توسط کارشناسان ذی ربط مورد بررسی قرار گیرد و برای پیشگیری از موارد تجدیدی دانش‌آموزان در آینده چاره‌اندیشی شود.

از اولیای دانش‌آموزان

این گونه از تولید ملی حمایت می‌شود؟

برنجی که به مناسـبت ماه مبارک رمضان به پرسـنل نیروی انتظامی اختصاص یافته، محصول خارجی است و با توجه به تعداد دریافت‌کنندگان آن، از این برنج خارجی باید تناژ بالایی خریداری و وارد کشور شده باشد و این در حالی اسـت که در سـال حمایت از کار و تولید ملی و ایرانی قرار داریم و می‌طلبد که مسئولان امر به عنوان مثال با خرید و توزیع برنج ایرانی، الگو و سرمشق مردم در توجه به تولیدات داخلی باشند، نه این که آنان را به نوعی به خرید محصولات خارجی تشویق کنند.

قم ـ تلفن به خط ارتباطی

سرگردانی متقاضیان دریافت وام ساخت مسکن

قبل از عید با شـهرداری ورامین تماس گرفتم و شـرایط دریافت وام ساخت مسکن در بافت فرسوده را پرسیدم. مسئولان مربوط اظهار داشتند که حتماً باید جواز داشته باشم و سند به نامم باشد.

۴ میلیون تومان برای گرفتن جواز هزینه و به شهرداری مراجعه کردم، مسئولان گفتند که ابتدا باید ملکم را خراب و بعد برای گرفتن وام ثبت نام کنم. تازه بعد از طی این مراحل مشخص نیست که وام به من تعلق می‌گیرد یـا نه و اگـر تعلق می‌گیرد، زمان آن کی خواهد بـود، من چگونه می‌توانم بی‌پشتوانه سرپناهم را خراب کنم؟

ورامین ـ موسوی

پاسخ مسئولان

پاسخ شهرداری منطقه ۱۱ در مورد اتلاف جانوران مُضرّ شهری

با سـلام و احترام، در پاسـخ به پیام شهروند محترم در روزنامه مورخ ۹۱/۴/۱۷ درخصوص وجود موش در خیابان باسـتان سرکوچه نوری، به استحضار می‌رساند:

سـتاد اتلاف جانوران مضر شـهری (موش) نسبت به طعمه‌گذاری سرتاسر خیابان کوچه نوری که دسترسی به زیر پل را با مشکل مواجه کرده بود. لذا اداره فنی و عمران نسـبت به نصب دریچه روی پل اقدام نموده و طعمه‌گذاری زیر پل به سهولت انجام گردید. از دیگر دلایل معضل موش در این خیابان، دفع ناصحیح و بی‌موقع زباله توسط شهروندان می‌باشد که توصیه می‌گردد زباله‌ها در موعد مقرر (سـاعت ۹ شـب) و به طور صحیح دفع گردد. ضمن اینکه محل نیز تحت مراقبت مستمر اکیپ اتلاف جانوران مضر شـهری (موش) قرار گرفت و به‌طور مکرر نسـبت به طعمه‌گذاری اقدام خواهد شد.

محمدرضا مهدی‌زاده ـ مدیر روابط عمومی

بقیه در صفحه ۹

پیروزی ملوان و توقف پرسپولیس در آغاز هفته سوم لیگ برتر فوتبال

سومین هفته از مسابقات فوتبال لیگ برتر باشگاه‌های کشور با برتری ملوان بندرانزلی مقابل صبای قم و صدرنشینی این تیم در جدول رده بندی لیگ برتر آغاز و توقف تیم پرسپولیس مقابل گهر درود در ورزشگاه آزادی تهران پی گرفته شد.

دیدار تیم‌های صبای قم و ملوان بندرانزلی در حضور بیش از ۳ هزار تماشاگر ورزشگاه یادگار امام قم برگزار شد و به برتری ۳ بر یک تیم ملوان بندرانزلی انجامید. صبای قم که تا پیش از این بازی، صدرنشین جدول رده بندی بود، با گل زودهنگام رامین رضاییان (دقیقه ۹) از میهمان خود پیش افتاد، ولی ۱۷ دقیقه بعد جلال رافخایی بازی را به تساوی کشاند. صبا که ۲۰ دقیقه پایانی مسابقه را باید با یک بازیکن کمتر ادامه می‌داد در دقیقه ۷۰ دروازه‌اش توسط جلال رافخایی از روی نقطه پنالتی بازشد. صبا که با یک بازیکن کمتر برای تغییر نتیجه تلاش می‌کرد در دقیقه ۷۴ با اخراج مجید هوتن ۹ نفره شد تا شانس پیروزی‌اش کمتر از قبل شود. البته این پایان کار نبود و ملوان با گل جلال رافخایی که در دقیقه ۸۲ بازهم از روی نقطه پنالتی به ثمر رسید، کار میزبان خود را یکسره کرد و به پیروزی ۳ بر یک دست یافت. این نخستین شکست تیم صبای قم در لیگ دوازدهم بود.

توقف سرخپوشان

دومین بازی از روز نخست هفته سوم لیگ برتر فوتبال باشگاه‌های کشور با برگزاری دیدار تیم‌های گهر زاگرس دورود و پرسپولیس پیگیری شد.

گهر زاگرس دورود در این بازی میزبان بود، ولی ناچار بود در خانه پرسپولیس و مقابل ۶۰ هزار تماشاگر این تیم بازی کند. پرسپولیس که برای نخستین بار در فصل جاری از حمایت تماشاگران خودی بهره می‌برد، بازی را بهتر از میزبان آغاز کرد و در دقیقه ۱۵ توسط کریم انصاریفرد به گل رسید. مهاجم گرانقیمت تیم پرسپولیس این گل را با حرکتی آکروباتیک به ثمر رساند و تیمش را در نیمه اول با برتری یک بر صفر به رختکن فرستاد. پرسپولیس در دقایق ۵۵ و ۵۷ تا آستانه گلزنی پیش رفت، ولی از فرصت‌های خود استفاده نکرد تا تیم گهر جسارت حمله به دروازه این تیم را پیدا کند. اخراج مهرداد پولادی در دقیقه ۷۸ شانس تیم گهر را برای تغییر نتیجه بیشتر کرد تا اینکه شاگردان مهدی تارتار در دقیقه ۸۱ گل خورده را جبران کردند. روی توپ ارسالی هادی رکابی، شهاب گردان مرتکب اشتباهی شد که سزایش فرو ریختن دروازه سرخپوشان توسط مجتبی زارعی بود. در دقایق تلف شده بازی محمد پروین به زیبایی دروازه پرسپولیس را گشود، ولی داور این گل را ندید تا تیم گهر به حق از سه امتیاز بازی خانگی محروم شود. بازی در نهایت با نتیجه تساوی یک بریک به اتمام رسید. گهر با تساوی در این بازی، یک امتیازی شد و به رده پانزدهم جدول صعود کرد، پرسپولیس نیز با چهار امتیاز در رده هشتم جدول ایستاد.

چراغ اول مدال آوری ایران، پس‌فردا در لندن روشن می‌شود

کیانوش رستمی، شانس اصلی کسب نخستین مدال کاروان ایران در المپیک لندن؛ فقط به فکر مدال طلا و رکوردشکنی است. او جمعه این هفته در دسته ۸۵ کیلوگرم روی تخته می‌رود.

کیانوش رستمی، پس از این که یک تمرین خوب را در سالن اکسل پشت سر گذاشت، در جمع خبرنگاران گفت: قبل از حضور در لندن بهترین رکوردهایم ۱۷۹ کیلو در یکضرب و ۲۲۰ کیلو در دو ضرب بود. اگر در لندن همین وزنه‌ها را بزنم، قهرمان خواهم شد. البته باید ببینم که شرایط مسابقه چطور می‌شود.

وی افزود: وزنه‌برداران چین، بلاروس و همچنین سهراب مرادی، مهم‌ترین رقیبان من هستند که در دو سال اخیر با هم رقابت داشتیم. من اول برای مدال طلا تلاش می‌کنم و اگر قهرمانی‌ام قطعی شود در حرکت آخر و با صلاحدید کوروش باقری به رکورد المپیک حمله خواهم کرد. رکورد مجموع المپیک ۳۹۴ کیلوست. وی در مورد شرایط مسابقه گفت: در این چند روز به سالن مسابقه رفتم و روح و ذهنم را برای مسابقه آماده کردم، هیچ ترس و واهمه‌ای هم ندارم و روحیه ام طوری است که فرقی بین مسابقات جهانی و المپیک نگذاشته‌ام. البته المپیک هر چهار سال یک بار است و باید از این فرصت بهترین استفاده را کرد.

رستمی در پاسخ به این سوال که آیا نخستین چراغ مدال‌آوری کاروان ایران را روشن خواهد کرد؟ گفت: از المپیک ۱۹۴۸ وزنه‌برداری در کنار کشتی این مسئولیت را بر عهده داشته است و من هم امیدوارم به عنوان نمایندگی از جامعه پولاد مردان چراغ اول مدال آوری المپیک را روشن کنم.

قهرمان مسابقات جهانی پاریس گفت: به مردم ایران خصوصا کرد زبان‌ها قول می‌دهم که با دست پر از المپیک برگردم.

مدال زرین المپیک

رئیس فدراسیون وزنه‌برداری گفت: کیانوش رستمی در وزن ۸۵ کیلوگرم آماده است تا با کسب مدال طلا، چراغ اول مدال آوری کاروان ورزش ایران را روشن کند.

حسین رضازاده با بیان اینکه وضع ملی‌پوشان خوب است و سه نفر حاضر در دهکده تمرینات خوبی را زیر نظر کوروش باقری انجام داده‌اند، گفت: ملی‌پوشانی که دیروز به دهکده رسیدند، تمرینات سبک و پیاده‌روی را انجام دادند، ولی نفرات کاروان اول به تمرین سنگین خود ادامه می‌دهند. امروز صبح تمرین اصلی و گروهی برگزار می‌شود و هیچکدام از ملی‌پوشان آسیب‌دیدگی ندارند.

رئیس فدراسیون وزنه‌برداری در خصوص رقابت وزنه‌برداران ایران در دسته ۸۵ کیلوگرم، گفت: هر دو ملی‌پوش این وزن در وضع خوبی هستند. کیانوش رستمی آماده است تا نخستین مدال طلا را به دست آورد. وی افزود: سهراب هم تا یک ماه پیش وضع خوبی داشت، ولی آسیب‌دیدگی انگشتش، اندکی او را از آمادگی به دور کرد. با این حال وی در این مدت تمرینات خوبی را پشت سر گذاشته و به هیچ وجه ناامید نیست. سهراب هم برای کسب مدال خوشرنگ المپیک تلاش خواهد کرد.

در انتظار ایرانی‌ها

رقابت‌های وزنه برداری المپیک ۲۰۱۲ لندن بر خلاف برخی رشته‌ها با استقبال خوبی مواجه شده است.

با وجود آنکه در بسیاری از سالن‌های محل برگزاری مسابقات المپیک ۲۰۱۲ لندن، صندلی‌های خالی از تماشاگر بیش از هر چیز دیگر جلب توجه می‌کند، رقابت‌های وزنه‌برداری المپیک لندن با استقبال زیاد تماشاگران روبرو شده است و همه روزه علاقه‌مندان زیادی برای تماشای این رقابت‌ها به مجموعه ورزشی اکسل می‌آیند. با استقبال پرشور تماشاگران، پیش‌بینی می‌شود که رقابت‌های اوزان سنگین و فوق سنگین وزن، شاهد بازار سیاه بلیت باشند. استقبال گسترده تماشاگران از رقابت‌های وزنه برداری درحالی است که مسئولان برگزاری المپیک در سایر رشته‌ها از سربازان انگلیسی برای پر کردن صندلی‌های خالی ورزشگاه‌ها استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد با حضور وزنه برداران ایران در چهار وزن آخر و گرم شدن رقابت، باید از حالا انتظار حضور تماشاگران ایرانی را در سالن رقابت‌ها داشت تا با حضور پرشور خود به پولادمردان ایران انگیزه بیشتری برای کسب مدال ببخشند.

پرچمدار کاروان ورزشی ایران امروز روی رینگ می‌رود

تیراندازی با کمان، دوچرخه‌سواری و بوکس، سه رشته‌ای هستند که امروز در پنجمین روز از بازی‌های المپیک لندن، پذیرای رقابت اعضای کاروان ورزش ایران است.

سی‌امین دوره بازی‌های المپیک امروز وارد روز پنجم می‌شود. در این روز از بازی‌ها، رقابت ورزشکاران ۲۰۴ کشور شرکت‌کننده در رشته‌های مختلف پیگیری خواهد شد. نمایندگان ایران در این روز از بازی‌ها در سه رشته به رقابت با حریفان خود می‌پردازند. میلاد وزیری، کماندار مرد ایران که در مرحله تعیین سطح جایگاه سی و سوم را به خود اختصاص داد امروز به مصاف نماینده مکزیک می‌رود. رقابت‌های دوچرخه سواری در بخش تایم تریل انفرادی هم امروز برگزار می‌شود. علیرضا حقی، نماینده ایران در این بخش از مسابقات است که از ساعت ۱۷ و ۴۵ دقیقه به وقت ایران رقابت خود را آغاز می‌کنند. مسابقات بوکس بازی‌های المپیک هم امروز پیگیری می‌شود و مشتزنان وزن ۹۱ کیلوگرم مبارزات خود را آغاز می‌کنند. علی مظاهری، پرچمدار کاروان ورزش ایران نماینده کشورمان در این بخش است که نخستین مبارزه خود را مقابل بوکسوری از کوبا برگزار می‌کند. برنامه رقابت امروز نمایندگان ایران در بازی‌های المپیک لندن به این شرح است:

تیراندازی با کمان: میلاد وزیری – «لوییس آدیو» از مکزیک (ساعت ۱۴)

دوچرخه سواری: تایم تریل انفرادی: علیرضا حقی (ساعت ۱۷/۴۵)

بوکس: وزن ۹۱ کیلوگرم: علی مظاهری – «خوزه لاردوت گومز» از کوبا (ساعت ۱/۳۰ بامداد پنجشنبه)

(جدول مدال‌ها تا پایان شب گذشته)

ردیف	کشور	طلا	نقره	برنز	مجموع
۱	چین	۱۰	۶	۳	۱۹
۲	آمریکا	۶	۷	۵	۱۸
۳	فرانسه	۴	۱	۴	۹
۴	کره شمالی	۳	۰	۱	۴
۵	ایتالیا	۲	۴	۲	۸
۶	کره جنوبی	۲	۲	۲	۶
۷	آلمان	۲	۲	۱	۵
۸	روسیه	۲	۰	۴	۶
۹	قزاقستان	۲	۰	۰	۲
۱۰	ژاپن	۱	۴	۷	۱۲
۱۱	استرالیا	۱	۲	۱	۴
۱۲	رومانی	۱	۲	۰	۳
۱۳	برزیل	۱	۱	۱	۳
۱۳	مجارستان	۱	۱	۱	۳
۱۵	هلند	۱	۱	۰	۲
۱۶	اکراین	۱	۰	۲	۳
۱۷	گرجستان	۱	۰	۰	۱
۱۷	لیتوانی	۱	۰	۰	۱
۱۷	آفریقای‌جنوبی	۱	۰	۰	۱
۱۷	اسلونی	۱	۰	۰	۱
۲۱	بریتانیا	۰	۲	۲	۴

گلریزان حمایت از بیماران سرطانی در تهران

آیین گلریزان حمایت از بیماران سرطانی، شنبه هفته آینده در زورخانه شهید اژدری (جماران) تهران برگزار می‌شود.

به گزارش روابط عمومی فدراسیون پهلوانی و زورخانه‌ای، این آیین معنوی از بامداد شنبه با هنرنمایی مرشدان برتر و تیم منتخب پهلوانی و زورخانه‌ای استان تهران در زورخانه شهید اژدری (جماران) برگزار خواهد شد و به صورت زنده از شبکه رادیویی ورزش پخش می‌شود.

روز چهارم؛ روز بد قایقرانان روئینگ، کمانداران و شناگر المپیکی ایران

چهارمین روز از بازیهای المپیک ۲۰۱۲ لندن برای ورزشکاران کشورمان در رشته قایقرانی روئینگ، تیراندازی با کمان و شنا روز خوبی نبود و اگر چه احسان روزجهانی در نخستین مبارزه وزن ۸۱ کیلوگرم بوکس، صاحب پیروزی شد، لیکن دیگر ورزشکاران با شکست از دور بازیها حذف شدند. گزارش مشروح رقابت ورزشکاران کشورمان در رشته‌های یاد شده را در پی از نظر می‌گذرانید:

نخستین پیروزی بوکس

احسان روز بهانی، دومین نماینده بوکس ایران در بازیهای المپک در سالن مشتزنی مجموعه ورزشی اکسل به مصاف «وارلا مونروی وارلا» از کلمبیا رفت. و با پیروزی بر این حریف، گام نخست را محکم برداشت.

در این مبارزه که در وزن ۸۱ کیلوگرم برگزار شد، احسان روزبهانی راند اول را با احتیاط آغاز کرد و بیشتر به فکر امتیاز ندادن به حریف بود و در نهایت ۲ بر ۳ نتیجه را به حریف واگذار کرد. در راند دوم عملکرد نماینده بوکس ایران بهتر بود و با نتیجه ۸ بر ۸ رینگ را ترک کند. در راند سوم شرایط برای روزبهانی بهتر شد و عملکرد بهتری داشت و با نتیجه ۱۲ بر ۱۰ حریف خود را شکست داد.

بازی سختی را بردم

بوکسور وزن ۸۱ کیلوگرم ایران پس از پیروزی در نخستین مبارزه‌اش در بازی‌های المپیک لندن گفت: مبارزه سختی را با پیروزی پشت سر گذاشتم و قطعا در مبارزه دوم، عملکرد بهتری خواهم داشت. احسان روز بهانی، گفت: در راند اول فضای سالن روی من تاثیر گذاشته بود، چرا که برای اولین بار در چنین فضایی مبارزه می‌کردم، ولی راند دوم و سوم شرایطم بهتر شد و خدا را شکر پیروزی شدم. او، افزود: در مرحله بعد باید به مصاف حریف ترکیه‌ای بروم که سخت‌ترین مبارزه‌ام خواهد بود. با این حال تمام تلاشم را می‌کنم که برابر این بوکسور حرفه‌ای به پیروزی برسم.

روز بد قایقرانی

محسن شادی و سولماز عباسی از راهیابی به مرحله نیمه نهایی رقابت‌های قایقرانی روئینگ انفرادی المپیک بازماندند. محسن شادی در مرحله یک چهارم نهایی رقابت‌های روئینگ انفرادی مردان المپیک و با ثبت رکورد ۷ دقیقه و ۳۲ ثانیه و ۷۲ صدم ثانیه در جایگاه ششم گروه خود قرار گرفت. رکورد محسن شادی در این مرحله، بدترین رکورد این قایقران در المپیک لندن بود.

در این گروه، ورزشکارانی از دانمارک، نروژ، چک، کوبا و موناکو حضور داشتند و نمایندگان چک، کوبا و نروژ اول تا سوم شدند. محسن شادی باید در مرحله نیمه نهایی گروه‌های سوم و چهارم شرکت کند و برای کسب عناوین دوازدهم تا بیست و چهارم به مصاف حریفانش برود.

همچنین سولماز عباسی، دیروز در مرحله یک چهارم نهایی رقابت‌های روئینگ انفرادی المپیک در گروه خود ششم شد. او با ثبت رکورد ۸ دقیقه و ۲۷ ثانیه و ۲۸ صدم ثانیه در جایگاه ششم گروه خود قرار گرفت. در این گروه، ورزشکارانی از پاراگوئه، نیوزلند، استرالیا، آلمان و مکزیک حضور داشتند و قایقرانان استرالیا، نیوزلند و آلمان اول تا سوم شدند. سولماز عباسی باید در مرحله نیمه نهایی گروه‌های سوم و چهارم شرکت کند و برای کسب عناوین دوازدهم تا بیست و چهارم به مصاف حریفانش برود.

حذف محمد بیداریان

تنها شناگر ایرانی حاضر در المپیک ۲۰۱۲ لندن با قرار گرفتن در جایگاه ششم از صعود به مرحله نیمه پایانی ماده ۱۰۰ متر آزاد بازماند.

محمد بیداریان، دیروز در ماده ۱۰۰ متر آزاد با زمان ۵۲ ثانیه و ۹۳ صدم ثانیه در جایگاه ششم دسته سوم بازی‌های المپیک لندن قرار گرفت.

در دسته سوم مسابقات شنای ۱۰۰ متر آزاد شناگرانی از کشورهای گواتمالا، مالت، آروبا، ارمنستان، گوام و بولیوی حضور داشتند. رقابت‌های دیروز در هشت دسته برگزار شد و ۱۶ شناگر برتر این دسته‌ها به مرحله نیمه نهایی صعود کردند. رکورد بیداریان ۵۱ ثانیه و ۳۱ صدم ثانیه است و این شناگر زیر رکورد خود شنا کرد.

حریفی به نام استرس

محمد بیداریان، پس از این که در گروه سوم رقابت‌های شنای ۱۰۰ متر آزاد المپیک در رده ششم قرار گرفت، مشکلات چند ماه گذشته را دلیل رکورد نه چندان خوبش عنوان کرد.

تنها شناگر ایران در المپیک لندن، پس از ثبت رکورد ۵۲ ثانیه و ۹۳ صدم ثانیه گفت: نشد که رکورد خودم را بزنم. رکورد ایران دست خودم است که سه سال قبل با زمان ۵۱ ثانیه و ۳۰ صدم ثانیه به ثبت رسیده است. اما مشکلات زیاد بود و امیدوارم که مسئولین از عملکرد من راضی باشند. وی در پاسخ به این سؤال که چه مشکلاتی در راه آماده سازی در المپیک داشتید، گفت: مربی‌ام به خاطر مشکلات شخصی از اردیبهشت با من تمرین نکرد. البته در مسابقه نیز خیلی بیشتر از آن چیزی که فکر می‌کردم، استرس داشتم. بیداریان در مورد تجربه حضور در المپیک، گفت: حضور در المپیک تجربه خوبی است. آنقدر که استرس و فشار در این مسابقه وجود دارد، در هیچ مسابقه‌ای نیست. امیدوارم چهار سال دیگر هم در المپیک باشم و جبران کنم.

حذف بانوی کماندار

بانوی تیرانداز کشورمان از گردونه مسابقات تیراندازی با کمان بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن حذف شد.

زهرا دهقان، نماینده تیراندازی با کمان کشورمان، دیروز در مرحله حذفی این رقابت‌ها به مصاف حریفی از مکزیک رفت که در پایان با نتیجه ۶ بر ۲ بازی را واگذار و از گردونه رقابت‌ها حذف شد. زهرا دهقان که در مرحله تعیین رنکینگ با ثبت امتیاز ۶۱۴ در جایگاه پنجاه و پنجم قرار گرفته بود، در مرحله یک سی و دوم نهایی به مصاف «ماریانا آویتیا» از مکزیک رفت.

نبود مربی و شرایط خاص

بانوی کماندار ایران در المپیک لندن، عملکردش را با توجه به شرایط خاص و نداشتن مربی رضایت‌بخش دانست و از مسئولان خواست به وضع فدراسیون تیروکمان رسیدگی کنند.

زهرا دهقان، پس از حذف از بازی‌های المپیک گفت: نسبت به شرایطی که داشتم از عملکردم راضی‌ام، ولی نبود مربی در کنارم تاثیر زیادی بر عملکردم گذاشت به طوری که نتوانستم رکوردهای خودم را بزنم. دهقان در مقایسه عملکردش با مسابقات انتخابی آمریکا و حضور بدون مربی در آن رقابت‌ها و کسب سهمیه المپیک گفت: در آمریکا هم شرایط مشابهی داشتیم. در آن رقابت‌ها، رکوردهای خودم را تکرار کردم. هر چقدر نبودن مربی در کنارمان طولانی‌تر شود، تاثیر بیشتری بر عملکرد ما خواهد داشت. مربیان کره‌ای به لندن آمدند، ولی اجازه ورود به زمین مسابقه به آنها داده نشد.

مختاری: فضای سبز تهران درمناطق پرجمعیت ۴ برابر افزایش یافت

سرویس سیاسی – اجتماعی: «سرانه فضای سبز درمناطق دارای بافت متراکم جمعیت، در سال‌های گذشته از ۱/۵ به پنج متر افزایش یافت.»

به گزارش خبرنگار اطلاعات، این مطلب را علی‌محمدمختاری مدیرعامل سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران دیروز درجلسه علنی شورای اسلامی شهر تهران اعلام کرد و ادامه داد: از سال ۸۴ تا ابتدای امسال، ۶۴۱ بوستان با مساحت ۱۱۳۵ هکتار در پایتخت ساخته شده است.

او افزود: پیش از پیروزی انقلاب، ۷۵ بوستان در تهران وجود داشت، اما اکنون از ۶۴۱ بوستان محله‌ای، بسیاری کاربرد فرا منطقه‌ای هم دارند.

مختاری به توانمندی کشور درحوزه تولیدگل و گیاه اشاره‌کرد و ادامه داد: با وجود این، درصنعت بسته‌بندی وحمل و نقل گل باید پیشرفت کنیم تا سهم ایران از ۳۰ تا ۳۵ میلیون دلار صادرات، فراتر رود.

مدیرعامل سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران ازپلاک‌کوبی درختان خبرداد و افزود: باکمک سیستم الکترومغناطیسی، یک میلیون اصله درخت در تهران شناسنامه‌دار شده‌اند و اطلاعات آنها در بانک اطلاعاتی نگهداری می‌شود تا بیشتر حفاظت شوند.

به گفته او نگهداری ۳۰۰۰ اصله درخت در خیابان ولی‌عصر(عج) و پایش آنها و همچنین کاشت هزاران اصله درخت در حاشیه بزرگراه چمران، از دیگر اقدام‌های این سازمان به شمار می‌رود.

در ادامه جلسه چهارصدو هشتادو یکم، معصومه ابتکار رئیس کمیته محیط زیست شورا تاکیدکرد: گزارش اخیر شورا درباره تخریب باغات تهران نافی خدمات مدیریت شهری برای افزایش سرانه فضای سبز نیست و بر اساس بازدیدهای مرتب از مناطق مختلف تهران، درستی و صداقت گزارش مهندسی مختاری را تائید می‌کنم، اما هنوز فاصله زیادی با وضع مطلوب داریم.

او ادامه داد: کارشناسان، کاشت چمن را اقدامی زیست‌محیطی نمی‌دانند و توصیه می‌کنند به جای آن، درخت که عنصری مهم‌تر است کاشته شود که بر این اساس، کاشت گسترده‌تر درختان را پیشنهاد می‌کنیم.

ابتکار تاکیدکرد: از سوی دیگر، اکنون آبیاری درختان باغات و منازل به دلیل قطع قنوات و افزایش اجاره بهای آب با مشکلات جدی روبرو است که پیشنهاد می‌دهیم در این زمینه به شهروندان تسهیلاتی ارائه شود.

رئیس کمیته محیط زیست شورا همچنین خواستار تکمیل رینگ کمربند سبز تهران شد و آن را زمینه‌ای برای تلطیف هوای پایتخت و جلوگیری از ساخت و سازهای بی‌رویه در حاشیه حریم پایتخت برشمرد. در ادامه جلسه دیروز، احمد مسجد جامعی عضو کمیسیون فرهنگی و اجتماعی اظهار داشت: وقتی فضای سبز پایتخت گسترش می‌یابد، باید ظرفیت نگهداری آنها هم تعریف شود و آن را به فرهنگ عمومی تبدیل کرد که در این زمینه واگذاری بهره‌برداری و حفاظت از بوستان‌ها به سازمان‌های مردم نهاد و شوراهای محلی، اقدامی مفید به شمار می‌رود.

او به تنوع محیط طبیعی تهران اشاره کرد و ادامه داد: در گذشته در منطقه پونک، کاشت پونه و در منطقه نارمک، کاشت درخت نارون متداول و نامگذاری‌ها بر همین اساس بود، اما اکنون این فرهنگ به دست فراموشی سپرده شده است.

مسجد جامعی همچنین به میراث تاریخی در ساخت پارک‌شهر اشاره کرد و خواستار حفظ بافت اصلی آن شد.

از سوی دیگر، مرتضی طلایی رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورا برگسترش آگاهی رسانه به مردم برای حفظ فضای سبز پایتخت تاکیدکرد و از مسئولان در این زمینه همکاری خواست.

او در زمینه طرح جداسازی ری از تهران هم گفت: از رئیس جمهوری درخواست می‌کنم قبل از تشکیل جلسه با اعضای شورای شهر و نظرخواهی از ما، این طرح را اجرایی نکند.

تحریم‌ها اثری در اقتصاد حمل ونقل کشور نداشته است

تحریم‌های اعمال شده ازسوی برخی دولت‌ها هیچگونه اثری در روند اقتصاد حمل ونقل نداشته و بازرگانان خارجی برای حمل کالاهای خود خاک جمهوری اسلامی ایران را بهترین گزینه می‌دانند.

به گزارش ایرنا به نقل از پایگاه اطلاع رسانی سازمان راهداری و حمل ونقل جاده‌ای، شهریار افندی‌زاده معاون وزیر راه و شهرسازی افزود: کامیون‌های ایرانی در چهارماهه نخست امسال ۵۳ درصد از کالاهای ترانزیتی را حمل کردند.

به گفته وی؛ بیشترین حجم تردد کامیون‌های حامل بار ترانزیتی برحسب مبداء و مقصد به ترتیب از عراق به امارات، ترکیه به ترکمنستان و امارات به افغانستان صورت گرفت.

افندی‌زاده اضافه کرد: در میان مرزهای جاده‌ای کشور، بندرعباس با ۲۹/۵ درصد، پرویزخان با سهم ۲۳/۷ درصدی و باشماق با ۱۰ درصد فعال‌ترین مرزها در زمینه ترانزیت ورودی کالا به کشور به شمار می‌روند.

همچنین بندرامام با ۲۷/۴ درصد، بندرعباس با ۱۳/۹ درصد فعال‌ترین مرزها در زمینه ترانزیت خروج کالا از کشور محسوب می‌شوند.

رئیس سازمان راهداری و حمل ونقل جاده‌ای با بیان اینکه در دوره چهار ماهه نخست سال جاری انواع کالاهای نفتی و غیرنفتی با سهم ۳ میلیون و ۹۸۸ هزار تن از طریق مرزهای فعال کشور ترانزیت شد، گفت: حجم مذکور نسبت به دوره مشابه سال گذشته به میزان ۲۸ درصد افزایش نشان می‌دهد.

وی خاطرنشان ساخت: موقعیت مناسب جمهوری اسلامی ایران در ایجاد ارتباط بین آسیای میانه با کشورهای حوزه خلیج‌فارس و کوتاه بودن مسیر و ارزان بودن حمل و نقل موجب شد میزان ترانزیت کالا از خاک ایران به نحو چشمگیری در سال‌جاری افزایش یابد. معاون وزیر راه وشهرسازی تصریح کرد: علاوه بر امتیاز بزرگ جغرافیایی، دولت دهم همواره به رشد ترانزیت توجه ویژه‌ای داشته و بستر روند رشد صعودی ترانزیتی را هموارتر ساخته است. وی یادآورشد: مجموع کالاهای ترانزیت شده در دوره مذکور به رقم ۳ میلیون و ۶۲۷ هزار تن رسید که از این رقم سهم جاده ۹۱ درصد و راه آهن ۹ درصد بود. همچنین از مجموع کالاهای ترانزیتی، ۲ میلیون و ۳۰۴ هزار تن کالاهای غیرنفتی و بقیه مواد نفتی بود.

مالیات ۲۵درصدی برای درآمد سالانه بالای ۱۰۰ میلیون تومان

معاون مالیات‌های مستقیم سازمان امور مالیاتی با بیان این‌که مالیات‌هایی که از حقوق کسر می‌شود، بیشتر از مالیات‌های مشاغل نیست، گفت: زمانی که طرح جامع مالیاتی و ماده ۱۲۰ قانون برنامه پنجم اجرا شود، شرایط برای مقابله با فرار مالیاتی بهبود می‌یابد.

حسین وکیلی در گفتگو با ایسنا درباره مالیات ۲۵ درصدی افرادی که در سال درآمد بیش از ۱۰۰ میلیون تومان دارند، گفت: این مسئله در اصلاحیه قانون مالیات‌ها مطرح شده است.

وی افزود: این مسئله ابتدا باید توسط هیات دولت و سپس از سوی مجلس شورای اسلامی مورد تصویب قرار گیرد.

نامبرده همچنین در پاسخ به این سؤال که آیا اینکه گفته می‌شود مالیات‌هایی که از کارمندان کسر می‌شود در مجموع بیشتر از مالیات سایر مشاغل است، صحت دارد؟ تصریح کرد: این‌طور نیست که بگوییم مالیاتی که کارمندان پرداخت می‌کنند، بیشتر است. اما با توجه به اینکه در مورد مشاغل، مالیات‌ها توافقی است در برخی موارد اطلاعات به روز نمی‌شود، اما نرخ مالیات مشاغل از مالیات کارمندان بیشتر است.

وی درباره تحول نظام مالیاتی و نحوه دریافت مالیات از مشاغل، خاطرنشان کرد: در اصلاح قانون مالیات‌ها، روش‌های انجام کار در برخی موارد تغییر می‌کند به‌گونه‌ای که اساس کار بر مبنای خود اظهاری خواهد بود و با استفاده از اطلاعات جمع آوری شده بر مبنای اطلاعات واقعی، رسیدگی‌ها انجام می‌گیرد.

وکیلی درباره توافقی بودن مالیات اصناف و انتقاد عده‌ای نسبت به این مسئله، گفت: در اصلاح قانون مالیات‌ها روش توافقی حذف می‌شود و مبنای کار خوداظهاری خواهد بود. البته به صورت سیستمی، خود اظهاری را بررسی می‌کنیم و در موارد لازم رسیدگی صورت می‌گیرد.

وی درباره زمان اجرای طرح تحول مالیاتی افزود: طرح تحول مالیاتی مجموعه‌ای است که از چندمحور تشکیل شده و برخی از موارد آن آغاز شده است، اما به‌طور کلی طرح تحول مالیاتی فرایند چند فازی است و یکی از محورهای آن که نرم افزار طرح جامع مالیات یکپارچه است، از اواخر امسال به صورت پایلوت در سه استان تهران، کرمانشاه و اصفهان که ۷۰ درصد مالیات کشور را به خود اختصاص داده‌اند اجرا می‌شود.

اخبار کوتاه اقتصادی

ارائه تنقیح قوانین شهرسازی به دولت تا مهر

تنقیح قوانین مرتبط با اصول جامع شهرسازی و معماری کشور نهایی شده است و تا مهر ماه تقدیم دولت می‌شود.

میرمحمد غراوی معاون وزیر راه و شهرسازی در گفت و گو با فارس اظهار داشت: تمامی قوانین شهرسازی که از ابتدا تاکنون در امر شهرسازی و معماری کشور توسط دستگاه‌های بخشی مرتبط با شهرسازی چه در بخش مدیریت شهری و چه شهرداری‌ها وضع شده را تنقیح کردیم تا مشخص شود چه قوانینی وجود دارد و کدام‌ها منسوخ است و کدام‌ها باید اصلاح و حذف شود. وی با بیان اینکه با تنقیح قوانین شهرسازی متوجه شدیم که بسیاری از این قوانین منسوخ شده و باید قوانین جدیدی جایگزین قوانین قدیمی شود، گفت: دستگاه‌های بخشی مثل سازمان میراث فرهنگی، جهاد کشاورزی و وزارت کشور که هر کدام برای مدیریت شهری یک سری قوانین شهری وضع کرده‌اند و تمامی قوانین شهرسازی کشور در قانون جدید دسته‌بندی شده اند. براساس این گزارش به بررسی، تطبیق وچکش کاری قوانین متناسب باسایر قانون‌های کشور تنقیح گفته می‌شود.

بهره‌برداری از قطعه چهارم آزادراه تهران ـ شمال تا مهرماه

سرویس شهرستان‌ها ـ وزیر راه و شهرسازی روند عملیات اجرایی در قطعه چهارم آزادراه تهران شمال (چالوس ـ مرزن‌آباد) را مطلوب ارزیابی کرد و گفت: با تمام توان در تلاش هستیم این قطعه از آزادراه تهران شمال ظرف یک تا دو ماه آینده به بهره‌برداری برسد.

به گزارش ایرنا، علی نیکزاد در حاشیه بازدید از جاده هراز به خبرنگاران گفت: همکاران و پیمانکاران با تمام امکانات و تجهیزات در تلاش هستند تا این قطعه در آینده نزدیک قابل استفاده برای خودروها بشود و زیر بار ترافیک برود.

وی با اشاره به رانش زمین در بخشی از قطعه چهارم آزادراه تهران شمال اظهار داشت: رانش زمین در این قطعه از آزادراه تهران شمال موجب کندی عملیات اجرایی احداث این قطعه شده بود که با تلاش مضاعف پیمانکاران این مشکلات رفع و مسیر مورد نظر به زودی به بهره‌برداری می‌رسد.

وزیر راه و شهرسازی بیان داشت: با راه‌اندازی قطعه یک، ۶۰ کیلومتر از طول راه تهران به شمال کوتاه می‌شود. نیکزاد با اشاره به تأمین اعتبار مورد نیاز احداث آزادراه تهران شمال گفت: برای احداث این آزاد راه با مشکل اعتباری روبرو نیستیم. وی روند فعالیت بنیاد مستضعفان را به عنوان پیمانکار بقیه قطعات این آزادراه، مطلوب ارزیابی کرد و افزود: هم‌اکنون بنیاد مستضعفان با روند مناسبی در حال انجام این طرح عمرانی است.

۳ محصول کرمان موتور قیمت گذاری شد

با مصوبه کمیته فنی قیمت‌گذاری خودرو، قیمت سه محصول کرمان موتور تعیین شد.

به گزارش فارس، مصوبه اخیر کمیته قیمت‌گذاری خودرو، قیمت هر دستگاه لیفان ۶۲۰ با موتور ۱۸۰۰ سی‌سی ۳۱ میلیون تومان تعیین شد.

همچنین هر دستگاه توجوی هاچ بک ۲۳ میلیون تومان و هر دستگاه توجوی صندوق دار ۲۴ میلیون تومان قیمت گذاری شد.

معرفی مدیرعامل جدید بیمه معلم

در مراسمی محمود تدین به عنوان مدیرعامل جدید بیمه معلم انتخاب و معرفی شد.

به گزارش فارس، علیرغم برگزار نشدن مجمع عمومی سالانه بیمه معلم، مراسم تودیع و معارفه مدیرعامل این شرکت برگزار شد. در این مراسم محمود تدین از طرف صندوق ذخیره فرهنگیان (سهامدار حقوقی این شرکت) به عنوان مدیرعامل جدید بیمه معلم معرفی شد. تدین پیش از این به عنوان عضو غیرموظف هیأت مدیره شرکت ایران ارقام که نماینده سرمایه‌گذاری تدبیر فرهنگیان در هیأت مدیره این شرکت است، مشغول فعالیت بود.

کاهش ۶ درصدی تلفات جاده‌ای در سه ماهه اول سال

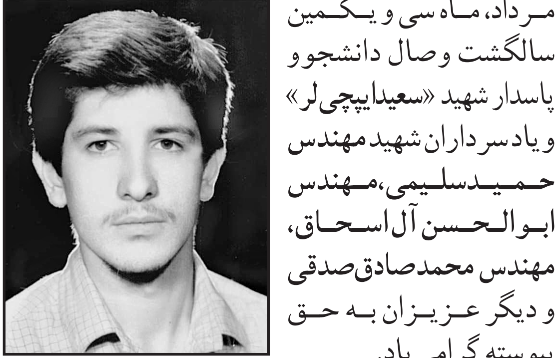
معاون وزیر راه و شهرسازی با بیان اینکه در سه ماهه ابتدای امسال ۳ هزار و ۳۳۴ نفر براثر سوانح جاده‌ای کشته شدند، گفت: این رقم نسبت به بهار سال گذشته ۶ درصد کاهش داشته است.

شهریار افندی زاده در گفت‌وگو با مهر با بیان اینکه براساس برنامه پنجم توسعه باید میزان تصادفات به ۱۰ درصد کاهش یابد، اظهار داشت: در شهریور که با افزایش سفرهای برون شهری مواجه هستیم، باید با هماهنگی میان تمامی ارگان‌ها از افزایش آمار تصادفات جلوگیری کنیم.



به نام پروردگار شهیدان

روز وصل دوستداران یادباد
یادباد آن روزگاران یادباد
کامم از تلخی غم چون زهر گشت
بانگ نوش شادخواران یادباد
گرچه یاران فارغند از یاد من
از من ایشان را هزاران یادباد



مرداد، ماه سی و یکمین سالگشت وصال دانشجو و پاسدار شهید «سعیداپیچی‌لر» و یادسرداران شهید مهندس حمید سلیمی، مهندس ابوالحسن آل اسحاق، مهندس محمدصادق صدقی و دیگر عزیزان به حق پیوسته گرامی باد.

خانواده شهید

ترحیم



با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور **حاج محمد نطاق نیای تهرانی** را به اطلاع دوستان و بستگان می‌رساند.
مجلس ختم آن مرحوم روز چهارشنبه ۱۳۹۱/۵/۱۱ در مسجدالغدیر واقع در خیابان میرداماد از ساعت ۱۷ الی ۱۸/۳۰ برگزار می‌گردد.
با شرکت خود موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی بازماندگان خواهید بود.
خانواده‌های: نطاق نیای تهرانی ـ میرمحمد صادقی ـ کاظمیان ـ رمضانی ـ صدریه ـ عشاقی ـ توسلی‌خواه و سایر بستگان

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور **حاج محمد نطاق نیای تهرانی** را به اطلاع دوستان و بستگان می‌رساند. ضمن عرض تسلیت، مجلس ختم آن مرحوم روز چهارشنبه ۱۳۹۱/۵/۱۱ در مسجدالغدیر واقع در خیابان میرداماد از ساعت ۱۷ الی ۱۸/۳۰ برگزار می‌گردد. با شرکت خود موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی بازماندگان خواهید بود.
مدیریت و پرسنل شرکت فرینام و فرینام شیمی

«بازگشت همه بسوی اوست»
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر عزیزمان **سیده علویه حاجیه خانم ابطحی** را به اطلاع می‌رساند.
مراسم بزرگداشت آن مرحومه در روز چهارشنبه ۱۳۹۱/۵/۱۱ از ساعت ۱۵ الی ۱۶/۳۰ در مسجدالرضا (ع) واقع در تهران خیابان خرمشهر (آپادانا) میدان نیلوفر برگزار می‌گردد. تشریف‌فرمایی عزیزان موجب تسلی خاطر و امتنان بازماندگان خواهد شد.
فرزندان: سیدمحمد ـ مهندس حاج سیدمحمود ـ دکتر سیدعباس ـ مهندس سیداحمد ابطحی و بانو ابطحی (امامی فروشانی)
نوه‌ها: مهندس سیدفرید امامی ـ دکتر سیدفیروز امامی ـ مهندس سیدحسن ابطحی ـ مهندس سیدمحسن ابطحی ـ مهندس فرزانه ابطحی ـ مهندس سیداحسان ابطحی ـ نوشین‌السادات ابطحی ـ نلی‌السادات ابطحی ـ سحرالسادات ابطحی ـ مهندس سیدعلیرضا ابطحی و سیدمحمدمهدی ابطحی
خانواده‌های: ابطحی ـ امامی فروشانی ـ شیرمست ـ کاویانی ـ جبل عاملی ـ لطفی ـ کبیریان ـ امامی ـ قنبری جعفری ـ خیامیان ـ میردامادی ـ حسینیان ـ صفاری و سایر بستگان

انا لله و انا الیه راجعون
بمناسبت درگذشت والده محترمه جناب آقای **سیدمحمد ابطحی** مدیر عامل محترم شرکت شکر، ضمن تسلیت به ایشان و خانواده محترمشان مجلس یادبود آن مرحومه در روز چهارشنبه ۱۳۹۱/۵/۱۱ از ساعت ۱۵ الی ۱۶/۳۰ در مسجدالرضا (ع) واقع در تهران خیابان خرمشهر (آپادانا) میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.
هیأت‌مدیره شرکت شکر (قند شاهرود)

بازگشت همه به سوی اوست
با نهایت تأثر و تأسف درگذشت همسر و پدری مهربان شادروان **حاج سیدمحمدحسین گیتی‌فروز** کارمند ارشد بازنشسته وزارت امور اقتصادی و دارایی را به اطلاع کلیه بستگان، دوستان و آشنایان محترم می‌رساند.
به‌همین‌مناسبت مجلس ترحیمی روز پنج‌شنبه ۹۱/۵/۱۲ از ساعت ۱۴ الی ۱۵/۳۰ در محل مسجد نور واقع در میدان جهاد (فاطمی) منعقد می‌گردد.
همسر: پروین دخت عماد
فرزندان: پرتو ـ دکتر سعید ـ پیراسته
داماد: علی دلیلی
عروس: دکتر مریم امین
نوه‌ها: پریسا ـ سهیل ـ رویا ـ ستاره ـ پوریا
خانواده‌های عزادار: گیتی فروز ـ عماد ـ تیموری ـ فرهنگ‌فر ـ دلیلی ـ امین ـ رحمانی‌فر ـ خلیقی ـ صفاکیش ـ دکتر بینش ـ میرطاهری و هنرور.

بازگشت همه به سوی اوست
در غم از دست دادن پدر و پدربزرگ مهربان، اسطوره محبت، پاکی، از خودگذشتگی و ایثار شادروان **حاج سیدمحمدحسین گیتی‌فروز** در سوگ و ماتم نشسته‌ایم.
به‌همین‌مناسبت مجلس ترحیمی روز پنج‌شنبه ۹۱/۵/۱۲ از ساعت ۱۴ الی ۱۵/۳۰ در محل مسجد نور واقع در میدان جهاد (فاطمی) منعقد می‌گردد.
دکتر سعید گیتی‌فروز ـ دکتر مریم امین ـ دکتر مهندس سهیل گیتی‌فروز ـ ستاره گیتی‌فروز

بازگشت همه بسوی اوست
بدینوسیله درگذشت شادروان **حاج محمد اویسی کیان** را به اطلاع اقوام، دوستان و آشنایان می‌رساند.
به همین مناسبت مراسم ختم و شب هفتم آن مرحوم روز جمعه مورخ ۹۱/۵/۱۳ از ساعت ۱۸/۳۰ الی ۲۰ در مسجدالرضا (ع) واقع در خیابان خرمشهر میدان نیلوفر منعقد می‌گردد.
حضور شما سروران باعث تسلی خاطر بازماندگان می‌باشد.
از طرف خانواده‌های: اویسی کیان، منبع‌چی و سایر بستگان

ژرژ کریم درگذشت
با نهایت تأسف درگذشت ژرژ کریم، سرمشق پایداری، مردانگی و امانت‌داری را به آگاهی می‌رساند.
یادبود و بزرگداشت از ساعت ۵ تا ۸ بعدازظهر پنجشنبه ۱۲ مرداد در منزل آن شادروان برگزار می‌شود.
آهو ایمانی (کریم) ـ دکتر گیتی و حسین تقدیسیان ـ ثریا و فریدون مجلسی ـ بهزاد و نیلوفر کریم ـ مریم و علی هوشمند ـ روزبه کریم ـ ایراندخت کریم ـ دکتر احمد سعیدی ـ پیمان، نیلوفر و نازنین سعیدی ـ پروانه باغچه‌بان ـ مرجان کریم
خانواده‌های: کریم ـ کریمی ـ هاشمی ـ آذین ـ فاروقی ـ شاهین ـ سعیدی ـ باغچه‌بان ـ معیری ـ نقشینه ـ صالحی و وابستگان و دوستان

بازگشت همه بسوی اوست
با اندوه فراوان درگذشت بزرگ خاندان جوادی تبریزی مرحومه **حاجیه خانم اقدس رادپور فلاتی** همسر مرحوم حاجی میرزاعلی خان جوادی تبریزی را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رسانیم.
به همین مناسبت مجلس یادبودی از ساعت ۱۰ الی ۱۱/۳۰ صبح روز جمعه ۹۱/۵/۱۴ در مسجدالزهرا (س) شهرک غرب واقع در خیابان هرمزان ـ روبروی برجهای تهران منعقد می‌باشد. حضور سروران گرامی باعث تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.
از طرف: فرزندان ـ خانواده‌های: جوادی تبریزی ـ مجتهدی ـ امامی ـ عربدفتری ـ زیرک‌زاده ـ قویمی ـ خوئیلر.

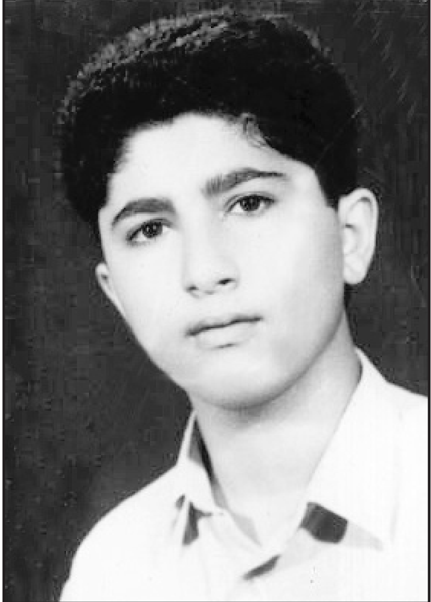
بازگشت همه بسوی اوست
با نهایت تأثر و تأسف درگذشت روانشاد **اسداله یحیی‌پور** را به آگاهی اقوام، دوستان و همشهریان محترم می‌رساند.
مجلس ترحیم آن شادروان روز پنجشنبه ۹۱/۵/۱۲ از ساعت ۴ تا ۵/۳۰ بعدازظهر در مسجد نور شبستریها واقع در خیابان دکتر فاطمی، میدان جهاد برگزار می‌گردد.
حضور سروران عزیز باعث شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: یحیی‌پور ـ پورعلیمحمدی ـ نعمتی ـ برازنده‌نیا ـ لفظی قاضی ـ صمدی آذر ـ نبی ـ سلامی ـ پاکخصال ـ شیخ‌بیگی ـ معصومی ـ زرکلام ـ ایمانی ـ اختری ـ راهبی و سایر وابستگان سببی و نسبی.

بازگشت همه به سوی اوست
با نهایت تأسف درگذشت شادروان **دکتر سیدابوالفتح داریوش صبور** را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رساند.
مجلس ختم روز چهارشنبه ۹۱/۵/۱۱ از ساعت ۱۶/۳۰ تا ۱۸ در مسجدالنبی (ص) واقع در انتهای کارگر شمالی مقابل کوی دانشگاه برگزار می‌گردد.
حضور عزیزان موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: صبور ـ گوهریان ـ شکویی ـ شیخ‌علی مددی ـ نصیری ـ نبوی و سایر بستگان

انالله و اناالیه راجعون
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدری مهربان شادروان **محمد شریعت محرری** را به اطلاع اقوام، دوستان و آشنایان محترم می‌رساند.
به‌همین‌مناسبت مجلس ختمی روز چهارشنبه ۹۱/۵/۱۱ از ساعت ۴/۳۰ تا ۶ بعدازظهر در مسجدالجواد (ع) واقع در میدان هفت تیر برگزار می‌گردد.
خانواده‌های سوگوار: شریعت محرری ـ اخوان اقدم ـ جهرمی ـ ضمیری آذر ـ بردبار و سایر وابستگان

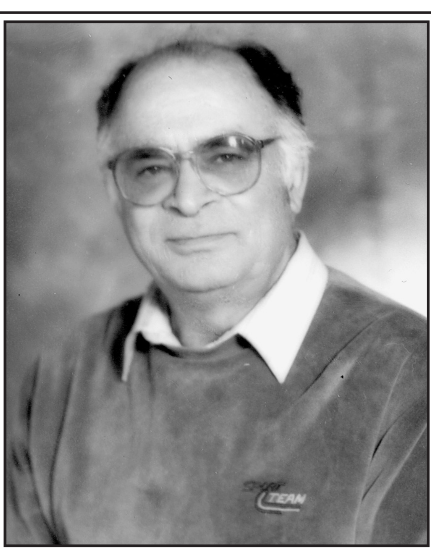
یادبود

یادمان



بیست‌وسه سال از عروج الهی
فرزند ارشدمان:
سیّدعلی سعیدیان
که یاد و نامش پیوسته همراه ما است می‌گذرد.
روانش شاد.
آمل: سیّدمجتبی سعیدیان ـ فاطمه ستّاری

سومین سالگرد عروج انسانی والا، همسری مهربان، پدری دلسوز و فرشته خصلتمان شادروان **حاج محمد برات یوسفی**، برای شادی روح والایش بر تربت پاکش در کنار معبود همیشگی‌اش در صحن مطهر جمهوری اسلامی گرد هم می‌آییم و مزار پاکش را با اشک دیده می‌شوییم.
زمان: پنجشنبه ۹۱/۵/۱۲ ساعت ۵ عصر
همسر و فرزندان دلتنگش



مرداد ماه ۹۱ دومین سالگرد فوت استاد **محمد نوری** می‌باشد. یاد و خاطره‌اش را گرامی می‌داریم و به روان پاکش درود می‌فرستیم.
هزینه مراسم صرف امور خیریه خواهد شد.
همسر: مینا مجلسی (نوری)

در پنجمین یادمان سوگ عزیز گرانقدرمان **دکتر تقی شریعتمدار طالقانی** استاد پاتولوژی دانشگاه تهران به زیارت مزار شریفش می‌رویم، با آب دیده و گلاب، غبار از تربت پاکش می‌زدائیم و با گلباران مرقد مطهرش از اندوه سالهای فراق به زبان اشک با او سخن می‌گوییم و دریغ بی‌پایان خود را نثار روح عزیزی می‌کنیم که نماد عینی شرف، انسانیت و بخشش بود.
یاد و خاطره‌ات گرامی باد.
شریعتمداری ـ انوش

یادبود
مردادماه مصادف با ششمین سالگرد رحلت جانسوز برادر عزیز و دانشمند **دکتر مسعود ملکزاده** یاد و خاطراتش را گرامی می‌داریم.
آمرزش و مغفرت ایشان را از خدای متعال مسئلت داریم.
دکتر منصور ملکزاده

تسلیت

سرکار خانم فرجد
با نهایت تأسف مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و خود را در غم شما شریک می‌دانیم.
دکتر تک و بانو

اطلاعیه هیئت قائمیه تهران

بازگشت همه به سوی اوست
جناب آقای مهندس سیدمحمود ابطحی
درگذشت مادر گرامیتان **سیده علویه حاجیه خانم ابطحی** را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده برای آن مرحومه آمرزش و غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبائی آرزومندیم.
سیدمحمدعلی دیباجی ـ عباس تهرانی ـ جلال افجه‌ای ـ سیدمصطفی دیباجی ـ دکتر سید حسن دیباجی ـ دکتر سیدمحمد دیباجی ـ سیدمحمود دیباجی

خانواده محترم سرکار خانم دکتر خجسته طاهری
باکمال تأسف درگذشت سرکار خانم **دکتر خجسته طاهری** را تسلیت گفته، برای خانواده محترم صبر و شکیبایی آرزومندیم.
انجمن متخصصین زنان و مامایی ایران ـ شاخه کرج

جناب آقای دکتر محمدخازنی‌فر
مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده و خود را در غم از دست دادن مادر همسر گرامیتان شریک می‌دانیم.
بقای عمر جنابعالی و سایر بازماندگان را از خداوند متعال مسئلت داریم.
«گروه پزشکی و هیئت مدیره و کارکنان بیمارستان آراد»

جناب آقای دکتر عالم
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، برای آن خاندان معظم طول عمر از درگاه خداوند متعال خواستاریم.
بیمارستان و زایشگاه پاسارگاد

همکاران ارجمند
جناب آقای دکتر آرش ناصری و بانو دکتر پدیده عالم
با نهایت تأثر و تالم درگذشت مرحوم **محمداسماعیل ناصری** ابوی بزرگوارتان را به شما و اقوام گرامی تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبائی از پروردگار یکتا خواهانیم.
دکتر حکمت ـ پرفسور محسن حجتی ـ پرفسور عنصری

جناب آقای دکتر آرش ناصری
با تأسف فراوان فوت پدر ارجمندتان را به شما و خاندان معظم تسلیت عرض نموده برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر از درگاه ایزدمنان خواهانم.
دکتر حمید نظری زاده ماهانی

جناب آقای علی سیدین بروجنی
مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نماییم.
شرکت کارآفرینان احداث صنعت

ریاست محترم بیمارستان و زایشگاه بابک
جناب آقای برخورداریان
باکمال تأسف و تأثر مصیبت درگذشت شادروان **حاج محمدعلی نطاق‌نیا** را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و آرزوی مغفرت و آمرزش برای آن مرحوم را از خداوند متعال مسئلت می‌نماییم
پزشکان و پرسنل بیمارستان

جناب آقای فرهت فردنیا
مصیبت درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزدمنان برای شما و بازماندگان صبر و بردباری مسئلت می‌نمایم.
پرویز امانیان

خانواده ارجمند نطاق نیای تهرانی
درگذشت جناب آقای **محمدنطاق‌نیای‌تهرانی** را تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم رحمت واسعه و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
رحیم‌پور زکیخانی ـ حسن نصرتی

جناب آقای دکتر مجیدپور استاد محترم
گروه بیماریهای عفونی، دانشگاه علوم پزشکی تهران
درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده و از ایزدمنان رحمت و غفران الهی برای آن مرحوم و سلامتی و سعادت و طول عمر برای بازماندگان آرزومندیم.
هیئت علمی و دستیاران گروه عفونی، مرکز تحقیقات ایدز و مرکز مشاوره بیماریهای رفتاری بیمارستان امام خمینی (ره)

سخنرانی

بسمه تعالی شأنه
شَهرُ رَمَضانَ الذّی انزلَ فیهِ القُرآن
هَدیً للناسِ وَ بَیّناتٍ منَ الهُدیَ والفرقان
آیه ۱۸۵ سوره بقره

به منظور بهره‌گیری معنوی هرچه بیشتر از فیوضات ماه مبارک و پربرکت رمضان، ماه ضیافت‌الله و بهره‌مندی کامل از رحمت واسعه الهی و فیض بردن از تعالیم انسان‌ساز گران‌سنگ‌ترین کتاب آسمانی، قرآن مجید و مکتب رهائی‌بخش اهل بیت عصمت و طهارت، حضرات ائمه معصومین، علیهم آلاف التحیة والثناء، هر روز پس از اقامه نماز جماعت ظهر و عصر در مسجد حضرت امام خمینی (ره)، مجلس سخنرانی برگزار و وعاظ محترم به شرح زیر مستفیض خواهند نمود، سپس جلسه قرائت یک جزء از قرآن کریم همراه با آموزش لازم منعقد خواهد گردید. شایسته است مؤمنین و مؤمنات با شرکت خود فرصت را مغتنم شمرده و فیض کامل برند.
دهه دوم: واعظ گرامی حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سیدمحمدعلی غروی دامت افاضاته
دهه سوم: واعظ گرامی حجت‌الاسلام والمسلمین آقای علیرضا پناهیان دامت افاضاته
دفتر مسجد امام خمینی (ره)
بازار تهران

حسینیه علوی

تأسیس ۱۳۹۰ (هـ.ق)

قال رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سَلَم
انه قد اقبل الیکم شهر الله بالبرکة و الرحمة والمغفرة...
با حلول ماه مبارک رمضان و نزول برکات و عنایات خاص الهی و آرزوی قبولی طاعات حسینیه علوی برنامه‌های خود را در این ماه رحمت و مغفرت به شرح ذیل اعلام می‌دارد.
۱ـ اقامه نماز جماعت ظهر و عصر و سخنرانی دانشمند محترم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقای حسینی
۲ـ نماز جماعت مغرب و عشاء به امامت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقای محمدی یک ساعت بعد از افطار و جلسه قرائت قرآن توسط حاج آقای باقری
۳ـ برنامه ویژه بانوان از ساعت ۹ صبح تا ۱۲ قرائت یک جزء قرآن و درس تفسیر قرآن توسط سرکار خانم نوربخش
۴ـ شبهای احیاء قرائت دعای جوشن کبیر توسط جناب حاج آقای رحیمی و مرثیه سرائی مداحان اهل بیت عصمت و طهارت جناب آقای باقری و جناب آقای ارضی و مراسم ویژه احیاء از ساعت ۱۰ شب تا سحر
حسینیه علوی

سپاسگزاری

من تو را باز کجا خواهم یافت
جز در اندیشه خویش
و بجز قصه هجران و شکیب
چیست افسانه عمر

بدینوسیله از کلیه دوستان و آشنایان و بستگان و عزیزانی که با تشریف‌فرمایی خود در مراسم تدفین و مجلس بزرگداشت شادروان **علی حریری** با ارسال گل و تابلوهای یادبود، ایمیل و درج آگهی‌های تسلیت به پسر، برادر و پدر عزیزمان ما را مورد الطاف بیکران خود قرار داده و موجب تسلی خاطر بازماندگان شده‌اند، سپاسگزاریم.
چنانچه بعلت تألمات روحی از تشکر حضوری معذور بوده از شما عزیزان پوزش می‌خواهیم.
مادر داغدیده ـ فرزندان و خواهران عزادار

بدینوسیله از کلیه اعضای محترم کانون کارشناسان رسمی دادگستری و کارکنان محترم وزارت مسکن که با درج پیام تسلیت در نشریات، ارسال تاج گل و شرکت در مراسم ترحیم شادروان **مهندس ابوالفضل رقمی** موجب تسلی خاطرمان بودند، کمال تشکر را داریم و سلامت همگان را از خداوند متعال خواستاریم.
همسر و فرزندان شادروان مهندس ابوالفضل رقمی

بدینوسیله از ابراز محبت و همدردی کلیه اقوام، دوستان و همکارانی که با ارسال گل و شرکت در مراسم تشییع و ترحیم شادروان **مهندس ابوالفضل رقمی** موجب تسلی خاطرمان بودند، کمال تشکر را داریم و سلامت همگان را از خداوند متعال خواستاریم.
همسر، فرزندان شادروان مهندس ابوالفضل رقمی

بدینوسیله از مدیریت محترم و کارکنان معزز شبکه بهداشت و درمان و هیئت مدیره محترم سازمان نظام‌پزشکی شهرستانهای آستارا و اردبیل، ریاست محترم و کارکنان گرانقدر بیمارستان شهید بهشتی آستارا، اساتید گرامی دانشگاه علوم پزشکی گیلان، دانشگاه پیام نور آستارا و تمامی پزشکان محترم و کلیه سروران، دوستان و عزیزانی که در مراسم ترحیم مرحوم مغفور **دکتر داور آرش‌نیا** ابراز همدردی فرموده‌اند کمال تشکر و امتنان خود را ابراز و از اینکه به دلیل تألم شدید امکان تقدیر حضوری میسر نگردید عذرخواهی می‌نماید.
خانواده‌های داغدار دکتر داور آرش‌نیا

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سر دبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

سال هشتاد و هفتم

تقویم اطلاعات

چهارشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۹۱
۱۲ رمضان ۱۴۳۳ - یکم آگوست ۲۰۱۲

ظهر شرعی	۱۳ و ۱۱ دقیقه
غروب آفتاب	۲۰ و ۰۸ دقیقه
اذان مغرب	۲۰ و ۲۸ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰ و ۲۳ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۳۷ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۱۳ دقیقه

تصویب ۲ قطعنامه سازمان ملل در حمایت از فلسطین

سرویس خارجی: شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل دو قطعنامه در حمایت از ملت فلسطین و قضیه آن تصویب کرد. به گزارش فارس، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متشکل از ٥٤ عضو، قطعنامه‌ای تحت عنوان «بازتاب‌های اقتصادی و اجتماعی اشغالگری اسرائیل بر اوضاع معیشتی ملت فلسطین در اراضی اشغالی فلسطین» از جمله قدس و ساکنان عرب جولان اشغالی سوریه به تصویب رساند. این قطعنامه با رأی ٤٥ عضو که در مقایسه با سال گذشته افزایش داشته است، به تصویب رسید. آمریکا و کانادا رأی مخالف و السالوادور، استرالیا و کامرون رأی ممتنع دادند و همچنین غنا، گابن، نیجریه و زامبیا غایب بودند. در قطعنامه یاد شده بر بازگشایی گذرگاه‌های مرزی منتهی به نوار غزه، رفع همه محدودیت‌های اعمال شده بر تردد فلسطینیان، تضمین آزادی عبور و مرور افراد و کالاها در سراسر سرزمین فلسطین از جمله قدس شرقی و جهان خارج تاکید شده است. این قطعنامه همچنین از اسرائیل می‌خواهد مکان‌های غیرنظامی و مراکز حیاتی، زمین‌های کشاورزی و نهادهای دولتی را که در جریان عملیات نظامی در اراضی اشغالی فلسطین خسارت دیده‌اند، بازسازی کند. در این قطعنامه همچنین بر حق مشروع ملت فلسطین بر تمامی منابع طبیعی و اقتصادی تاکید شده و از اسرائیل به عنوان رژیم اشغالگر می‌خواهد که از این منابع سوء استفاده نکرده و آن‌ها را در معرض خطر قرار ندهد. بنابر این قطعنامه، تداوم ساخت دیوار نژادپرستانه حائل در اراضی اشغالی فلسطین از جمله قدس شرقی مغایر با قانون بین‌المللی است و همچنین بر اهمیت احیای روند صلح و تسریع پیشبرد مذاکرات سازش بر اساس قطعنامه‌های بین‌المللی مربوط به آن، کنفرانس مادرید و اصل زمین در مقابل صلح و طرح صلح عربی و نقشه راه تاکید شده است. شورای مذکور همچنین قطعنامه‌ای در خصوص «وضع زنان فلسطین و ارائه کمک‌ها به آن» با رأی ۳۰ عضو این شورا به تصویب رساند. در این قطعنامه تاکید شد که رژیم اشغالگر اسرائیل مانع اصلی در برابر زنان فلسطینی برای ادامه راه آنها و اتکای آنها به خود و مشارکت در توسعه جامعه خودشان است. این قطعنامه همچنین از اسرائیل می‌خواهد بازگشت همه آوارگان زن و کودک فلسطینی به سرزمین خود را بر اساس قطعنامه‌های سازمان‌ملل تسهیل کند و بر اساس کنوانسیون چهارم ژنو مربوط به حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ از زنان فلسطینی و خانواده‌های آنها حمایت به عمل آورد.

توافق آسمان آزاد

رژیم صهیونیستی و اتحادیه اروپا در راستای تقویت روابط خود توافقنامه «آسمان آزاد» به منظور تسهیل در پرواز هواپیماهای دو طرف امضا کردند.

انتظار می‌رود اتحادیه اروپا تعداد سفرهای هوایی به اسرائیل و تعداد گردشگران را افزایش دهد. خبر دیگر اینکه نظامیان رژیم صهیونیستی اراضی کشاورزی شرق «القراره» را در جنوب نوار غزه هدف قرار دادند. گروهی از نظامیان صهیونیستی مستقر در نزدیکی پایگاه نظامی «کیزوفیم» اراضی کشاورزی شهرک القراره را هدف آتش قرار دادند. هنوز از خسارت‌های جانی احتمالی این حمله گزارشی دریافت نشده است.

در تحولی دیگر رژیم صهیونیستی اعلام کرد تصمیم دارد صحن‌های مسجدالاقصی را به پارک‌ها و میدان‌های عمومی جهت ورود و خروج آزادانه یهودیان تبدیل کند.

واکنش جهانی علیه رامنی

کاخ سفید در بیانیه‌ای مخالفت خود را با اظهارات نامزد جمهوریخواهان در انتخابات ریاست جمهوری این کشور درباره قدس اعلام کرد. در این بیانیه آمده است: موضوع قدس باید از طریق مذاکرات صلح میان اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطین حل و فصل شود. این موضع همیشگی آمریکا بوده که همواره اعلام شده است. «میت رامنی» چند روز پیش در جریان سفر به فلسطین اشغالی قدس را پایتخت رژیم صهیونیستی خواند و اعلام کرد امنیت این رژیم بخش مهمی از منافع ملی آمریکا محسوب می‌شود. چین هم با انتقاد شدید از اظهارات میت رامنی در مورد نامیدن قدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی، اعلام کرد این سخنان موجب تشدید تنش‌ها در خاورمیانه شده و حتی می‌تواند به بروز جنگ میان فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها بیانجامد.

همچنین «صائب عریقات» مذاکره کننده ارشد تشکیلات خودگردان فلسطین در این رابطه گفت: اظهارات رامنی نژادپرستانه است و کسانی که از راه حل دولتی سخن می‌گویند باید بدانند تشکیل کشور مستقل فلسطین بدون قدس شرقی امکان‌پذیر نیست. «نبیل ابوردینه» سخنگوی تشکیلات خودگردان فلسطین نیز اعلام کرد بیان چنین سخنانی از سوی مسئولان آمریکایی بیانگر مواضع ضد و نقیض دولت آمریکا است.

حماس نیز اظهارات میت رامنی را نژادپرستانه و تندروی خواند و آن را به مثابه مجوزی برای تشویق یهودی کردن این شهر دانست.

ریاضت اقتصادی

کابینه رژیم صهیونیستی برای کاهش کسری بودجه، برنامه ریاضت اقتصادی را تصویب کرد. این برنامه شامل افزایش مالیات بر فروش و کاهش هزینه‌های عمومی است که ۱۷۱ میلیون دلار از بودجه کابینه در سال ۲۰۱۲ را کاهش خواهد داد.

این در حالی است که یک اسرائیلی دیگر در مقابل اداره بیمه در اعتراض به اوضاع نابسامان اقتصادی اقدام به خودسوزی کرد. طی روزهای اخیر حداقل ۹ نفر در سرزمین‌های اشغالی اقدام به خودسوزی کرده‌اند.

تظاهرات ضدحکومتی در مناطق مختلف بحرین

سرویس خارجی: اهالی منطقه «ابوصیبع» و «الشاخوره» در حمایت از افراد تحت تعقیب و ناپدیدشدگان تظاهرات کردند.

تظاهرکنندگان پرچم بحرین را با خود حمل می‌کردند و شعار هیهات مناالذله سر می‌دادند. آنها تأکید کردند فقط در برابر خداوند سر تسلیم فرود می‌آوریم.

تظاهرکنندگان همچنین با سر دادن شعارهایی خواستار سرنگونی رژیم حمد بن عیسی شدند و اقدامات سرکوبگرانه رژیم را که با استفاده از سلاح‌های آمریکایی انجام می‌شود، محکوم کردند.

آنها همچنین حمایت خود را از اهالی القطیف در عربستان اعلام کردند. در همین حال، تظاهرات مشابهی نیز در حمایت از افراد تحت تعقیب رژیم آل‌خلیفه در منطقه الدیه برپا شد.

روستای کرانه در بحرین نیز شاهد برپایی تظاهرات گسترده با شعار «راهپیمایی در حمایت از افراد تحت تعقیب و بازداشت‌شدگان» بود.

در حالی که تظاهرکنندگان در خیابان‌های روستا در حال تظاهرات بودند، نیروهای مزدور رژیم آن‌ها را غافلگیر کردند و به سرکوب آنها پرداختند. مردم منطقه الدیر نیز در بحرین در حمایت از حق تعیین سرنوشت تظاهرات کردند.

در چنین شرایطی، شبکه «المیادین» از اذعان وزارت خارجه آمریکا به تخریب ۳۵ مسجد شیعیان در بحرین به دست مقامات این کشور خبر داد. وزارت خارجه آمریکا با صدور گزارشی اعلام کرد، مقامات بحرینی ۳۵ باب مسجد شیعیان را در این کشور تخریب کردند. این گزارش بر اهمیت بازسازی این مساجد تأکید کرد.

*** عربستان**

شاهدان گفتند، نیروهای امنیتی رژیم آل‌سعود به سوی تظاهرکنندگان در شهر قطیف در شرق عربستان گلوله‌های جنگی و گازهای اشک‌آور شلیک کردند که این حمله به زخمی شدن ١٤ نفر از آن‌ها منجر شد.

تظاهرکنندگان آزادی بازداشت‌شدگان و شیخ نمر النمر را خواستار بودند.

در این حال، اهالی جزیره «تاروت» در القطیف پرچم بحرین را در میدان «السمکه» نصب کردند.

*** یمن**

گروهی از افراد مسلح قبیله‌ای به وزارت کشور یمن در «صنعا» پایتخت این کشور یورش بردند.

این حمله منجر به درگیری با نیروهای امنیتی حافظ ساختمان وزارت کشور یمن در صنعا شد.

بر پایه این گزارش وزارت کشور یمن اعلام داشت؛ افراد مسلح که از هواداران علی عبدالله صالح، دیکتاتور سابق یمن هستند به منظور درخواست کار به ساختمان وزارت کشور یورش برده بودند.

بین افراد مسلح قبیله‌ای و نیرهای امنیتی وزارت کشور تبادل آتش صورت گرفت.

در این حمله هشت تن کشته شدند. یک منبع خبری نیز از وقوع انفجار در نزدیکی ساختمان وزارت کشور یمن در صنعا خبر داد.

شبکه تلویزیونی پرس‌تی‌وی در خبری فوری اعلام کرد، انفجاری در نزدیکی وزارت کشور یمن در شهر صنعا رخ داده است؛ اما هنوز جزئیات بیشتری از این انفجار و تلفات آن گزارش نشده است.

از دیگر سو، قبیله‌ای در یمن، مسئولیت ربودن یک کارمند سفارت ایتالیا را در این کشور بر عهده گرفت.

کارمند مذکور در مقابل سفارت ایتالیا در صنعا ربوده شده بود.

اعلام حمایت حزب‌الله از ارتش لبنان

سرویس خارجی: مسئولان حزب‌الله لبنان بر نقش قوی ارتش برای ایجاد ثبات و مقابله با تهدیدهای رژیم صهیونیستی تاکید کردند.

به گزارش خبرگزاری مهر، شیخ «خضر نورالدین» عضو شورای سیاسی حزب‌الله گفت: کارشکنی‌ها درباره حضور ارتش در شمال و تلاشها برای تضعیف آن کذب بودن شعارهای گروه ١٤ مارس را بیش از قبل آشکار می‌کند. وی افزود: حاکمیت و تمامیت ارضی که ١٤ مارسی‌ها از آن سخن می‌گویند بدون ارتش قوی حامی مرزهای لبنان میسر نمی‌شود. از سوی دیگر «ابراهیم امین السید» رئیس شورای سیاسی حزب‌الله لبنان ضمن تجدید از نقش ارتش لبنان در مقابله با مشکلات و فتنه‌افکنی‌ها، ثبات این کشور را در گرو تقویت نهادهای نظامی دانست. وی خاطرنشان کرد: نباید از برخی مشکلات به عنوان حربه‌ای برای تضعیف ارتش که حامی و ضامن ثبات لبنان است بهره‌برداری شود. این در حالی است که «ژان قهوه‌چی» فرمانده ارتش لبنان دو روز قبل اعلام کرده بود ارتش آماده مقابله با تهدیدهای احتمالی رژیم صهیونیستی است و اجازه ایجاد منطقه حائل در مرز این کشور با سوریه را نخواهد داد. از سویی وزیر دفاع ایتالیا در ملاقات با رئیس جمهوری لبنان در بیروت اعلام کرد رم از تمامیت ارضی و امنیت این کشور با توجه به تحولات اخیر منطقه حمایت می‌کند.

فریاد اعتراض جهان اسلام علیه کشتار مسلمانان میانمار

تظاهرات مردم پاکستان در راولپندی علیه کشتار مسلمانان میانمار

سرویس خارجی: پاکستانی‌ها با برپایی تظاهرات در اعتراض به کشتار مسلمانان میانمار، سکوت مجامع بین‌المللی در خصوص این نسل‌کشی را به شدت محکوم کردند.

حزب «جماعت اسلامی» پاکستان با تجمع مقابل باشگاه مطبوعاتی راولپندی مراتب اعتراض شدید خود را به کشتار مسلمانان بیگناه میانمار اعلام کرد.

تظاهرکنندگان در حالی که پلاکاردهایی بر ضد دولت میانمار در دست داشتند، سکوت فاجعه‌بار سازمان ملل را در قبال این نسل‌کشی به شدت محکوم کردند.

تظاهرکنندگان از دولت‌های مسلمان خواستند تا با بلند کردن صدای اعتراض خود بر ضد وحشی‌گری دولت برمه، خواستار برگزاری جلسه «سازمان کنفرانس اسلامی» برای بررسی این موضوع شوند.

در این حال، انجمن وکلای پاکستان در اعتراض به کشتار و خشونت‌ها علیه مسلمانان میانمار مقابل سفارت این کشور در اسلام‌آباد تحصن کردند.

این تحصن اعتراض‌آمیز که با شرکت بیش از یکصد نفر از وکلای اسلام‌آباد برگزار شده بود، تحت سرپرستی سید جاوید اکبر شاه مشهدی، رئیس کانون منطقه‌ای وکلای پاکستان در این شهر برپا شد.

جاوید اکبر شاه مشهدی گفت: این یک تحصن کاملاً مسالمت‌آمیز مقابل سفارت میانمار در اسلام‌آباد و هدف اصلی آن تصویب قطعنامه‌ای با مضمون محکومیت اقدامات غیرانسانی علیه مسلمانان در میانمار توسط بودائیان افراط‌گرا بود.

از طرفی، علی الدباغ، سخنگوی دولت عراق اعلام کرد که هیأت دولت کشورش، کشتار و شکنجه مسلمانان در میانمار را به شدت محکوم می‌کند.

«ولید المحمدی»، یکی از نمایندگان فهرست العراقیه از پارلمان عراق خواسته بود تا موضعی شفاف در حمایت از مسلمانان میانمار اتخاذ کند و دولت عراق نیز در محافل بین‌المللی این مسأله را پیگیری کند.

«صدرالدین القبانچی»، یکی از رهبران مجلس اعلای اسلامی عراق نیز کشتار مسلمانان میانمار و سکوت مجامع بین‌المللی در قبال این امر را محکوم کرد و از جامعه بین‌المللی و جهان اسلام خواست تا از این مسلمانان حمایت کنند. خبر دیگر اینکه، نیروهای مردمی اندونزی برای کمک به مسلمانان روهینگیا واقع در ایالت «راخین» میانمار برای اعزام به این کشور سازماندهی شدند. سازمان واکنش سریع اندونزی موسوم به «ای.سی.تی» نخستین گروه از نیروهای مردمی این کشور را با هدف کمک به مسلمانان «روهینگیا» به میانمار اعزام می‌کند. «آپیکو جوکو مولیونو»، یکی از مسئولان این سازمان با اشاره به اینکه نیروهای مردمی اندونزی از طریق مرز زمینی بنگلادش خود را به میانمار خواهند رساند، اظهار داشت: گروه پیشرو با به همراه داشتن بالغ بر ٦٠ هزار دلار آمریکا که تماماً از کمک‌های مردم اندونزی تأمین شده است، برای کمک به مسلمانان میانمار عازم این کشور شدند.

اعضای انجمن دانشجویان مسلمان اندونزی با تجمع در «لامپونگ» طی بیانیه‌ای، کشتار مسلمانان در میانمار را جنایت علیه بشریت عنوان کردند.

دهها تن از اعضای انجمن دانشجویان مسلمان اندونزی با سه تجمع در شهر «لامپونگ» اندونزی ضمن محکوم کردن کشتار مسلمانان میانمار خواهان اقدام فوری سازمان ملل متحد در این باره شدند.

در چنین شرایطی دولت میانمار اعلام کرد، افراد اقلیت مسلمان که هفته گذشته هدف اقدامات خشونت آمیز طایفه‌ای قرار گرفتند، حق داشتن تابعیت میانمار را ندارند.

«اتین هتای» وزیر امور مرزهای میانمار در کنفرانسی مطبوعاتی گفت: افراد اقلیت در بین ۱۳۰ قومیت میانمار ثبت نشده‌اند. همچنین وزیر امور خارجه میانمار مدعی شد، شرایط در استان راخین این کشور که ماههای گذشته محل کشتار مسلمانان روهینگیا توسط بوداییان بوده، در حال عادی شدن است.

«یو ونا مانونگ لوتین» که همزمان با حضور توماس اوجی کوئینتانا نماینده ویژه حقوق بشر سازمان ملل در میانمار با خبرنگاران سخن می‌گفت: افزود: دولت میانمار تمامی تلاش خود را به کار گرفته است تا بتواند نظم و امنیت را به راخین باز گرداند. وی به رغم وجود اسناد و تصاویر معتبر از جنایات و قتل عام مردم روهینگیا مدعی شد اتهام اعمال خشونت نیروهای امنیتی این کشور درباره مسلمانان راخین بی‌اساس است و افزود: مناقشات اخیر تنها در چند شهر استان راخین روی داده است که بخشی از جمعیت این استان در آن نقش داشته‌اند.

عراق سلاح‌های شیمیایی حکومت «صدام» را منهدم می‌کند

سرویس خارجی: عراق سلاح‌های شیمیایی باقیمانده از حکومت صدام حسین را خنثی و منهدم خواهد کرد.

دو انبار ویژه از سلاح‌های شیمیایی حکومت سابق عراق هنوز در جنوب شهر بغداد نگهداری می‌شود. قرار است وزارت دفاع انگلیس، گروهی از متخصصان و پزشکان عراقی را برای انهدام بی‌خطر این سلاح‌ها آموزش دهد.

بسیاری از سلاح‌های شیمیایی حکومت صدام توسط بازرسان سازمان ملل پس از جنگ اول خلیج‌فارس در سال ۱۹۹۱ میلادی منهدم شده بود.

از سویی، سخنگوی رسمی دولت عراق از تصمیم منطقه کردستان این کشور برای خرید سلاح‌های سنگین انتقاد کرد و آن را نقض قانون اساسی عراق دانست.

علی الدباغ، سخنگوی رسمی دولت عراق در گفتگو با الجزیره اظهار داشت: اصرار منطقه کردستان عراق به خرید سلاح‌های سنگین، عراق را درگیر مشکلات زیادی می‌کند.

وی در ادامه گفت که اگر این روند ادامه پیدا کند، عراق دچار رقابت تسلیحاتی خواهد شد و این نقض قانون اساسی محسوب می‌شود.

دباغ خاطرنشان کرد: اوضاع منطقه با احتمالات مختلفی مواجه است و اختلافاتی میان منطقه کردستان و دولت مرکزی بغداد وجود دارد و نشانه‌هایی مبنی بر جدایی منطقه کردستان از حکومت مرکزی بغداد به چشم می‌خورد، اما این مسأله به نفع منطقه کردستان و همچنین عراق نیست.

از سوی دیگر، «جبار یاور» وزیر وزارت پیشمرگ اقلیم کردستان عراق در واکنش به اظهارات علی الدباغ، تصمیم منطقه کردستان عراق برای خرید سلاح‌های سنگین را تکذیب کرد.

از طرفی رهبر فراکسیون پارلمانی اتحاد ملی عراق، امروز به بهانه مراسم افطاری، سران سیاسی را در منزل خود گرد هم می‌آورد.

«سوزان السعد»، یکی از نمایندگان فراکسیون اتحاد ملی عراق اعلام کرد: «ابراهیم الجعفری»، رئیس این فراکسیون از تمامی رهبران گروه‌های سیاسی عراق برای مراسم افطاری در منزلش دعوت کرده است.

وی افزود: انتظار می‌رود که در این مراسم افطاری، نوری مالکی، نخست‌وزیر و ایاد علاوی، رهبر فهرست العراقیه نیز حضور یابند و پس از افطار، دیدارهای دوجانبه‌ای میان برخی از این رهبران صورت گیرد تا تحولات جاری در منطقه و کشور بررسی شود.

خشونت‌های تازه در عراق

مقامات امنیتی و بیمارستانی در عراق اعلام کردند که انفجار دو خودرو بمب‌گذاری شده در بغداد منجر به کشتن شدن ۱۲ تن و زخمی شدن دست کم ۲۷ تن دیگر شد.

یک مقام وزارت کشور عراق اعلام کرد که این انفجارها در منطقه «کراده» در مرکز بغداد به وقوع پیوست. از سویی منابع پلیس استان الانبار عراق از انفجار یک خودروی بمب‌گذاری شده در مسیر خودروی گشتی پلیس در منطقه روستاهای «زوبع» در شرق فلوجه و کشته شدن یک مأمور پلیس و زخمی شدن دو تن دیگر خبر دادند.

یک خودروی بمب‌گذاری شده در یکی از مسیرهای فرعی در منطقه روستاهای زوبع در شرق فلوجه و در مسیر یک خودروی گشتی منفجر شد که در نتیجه آن یک مأمور پلیس کشته شد و دو تن دیگر زخمی و به بیمارستان منتقل شدند.

از طرفی، یک منبع پلیس استان کرکوک عراق از کشته شدن دو نفر در حمله مهاجمان مسلح ناشناس به جنوب کرکوک خبر داد.

مهاجمان مسلح ناشناس دو برادر را نزدیک روستای «زکلاوه» وابسته به شهرستان «داقوق» به ضرب گلوله کشتند و متواری شدند. همچنین یک افسر عراقی بر اثر انفجار بمبی در مرکز کرکوک به شدت زخمی شد.

از دیگر سو، مقامات عراقی اعلام کردند، یک خبرنگار محلی توسط افراد مسلح در شمال عراق کشته شد.

وزیر خارجه ترکیه: اجازه تکرار کشتار «حلبچه» در سوریه را نمی‌دهیم

سرویس خارجی: ترکیه اعلام کرد مانع از آنچه کشتار پناهجویان به دست ارتش سوریه خوانده، خواهد شد.

به گزارش ایسنا، احمد داوداوغلو، وزیر خارجه این کشور گفته است اگر نیروهای دولتی سوریه شهروندان سوری را که به مرزهای ترکیه می‌گریزند هدف حمله قرار دهند، ترکیه نسبت به چنین اقدامی واکنش نشان خواهد داد.

داوود اوغلو در مصاحبه با روزنامه حریت چاپ آنکارا افزود: اگر نیروهای سوری به سوی دهها هزار نفری که می‌کوشند به ترکیه بگریزند، آتش بگشایند، نه تنها ترکیه که جامعه جهانی نمی‌تواند در برابر چنین اقدامی سکوت اختیار کند.

وی در این مصاحبه یادآور شد که در سال ۱۹۸۸ نیروهای صدام حسین رئیس جمهوری وقت عراق، با توسل به سلاح شیمیایی، حدود ۵۰۰۰ تن از کردهای آن کشور را در حلبچه به قتل رساندند بی آنکه ترکیه بتواند برای جلوگیری از چنین فاجعه‌ای اقدامی به عمل آورد اما اکنون ترکیه مصمم است اجازه ندهد کشتاری مشابه حلبچه در یکی دیگر از کشورهای همسایه روی دهد.

وزیر خارجه ترکیه گفت: حلب حساس‌ترین شهر منطقه است و ناامنی و بی‌نظمی عمومی در این شهر مستقیماً بر امنیت و نظم در ترکیه تاثیر می‌گذارد و به همین جهت ترکیه تمهیدات لازم در این زمینه را پیش‌بینی کرده است.

از سویی باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا و رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه در یک تماس تلفنی راجع به هماهنگی تلاش‌ها برای سرعت بخشیدن به روند انتقال سیاسی قدرت در سوریه گفت‌وگو کردند.

در بیانیه منتشر شده توسط کاخ سفید آمده است این انتقال قدرت شامل خروج بشار اسد از سوریه و پاسخگویی به درخواست‌های قانونی مردم سوریه خواهد بود.

خبر دیگر اینکه به نوشته یک روزنامه سوری، ایران به ترکیه هشدار داده است چنانچه حمله‌ای به خاک سوریه انجام دهد با پاسخی تند مواجه خواهد شد.

روزنامه الوطن چاپ دمشق ضمن اعلام این مطلب نوشت هرگونه حمله به خاک سوریه، قرارداد مشترک دفاعی ایران و سوریه را وارد مرحله اجرایی می‌کند. در همین حال خبرگزاری فرانسه اعلام کرد ایران هرچند نزدیکترین متحد رژیم بشار اسد در منطقه به شمار می‌رود اما به دلیل برنامه هسته‌ای، رابطه خود را با ترکیه که عضو ناتو است در سطح خوبی نگاه داشته است.

حمله به کاروان ناظران

بان کی‌مون دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد کاروان ژنرال «بابا کارگای» رئیس ناظران بین‌المللی در سوریه مورد حمله مسلحانه قرار گرفت ولی خودروهای زرهی همراه کاروان مانع از آن شد به کسی آسیبی برسد.

ژنرال کای جانشین رابرت مود رئیس سابق هیأت ناظران بین‌المللی در سوریه است که در ۱۹ ژوئیه بعد از پایان مدت ماموریتش در سوریه دمشق را ترک کرد.

ماموریت هیأت ناظران بین‌المللی در سوریه در ۲۰ ژوئیه برای یک ماه دیگر تمدید شد و شمار ناظران بین‌المللی در سوریه از ۳۰۰ به ۱۰۰ تن کاهش یافت.

از سویی شماری از جنگجویان افغان و لیبیایی و دیگر ملیت‌های عربی در درگیری با نیروهای ارتش سوریه در محله قرابیص شهر حمص کشته شدند.

یکی از نیروهای ارتش سوریه پس از پاکسازی محله قرابیص گفت: بیشتر تروریست‌هایی که در این محله حضور داشتند از ملیت‌های مختلف بودند.

خبر دیگر اینکه پایگاه‌های اینترنتی سوریه از کشته شدن «عمار ابازید» خبرنگار شبکه تلویزیونی العربیه که به طور غیر قانونی در درعا جنوب سوریه فعالیت می‌کرد؛ خبر دادند.

به گفته این منابع خبری، وی در جریان درگیری ارتش سوریه با گروه‌های مسلح در یکی از مناطق استان درعا کشته شد.

این منابع افزودند «عمر خشرم» خبرنگار الجزیره نیز که به همراه گروه‌های مسلح از ترکیه وارد خاک سوریه شده بود؛ در یکی از مناطق حلب زخمی شد.

درخواست از شورای امنیت

وزارت خارجه سوریه در دو نامه جداگانه به شورای امنیت و دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد ترکیه، قطر و عربستان از تروریست‌های سوریه حمایت می‌کنند و از شورای امنیت خواست گروه‌های تروریستی را از سوریه خارج کند.

وزارت خارجه سوریه اعلام کرد گروهک‌های تروریستی در سوریه در روزهای اخیر به اموال عمومی و خصوصی در سوریه بخصوص در دمشق و حلب حمله کرده‌اند.

وزارت خارجه سوریه اعلام کرد: این گروهک‌ها به شکلی علنی از حمایت مالی و تسلیحاتی عربستان، قطر و ترکیه برخوردارند و جنایاتی هولناک علیه مردم عادی بیگناه در این دو شهر مرتکب شده‌اند و این اقدامات هنوز در شهر حلب که تعداد زیادی از مزدوران این گروه‌های مسلح تروریستی تجمع کرده‌اند، ادامه دارد. ترکیه عبور این گروهک‌ها را به داخل خاک سوریه تسهیل کرد و تعدادی از محلات پرجمعیت را اشغال کرده‌اند و مردم را سپر خود قرار داده‌اند و هر که را که جنایاتشان را حمایت نکند، می‌کشند و برخی دیگر را به ترک خانه خود با تهدید سلاح مجبور کرده‌اند.

وزارت خارجه سوریه افزود: همه این اتفاقات پس از سفر اخیر کوفی عنان فرستاده ویژه سازمان ملل در ۸ جولای ۲۰۱۲ انجام شده است.

در تحولی دیگر ولید المعلم وزیر خارجه و مهاجرین سوریه به بغداد رفت. در جریان این دیدار المعلم با نوری مالکی نخست‌وزیر هوشیار زیباری وزیر خارجه عراق دیدار و گفت‌وگو کرد.

دو طرف در ارتباط با روابط دو جانبه؛ بحران سوریه و مواضع عراق در ارتباط با آن تبادل نظر کردند.

سفر وزیر خارجه سوریه به عراق در ادامه سفر یک روزه وی به تهران صورت گرفت. در این حال وزیر دفاع آمریکا در مصاحبه با سی.ان.ان در خصوص تحولات سوریه گفت: ارتش سوریه حتی پس از سقوط دولت بشار اسد باید باقی بماند.

لئون پانتا تاکید کرد: نیروهای دولتی در سوریه باید با یکدیگر متحد شوند. آنها نباید اشتباهات رخ داده در عراق را بار دیگر مرتکب شوند.

وی تصریح کرد: گمان می‌کنم در زمان کناره‌گیری اسد از قدرت، حفظ امنیت در سوریه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

ادامه درگیری‌های حلب

منابع رسمی سوریه از کشته شدن ٤٠٠ تروریست مسلح و دستگیری ۱۵۰ نفر دیگر از جمله یک لیبیایی خطرناک در حلب خبر دادند.

تلویزیون سوریه گزارش داد واحدهایی از ارتش توانستند یک تک تیرانداز لیبیایی را در حلب دستگیر کنند، وی بر پشت بام یکی از ساختمانها در محله الحمدانیه حلب به تیراندازی علیه شهروندان و نیروهای ارتش دست می‌زد.

طرفهای ذیربط همچنین تونلی را کشف کردند که از مسجد الکیسانی در کوی چهارم تا سالنهای نمایش در محله صلاح‌الدین امتداد داشت و عناصر وابسته ارتش آزاد سوریه هنگام عملیات ارتش به آنجا می‌گریختند و پنهان می‌شدند.

شبکه تلویزیونی العالم نیز از درگیری‌های شدید بین افراد مسلح و ارتش سوریه در محله صلاح الدین در حلب خبر داد.

العالم افزود: نیروهای ارتش سوریه محله الحمدانیه در حلب را به طور کامل از افراد مسلح پاکسازی کردند.

خروج نظامیان فرانسوی از «سروبی» افغانستان

سرویس خارجی: نظامیان فرانسه در اجرای تقویم مورد نظر «فرانسوا اولاند» رئیس جمهوری این کشور بخش «سروبی» افغانستان را ترک و مأموریت تأمین امنیت منطقه را به نیروهای افغان واگذار کردند.

اولاند در چارچوب اجرای وعده مبارزات انتخاباتی خود در سال ۲۰۱۲، اعلام کرده بود که بخش اعظمی از ۳۵۰۰ نیروی فرانسوی حاضر در افغانستان تا پایان سال جاری میلادی همراه تجهیزات و ادوات نظامی سنگین خود خاک این کشور را ترک می‌کنند.

بر اساس آخرین تقویم مصوب، مقرر شده ۲۰۰۰ تن از نیروهای فرانسوی امسال خاک افغانستان را ترک کنند که زودتر از تقویم آمریکایی می‌باشد که سال ٢٠١٤ را تعیین کرده است.

منطقه سروبی نزدیک کابل، محل حضور نیروهای فرانسوی است. فرانسوی‌ها پیش از این نیز امنیت منطقه «کاپیسا» را به نیروهای افغان واگذار کرده بودند.

بر اساس این گزارش، دهها تن از نظامیان فرانسوی و افغان پرچم فرانسه را پایین آورده و پرچم افغانستان را در سروبی نصب کردند.

قرار است ۱۵۰۰ نظامی فرانسوی باقیمانده در افغانستان تا سال ٢٠١٤ خاک این کشور را ترک کنند.

در این حال، گروه ناظر بازرسی ویژه آمریکا در امور بازسازی افغانستان گزارش داد: میلیون‌ها دلار از اعتبار تخصیصی در حوزه بازسازی به دلیل برنامه ریزی ضعیف و عدم مهارت در اجرای پروژه‌ها هدر رفته است.

تأکید وزیر دفاع آمریکا بر حمایت نامحدود از تونس

دیدار وزیر دفاع آمریکا با رئیس جمهوری تونس

سرویس خارجی: «لئون پانتا»، وزیر دفاع آمریکا با «محمد المنصف المرزوقی»، رئیس جمهوری تونس دیدار و گفتگو کرد. در بیانیه ریاست جمهوری تونس به این مناسبت آمده است، پانتا در این دیدار بر حمایت نامحدود واشنگتن از تونس که با مشکلات اقتصادی و اجتماعی روبروست، تأکید کرد.

بر اساس این بیانیه، پانتا و المرزوقی درباره همکاری امنیتی دو کشور و ساز و کارهای مقابله با چالش‌های امنیتی در منطقه به ویژه در سایه تحولات در مالی گفتگو کردند. در این بیانیه آمده است که وزیر دفاع آمریکا از موفقیت تجربه انتقال قدرت در تونس به عنوان الگویی برای انقلاب‌ها در جهان عرب یاد کرد.

پانتا قبل از این با «حمادی الجبالی»، نخست‌وزیر تونس دیدار کرده بود.

در چنین شرایطی، وزیر دفاع آمریکا در دیدار با همتای تونسی خود ضمن دادن وعده‌هایی برای کمک‌های نظامی به این کشور، گفت: تونس می‌تواند کشوری نمونه در منطقه باشد.

این در حالی است که، لئون پانتا وارد قاهره شد و با محمد مرسی، رئیس جمهوری مصر و ژنرال حسین طنطاوی، رئیس شورای نظامی این کشور دیدار و گفتگو کرد.

*** مصر**

دفتر ریاست جمهوری مصر با تاکید بر اینکه دولت جدید مصر این هفته معرفی خواهد شد، اعلام کرد که «هشام قندیل» و وزرای کابینه‌اش همان روز سوگند می‌خورند.

«یاسر علی»، سخنگوی ریاست جمهوری مصر اعلام کرد که دولت جدید مصر روز پنج‌شنبه معرفی خواهد شد و احتمالاً در همان روز سوگند خواهد خورد. یاسر علی درباره علت تعویق معرفی دولت جدید این کشور گفت که هشام قندیل به دنبال افراد کارآمدتر است که توان تحمل مسئولیت کنونی کشور را داشته باشند.

سخنگوی ریاست جمهوری مصر درباره برخی عذرخواهی‌ها درباره عدم پذیرش پست‌ها تاکید کرد که این رد همکاری به دلایل پزشکی و سلامتی افراد صورت گرفته است، چون برخی گزینه‌های قندیل با مشکلات جسمانی مواجه بودند.

وی تاکید کرد که رایزنی درباره تشکیل دولت بین نخست‌وزیر و رئیس جمهوری و وزرا همچنان ادامه دارد و بر اساس پیش‌بینی‌ها روز پنج شنبه قندیل وزرای خود را معرفی خواهد کرد. از دیگر سو، در شرایطی که هشام قندیل از مشخص شدن ۷۰ درصد ترکیب اعضای کابینه‌اش خبر داد، احزاب سکولار در مصر تأکید کردند، در ساختار دولت جدید مصر حاضر نمی‌شوند. از طرفی، چند تن از اسلام‌گرایان مصری که در دوره حسنی مبارک به حبس ابد یا اعدام محکوم شده بودند، با عفو محمد مرسی به مناسبت ماه رمضان آزاد شدند.

در تحولی دیگر، وزیر کشور دولت حسنی مبارک به حکم حبس ابد خود از سوی دادگاه جنایی قاهره در پی متهم شدنش به مشارکت در کشتار تظاهرکنندگان در جریان انقلاب ۲۵ ژانویه اعتراض کرد.

خبر دیگر این که واحد مبارزه با فساد مالی و پولشویی سازمان ملل خبر داد، همسر دیکتاتور مخلوع مصر ۳ میلیارد دلار از اموال عمومی این کشور را به حساب‌هایش در بانک‌های اروپایی منتقل کرده است.

کوتاه از سراسر جهان

حمله شدید چین به گزارش انتقادی آمریکا

ایرنا: خبرگزاری چین گزارش انتقادی آمریکا از چین و چند کشور دیگر به بهانه آزادی‌های دینی را نشانه‌ای از گستاخی بی حد و حصر آمریکا و مداخله‌جویی این کشور دانست.

شین‌هوا در گزارش خود آورده که آمریکا باز هم وحشیانه و گستاخانه در امور داخلی دیگران به بهانه حراست از دین و مذهب مداخله کرد.

شین‌هوا افزود: آمریکا اصولاً برای دیگر کشورها احترام قائل نیست و تنها در اندیشه تحمیل ارزش‌های خود به دیگر کشورهاست و اهمیتی به تفاوت‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی نمی‌دهد.

شرط عمرالبشیر برای دیدار با رئیس جمهوری سودان جنوبی

فارس: رئیس جمهوری سودان تأکید کرد زمانی که هیأت‌های مذاکره‌کننده دو سودان در اتیوپی به توافقاتی دست یافتند بار دیگر با همتای سودان جنوبی خود دیدار می‌کند.

«عمرالبشیر» دعوت «تابوامبیکی»، رئیس جمهوری آفریقای جنوبی و رئیس کمیته میانجی بین دو سودان برای دیدار با «سلواکر میاردیت» همتای سودان جنوبی خود را رد کرد.

«العبید مروح»، سخنگوی رسمی وزارت خارجه سودان به خبرگزاری سودان گفت: عمرالبشیر با توجه به برنامه سفرش به قطر، از این که نمی‌تواند برای دیدار با سلواکر به آدیس آبابا برود عذرخواهی کرد.

فرانسه امروز رئیس دوره‌ای شورای امنیت می‌شود

فارس: فرانسه برای یک دوره یکماهه ریاست ادواری شورای امنیت سازمان ملل را برعهده می‌گیرد. ریاست شورای امنیت نوبتی است و طول مدت آن ۳۰ روز است.

شورای امنیت ۵ عضو دائم و ۱۰ عضو انتخابی دارد که پنج عضو دائم این شورا در تصمیم‌ها و رأی‌گیری‌های شورا حق وتو دارند.

بر اساس منشور سازمان ملل همه اعضای این سازمان تصمیمات شورای امنیت را پذیرفته و اجرای آن را تقبل می‌کنند. این شورا تنها رکن سازمان ملل است که قدرت تصمیم‌گیری الزام‌آور را در قبال کشورها دارد.

«دنیس راس» از تیم تبلیغاتی اوباما جدا شد

مهر: «دنیس راس» در حالی که حامیان مالی حزب جمهوریخواه آمریکا میلیاردها دلار برای جذب آرای یهودیان آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری به نفع «میت رامنی» سرمایه‌گذاری کرده‌اند، به عنوان مهمترین فردی که اوباما را به جامعه طرفداران اسرائیل در آمریکا مرتبط می‌کرد از تیم انتخاباتی وی خداحافظی کرد.

دنیس راس از دیپلمات‌های باسابقه آمریکا و یکی از طراحان اصلی صلح «اسلو» در زمان ریاست جمهوری «بیل کلینتون»، و فردی که در زمان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۸ به رغم ارتباطات خود با خانواده کلینتون در کمیته انتخاباتی اوباما حضور داشت در نامه‌ای الکترونیکی که به «دیلی ۲۰» ارسال کرد، گفت در رقابت‌های انتخاباتی ۲۰۱۲ در تیم اوباما حضور نخواهد داشت.

اعتراف آمریکا به افزایش اسلام‌ستیزی در اروپا

ایرنا: گزارش جدید وزارت خارجه آمریکا درباره آزادی‌های دینی آشکارا به افزایش اسلام‌ستیزی در اروپا اعتراف کرده و ادامه این روند را مورد انتقاد قرار داده است.

گزارش سالانه وزارت خارجه آمریکا درباره آزادی‌های دینی مربوط به سال ۲۰۱۱ که در شبکه خبری الجزیره مورد بررسی قرار گرفته نشان می‌دهد که افزایش اسلام‌ستیزی و خصومت با مسلمانان در اروپا به یک نگرانی بزرگ تبدیل شده است. این گزارش همچنین از محدودیت‌هایی که از سوی برخی دولت‌ها بر استفاده مسلمانان از آزادی‌های دینی خود اعمال می‌شود، انتقاد کرده است.

عذرخواهی وزیر دفاع تاجیکستان از مردم

فارس: وزیر دفاع تاجیکستان ضمن اظهار تأسف بابت حوادث استان «بدخشان» این کشور از سفر ماه آینده امامعلی رحمان به این استان به مناسبت هشتادمین سالگرد تأسیس شهر «خاروغ» خبر داد.

«شیرعلی خیرالله اف» همچنین از کشته شدن مردم غیرنظامی در حوادث اخیر خاروغ اظهار تأسف کرد و ضمن عذرخواهی از مردم، اظهار داشت که نیروهای حکومتی نیز تلفات زیادی در این حادثه داده‌اند.

وزیر دفاع تاجیکستان همچنین از مقامات محلی شهر خاروغ، هیئت میانجی ۲۰ نفری و نمایندگان بنیاد آقاخان برای کمک‌هایشان در زمینه خلع سلاح گروه‌های مسلح اظهار قدردانی کرد.

کشته شدن ٤ عضو «بوکوحرام» در نیجریه

ایرنا: پلیس شهر «کانو» در شمال‌غربی نیجریه اعلام کرد که چهار فرد مسلح مظنون به عضویت در گروه شبه‌نظامی بوکوحرام کشته شدند.

«ابراهیم ادریس» یک مقام پلیس شهر کانو به خبرنگاران در این شهر گفت که افراد مسلح قصد داشتند حمله‌ای را در این منطقه ترتیب دهند که با نیروهای پلیس مواجه شدند.

تأکید پوتین بر توسعه ناوگان زیردریایی‌های هسته‌ای روسیه

ایرنا: ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه در راستای برنامه دولت این کشور برای توسعه، به‌روزسازی و تجهیز نیروهای نظامی خود بر ضرورت توسعه ناوگان زیردریایی‌های اتمی کشورش تا سال ۲۰۲۰ تأکید کرد.

پوتین در آیین آغاز ساخت چهارمین زیردریایی هسته‌ای روسی کلاس «بوری» گفت: ما تا سال ۲۰۲۰ میلادی باید چهار فروند زیردریایی هسته‌ای کلاس بوری، در اختیار داشته باشیم که دو فروند آن در مرحله آزمایش هستند.

وی ابراز اطمینان کرد که طرح دولت برای ساخت هشت فروند زیردریایی هسته‌ای تا سال ۲۰۲۰ با موفقیت و به موقع به انجام خواهد رسید.

انفجار بمب در «آسام» هند یک کشته داشت

ایرنا: یک نیروی پلیس در پی انفجار یک بمب در ایالت ناآرام «آسام» هند کشته و شش نفر دیگر مجروح شدند.

این انفجار به هنگام عبور یک کاروان از نظامیان هندی از «ستونارانارایان» در منطقه «جاگی گویا» ایالت آسام به وقوع پیوست.

درگیری‌های قبیله‌ای و فعالیت شبه‌نظامیان مسلح جدایی طلب در ایالت آسام در شمال شرقی هند، این منطقه را طی سال‌های اخیر به ایالتی ناآرام تبدیل کرده است.

احتمال نامزدی مجدد «عبدالله گل» در انتخابات ریاست جمهوری ترکیه

ایسنا: سخنگوی دفتر ریاست جمهوری ترکیه از احتمال نامزدی مجدد «عبدالله گل» در دور بعدی انتخابات ریاست جمهوری این کشور خبر داد.

«احمد سیفیر»، سخنگوی دفتر ریاست جمهوری ترکیه اعلام کرد؛ گل که در حال حاضر در پنجمین سال از هفت سال دور اول ریاست جمهوری خود به سر می‌برد، با بیان علنی این مسأله و بررسی آن مخالف است و اعلام کرده که این مسأله را زمانی که وقتش فرا برسد بررسی می‌کند.

سیفیر همچنین اعلام کرد که رئیس جمهوری ترکیه به رغم مخالفتش با اعلام علنی این مسأله از تلاش‌ها برای ممانعت وی از نامزدی مجدد در انتخابات ریاست جمهوری نگران است.

بازداشت دیپلمات ونزوئلایی به اتهام قتل کاردار

ایرنا: پلیس کنیا یک دیپلمات ونزوئلایی را در ارتباط با قتل کاردار سفارت این کشور در نایروبی بازداشت کرد.

«دوایت ساگارای» دبیر اول سفارت ونزوئلا در کنیا بازداشت شد و پلیس کنیا در درخواستی از دادگاه، خواستار ماندن وی در حبس برای ١٤ روز دیگر شد.

فرد مظنون پس از لغو مصونیت دیپلماتیک به بازداشت پلیس درآمد. ساگارای به همراه پنج تن از کارکنان کنیایی سفارت ونزوئلا در نایروبی بازداشت شده‌اند؛ اما هنوز مشخص نیست که مظنونان محلی آزاد شده‌اند یا نه.

تمایل «مدودف» برای رقابت در انتخابات ریاست جمهوری روسیه

ایسنا: نخست‌وزیر روسیه در مصاحبه‌ای احتمال نامزدی مجددش را در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۸ روسیه رد نکرد.

دیمیتری مدودف، نخست‌وزیر روسیه در مصاحبه‌ای با روزنامه تایمز - چاپ لندن - گفت: من هنوز یک سیاستمدار پا به سن گذاشته نشده‌ام و هرگز هم احتمال نامزدی‌ام در انتخابات ریاست جمهوری آتی روسیه را رد نمی‌کنم. اگر مردم سوریه از من حمایت کنند، چنین اقدامی را انجام می‌دهم. نخست وزیر روسیه افزود: اگر مردم بگویند از من خسته شده‌اند و از من خداحافظی کنند، به نگارش خاطراتم می‌پردازم.

خاموشی ١٤ ساعته برق و اعتراض گسترده پاکستانی‌ها

فارس: مردم شهرهای مختلف پاکستان در اعتراض به خاموشی طولانی مدت برق در این کشور، به خیابان‌ها آمده و دست به تظاهراتی گسترده زدند.

در ادامه قطعی برق در پاکستان، مردم در اکثر شهرهای این کشور دست به تظاهرات زدند.

گزارش‌ها حاکی از آن است که مردم، در مناطق شهری پاکستان حدود ١٤ ساعت و در مناطق روستایی این کشور نیز حدود ۱۸ ساعت با قطعی برق و مشکلات حاصل از آن روبرو هستند.

همچنین از ایالات بلوچستان و خیبر گزارش می‌رسد که مقامات این دو ایالت اعلام کردند: دولت روزانه با کمبود ٦ هزار مگاواتی در تأمین برق مورد نیاز مردم در این ایالات روبرو است.




نگاهی به ذخایر نفتی جهان

***پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد تقاضای نفت خام در فاصله سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۳۵ به مقدار ۹۹ میلیون بشکه در روز برسد. در همین حال در سال ۲۰۳۵ تولید نفت ۹۶ میلیون بشکه در روز برآورد می‌شود که در آن صورت ضرورت دارد با شناختی بیشتر از اوضاع و توزیع جغرافیایی ذخایر نفت جهان، چگونگی تولید این ماده حیاتی مورد توجه قرار گیرد**

***ایران یکی از قدیمی‌ترین کشورهای نفت خیز جهان است که بر اساس منابع آماری حدود ۱۰/۳ درصد ذخایر نفت جهان و ۱۳ درصد ذخایر اوپک را به خود اختصاص داده و یکی از پنج کشور خاورمیانه است که به همراه عربستان ، عراق، کویت و امارات در مجموع ۵۴ درصد ذخایر نفت جهان را در اختیار دارند**

***بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ حجم ذخایر نفت جهان ۱۲ برابر و در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹ به بیش از ۲ برابر افزایش یافته و ذخایر نفتی از ۵۷۲ میلیارد بشکه در سال ۱۹۷۰ به ۱۳۳۳ میلیارد بشکه در سال ۲۰۰۹ رسیده است**

همه روزه خبرهای فراوانی در مورد نوسان قیمت‌های نفت، تولید اوپک و غیر اوپک انتشار می‌یابد اما میزان ذخایر نفت جهان موضوعی است که تنها در گزارش‌های ادواری نهادهای بین‌المللی انرژی، شرکت‌های نفتی یا موسسات مطالعاتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. مطلب پیش رو نگاهی دارد به ذخایر نفت جهان و و پراکندگی جغرافیایی آن.

پس از بحران اقتصادی سال‌های ۹-۲۰۰۸، در حال حاضر بازار جهانی انرژی در درازمدت با دو مساله مهم یعنی محیط زیست و امنیت عرضه انرژی روبرو است. اگرچه در سال ۲۰۱۰ اقتصاد بیشتر کشورهای مصرف کننده نفت بویژه در منطقه OECD توانستند شرایط خود را بهبود بخشند، اما چشم انداز آینده اقتصاد جهان هنوز درهاله‌ای از ابهام بسر می‌برد.

پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که تقاضای نفت خام در فاصله سال‌های ۲۰۳۵-۲۰۰۹ به مقدار ۹۹ میلیون بشکه در روز خواهد رسید در همین حال در سال ۲۰۳۵ تولید نفت ۹۶ میلیون بشکه در روز پیش‌بینی شده است که در آن صورت ضرورت دارد تا با شناختی بیشتر از اوضاع و توزیع جغرافیایی ذخایر نفت جهان، چگونگی تولید نفت از ذخایر مورد توجه قرار گیرد، زیرا در سال ۲۰۳۵ نفت خام همچنان مهم‌ترین منبع تامین انرژی جهان بوده به طوری که حدود ۳۰ درصد کل انرژی مصرفی جهان از طریق نفت خام تامین خواهد شد.

بیش از ۸۰ درصد مناطق نفتی جهان در دو خط کمربندی قرار گرفته اند. یک خط از آلاسکا به آلبرتا (کانادا) و به مرکز غربی آمریکا و از آنجا به کشورهای مکزیک و ونزوئلا ادامه پیدا می‌کند و دومین خط از شمال کشورهای مشترک المنافع به طرف جنوب و غرب سیبری، حوزه دریای خزر، خاورمیانه، آفریقای شمالی و دریای شمال در شمال غرب اروپا امتداد دارد.

در مجموع بین ۱۴/۳ تا ۲۸/۵ درصد از مناطق نفت خیز جهان به دوره اول زمین شناسی، ۵/۵۴ـ۴/۴۴ درصد به دوره دوم زمین‌شناسی و ۲۷/۰-۳۱/۲ درصد به دوره سوم زمین شناسی (Cenozoic) تعلق دارد. بعلاوه در جهان بیش از ۶۰۰ حوزه رسوبی وجود دارد که از این تعداد فقط ۲۰۰ حوزه ناشناخته و ۲۰۰ حوزه تا حدودی شناسایی شده اند، از مجموع این حوزه‌ها تعداد ۴۰۰ حوزه در نواحی خشکی و ۲۰۰ حوزه دیگر زیر آبها و تا عمق ۲۰۰۰ متری زمین قرار دارند.

بر اساس بانک اطلاعات میادینی که Robelius Fredrik در سال ۲۰۰۷ میلادی جمع آوری کرده است در مجموع ۴۷۵۰۰ میدان در جهان کشف شده است.

بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ حجم ذخایر نفت جهان ۱۲ برابر و در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹ به بیش از ۲ برابر افزایش یافته است به عبارت دیگر، ذخایر نفت جهان از ۵۷۲ میلیارد بشکه در سال ۱۹۷۰ به ۱۳۳۳ میلیارد بشکه در سال ۲۰۰۹ افزایش یافت به طوری که ذخایر اثبات شده نفت کشورهای اوپک (OPEC) بین سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۹ به دو برابر افزایش یافته و میزان ذخایر نفت کشورهای OECD و غیراوپک هم در سال‌های مذکور تقریبا ثابت مانده است.

اولین چاه نفت در سال ۱۸۵۹ میلادی در پنسیلوانیای آمریکا حفر شد به علاوه بیش از دو سوم حفاری‌های جهان در خصوص منابع هیدروکربوری (نفت و گاز) در آمریکا و کانادا صورت گرفته است که فقط یک هفتم مناطق تولیدی نفت جهان را شامل می‌شود. اگر حفاری‌های انجام شده در آمریکای شمالی را با دیگر نقاط جهان مقایسه کنیم، چنین استنتاج می‌شود که تعداد کمی از میادین نفت و گاز در جهان تا کنون کشف شده اند.

از طرفی به علت روند افزایش قیمت نفت از سال ۱۹۷۳، فعالیت‌های اکتشافی بین سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۳ حدود ۵۰ درصد رشد داشت و موجب حفر بیش از ۲۰۰ هزار حلقه چاه تولیدی در آمریکا در این سال‌ها شد. در منطقه آمریکای شمالی، کشور مکزیک کمترین و کانادا بیشترین ذخایر اثبات شده نفت را دارا هستند. این منطقه از جهان حدود ۵/۵ درصد از کل ذخایر نفت جهان را به خود اختصاص داده است.

بیشترین ذخایر اثبات شده نفت در منطقه آمریکای جنوبی و مرکزی را کشور ونزوئلا با حدود ۱۷۲/۳ میلیارد بشکه در اختیار دارد.

میزان ذخایر این کشور در سال‌های ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۹ روند صعودی داشته و از ۵۹ میلیارد بشکه در سال ۱۹۸۹ به ۷۶/۸ میلیارد بشکه در سال ۱۹۹۹ و ۱۷۲/۳ میلیارد بشکه در سال ۲۰۰۹ افزایش یافته است. به عبارت دیگر ذخایر نفت خام این کشور در سال ۲۰۰۹ نسبت به سال ۱۹۸۹ به بیش از ۳ برابر افزایش یافته که معادل ۱۲/۹ درصد ذخایر اثبات شده نفت جهان و ۲۰ درصد ذخایر نفت کشورهای اوپک را به خود اختصاص داده است. بعد از ونزوئلا بیشترین ذخیره نفت را کشور برزیل دارد به طوری که ذخایر این کشور از ۲/۸ میلیارد بشکه در سال ۱۹۸۹ به ۱۲/۹ میلیارد بشکه در سال ۲۰۰۹ افزایش داشته است که نسبت به سال ۱۹۸۹ به ۵ برابر افزایش یافته است. در مجموع مناطق امریکای جنوبی و مرکزی معادل ۱۴/۹ درصد ذخایر اثبات شده نفت جهان را در سال ۲۰۰۹ به خود اختصاص داده است.

در مجموع تنها یک درصد ذخایر نفت جهان در منطقه اروپا واقع شده است اما در بین کشورهای این منطقه (بدون کشورهای مشترک المنافع)، بیشترین ذخایر نفت را در سال ۲۰۰۹ کشور نروژ با ۷/۱ میلیارد بشکه دارا بود. مهم‌ترین میادین نفتی این کشور در سال ۱۹۷۰ واقع در جنوب دریای شمال (بخش نروژ) کشف و بهره‌برداری از آن‌ها در سال ۱۹۷۱ آغاز شد. در سال ۱۹۷٤ یک میدان واقع در دریای شمال کشف و بهره‌برداری از آن از سال ۱۹۷۹ آغاز شد.

اولین میدان نفتی این کشور در سال ۱۹۶۹ واقع در شرق دریا کشف شد و بهره‌برداری از آن در سال ۱۹۷۵ آغاز شد. در سال ۱۹۷۳ میدان دیگری واقع در دریای مرکز دریای شمال کشف و بهره‌برداری از آن در سال ۱۹۷۶ آغاز شد.

در سال ۱۹۷۱ یک میدان واقع در شمال شرقی کشور اسکاتلند کشف و در سال ۱۹۷۶ بهره‌برداری از آن آغاز شد. این میدان ششمین میدان بزرگ نفتی انگلستان در بخش دریا محسوب می‌شود.

بقیه در صفحه ۱۸

آسمان ایران پس از توپولف‌ها

از آنجاکه در فعالیت هوانوردی، مقوله ایمنی به‌عنوان یک اصل اجتناب‌ناپذیر و مسلم در تمام دنیا به‌شمار می‌آید، نوسازی ناوگان هوایی کشور کاملاً ضروری به‌نظر می‌رسد که باید با خرید هواپیما به این مهم رسید. البته به تازگی وزیر راه از ورود دو هواپیمای جدید به کشور خبر داده است، اما بیشتر کارشناسان و دست‌اندرکاران بر این اعتقادند که این میزان برای رسیدن به این منظور کافی نیست.

به گزارش ایسنا، چندی پیش کمیسیون عمران مجلس در نشستی با وزیر راه و شهرسازی بر رعایت استانداردها در خرید هواپیماهای جدید تاکید کرد.

در این نشست تاکید شده است بطور قطع هواپیماهای استاندارد و مطابق با شرایط ایران وارد کشور خواهد شد.

ورود هواپیمای جدید و استاندارد به کشور نه تنها برای حفظ جان سرنشینان هواپیما اهمیت دارد، بلکه یکی از راه‌های سودده کردن فرودگاه‌های کشور، افزودن بر تعداد هواپیماها است، هواپیماهایی که مردم باید به آنها اعتماد کنند. نباید خاطره توپولف‌ها را زنده کرد تا چندین سانحه خونین هوایی مردم را از سفرهای هوایی بیمناک کند؛ هرچند خروج توپولف‌ها این فکر را در مردم ایجاد کرده است که حداقل کمتر خبر سانحه هوایی را خواهیم شنید.

در حال حاضر هیچ توپولوفی در آسمان ایران نمی‌پرد. در واقع ممنوعیت کشورهای جهان در روند استفاده از هواپیماهای توپولوف۱٥٤ بالاخره وزیر راه ایران را هم برآن داشت تا نسبت به حذف تدریجی این هواپیماها از ناوگان هوایی ایران طی سال ۸۹ اقدام کند.اقدام وزارت راه در زمینه حذف هواپیماهای توپولوف ۱٥٤ در حالی آغاز شد که هواپیمای توپولوف ۱٥٤ به عنوان ناامن‌ترین هواپیمای مسافربری جهان شناخته می‌شوند. این هواپیما از نظر فنی در دنیا تحریم و مجوز پرواز بین‌المللی به اتحادیه اروپا و آمریکا را ندارد.

سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس اول تیر ۸۹ از ممنوعیت پرواز توپولوف ۱٥٤روسی از اول مرداد ۸۹ در تمامی فرودگاه‌های کشور خبر داد. اما با توجه به آنکه در برخی از فرودگاه‌های کشور تنها از همین هواپیما برای پرواز استفاده می‌شود، لازم به نظر می‌رسید وزارت راه هواپیماهایی را جایگزین آنها کند. روندی که با سرعتی لاک‌پشتی پیگیری می‌شود.

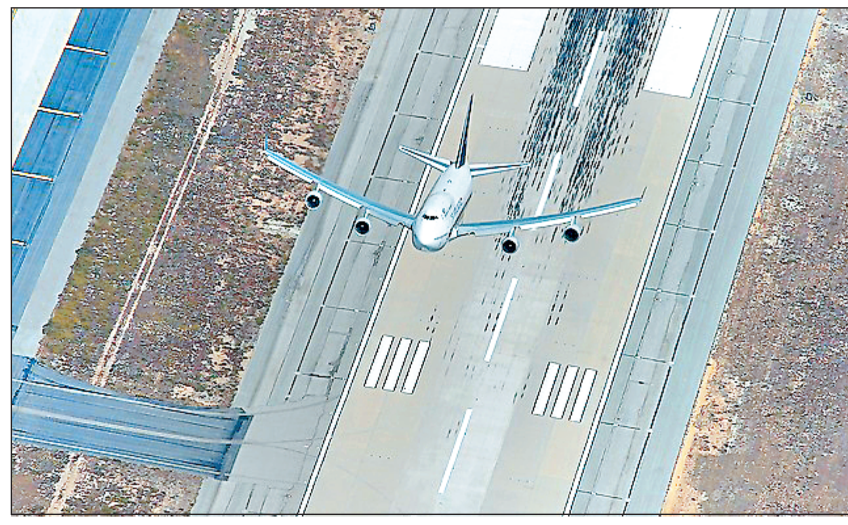
این نکته برای پرهیز از تکرار سوانح گذشته دارای اهمیت است که نباید هنگام خرید هواپیما به دنبال هواپیماهای ارزان بود چراکه به اعتقاد برخی کارشناسان، همین مساله باعث بروز حوادث هوایی می‌شود.اما سازمان هواپیمایی کشوری در زمان اقدام برای توقف پرواز توپولوف در ایران معتقد بود شرقی یا غربی‌بودن کشور سازنده هواپیما در بروز سوانح هوایی تعیین‌کننده نیست و طبق بررسی کارشناسان بیش از ۸۰ درصد علل سوانح هوایی در جهان ترکیبی از سه عامل هواپیما، وضع جوی، خلبان و کادر پرواز است.

نکته مهم، سن ناوگان هواپیمایی است. نیم‌نگاهی به آمار سوانح هوایی در ایران طی ۲٦ سال گذشته نشان می‌دهد که بیشترین هواپیماهای حادثه‌دیده در کشور از هواپیماهایی است که سالهاست در دیگر نقاط مختلف جهان مورد استفاده قرار نمی‌گیرند.

از سال ۱۹۷۱ تا سال ۲۰۰۷ میلادی ۲۷ هواپیمای توپولوف در جهان سقوط کرده‌اند، همچنین ۱۵۳۰ سانحه هوایی در تاریخ هواپیماهای ایران ثبت شده که ۵۰ تا ۷۰ سانحه آن مرگبار بوده و بر اساس اطلاعات شبکه ایمنی هوانوردی کشور، تاکنون بیش از ۱٦۱۰ نفر بر اثر سوانح هوایی در ایران جان باخته‌اند.

با وجود آمار موجود، در مورد سوانح هوایی توپولوف‌ها برخی مسئولان در ایران اعتقاد داشتند مشکل، توپولف‌ها نیستند بلکه کسانی می‌خواهند این هواپیما را دارای مشکل نشان دهند. در این زمینه علاءالدین بروجردی رئیس وقت کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس از توپولوف به عنوان یکی از ایمن‌ترین هواپیماهای جهان نام برده بود. وی البته مستنداتی برای این ادعا نشان نداد، اما می‌توان یکی از علل این قضاوت را خطاهای انسانی مکرری دانست که از سوی خلبانان ایرانی توپولوف سر می‌زند و حال در آسمان بی‌توپولف ایران کمبود هواپیما حس می‌شود.

شاید از نظر حادثه‌دیدگان و بازماندگان از سوانح توپولوف جایش خالی نباشد، اما هست. هنوز تا رسیدن تعداد ناوگان هوایی مسافری ایران تا اندازه مورد نیاز راه است.در این زمینه وزیر راه به تازگی خبر از ورود دو هواپیما به ایران داد و افزود هواپیماهای دیگری هم در راه است. هر چند نگفت چه هواپیمایی و با چه سنی.




الزامات زیست‌محیطی در حفظ سرمایه‌ها

در چند دهه گذشته بر وجود یک رابطه مستقیم میان شدت سیاستهای زیست‌محیطی و درآمد سرانه کشورها تاکید می‌شد به این معنا که دیده می‌شد با افزایش درآمد سرانه در کشورها، تقاضا برای کیفیت محیط‌زیست افزایش می‌یافت، بنابراین کشورهای با درآمد سرانه بالا قوانین زیست‌محیطی سخت‌گیرانه‌تری را به مرحله اجرا گذاردند.

خروج سرمایه‌های مستقیم خارجی از کشورهای پیشرفته و جذب آن به کشورهای در حال توسعه با شدّت سیاستهای زیست‌محیطی در کشورهای گروه اول و ضعف قوانین مبارزه با آلاینده‌ها و نادیده انگاشتن آن در کشورهای گروه دوم به طور مثبت مرتبط بود. بخشی از روند صنعتی شدن و رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه به واسطه فقدان قوانین زیست‌محیطی، ضعف یا اجرا نشدن آنها صورت گرفته است.

انتقال صنایع با شدت آلودگی بالا از منطقه‌ای به منطقه دیگر با قوانین سست و ضعیف زیست‌محیطی بی‌ارتباط نیست. طبق این نظریه کشورهای در حال توسعه پناهگاه آلودگی و کشورهای پیشرفته، متخصص تولیدات پاک یا دوستدار طبیعت معرفی می‌شدند. اقتصاددانان براین اعتقاد بودند که تا یک آستانه درآمدسرانه، رشد اقتصادی با تخریب زیست‌محیطی همراه است. کروگر و گراسمن معتقدند در کشورهای دارای درآمد سرانه زیر ۸۰۰۰دلار، توسعه اقتصادی با تخریب محیط‌زیست همراه است.۱ رابطه میان درآمد سرانه کشورها با تمایل آلایندگی محیط‌زیست را U شکل در نظر می‌گرفتند. به این معنا که مثلا کشورهای با درآمد پایین آفریقایی تمایلی به پرداخت هزینه‌های مربوط به حفاظت از محیط‌زیست را ندارند.

همچنین دیده می‌شود که فقر و محیط‌زیست با هم رابطه مستقیم دارند. به طوری که با افزایش فقر، تخریب محیط‌زیست نیز افزایش می‌یابد و این رابطه به صورت یک چرخه عمل می‌کند. از این پدیده به ناچار به نابودسازی اکوسیستم توسط فقرا یاد می‌شود. ماحصل نتایج این تحقیقات به ما می‌گویند میزان حساسیت به محیط‌زیست به سطح توسعه کشورها یا مناطق بستگی دارد. در کشورهای فقیر کیفیت محیط‌زیست به عنوان یک کالای لوکس نگریسته می‌شود و لاجرم زمانی مورد توجه قرار می‌گیرد که نیازهای اساسی اولیه آنان مرتفع شده باشند.

به نظر می‌رسد تمامی این تحقیقات از تأثیر سرمایه اجتماعی در حفاظت از محیط‌زیست غفلت ورزیده‌اند. سرمایه اجتماعی جنبه‌ای از ساخت اجتماعی است که شامل مؤلفه‌های اعتماد عمومی، شبکه‌های مشارکت مدنی، تعهدات و انتظارات متقابل، هنجارها و ضمانت‌های اجرائی موثر است که انواع خاصی از رفتار را تشویق کرده یا مانع می‌شود. هرچه ذخیره سرمایه اجتماعی در کشوری بالاتر باشد، نیاز به تدوین قوانین و مقررات یا ایجاد نهادهای اجرایی و نظارتی کاهش می‌یابد.

در حقیقت سرمایه اجتماعی به دو دلیل عمده رابطه پیشین میان رابطه درآمد سرانه و تمایل به پرداخت هزینه‌های زیست‌محیطی را زیر سؤال می‌برد:

۱- امروزه حمایت از محیط‌زیست نگرانی مشترک در هر دو گروه کشورها است و با عنایت به حمایت از توسعه پایدار، حفظ و نگهداری محیط‌زیست بشری به عنوان یک سرمایه طبیعی و تمام شدنی را اجتناب ناپذیر کرده است. از این رو وقتی پای سرمایه اجتماعی به میان می‌آید، حتی کشورهای آفریقایی برای ارتقاء کیفیت محیط‌زیست مایل به پرداخت هزینه‌های آن هستند.

۲- با توجه به اهمیت یافتن مدیریت منابع طبیعی حتی در کشورهای فقیر، تاثیر سرمایه اجتماعی از طریق اقدام جمعی و کانال‌های اطلاع‌رسانی در بهبود تمایل به هزینه کردن برای بهبود محیط‌زیست موثر بوده است. امروزه به دشواری می‌توان کشوری را پیدا کرد که ساکنانش نسبت به آسیب‌های زیست‌محیطی و تبدیل کشورشان به زباله‌دان ضایعات صنعتی و مخرب برای منابع آب، خاک و محیط‌زیست بی تفاوت باقی بمانند.

سؤال این است که میان عناصر عمدهٔ تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی و رفتارهای زیست‌محیطی چه ارتباطی وجود دارد؟ در بسیاری از کشورهای جهان دیده شده که بین سرمایه اجتماعی و رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه ارتباط معنی‌داری وجود دارد. هرچند در کشورهای با سرمایه اجتماعی بالاتر(نروژ، دانمارک، نیوزلند، استرالیا و هلندو..)، بستر لازم برای مشارکت و همکاری فعالان محیط‌زیست با نهادهای رسمی فراهم بوده و مدیریت محیط‌زیست با هزینه کمتر و به صورت بهینه‌تری صورت می‌گیرد؛ همان‌گونه که از افراد با سرمایه‌های اجتماعی بالاتر انتظار می‌رود رفتارهای مسئولانه‌تری نسبت به محیط‌زیست از خود نشان دهند. در کشورهای در حال توسعه، فعالان حمایت ازمحیط‌زیست از طریق کانال‌های اطلاع‌رسانی و تشریک مساعی اطلاعاتی روی تغییر ترجیحات زیست‌محیطی افراد تاثیر می‌گذارند و آنان را به سمت رفتاری که اعضای شبکه مشارکت مدنی حامی محیط‌زیست از آنان انتظار دارند، هدایت می‌کنند.

شواهد نشان می‌دهند، صرف وجود سرمایه اجتماعی شرط کافی برای بهبود وضع زیست‌محیطی در سطح ملی نیست، بلکه هدایت این سرمایه‌ها، نظارت بر نحوه پاسخگویی و انجام اقدامات سازگار با محیط‌زیست نهادهای مرتبط است که عملکرد زیست‌محیطی ملی را تعیین می‌کند. افراد برحسب شرایط اجتماعی و فرهنگی خود واکنش‌های مسئولانه یا سهوی نسبت به محیط زیست ابراز می‌کنند. سرمایه اجتماعی قادر است از نظر اجتماعی با ایجاد همبستگی اجتماعی از طریق توسعه شبکه‌های مشارکت مدنی و انجام اقدامات جمعی، از نظر فرهنگی با ایجاد تعهد اخلاقی در ایجاد محیط‌زیست پاک، از نظر اقتصادی با کاهش هزینه‌ها از طریق رعایت استانداردهای زیست‌محیطی توسط افراد و بنگاه‌ها و از نظر سیاسی با ترویج و اشاعه سیاست‌گذاری با مشارکت مردم به بهبود زندگی آحاد جامعه کمک کند.

اگرچه شواهد عینی بیانگر حساسیت روزافزون و احساس مسئولیت همه کشورهای جهان نسبت به عوامل مخرب محیط‌زیست است، با این وجود مدیریت قوی حمایت از محیط‌زیست و بروز رفتارهای مسئولانه(وضع جریمه‌های سنگین بر آلاینده‌های زیست محیطی) در کشورهای دارای شاخص سرمایه اجتماعی قوی، به وضوح محسوس‌تر است. با توجه به رتبه نازل ایران در شاخص سرمایه اجتماعی در سال ۲۰۱۱، که حائز رتبه۱۰۷ در بین ۱۱۰ کشور مورد بررسی است، به تبع آن انتظار نمی‌رود مدیریت حفاظت از محیط‌زیست و کاهش تخریب و آلودگی منابع طبیعی هم کارنامه قابل قبولی در این حوزه دریافت کند. بی‌شک تجلی رفتار مسئولانه در بهره‌برداری از منابع طبیعی و حمایت از محیط‌زیست پایدار، درگرو برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب برای بازسازی و تقویت سرمایه‌های اجتماعی در کشور است و بدون حضور سرمایه اجتماعی هیچ گروه قدرتمند حامی محیط‌زیست شکل نمی‌گیرد و ناسازگاری و بی‌توجهی مردمان این سرزمین با طبیعت، آشتی‌ناپذیر باقی خواهد ماند. زمانی که سرمایه اجتماعی بالا برود کسی به خود اجازه نمی‌دهد آشکارا رفتارهای خلاف قانون و مغایر با منافع ملی را به نمایش بگذارد.

حبیبه فتحی

نگاهی به ذخایر نفتی جهان

بقیه از صفحه ۱۷

از حدود ۴۷۵۰۰ میدان نفتی در جهان حدود ۱۷۰۰ میدان متعلق به شوروی سابق است. روسیه دارای بیش از ۹۰ میدان نفتی قابل توجه است که مهم‌ترین آن‌ها در مناطق سیبری غربی قرار دارند. بیشترین ذخایر اثبات شده در بین کشورهای شوروی سابق را پس از روسیه، کشور قزاقستان داراست. پس از قزاقستان، جمهوری آذربایجان سومین دارنده ذخایر نفت در بین کشورهای شوروی سابق است.

مهم‌ترین میادین نفتی این کشور در نواحی آبی عمیق دریای خزر است. روسیه با رتبه هفتم در جهان یکی از مهم‌ترین مناطق نفت‌خیز دنیا به شمار می‌آید و کشورهای قزاقستان و جمهوری آذربایجان به ترتیب با ۳ و ۰/۵ درصد در رتبه‌های بعدی در این منطقه از جهان قرار دارند.

ایران هم یکی از قدیمی‌ترین کشورهای نفت خیز جهان است و تاریخچه نفت آن از زمانی شروع شد که Loftus زمین شناس انگلیسی وجود نفت را در ایران در سال ۱۸۵۵ گزارش کرد. اولین اکتشاف میدان نفتی در بین کشورهای خلیج‌فارس، میدان مسجدسلیمان در سال ۱۹۰۸ میلادی بود.

بعد از ایران، کشورهای عراق در سال ۱۹۲۷، بحرین ۱۹۳۲، عربستان ۱۹۳۸، کویت ۱۹۳۸، قطر ۱۹۴۰، منطقه آزاد ۱۹۵۳، ابوظبی ۱۹۵۸ و دبی ۱۹۶۶ قرار دارند.

بر اساس منابع آماری، ایران حدود ۱۰/۳ درصد ذخایر نفت جهان و ۱۳ درصد ذخایر اوپک را به خود اختصاص داده که پس از عربستان سعودی، (۲۰ درصد ذخایر نفت جهان و ۲۵ درصد ذخایر نفت کشورهای اوپک) در رتبه دوم قرار دارد. یکی از مهم‌ترین میادین نفتی عربستان و جهان حدود ۵۰ میلیارد بشکه ذخیره نهایی نفت دارد.

ذخایر نفت در کشورهای خاورمیانه نشان‌دهنده این است که بیش از ۵۶ درصد کل ذخایر نفت جهان را به خود اختصاص داده است که به ترتیب کشورهای عربستان، ایران، عراق، کویت و امارات مقام‌های اول تا پنجم را دارند که پنج کشور فوق الذکر در مجموع حدود ۵۴ درصد ذخایر نفت جهان را در اختیار دارند.

در میان کشورهای آفریقایی هم لیبی بیشترین ذخیره نفت را دارد. لیبی با داشتن ۳۵ میدان نفتی، ۳/۳ درصد ذخایر نفت جهان را داراست و در بین کشورهای آفریقایی در رتبه اول قرار دارد.

نیجریه پس از لیبی از نظر ذخایر نفت مقام دوم را بین کشورهای افریقایی دارد. ذخایر اثبات شده نفت در کشورهای آفریقایی بیانگر این است که کشور آنگولا در سال‌های ۲۰۰۹ ـ ۱۹۸۹ حدود ۶ برابر افزایش یافته است. ذخایر کل نفت منطقه آفریقا در سال‌های مذکور روند افزایشی داشته و در سال ۲۰۰۹ نسبت به سال ۲۰۰۸ تقریبا ثابت مانده است. به طوری که در سال ۲۰۰۹، حدود ۹/۶ درصد از ذخایر نفت جهان در این منطقه واقع شده است.

در بین کشورهای منطقه آسیا ـ پاسیفیک بیشترین میزان ذخایر نفت را کشور چین با ۱/۱ درصد در جهان دارا است. در سال ۱۹۴۹ میلادی در کشور چین فقط سه میدان نفتی و ۲ میدان گازی کشف شده بود، ولی امروزه بیش از ۳۳۴ میدان نفتی در این کشور کشف شده است که نشان دهنده موفقیت کشور چین در فعالیت‌های اکتشافی است.بعد از چین، کشور هند و مالزی با ۰/۴ درصد ذخایر نفت جهان بیشترین ذخیره نفتی را دارا هستند و مقدار آن‌ها در سال‌های ۲۰۰۸ـ۱۹۸۹ روند افزایشی نشان می‌دهد (تمام میادین نفت و گاز کشور مالزی در بخش آبی قرار دارند).

بر اساس اطلاعات موجود میزان ذخایر اثبات شده نفت کشورهای آسیا ـ پاسیفیک بین سال‌های ۱۹۸۹ـ۲۰۰۸ تا حدودی ثابت مانده است به طوری که در سال ۲۰۰۹ این منطقه ۳/۲ درصد از ذخایر نفت جهان را به خود اختصاص داده است.

تاسیس اوپک در سال ۱۹۶۰ میلادی به وسیله کشورهای ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی و ونزوئلا صورت گرفت. کشورهایی که بعداً به عضویت اوپک درآمدند، عبارت بودند از قطر در سال ۱۹۶۱، لیبی ۱۹۶۲، امارات ۱۹۶۷، الجزایر ۱۹۶۹، نیجریه ۱۹۷۱، اکوادر ۱۹۷۳، گابن ۱۹۷۵ و آنگولا ۲۰۰۷.

کشور اکوادر در سال ۱۹۹۲ از عضویت خارج شد و پس از آن دوباره در سال ۲۰۰۷ به عضویت این سازمان درآمد کشور گابن هم تا سال ۱۹۹۵ عضو اوپک بود. امروزه اوپک از ۱۲ کشور تشکیل شده است که وظیفه آن از ابتدا جلوگیری از کاهش قیمت نفت، تعیین میزان تولید و کنترل طول عمر منابع نفتی و... بوده است.

در مجموع می‌توان گفت ذخایر اثبات شده نفت کشورهای عضو اوپک بین سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۵ روند صعودی داشته است.

همچنین ذخایر اثبات شده نفت کشورهای عضو OECD که از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان نفت محسوب می‌شوند و همچنین ذخایر کشورهای غیر اوپک هم در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۵ ثابت مانده است و میزان ذخایر اثبات شده نفت جهان هم در سال‌های فوق حدودا بدون تغییر بوده است.

در این میان باید گفت میزان ذخایر نفت ونزوئلا دارای جهش چشمگیری بوده است بطوریکه در سال ۲۰۰۸ میلادی ذخایر نفت ونزوئلا با جهشی غیرمنتظره به ۱۷۲/۲ میلیارد بشکه و در سال ۲۰۰۹ به مقدار ۲۱۱ میلیارد بشکه اعلام شد. اما این جهش ناگهانی در حالی است که در سال‌های گذشته هیچ گزارشی از کشف میادین جدید بزرگ و فوق بزرگ در ونزوئلا ارائه نشده است که توجیه گر این افزایش باشد؛ اما واضح است که دلیل این جهش وجود ذخایر نفت‌های غیرمتعارف در این کشور است که ونزوئلا این ذخایر را جزو ذخایر قابل استحصال و در زمره ذخایر متعارف نفت خام منظور و به اوپک گزارش کرده است.

هم اکنون سازمان اوپک این افزایش حجم ذخایر را پذیرفته و کشور ونزوئلا به لحاظ ذخایر پس از عربستان در رتبه دوم اوپک قرار گرفته است. بر اساس آمار بولتن اوپک در سال ۲۰۰۹ ذخایر نفت ونزوئلا ۲۱۱/۱۷ میلیارد بشکه اعلام شده است که نسبت به سال ۲۰۰۸ افزایشی ۳۹ میلیارد بشکه‌ای را نشان می‌دهد که از دلایل مهم آن وجود نفت‌های غیرمتعارف در این کشور است.

با توجه به حجم بسیار زیاد ذخایر نفت غیرمتعارف در جهان، آژانس بین‌المللی انرژی در سهم ۲۰ درصدی نفت از سبد انرژی سال ۲۰۳۰ سهمی در حدود ۹ درصد برای نفت‌های غیر متعارف پیش‌بینی کرده است. برای مثال ذخایر ماسه‌های نفتی آتاباسکا در آلبرتای کانادا و نفت فوق سنگین اورینوکو در ونزوئلا از مهم‌ترین آن‌ها هستند. ماسه‌های نفتی آتاباسکا و اورینوکو در مجموع حدود ۶۶ درصد ذخایر نفت غیرمتعارف جهان را دارا است. یکی از معیارهای تعیین سهمیه تولید کشورهای اوپک، میزان ذخایر اثبات شده نفت هر یک از اعضا است و از این رو اکثر اعضای اوپک ذخایر خود را بیشتر اعلام می‌کنند.

بر اساس گزارش نهادهای بین‌المللی انرژی، میزان ذخایر اثبات شده نفت ونزوئلا از ۱۹/۵ میلیارد بشکه در سال ۱۹۸۰ به ۵۴/۵ میلیارد بشکه در سال ۱۹۸۵ و سپس از ۹۹/۴ میلیارد بشکه در سال ۲۰۰۷ به ۲۱۱/۱۷ میلیارد بشکه در سال ۲۰۰۹ افزایش شتابان یافت. در دبیرخانه اوپک ذخایر نفت سنگین متعارف ونزوئلا (با درجه API بیش از ۱۴) همواره جزو ذخایر این کشور محسوب شده است، اما تا کنون بر اساس عرف دبیرخانه، ذخایر نفت‌های غیرمتعارف (با درجه API کمتر از ۱۰ یا ماسه‌ها و شیل‌های نفتی) در ارقام ذخایر نفت کشورها منظور نمی‌شده است. لذا این افزایش را می‌توان ناشی از تحول بازار نفت و بهره‌برداری از ذخایر فوق سنگین آن کشور یا متاثر از اکتشافات جدید در آن کشور قلمداد کرد. پیش‌بینی می‌شود در صورت تجدیدنظر در سهمیه‌های تولید اوپک در آینده، این کشور سهمیه تولید بیشتری را مطالبه کند.

نتیجه‌گیری

آخرین گزارش سالنامه آماری شرکت نفت بریتانیا (بی/پی) در سال ۲۰۱۰ ذخایر اثبات شده نفت جهان را در سال ۲۰۰۹ میلادی افزون بر ۱۳۳۳ میلیارد بشکه نشان می‌دهد. بر اساس تعریف رایج و استاندارد انجمن مهندسین نفت، ذخایر اثبات شده نفت به آن حجم از ذخایری اطلاق می‌شود که با اطلاعات زمین شناسی و مهندسی موجود و با در نظر گرفتن اطمینان قابل قبول، بتوان تحت شرایط موجود اقتصادی و عملیاتی آن را استخراج کرد.

به همین منظور ذخایر اثبات شده نفت در آمریکای شمالی در سال ۲۰۰۹ معادل ۷۳/۳ میلیارد بشکه بوده که ۵/۵ درصد از کل ذخایر نفت جهان را به خود اختصاص داده است. آمریکای مرکزی و جنوبی با ذخایری به میزان ۱۹۹ میلیارد بشکه در سال ۲۰۰۹ حجمی بالغ بر ۱۴/۹ درصد مجموع ذخایر جهانی را شامل می‌شود. ذخایر نفتی اروپا و اوراسیا (اتحاد جماهیر شوروی پیشین) هم معادل ۱۳۷ میلیارد بشکه یعنی ۱۰/۳ درصد از ذخایر جهانی نفت و تقریبا برابر با کل ذخایر نفتی ایران است.

خاورمیانه حجمی بالغ بر ۷۵۴/۲ میلیارد بشکه نفت ذخایر اثبات شده را در اختیار دارد که معادل ۵۶/۶ درصد ذخایر جهانی نفت را در بر می‌گیرد. با نگاهی به میزان ذخایر نفت در این منطقه می‌توان به اهمیت منطقه خاورمیانه و مسائل ژئوپولتیک در این منطقه پی برد.

ذخایر نفتی در آفریقا ۱۲۷/۷ میلیارد بشکه یعنی ۹/۶ درصد ذخایر جهان است و در نهایت سایر کشورهای آسیایی و کشورهای حوزه اقیانوس آرام هم با داشتن ۴۲/۲ میلیارد بشکه نفت، ۳/۲ درصد از کل ذخایر جهانی نفت را به خود اختصاص داده‌اند.

نکته قابل توجه در میزان ذخایر جهانی نفت سهم کشورهای عضو اوپک (۱۲ عضو) است که ذخایر نفتی موجود و شناخته شده قابل استحصال در این کشورها به ۱۰۶۴/۲۸ میلیارد بشکه می‌رسد که معادل حدود ۵۹/۶ درصد ذخایر جهانی نفت است.

جمهوری اسلامی ایران با داشتن ۱۳۷/۶ میلیارد بشکه در سال ۲۰۰۹، حدود ۱۰/۳ درصد از ذخایر جهانی نفت را به خود اختصاص داده است. حجم نفت خام درجای ایران بیش از ۵۶۰ میلیارد بشکه برآورد می‌شود که در مجموع ایران را در رتبه سوم ذخایر نفتی جهان قرار می‌دهد. ایران همچنین به عنوان یکی از اعضای بنیانگذار این سازمان نقش اساسی را در تصمیمات و فعالیت‌های اوپک ایفا می‌کند.در رابطه با افزایش فوق‌العاده ذخایر نفتی ونزوئلا این نکته حائز اهمیت است که ذخایر نفتی جهان به دو دسته ذخایر نفت متعارف و غیر متعارف تقسیم می‌شوند و ونزوئلا علاوه بر دارا بودن حجم قابل ملاحظه‌ای ذخایر نفت متعارف، دارای ذخایر عظیمی از نفت غیرمتعارف است. بطور کلی تا کنون به ظرفیت‌های نفت‌های غیرمتعارف (ماسه‌های نفتی، شیل‌های نفتی و نفت‌های سنگین) اهمیت قابل توجهی داده نمی‌شد هر چند که استخراج این نوع نفت بسیار پرهزینه است با این حال در شرایطی که قیمت نفت بشکه‌ای بیش از ۷۰ دلار باشد، استفاده از این نوع نفت خام‌ها در مجموع مقرون به صرفه خواهد بود. در همین حال ونزوئلا ذخایر غیر متعارف خود را بیش از ۸۰۰ میلیارد بشکه اعلام کرده است که هنوز در گزارش اوپک نیامده است.

در این صورت از نظر حجم ذخایر نفتی ونزوئلا در مقام اول، عربستان در رتبه دوم و ایران در رتبه سوم اوپک قرار خواهند گرفت و در صورت افزایش بیشتر قیمت‌ها، ونزوئلا پتانسیل قابل توجهی را در این زمینه دارد و همچنین انتظار می‌رود کشور کانادا با داشتن هزاران میلیارد بشکه نفت غیرمتعارف به قدرت اول جهان (به لحاظ ذخایر) بدل شود.

مونا گلچین پور
شبکه اطلاع‌رسانی نفت و انرژی (شانا)

آگهی انتخاب بازرسان شرکت تولیدی ریسندگی و بافندگی قدس اصفهان سهامی خاص، ثبت شده به شماره ۶۶۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۶۴۴۱۰

برابر صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۹۱/۴/۱۸ پیمان سلیمان‌پور به شماره ملی ۱۲۹۰۴۵۴۰۶۱ و کدپستی ۸۱۷۳۹۱۳۳۵۳ و سیدمهدی‌نژاد موسوی به کدملی ۱۲۸۵۹۲۲۷۱۹ و کدپستی ۸۱۷۹۹۸۷۶۹۵ به ترتیب به سمت بازرسان اصلی و علی‌البدل شرکت برای مدت یکسال انتخاب شدند. ضمناً روزنامه اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شده است. امضای ذیل ثبت در تاریخ ۹۱/۴/۲۶ تکمیل گردید.

منصور آذری -رئیس اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیر تجاری اصفهان

آگهی انتقالی شرکت پرسی ایران گاز کرمان سهامی خاص

به موجب نامه شماره ۱۳۶۰ مورخ ۱۳۹۱/۲/۲۲ و به موجب صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۱/۱/۱۵ مرکز اصلی شرکت پرسی ایران گاز کرمان سهامی خاص به شماره ثبت ۵۷۷۷ واحد ثبتی کرمان به نشانی استان هرمزگان ـ بندرعباس اسکله شهیدباهنر روبروی تأسیسات گاز مایع شرکت پرسی ایران گاز هرمزگان کدپستی ۷۹۱۷۹۳۳۱۴۹ انتقال یافت و در این اداره تحت شماره ۱۳۶۴۱ به ثبت رسیده و در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۴ از لحاظ امضاء ذیل دفاتر تکمیل گردیده و جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد.

قریشی ـ مسئول ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری واحد ثبتی بندرعباس

۱۱۴۷م/ الف

آگهی حصر وراثت

در پرونده کلاسه ۲۶۵/۱/۹۱ آقای سیاوش توانا‌پور فرزند بیژن از این شعبه درخواست حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان فرشاد توانا‌پور در تاریخ ۹۰/۰۶/۳۰ در محل اقامت دائمی خود بدرو زندگی گفته و ورثه آن مرحوم عبارت از: ۱ـ نسترن توانا‌پور فرزند فرشاد به شماره ملی ۰۵۹۰۵۴۰۱۵۷ دختر متوفی ۲ـ قشنگ علی محمدی فرزند علی‌پاشا به شماره شناسنامه ۴۹۳ و شماره ملی ۳۲۵۴۹۶۵۸۹۲ مادر متوفی ۳ـ سیاوش توانا‌پور فرزند بیژن به شماره شناسنامه ۴۵۸ و شماره ملی ۳۳۲۹۵۴۸۱۱۸ پدر متوفی اینک با انجام تشریفات درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکس اعتراض و یا وصیتنامه از متوفی دارد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هر وصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلااثر خواهد بود.

قاضی شعبه اول شورای حل اختلاف ساوه ـ شاه کرمی

شماره: ۶۳۹۸/ث ـ ۱۳۹۱/۴/۲۶

آگهی تصمیمات در شرکت سیمان سپاهان سهامی عام، ثبت شده به شماره ۴۷۶۱ و شناسه ملی ۱۰۲۶۰۲۵۹۱۴۰

برابر صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۹۱/۳/۲۴ آقای عبدالحمید صالحی به کدملی ۲۵۷۱۵۷۰۹۴۳ و کدپستی ۱۴۶۶۶۶۶۱۵۴ به عنوان نماینده شرکت سهامی عام سیمان فارس و خوزستان به جای آقای مجتبی حقیقت‌جو به سمت نایب رئیس هیأت مدیره برای بقیه مدت تصدی انتخاب گردید ضمناً در سایر سمت‌ها و حق امضا تغییر حاصل نشد.

منصور آذری
رئیس اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری اصفهان

شماره: ۷۰۸۴/ث ـ ۱۳۹۱/۵/۴

آگهی تصویب ترازنامه و انتخاب بازرسان شرکت فولاد مبارکه اصفهان سهامی خاص، ثبت شده به شماره ۷۸۴۱ و شناسه ملی ۱۰۲۶۰۲۸۹۴۶۴

برابر صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۹۱/۴/۲۸ ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۰ شرکت نامبرده به تصویب رسیده و مؤسسه حسابرسی هوشیار ممیز به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۳۹۶۴۵ و مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت رهبین به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۷۹۳۱۱ به ترتیب به سمت بازرسان اصلی و علی‌البدل شرکت برای مدت یکسال انتخاب شدند. ضمناً روزنامه‌های دنیای اقتصاد و اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شده است. امضای ذیل ثبت در تاریخ ۹۱/۵/۴ تکمیل گردید.

منصور آذری
رئیس اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری اصفهان

آگهی مزایده مرحله دوم ـ نوبت اول
واگذاری بهره‌برداری از جایگاه CNG شماره یک میانه

سازمان حمل‌ونقل همگانی شهر میانه و حومه در نظر دارد به استناد مصوبه مورخ ۹۱/۳/۱۷ هیأت مدیره محترم سازمان و مصوبه شماره ۴۹۵ـ ۹۱/۳/۳۰ شورای محترم اسلامی شهر میانه، مدیریت و حفظ و نگهداری از جایگاه گاز فشرده طبیعی (CNG) شماره یک واقع در جنب پایانه مسافربری میانه را به یکی از شرکت‌های واجد شرایط مورد تأیید شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی واگذار نماید.
لذا از متقاضیان محترم دعوت می‌گردد ظرف ۱۷ روز از تاریخ انتشار این آگهی جهت اخذ مدارک شرکت در مزایده به دبیرخانه سازمان واقع در پایانه جدید مسافربری میانه به وب‌سایت سازمان به آدرس www.miyanehtaxi.org مراجعه نمایند.
ضمناً سازمان در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها در تمامی مراحل مختار بوده و هزینه چاپ آگهی‌های مربوطه به عهده برنده مزایده خواهد بود.

واحدی ـ مدیرعامل سازمان

شرکت صنایع شیر ایران
شرکت بازارگستر پگاه منطقه یک (سهامی خاص)

«آگهی مناقصه عمومی بسته‌بندی کره حیوانی» «نوبت دوم»

شرکت بازارگستر پگاه منطقه یک در نظر دارد مقدار ۴۰۰ تن کرهٔ فله خود را در اوزان ۱۰۰، ۵۰ و ۱۰ گرمی از طریق مناقصه عمومی بسته‌بندی نماید. لذا متقاضیان می‌توانند از تاریخ درج آگهی جهت دریافت برگ شرایط مناقصه به آدرس زیر مراجعه و تا پایان وقت اداری روز یکشنبه ۹۱/۰۵/۱۵ فرصت دارند تا نسبت به تحویل اسناد مناقصه در قبال اخذ رسید و یا به نحو مقتضی به دبیرخانه شرکت اقدام نمایند.
۱ـ نام و نشانی شرکت مناقصه‌گزار: رشت ـ خ شهید رجائی (رشتیان) ـ نرسیده به فلکه جهاد ـ ساختمان سیتی استار ـ طبقه پنجم ـ دبیرخانه شرکت بازار گستر پگاه منطقه یک.
۲ـ مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۶۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۳ـ پیشنهادهای رسیده در روز دوشنبه ۹۱/۰۵/۱۶ در محل اصلی شرکت مورد بازگشایی قرار خواهد گرفت.
۴ـ شرکت در رد یا قبول تمام یا بخشی از پیشنهادها مختار می‌باشد.
۵ـ هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
۶ـ شرکت‌کنندگان در مناقصه می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۴ـ۰۱۳۱ـ۵۵۱۲۸۳۳ داخلی ۳۰۳ تماس حاصل نمایند.

آگهی تصمیمات شرکت متن آرای تهران سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۵۵۴۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۸۷۵۰۵

به موجب صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۹۰/۸/۱۸ امضاء حساب جاری بانک ملت شعبه ۱۷۴۰۳ بنام شرکت مذکور با امضاء احمد ریسمانچیان به کدملی ۴۴۳۱۹۹۸۴۰ و محمد عباسی به کدملی ۰۰۳۵۲۶۷۵۷۷ می‌باشد.

۳۲/۲۷۶۲۰ **اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیر تجاری**

آگهی مزایده عمومی

نوبت دوم

شهرداری آبسرد در نظر دارد وسائط نقلیه ذیل را از طریق برگزاری مزایده عمومی واگذار نماید.
۱ـ کامیون آتش‌نشانی سیستم بادسان تیپ ۱۴بی۸مدل ۷۸
۲ـ کامیون دو کابین آتش‌نشانی سیستم رنو ـ تیپ بادسان مدل ۸۳
لذا متقاضیان می‌توانند بعد از نشر آگهی نوبت دوم ظرف مدت ۱۰ روز اسناد مزایده را از طریق امور مالی شهرداری دریافت نمایند.
ضمناً شایان ذکر است:
۱ـ هزینه درج آگهی بر عهده برنده مزایده می‌باشد.
۲ـ شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار است.
۳ـ سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مزایده موجود می‌باشد.
۴ـ در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با شماره تلفن: ۵ـ۰۲۱ـ۷۶۳۷۴۲۳۱ (واحد امور مالی) تماس حاصل فرمایید.

عبداله متولی ـ شهردار آبسرد

آگهی تجدید مزایده نوبت دوم
مشارکت در امور فیزیوتراپی درمانگاه شاهد

شرکت متد (سهامی‌خاص) در نظر دارد بهره‌برداری امور فیزیوتراپی درمانگاه شاهدرا ازطریق مزایده به اشخاص واجد شرایط واگذار نماید. متقاضیان می‌توانند تا پایان ساعت‌اداری روزچهارشنبه مورخ ۹۱/۰۵/۱۸ جهت خرید اسناد مزایده و دریافت برگ‌شرایط مزایده به‌واحدبازرگانی به آدرس تهران خیابان پاسداران روبروی گلستان‌چهارم مرکز تصویربرداری کوثر شرکت متد مراجعه و یا با شماره تلفن ۲۲۵۸۷۱۷۷ تماس حاصل نمایند.

آگهی

خواهان عزیز شعبانپور دادخواستی به طرفیت خواندگان رمضان حاجی کاظم نیلی و علی یوسف قطری و نگین یوسف قطری و بابک یوسف قطری و فاطمه احمدی به خواسته الزام به تنظیم سند رسمی ملک و ابطال سند رسمی (موضوع سند ملک است) تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرستان بخش عباس‌آباد شهرستان تنکابن نموده که جهت رسیدگی به شعبه اول دادگاه عمومی (حقوقی) بخش عباس‌آباد واقع در بخش عباس‌آباد ارجاع و به کلاسه ۹۱۰۹۹۸۱۹۵۳۱۰۰۰۹۱ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۹۱/۷/۱۷ و ساعت ۱۰ تعیین شده است. به علت مجهول‌المکان بودن خوانده (رمضان حاجی کاظم نیلی) و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.

مدیر شعبه اول دادگاه عمومی (حقوقی) عباس آباد ـ مختاری‌نژاد

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای محمدحسین سعیدی فرزند محمد به شناسنامه شماره ۱۲۰/۹۶۰۲۲۰/۲ به شرح دادخواست به کلاسه ۵۷/۹۱/ش ح۱ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان حمزه رخش فرزند حبیب‌اله به شناسنامه شماره ۳۰ در تاریخ ۱۳۶۳/۰۵/۰۷ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱ـ خانم جان روان‌بخش فرزند محمد به شماره شناسنامه ۴ متولد ۱۳۰۸ صادره از بویراحمد (همسر متوفی) ۲ـ زرین‌تاج رخشی به شماره شناسنامه ۱۸۰ متولد ۱۳۴۵ صادره از سمیرم (فرزند متوفی) ۳ـ حوری جان رخش به شماره شناسنامه ۱۹۰ متولد ۱۳۳۸ صادره از دره شور (فرزند متوفی) ۴ـ شیرین جان رخش به شماره شناسنامه ۱۹۲ متولد ۱۳۳۲ صادره از بویراحمد (فرزند متوفی) ۵ـ بهجت رخشی به شماره شناسنامه ۱۶ متولد ۱۳۴۳ صادره از سمیرم (فرزند متوفی) ۶ـ رضوانخانم رخش به شماره شناسنامه ۱۹۳ متولد ۱۳۳۴ صادره از بویراحمد (فرزند متوفی) ۷ـ ایرج روحانی‌پور به شماره شناسنامه ۱۹۱ متولد ۱۳۳۰ صادره از بویراحمد (فرزند متوفی) ۸ـ بهمن‌یار روحانی به شماره شناسنامه ۱ متولد ۱۳۸۱ صادره از سمیرم (فرزند متوفی) ۹ـ بختیار روحانی به شماره شناسنامه ۱ متولد ۱۳۳۹ صادره از هست (فرزند متوفی) و لاغیر.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

خسروی -قاضی شورای حل اختلاف شماره یک شهرستان سمیرم

آگهی مناقصه عمومی (نوبت دوم)

شهرداری گرمدره در نظر دارد عملیات تکمیل باند شمالی جاده مخصوص تهران ـ کرج حدفاصل ساختمان کلانتری تا شهرداری گرمدره را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط به شرح ذیل واگذار نماید.
متقاضیان پیشنهاد می‌توانند از تاریخ ۹۱/۵/۷ تا پایان وقت اداری تاریخ ۹۱/۵/۱۷ جهت دریافت اسناد مناقصه به واحد امور قراردادهای شهرداری گرمدره به نشانی: کیلومتر ۲۲ جاده مخصوص تهران ـ کرج مراجعه یا با شماره ۳ـ۳۶۱۰۱۲۰۱ ـ ۰۲۶ تماس حاصل نمایند.
ـ اعتبار پروژه مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.
ـ برآورد اولیه مبلغ ۱/۰۳۸/۰۱۴/۳۳۹ ریال و براساس فهرست بهاء راه، باند فرودگاه و زیرسازی راه‌آهن سال ۸۸ می‌باشد.
ـ تضمین شرکت در مناقصه مبلغ ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به صورت واریز وجه نقد و یا ضمانت‌نامه بانکی.
ـ محل اجراء: جاده مخصوص تهران ـ کرج حدفاصل ساختمان کلانتری تا شهرداری واقع در شهر گرمدره.
ـ تحویل پیشنهادها از تاریخ ۹۱/۵/۱۸ تا پایان وقت اداری ۹۱/۵/۲۸ می‌باشد.
ـ گشایش پاکت‌های حاوی پیشنهاد قیمت تاریخ ۹۱/۵/۲۸ می‌باشد.
ـ متقاضیان پیشنهاد می‌بایست دارای گواهینامه صلاحیت و رتبه ۵ در رشته راه و ترابری از معاونت امور عمرانی استانداری‌ها باشند.
ـ هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

روابط عمومی شهرداری گرمدره

وزارت نیرو
شرکت سهامی برق منطقه‌ای کرمان

آگهی مناقصه عمومی (دومرحله‌ای) شماره ۹۱/۳۷ نوبت اول

شرکت مناقصه‌گزار: شرکت سهامی برق منطقه‌ای کرمان
موضوع مناقصه: طراحی، تأمین و حمل تجهیزات، نصب، تست و راه‌اندازی بخش حفاظت و کنترل و مخابرات توسعه یک فیدر خط ۴۰۰ کیلوولت در پست نیروگاه کرمان
تاریخ و محل فروش اسناد مناقصه: از تاریخ ۹۱/۵/۱۴ لغایت ۹۱/۵/۱۸ به آدرس ذیل مراجعه فرمایند: تهران ـ میدان ونک ـ خیابان شهید خدامی ـ کوچه شادی ـ پلاک ۱ ـ معاونت مهندسی و طرحهای شبکه ـ امور پستهای ۳ ـ پست‌های منطقه کرمان ـ شرکت سهامی خدمات مهندسی برق مشانیر تلفن (۸۴۷۸۲۴۰۲)
مبلغ خرید اسناد مناقصه: ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال واریز شده به حساب جام شماره ۷۲۳۷۵۰۶۸/۸۹ نزد بانک ملت شعبه تک کد شعبه ۶۷۵۷/۹ به نام شرکت مشانیر
مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه: رسید بانکی واریز شده به شماره حساب سیبا ۲۱۷۵۰۹۳۸۰۶۰۰۸ بانک ملی ایران ـ شعبه برق منطقه‌ای کرمان یا ضمانتنامه بانکی به مبلغ ۲۹۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال.
مهلت تحویل پاکت‌های مناقصه: حداکثر تا ساعت ۱۴ روز دوشنبه مورخ ۹۱/۶/۶.
محل تحویل پاکت‌های مناقصه: کرمان ـ بلوار شهید عباسپور ـ اداره دبیرخانه شرکت سهامی برق منطقه‌ای کرمان.
زمان و محل بازگشایی پاکت‌های مناقصه: ساعت ۱۳ روز سه‌شنبه مورخ ۹۱/۶/۷. ساختمان شماره یک ـ طبقه دوم (اتاق کنفرانس) شرکت سهامی برق منطقه‌ای کرمان.
ـ به پیشنهادهایی که فاقد سپرده یا امضا و مشروط و مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
ـ سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.
ضمناً این آگهی در سایت اینترنتی به آدرس‌های www.krec.co.ir، http://iets.mporg.ir و www.tavanir.org.ir در دسترس می‌باشد.

شرکت سهامی برق منطقه‌ای کرمان

آگهی مزایده اموال غیر منقول (اسناد رهنی)

به موجب سند رهنی شماره ۵۶۲۹۰ مورخه ۷۹/۶/۹ تنظیمی دفترخانه اسناد رسمی شماره چهار زرندیه بانک تجارت شعبه زرندیه جهت وصول طلب خود علیه آقایان عباسعلی سرور و عربعلی ایرجی ساعی، اقدام به صدور اجراییه نموده که به پرونده اجرایی به شماره کلاسه ۴ سال ۱۳۸۹ تشکیل و پس از ابلاغ اجراییه عملیات اجرایی پیگیری گردیده که طبق محتویات پرونده مورد وثیقه به آدرس زرندیه مامونیه انتهای خ ابوذر اراضی منصورآباد مرغداری عباسعلی سرور (پلاک۳۹ فرعی از ۳۴ ـ اصلی بخش چهار ساوه) سند مالکیت ششدانگ یک قطعه باغ پلاک ۳۹ فرعی از ۳۴ ـ اصلی واقع در منصورآباد قطعه یک زرندیه بخش چهار ساوه ذیل ثبت ۱۸۴۸ صفحه ۴۳۷ دفتر جلد ۳۱ به نام سید محمود کشفی فرزند سیدمهدی صادر و تسلیم گردیده و مع‌الوسطه برابر سند قطعی شماره ۳۴۵۲ ـ ۶۲/۲/۱۰ دفتر ۴ زرندیه به آقایان علیرضا نوروزی نسبت به چهار دانگ مشاع انتقال قطعی گردیده است که نسبت به سهمی آقای امیر بیات ذیلا ثبت و سند مالکیت اولیه در ید نامبرده قرار گرفته و نسبت به سهمی آقای علیرضا نوروزی نسبت به چهار دانگ مشاع و امیر بیات نسبت به دو دانگ مشاع انتقال قطعی گردیده است که نسبت به سهم آقای امیر بیات ذیلا ثبت و سند مالکیت اولیه در ید نامبرده قرار گرفته و نسبت به سهمی آقای علیرضا نوروزی سند مالکیت به شماره مسلسل ۵۱۸۱۶۲ ذیل ثبت ۵۴۳۵ صفحه ۵۴۵ دفتر جلد ۵۶ صادر و تسلیم گردیده سپس تمامی شش دانگ برابر سند قطعی شماره ۲۲۴۹۶ – ۶۷/۱۱/۱۲ دفتر چهار زرندیه به آقای عباسعلی سرور فرزند قنبر انتقال قطعی گردیده و برابر سند رهنی شماره ۵۶۲۹۰ – ۷۹/۶/۹ دفتر ۴ زرندیه در قبال مبلغ یکصدمیلیون ریال به مدت ۴ سال در رهن بانک تجارت شعبه زرندیه قرار گرفته همچنین مازاد دو دانگ مشاع از شش دانگ مورد ثبت ۱۸۴۸ صفحه ۴۳۷ دفتر جلد ۳۱ برابر نامه شماره ۴۱۴/۲/۸۲ – ۸۶/۳/۲۲ قاضی تحقیق دادگاه عمومی زرند ساوه در قبال مبلغ بیست میلیون ریال در ردیف شماره ۸۵۸ دفتر بازداشتی بازداشت گردیده است سپس آقای عباسعلی سرور مالک شش دانگ پلاک فوق به استناد دو برگ استشهادیه گواهی شده منضم به تقاضای کتبی درخواست سند مالکیت المثنی نوبت اول را نموده که نهایتاً نسبت به مورد ثبت و صفحات فوق‌الذکر به ترتیب اسناد مالکیت المثنی به شماره مسلسلهای ۰۰۳۶۰۷۶ الف / ۸۸ و ۰۰۳۶۰۷۷ الف / ۸۸ صادر و تسلیم گردیده است که حدود و مشخصات آن بدین شرح می‌باشد: شمالاً دیواریست بهرنج قنات منصورآباد شرقاً اول دیوار به نهر عمومی دوم دیوار اشتراکی با باغ ۳۳ سیدکاظم جنوباً دیوار اشتراکی با باغ ۳۳ غرباً دیوار به شارع خاص، حقوق ارتفاقی و حدود آن ندارد سپس پلاک مورد وثیقه توسط کارشناس ارزیاب، ارزیابی گردیده که گزارش ارزیابی وارده به شماره ۴۲۶۱-۸۹/۶/۷ به مبلغ ۷۶۱/۳۰۰/۰۰۰ ریال تنظیم و ارزیابی مذکور به بستانکار و بدهکاران پرونده اجرایی فوق ابلاغ که در فرجه قانونی از طرف بدهکار اعتراض نرسیده لذا در نظر است با جمعی متعلقات و ملحقات شرعیه و عرفیه آن از طریق مزایده حضوری به‌فروش برسد، ملک مذکور طبق گزارش کارشناس ارزیابی وارده به شماره ۴۲۶۱ – ۸۹/۶/۷ به مبلغ ۷۶۱/۳۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده است که جلسه مزایده از ساعت ۹ الی ۱۲ روز دوشنبه مورخه ۱۳۹۱/۶/۶ در دایره اجرای ثبت شهرستان زرندیه تشکیل می‌گردد مزایده از مبلغ ارزیابی شده فوق (۷۶۱/۳۰۰/۰۰۰ ریال) شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی فروخته خواهد شد کسانی که تمایل به خرید داشته باشند می‌توانند در وقت مقرر به اجرای ثبت زرندیه مراجعه نمایند ضمناً بدهی‌های مربوط به آب و برق و گاز اعم از حق‌انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف و نیز بدهی مالیاتی و عوارض شهرداری و سایر هزینه‌های قانونی دیگر به عهده برنده مزایده می‌باشد که طلب بستانکار تا روز مزایده ۲۸۸/۶۹۰/۰۰۰ ریال بوده و هزینه حق‌الاجرا به مبلغ ۱۴/۴۳۴/۵۰۰ ریال و هزینه مزایده نسبت به شش دانگ پلاک مورد مزایده نیز به مبلغ ۳۰/۴۵۲/۰۰۰ ریال می‌باشد که پرداخت آن به عهده برنده مزایده می‌باشد.

سرپرست ثبت اسناد و املاک شهرستان زرندیه ـ مرتضی تنها

«آگهی مناقصه» «نوبت دوم»

شرکت ریخته‌گری تراکتورسازی ایران درنظر دارد عملیات سنگزنی قطعات ریخته خود را به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید. علاقه‌مندان می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ۱۰ روز به آدرس و یا سایت این شرکت www.ITF.IR مراجعه و اسناد مناقصه را دریافت نمایند و در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با شماره ۰۴۱۱۴۲۹۵۱۹۲ واحد برونسپاری تماس بگیرند.

روابط عمومی شرکت ریخته‌گری تراکتورسازی ایران

اعلام رأی هیأت حل اختلاف رسیدگی به اسناد عادی ثبت اسناد و املاک تاکستان

به استناد پرونده کلاسه ۸۳ـ۴۰۱۳ اسناد عادی خانم مهناز طاهرخانی فرزند علی برابر سند عادی مقدار عرصه ششدانگ به میزان ۱۱۹ مترمربع از پلاک ثبتی شماره ۱۳۸۸۷ فرعی از یک اصلی واقع در تاکستان بخش هشت قزوین از مالکیت خانم مهناز طاهرخانی را خریداری کرده که حسب تقاضا مورد رسیدگی هیأت حل اختلاف رسیدگی به اسناد عادی قرار گرفته و منجر به صدور رأی شماره ۱۱۱۵۱ـ ۸۸/۱۰/۳۰ شده طبق رأی مرقوم تصرفات مفروزی مالکانه و بلامعارض متقاضی برای هیأت محرز و موضوع را منطبق با بند ۶ ماده یک قانون اصلاح مواد ۱ و ۲ و ۳ قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد مصوب ۱۳۷۰ و ماده ۳۳ آیین‌نامه قانون مزبور دانسته، علیهذا مراتب جهت اطلاع فروشنده و سایر مالکین مشاعی و صاحبان هرگونه حق در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی تا چنانچه هرکس نسبت به مفاد رأی معترض باشد ظرف مدت دو ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی اعتراض خود را به این اداره تسلیم دارد بدیهی است پس از انقضای مهلت چنانچه اعتراضی نرسد سند مالکیت مورد تقاضای متقاضی وفق مقررات صادر و تسلیم خواهد شد و صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود. در ضمن مورد تقاضا به صورت عرصه شش‌دانگ یک باب خانه می‌باشد.
تاریخ انتشار نوبت اول ۱۳۹۱/۵/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۳۹۱/۵/۲۵

رئیس ثبت تاکستان -محرم طاهرخانی

CH2=CH2 CH2=CH2 CH2=CH2

بسمه‌تعالی

شرکت ملی صنایع پتروشیمی
شرکت پتروشیمی شهید تندگویان (سهامی عام)

آگهی مزایده نوبت دوم شماره مجوز: ۱۸۸۹۹۸
فروش ۴۲۰ تن الیاف ضایعاتی با گریدهای W11,W12

۱-دستگاه مزایده‌گزار: شرکت پتروشیمی شهید تندگویان (سهامی عام) به آدرس بندر امام خمینی، سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت چهار پتروشیمی شهید تندگویان، امور حقوقی و پیمان‌ها.
۲ـ موضوع مزایده: فروش الیاف ضایعاتی به شرح زیر:

گرید الیاف ضایعاتی	تناژ مزایده	مشخصات	بسته‌بندی	قیمت پایه (ریال)	تضمین (ریال)
W11	۱۸۰	دسته الیاف TOW کشیده نشده، بریده نشده، از مواد پلیمری درجه یک، نمره از ۴ تا ۷ دنیر، رطوبت در حین تولید به طور متوسط ۲۰ درصد	فله ـ جامبو	۹۴۳۵	۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰
W12	۲۴۰	دسته الیاف کشیده شده، بریده نشده، از مواد پلیمری درجه یک، نمره متوسط ۱/۵ تا ۴ دنیر ـ به صورت مخلوط چین خورده و چین نخورده، رطوبت متوسط در حین تولید ماکزیمم ۵ درصد	فله ـ جامبو		

۳ـ مهلت فروش اسناد مزایده: تا پایان وقت اداری مورخ ۹۱/۰۵/۲۳
۴ـ مبلغ خرید اسناد مزایده: مبلغ ۳۰۰ هزار ریال به حساب جام ۱۴۹۵۲۳۰۵۶۲ بانک ملت شعبه منطقه ویژه اقتصادی بنام پتروشیمی شهید تندگویان.
۵ـ نحوه دریافت اسناد مزایده:
۱-۵ـ به آدرس فوق مراجعه فرمایید.
۲-۵- در خواست خود را به آدرس ایمیل MOVAHED.H@STPC.IR ارسال فرمایید.
۶ـ محل و مهلت تسلیم پیشنهاد قیمت: آدرس فوق، کمیسیون معاملات ـ تا پایان وقت اداری مورخ ۹۱/۰۵/۲۴
۷ـ محل و تاریخ بازدید کالاهای مورد مزایده: آدرس فوق ـ محل دپوی ضایعات ـ مورخ ۹۱/۰۵/۱۸
۸ـ محل و تاریخ گشایش پاکت‌های پیشنهاد قیمت: آدرس فوق، سالن کنفرانس مجتمع فاز یک ساعت ۱۱ مورخ ۹۱/۰۵/۲۵
۹ـ از پیشنهاد دهندگان دعوت می‌شود در جلسه گشایش پاکت‌ها حضور یابند.
۱۰ـ محل و مدت خروج کالای مورد مزایده: مجتمع فاز یک و دو پتروشیمی شهید تندگویان ـ ده ماه پس از انعقاد قرارداد.
تلفن: ۰۶۵۲۲۶ـ۵۲۰۴۴ ـ فکس: ۰۶۵۲۲۶ـ۵۲۰۴۳

روابط عمومی شرکت پتروشیمی شهید تندگویان (سهامی عام)

تلاش آفرینش بالندگی

ساعت کار مفید در ایران فقط ۲۲ دقیقه

پایین بودن دستمزدها، تقویت نبودن فرهنگ کار، نگرش خاص افراد به بهره‌وری و ناتوانی دولت در حمایت کافی از تولید باعث کاهش شدید ساعات کار مفید در ایران شده به نحوی که این میزان روزانه در بخش دولتی فقط ۲۲ دقیقه است! به گزارش مهر، در ماده ۵۱ قانون کار میزان مجاز ساعت کار روزانه افراد در بنگاه‌ها و واحدهای مشمول قانون کار کشور ۸ ساعت اعلام شده است که البته کارگر و کارفرما می‌توانند با توافق ساعات کار برخی روزها را کمتر و برخی دیگر را بیشتر درنظر بگیرند، اما به صورت کلی نمی‌تواند از ٤٤ ساعت بیشتر باشد.

در این زمینه گفته می‌شود که مشمولان قانون کار در طول یک هفته کاری که البته غیر از جمعه محاسبه می‌شود تا ٤٩ ساعت کار می‌کنند. با این حال قانون کار هیچگونه تاکیدی بر وضع بهره وری نیروی کار و میزان ساعات مفید کاری افراد در قالب ماده ۵۱ ندارد .متاسفانه به دلیل پایین بودن بهره وری در اقتصاد ایران چه در بخش بهره وری سرمایه و چه در نیروی کار باعث شده است که رفته رفته فاصله پیشرفت تولید و رشد اقتصادی کشور از برخی کشورهای توسعه یافته بیشتر شود که البته در این بخش می‌توان عللی را هم مورد توجه قرار داد.

شاید مهم‌ترین نکته در مورد پایین بودن بهره وری نیروی کار در ایران را بتوان به پایین بودن سطح درآمد و دریافتی‌های افراد مرتبط دانست به نحوی که این مسئله اساسی باعث شده که افراد انگیزه افزایش سهم خود در تولید و ارائه خدمات در بنگاه‌ها را تا حدود زیادی از دست بدهند.

شورای عالی کار در یکی دو دهه گذشته نتوانسته است تلاش موثری را در بهبود وضع حقوقی و معیشت خانوار کارگری انجام دهد و می‌توان گفت فاصله دریافتی ماهیانه درصد بالایی از مشمولان قانون کار با هزینه‌ها و سبد معیشت خانوار قابل توجه است که به همراه خود آفت‌هایی مانند کم کاری پنهان، بی انگیزه بودن نیروی کار و همچنین پایین آمدن سطح بهره وری بنگاه را خواهد داشت.

علاوه بر موضوع حیاتی دستمزد و حقوق افراد شاغل در بنگاه‌ها؛ پایین بودن فرهنگ کار و آموزش نیروی انسانی از مواردی است که به پایین ماندن بهره وری نیروی کار در واحدها لطمه می‌زند. با این حال پایین بودن تکنولوژی مورد استفاده در بیشتر واحدهای اقتصادی کشور و ضعف‌های مدیریتی بر ادامه روند پایین بودن بهره وری نیروی کار لطمه می‌زند.

بررسی آمارهای رسمی و غیررسمی بازار کار کشور نشان می‌دهد که با وجود پایین بودن بهره وری نیروی کار و همچنین ساعات کار مفید افراد در هفته؛ هم اکنون ٤٠/٢ درصد کل شاغلان مشمول قانون کار کشور در طول هفته ٤٩ ساعت و بیشتر کار می‌کنند.

همچنین برآوردهای دیگری نشان می‌دهد که از ٤٤ ساعت کار هفتگی قانونی در کشورهای توسعه یافته ۲۸ ساعت به صورت مفید انجام می‌شود و در ایران با وجود انجام ٤٤ تا ٤٩ ساعت و بیشتر کار در هفته؛ ساعات کار مفید فقط ۱۱ ساعت است.

مرکز پژوهش‌های مجلس اعلام کرد که در خوشبینانه‌ترین حالت ساعات کار مفید در ایران در هر روز تا دو ساعت است که میزان هفتگی آن به بیشتر از ۱۱ ساعت نمی‌رسد .البته برخی آمارهای دیگر این میزان را شش تا هفت ساعت در هفته برآورد کرده است. با این حال میزان ساعات کار مفید هفتگی در ژاپن ٤٠ تا ٦٠ ساعت و در کره جنوبی ٥٤ تا ٧٢ ساعت برآورد می‌شود.

متاسفانه آمارهای ارائه شده در مورد میزان ساعات کار مفید کارکنان شاغل در بخش دولتی کشور به هیچ وجه قابل قبول نیست چرا که برآورد شده است متوسط ساعت کار مفید افراد در بخش دولتی در طول یک روز فقط ۲۲ دقیقه است که البته این موضوع نافی فعالیت های مثبت بسیاری از کارکنان شاغل در بخش دولتی کشور نیست اما به صورت کلی با آمارهای مناسبی در این بخش مواجه نیستیم.

حمید حاج اسماعیلی نماینده کارگران با اعلام اینکه برای انجام برنامه ریزی دقیق و شناسایی واقعی ضعف‌ها در زمینه بهره وری نیروی کار در بخش‌های مختلف اقتصادی لازم است تا مراکزی مستقل از چارچوب دولت ایجاد شوند، گفت: هم اکنون جایگاه بهره وری در اقتصاد کشور مشخص نیست.

نماینده کارگران در هیأت حل اختلاف، اظهار داشت: بررسی‌ها نشان می‌دهد که افراد شاغل در بنگاه‌ها نسبت به بهبود عملکرد خود نگاه متفاوتی دارند به نحوی که همیشه با این سوال مواجه‌اند که در برابر تلاش‌های خود چقدر حقوق می‌گیرند؟ آنها خود را با مدیران خود مقایسه می‌کنند و می‌پرسند تفاوت من با مدیر چیست؟

حاج اسماعیلی، ادامه داد: این موضوعات نشان دهنده میزان رضایت افراد از مشاغل و همچنین تنظیم کننده ساعات کار مفید است. با این حال در ایران، فعلا نمی‌توان گفت دارای ساعات کاری مفید مناسبی هستیم.

وجود ۲۳۵ میلیون بیکار درجهان

بر اساس آخرین آمار سازمان جهانی کار ILO ۲۳۵ میلیون نفر بیکار در جهان وجود دارد که هر روز به صورت جمعی بر تعداد آنها افزوده می‌شود.

به گزارش ایسنا، غلامحسین حسینی نیا معاون امور تعاونی‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اعلام این مطلب،اظهار کرد: در زمینه توسعه و تقویت تولید و حمایت از تعاونی‌های تولیدی در ۱٤ محور جداگانه، مشکلات و چالش‌های پیش روی تولیدکنندگان را مورد بررسی و مطالعه قرار دادیم و در همین خصوص بسته حمایتی ویژه‌ای را برای تعاونی‌های تولیدی پیش بینی کردیم.

وی با اشاره به تدوین سند توسعه تعاون افزود: در این بسته جامع که به صورت شش راهبرد است موضوع حمایت از تعاونی‌های تولیدی، اشتغال و سرمایه گذاری منظور شده است.

حسینی نیا همچنین از پیش بینی ۲۵ هزار میلیارد تومان اعتبار برای تعاونی‌های تولیدی در سند توسعه تعاونی‌ها خبر داد و گفت: که از این طریق با هدایت بخشی از سرمایه‌ها و اعتبارات کشور تعاونی‌های تولیدی متحول می‌شوند.

درد اشتغال، نبود متولی و پاسخگو

ریشه مشکلات مربوط به اشتغال در کشور ناشی از نبود یک متولی مشخص است و امروز وضع بیکاری جوانان جویای کار در کشور مناسب نیست.

اولیا علی‌بیگی رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور در گفت‌وگو با ایسنا، افزود: امسال در یکصد و یکمین اجلاس سازمان جهانی کار به لحاظ اهمیت موضوع اشتغال جوانان، کمیته‌ای به این موضوع اختصاص داده شده بود و ILO دولت‌ها را در این کمیته مکلف کرده بود که مقدمات اشتغال برای جوانان جویای کار خود را فراهم کنند.

وی ادامه داد: آنچه که در کمیته اشتغال جوانان سازمان جهانی کار بررسی شد این بود که در سطح جهان وضع بیکاری جوانان جویای کار بسیار نگران‌کننده است از این رو دولت‌ها باید برنامه‌ریزی لازم را جهت بسترسازی اشتغال آنها فراهم کنند. علی‌بیگی با بیان اینکه کشور ما از این قاعده مستثنا نیست، مسئولان کشور را به بازبینی و ارزیابی وضع اشتغال براساس منافع ملی و ایجاد بسترهای اشتغال مکلف دانست.

به اعتقاد وی بزرگترین مشکل اشتغال کشور این است که اشتغال فاقد متولی و پاسخگوی مشخص است و هیچ سازمان یا دستگاهی که مسئولیت اشتغال را برعهده بگیرد و پاسخگوی مسایل مربوط به اشتغال و بیکاری باشد، وجود ندارد.

رواج مشاغل کاذب با ۱۰ برابر در آمد

گرایش روزافزون جامعه به کسب درآمد بیشتر و ناتوانی دولت‌ها در اعمال نظارت‌های قانونی بر بازار کار به رواج مشاغل «لوکس کاذب» مانند دلالی ارز و سکه دامن زده است که حداقل ۱۰ برابر یک شغل رسمی درآمد دارد. به گزارش مهر، باقی ماندن میلیون‌ها بیکار در جامعه و همچنین نامتعادل بودن عرضه و تقاضای نیروی کار در کشور باعث ایجاد مشاغلی در کنار بازار رسمی کار می‌شود که به «مشاغل کاذب» شناخته می‌شود.

بر پایه این گزارش، هرچقدر بحران بیکاری برای جوانان ادامه داشته باشد بر تعداد مشاغل کاذب چه از نوع معمولی و کم درآمد آن و چه از نوع پردرآمد و لوکس آن افزوده می‌شود.

در واقع ادامه نابسامانی در بازار کار کشور باعث می‌شود تا گرایش افراد به انجام مشاغل کاذب افزایش یابد و تعداد بیشتری از بیکاران تمایل داشته باشند که برای فرار از بیکار ماندن، حتی برای یکبار هم که شده شغل کاذبی را تست کنند.

تاچندسال پیش بسیاری ازمشاغل کاذب و در برخی موارد مزاحم مشاغل رسمی معمولی و دارای پیچیدگی‌ها و درآمدهای پایینی بوده‌اند که افراد حاضر در اینگونه مشاغل صرفا برای امرار معاش و تامین مخارج اصلی زندگی به آن گرایش پیدا می‌کردند.

البته نمی‌توان در بروز مشاغل کاذب و رواج اشتغال غیررسمی در کشور نقشی برای دولت‌ها قائل نشد چرا که این دولت‌ها هستند که باید با تقویت نظارت‌ها، اشتغال زایی، کارآفرینی و حمایت‌های همه جانبه از بازار کار کشور؛ زمینه‌های مناسبی را برای سرمایه گذاری و در نتیجه اشتغال کارجویان فراهم آورند.

ناتوانی دولت‌ها و یا کم توجهی به این مسائل باعث می‌شود تا رفته رفته مشاغل کاذب هم بر مشاغل رسمی غلبه و برتری پیدا کنند تا جایی که آشنا شدن و ورود افراد به این نوع مشاغل باعث کسب درآمدهای بالا و به مراتب بیشتر از مشاغل رسمی کشور می‌شود.

این مسئله نه فقط باعث کاهش انگیزه نیروهای رسمی و شاغلان قانونی کشور که هم مالیات می‌پردازند و هم اینکه قوانین کار و بیمه و به صورت کلی مجموعه مقررات کشور را رعایت می‌کنند می‌شود؛ بلکه باعث گرایش گروه‌های بیشتری به این نوع کارها خواهد شد.

در یکی دو سال اخیر بروز نوسانات شدید قیمتی در بازارهای سکه و ارز باعث هجوم دلالان و سودجویان فراوانی به این نوع از فعالیت‌های واسطه گری و به نوعی شغل لوکس شد که منجر به تحت الشعاع قرار گرفتن اقتصاد کشور شده است.

حمید حاج اسماعیلی با بیان اینکه به صورت کلی مشاغل کاذب در همه اقتصادها و حتی کشورهای پیشرفته وجود دارد، گفت: نمی‌توان انتظار داشت که انجام اینگونه مشاغل به صفر برسد، اما می‌تواند در سایه سیاست‌های کنترلی دولت‌ها ساماندهی شود.

نماینده کارگران در هیات حل اختلاف کارگر و کارفرما، اظهار داشت: در کشورهای جهان سوم و کشور در حال توسعه‌ای مانند ایران خود دولت‌ها باعث تشدید بروز اینگونه مشاغل می‌شوند.

حاج اسماعیلی خاطر نشان کرد: به دلیل اینکه برخی افراد فکر می‌کنند منافع مناسبی از اقتصاد ندارند و توزیع درآمدها به صورت عادلانه صورت نمی‌گیرد به این سمت گرایش پیدا می‌کنند.

این مقام مسئول کارگری کشور، ادامه داد: انجام مشاغل کاذب در یک دهه اخیر رشد فزاینده‌ای در کشور داشته است و به واسطه گسترش مشاغل خدماتی واسطه‌گری‌ها تقویت شده است. تا زمانی که به صنعت و کشاورزی نگاه‌های جدی تری نشود، نمی‌توان انتظار بهبود بازار دلالی را داشت.

وی تاکید کرد: تا جایی مشاغل غیررسمی و کاذب در کشور زیاد شده که رفته رفته جای مشاغل رسمی را گرفته است و امروز افراد زیادی هستند که با نام‌های توزیع، کاسبی و از این روش‌ها واسطه گری انجام می‌دهند.

نماینده کارگران در هیات حل اختلاف کارگر و کارفرما، اظهار داشت: به صورت کلی مشاغل فاقد شناسنامه، بیمه، مالیات و استاندارد و همچنین به دور از اجرای قانون به عنوان مشاغل غیررسمی و کاذب شناخته می‌شوند.

حاج اسماعیلی گفت: امروز مشاغلی را داریم که بدون داشتن پروانه کار مبادرت به انجام کار اقتصادی می‌کنند و درآمدهای به مراتب بالاتری از مشاغل رسمی کشور را کسب می‌کنند.

این مقام مسئول کارگری، اظهار داشت: فعالیت‌های سودجویانه افرادی که در یکی دو سال اخیر به بازار سکه و ارز هجوم آورده‌اند می‌تواند مصداق مشاغل کاذب لوکس باشد که حداقل ۱۰ برابر یک شغل رسمی در آن درآمد کسب می‌شود.

وی نبود نظارت‌های درست و نادرست بودن شیوه‌های سرمایه گذاری در کشور را از دلایل بروز اینگونه مشکلات مقطعی در اقتصاد کشور دانست و بیان داشت: با ناتوانی دولت‌ها در ایجاد مشاغل مناسب برای کارجویان، به نوعی افراد بیکار به ویژه تحصیل کردگان دانشگاهی از دستیابی به یک شغل مناسب دلسرد می‌شوند و از این طریق به سمت بازارهای غیررسمی و کسب درآمد کاذب گرایش می‌یابند.

به گفته حاج اسماعیلی، هم اکنون حداقل بین سه تا هفت میلیون نفر در بازارهای غیررسمی و مشاغل کاذب فعالیت دارند و از این طریق کسب درآمد می‌کنند. البته بخشی از این افراد شامل بیکارانی می‌شوند که برای کسب درآمد و گذران معیشت ممکن است تجربه شغل کاذب را به دست آورند. معاون وزیر کار هم از عزم وزارتخانه متبوعش برای کاهش ۲ درصدی نرخ بیکاری در سال جاری خبر داد.

محمد حسین فروزان‌مهر، معاون توسعه اشتغال وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از عزم وزارتخانه متبوعش برای کاهش ۲ درصدی نرخ بیکاری در سال جاری خبر می‌دهد؛ کاهشی که اگر اتفاق بیفتد بار سال‌های آتی برنامه پنجم کمتر می‌شود. در واقع در سه سال پایانی برنامه یعنی ۱۳۹۲ تا ١٣٩٤ اگر در هر سال یک درصد از نرخ بیکاری کشور کاسته شود، به هدف ۷ درصدی برنامه پنجم دست خواهیم یافت البته فروزان‌مهر الزاماتی برای تحقق این هدف اعلام می‌کند که نیازمند یک عزم ملی است.

برای بررسی شرایط فعلی بازار کار کشور در ابتدا باید نگاهی به تحولات جمعیتی دهه ٦٠ کنیم چرا که تحولات جمعیتی دهه ٦٠ باعث شد در حال حاضر با یک پیک یا شوک تقاضای نیروی کار مواجه شویم. در واقع ایجاد این شوک موجب شده که شاهد نبود تعادل در بازار کار در مناطق مختلف و از سوی دیگر نرخ بالای بیکاری جوانان بخصوص جوانان فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌ها باشیم.

در دهه ٦٠ نرخ رشد جمعیت افزایش بالایی داشت و نوزادانی که در این دهه متولد شده‌اند در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ به سن ۲۰ تا ۳۰سالگی رسیدند که همه آنها جزو جمعیت فعال و در جست‌وجوی شغل هستند. این موضوع به‌صورت توأمان باعث افزایش نرخ مشارکت و نرخ بیکاری می‌شود.

وی افزود: پیش‌بینی اولیه ما هم این بود که بخش اعظم متولدین سال‌های ٥٩ تا ٦٥ طی سال‌های ٧٧ تا ٨٥ جذب بازار کار شوند ولی برخی از عوامل فرهنگی و اجتماعی مانع آن شد.

اشتغال طولانی مدت به تحصیل و افزایش میل به تحصیلات دانشگاهی، بالارفتن سن ازدواج و پشتیبانی مالی خانواده‌ها از فرزندان عواملی بودند که باعث تأخیر پنج تا شش ساله این جوانان به بازار کار شد و دامنه تحولات جمعیتی دهه ٦٠ تا سال‌های میانی دهه ۹۰ ادامه خواهد داشت.

در واقع فشار تورمی جمعیت دهه ٦٠ که باید در سال‌های پایانی دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ خود را نشان می‌داد به انتهای دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ منتقل شد.

تراکم جمعیت شرایط خاصی را در بازار کار کشور ایجاد کرده است. یکی از ایرادهایی که می‌توان گرفت این است که به‌رغم پیش‌بینی تحولات جمعیتی، دولت‌های گذشته نسبت به ایجاد زیرساخت‌های مناسب اقدام مطلوبی انجام نداده‌اند. به همین دلیل دولت فعلی مجبور است برای حل مشکلات انباشته شده با سرعت زیادی طرح‌های اشتغالزایی نظیر بنگاه‌های زودبازده و مشاغل خانگی را اجرا کند یا در بخش مسکن برای پاسخگویی به نیاز جوانان، طرح مسکن مهر در حال اجراست.

به گفته وی در افق ١٤٠٤ رسیدن به اشتغال کامل به عنوان یکی از ویژگی‌های جامعه ایرانی تعریف شده است که برای تحقق آن دو هدف افزایش اشتغال پایدار برای حل معضل بیکاری و دسترسی برابر به فرصت‌های شغلی را دنبال می‌کند.

براساس اهداف پیش‌بینی شده در برنامه پنجم توسعه نیز نرخ بیکاری باید تا پایان برنامه به ۷ درصد برسد که برای تحقق آن به طور متوسط سالانه یک میلیون و ۱۰۰ هزار فرصت شغلی جدید باید ایجاد شود.

همچنین نرخ مشارکت هم باید از ٤١/٩ به ٤٦/١ درصد در سال پایانی برنامه پنجم (١٣٩٤) برسد.

همچنین برای تحقق نرخ بیکاری ۷ درصدی در پایان برنامه پنجم توسعه، باید کشور رشد سالانه ۸ درصدی GDP را تجربه کند، به‌گونه‌ای که سهم بهره‌وری نیروی کار و سرمایه در GDP به یک سوم افزایش یابد.

از سوی دیگر از آنجا که اشتغال یک موضوع کاملاً فرابخشی و فراقوه‌ای است تمامی ارکان حاکمیت کشور باید در دستیابی به اهداف آن دخالت داشته باشند. در واقع همدلی و همراهی بین قوا می‌تواند در کاهش نرخ بیکاری کشور مؤثر باشد. ترکیب اعضای شورای عالی اشتغال نیز که متشکل از بخش‌های مختلف است، مؤید این موضوع است.

یک ساعت کار در هفته مرز بیکاری و اشتغال

رئیس مرکز آمار در ارتباط با اینکه تعریف سازمان جهانی کار در مورد اشتغال افراد و اینکه اگر فردی در هفته یک ساعت کار داشته باشد، شاغل محسوب می‌شود با شرایط فعلی بازار کار کشور همخوانی ندارد، گفت: ما در این زمینه موظف به رعایت تعاریف بین المللی و سازمان جهانی کار هستیم.

رئیس مرکز آمار ایران با اعلام اینکه به رعایت تعریف جهانی از بیکاری و شاغل دانستن افراد با یک ساعت کار در هفته اصرار داریم، گفت: نرخ بیکاری، از شاخص‌هایی است که هنوز برای آن تعریف بومی ارائه نشد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت عادل آذر در ارتباط با اینکه تعریف سازمان جهانی کار در مورد اشتغال افراد و اینکه اگر فردی در هفته یک ساعت کار داشته باشد، شاغل محسوب می‌شود با شرایط فعلی بازار کار کشور همخوانی ندارد، گفت: ما در این زمینه موظف به رعایت تعاریف بین‌المللی و سازمان جهانی کار هستیم.

رئیس مرکز آمار ایران، در این ارتباط که آیا برنامه‌ای برای بومی شدن تعریف اشتغال و بیکاری در کشور وجود دارد و یا خیر؟ اظهار داشت: واقعیت این است که ما به وفادار ماندن چارچوب‌ها و تعاریف بین المللی اصرار داریم.

آذر ادامه داد: اینکه ما بخواهیم خود را جدا فرض کنیم امکانپذیر نیست چون بسیاری از این شاخص‌ها در مقایسه معنا می‌دهد به عنوان نمونه وقتی در تمام دنیا رکود اقتصادی وجود دارد، نرخ بیکاری ۱۲ درصدی می‌تواند نرخ خوبی تلقی شود.

این مقام مسئول در مرکز آمار ایران، بیان داشت: البته در جایی هم که رونق اقتصادی وجود داشته باشد نرخ بیکاری ۹ درصد هم بسیار نرخ نامناسب و بدی خواهد بود.

وی تاکید کرد: ما برای اینکه این مقایسه پذیری را از دست ندهیم نه مرکز آمار ایران بلکه هیچ جای دیگری هم از نهادها اصراری به اینکه بخواهیم تعاریف را تغییر دهیم، نداریم.

به گفته آذر، البته کارهای جانبی تحقیقاتی در این زمینه انجام می‌شود. ما آمدیم گفتیم که اگر تعریف نرخ بیکاری را از یک ساعت در هفته به هشت ساعت تغییر دهیم چه اتفاقی می‌افتد و چقدر نرخ بیکاری عوض می‌شود؟ دیدیم که این نرخ حدود یک درصد تغییر می‌کند.

رئیس مرکز آمار ایران، تصریح کرد: بنابراین با ایجاد تغییر در ساعت اشتغال افراد اتفاق عجیبی در وضع نرخ بیکاری نخواهد افتاد. پس نمی‌توان گفت اگر ساعت کار افراد جا به جا شود نرخ بیکاری ناگهان چند درصد بالا می‌رود.

وی خاطر نشان کرد: با این حال یکی از نرخ‌هایی که هنوز در کشور بومی سازی نشده، نرخ بیکاری است که بر مبنای تعریف جهانی و یک ساعت کار در هفته است. این تعریف از سال ٨٤ در کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد و به آن عمل می‌شود.

در این میان نماینده شیراز در مجلس گفت: آمار ارائه شده توسط دولت در مورد بیکاری دارای ایراد و اشکال است.

به گزارش فارس، جعفر قادری نماینده مردم شیراز در مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی وضع اشتغال در کشور، نسبت به آمار بیکاری موضوع در کشور انتقاد کرد و گفت: باید برای کاهش این آمار تدابیری اندیشیده شود.

وی با بیان اینکه آمار ارائه شده توسط دولت در مورد بیکاری دارای ایراد و اشکال است، یادآور شد: وزارت کار پیش از این اعلام می‌کرد که برای ایجاد اشتغال ابزار و امکانات ندارد اما هم اکنون وزارت رفاه زیر نظر وزارت کار فعالیت می‌کند اما وزارت کار اقدام جدی برای استفاده از پتانسیل سهام عدالت انجام نداده است.

این نماینده مجلس در بخش دیگری از سخنانش متذکر شد: ما نیازمند بازار بورس دیگری در کنار فرابورس هستیم و در مورد وظایف تأمین اجتماعی در قانون برنامه پنجم باید بگوییم که تأمین اجتماعی به خوبی در این زمینه عمل نکرده است.

این نماینده مجلس در ادامه اظهاراتش خاطرنشان کرد: پرکردن فرصت‌های شغلی توسط اتباع بیگانه از دیگر مشکلات موجود در زمینه بیکاری در کشور است.

قادری عملکرد دولت در برخورد با شرکت‌های تأمین نیروی انسانی را خوب ندانست و گفت: اگر وزارت کار به خوبی به وظایف خودش عمل کند، به طرح‌های جدید نیاز نداریم.

همراه اول ۲۲۴۸ ریال سود به سهامداران می‌دهد

شرکت ارتباطات سیار ایران پیش‌بینی درآمد هر سهم برای سال مالی منتهی به ۳۰ اسفند ۹۱ را مبلغ ۹۱۸۳ ریال به طور خالص پس از کسر مالیات اعلام کرده است که بر اساس گزارش سه ماهه توانسته است ۲۲۴۸ ریال را محقق کند.

به گزارش ایسنا، عملکرد سه ماهه شرکت ارتباطات سیار از تحقق ۲۴ درصدی پیش‌بینی سود سال ۹۱ حکایت دارد.

این در حالی است که مطابق صورت‌های مالی حسابرسی نشده، شرکت همراه اول، سود هر سهم تلفیقی گروه (قبل از کسر سهم اقلیت) را برای سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ۹۰ مبلغ ۷۶۰ تومان اعلام کرده بود که مطابق صورت‌های مالی حسابرسی شده مبلغ ۷۵۵ تومان محقق کرد. این شرکت پیش بینی سود هر سهم سال مالی ۱۳۹۱ را در بهمن ۹۰ مبلغ ۹۱۸ تومان اعلام کرده است.

شرکت پیش‌بینی سود هر سهم تلفیقی سال مالی ۱۳۹۱ را طبق اطلاعات پیوست مبلغ ۹۳۲ تومان اعلام کرده است.

بر اساس اطلاعات ارسالی شرکت، هیات‌مدیره درنظر دارد ۹۰ درصد از سود خالص را جهت تقسیم بین سهامداران به مجمع عمومی عادی سال ۱۳۹۱ پیشنهاد کند.

عملکرد سه ماهه سال مالی ۹۱ (اقلام مقایسه‌ای پیش‌بینی سال مالی ۹۱)، نسبت به اطلاعات عملکرد واقعی سال مالی مذکور، دارای اختلافی به میزان ۳۵۰۰ میلیون ریال است؛ این مبلغ مربوط به پاداش هیات مدیره شرکت است که در اطلاعات فعلی در سرفصل هزینه‌های عمومی، اداری و تشکیلاتی ارائه شده است، در حالی که در اطلاعات عملکرد ارائه شده در تاریخ ۱۹ تیر ۹۱ در گردش حساب سود و زیان انباشته ارائه شده بود. همچنین میزان درآمد واقعی و سود تقسیمی شرکت‌های بورسی به تفکیک صنعت تا پایان تیر ماه نشان می‌دهد که ۲۰۹ شرکت بورسی بدون لحاظ شدن زیان واقعی، ۷۶ درصد سود تقسیم کردند. آخرین وضع میزان درآمد واقعی و سود تقسیمی شرکت‌های بورسی به تفکیک صنعت نشان می‌دهد که ۳۳ صنعت و ۲۰۹ شرکت حاضر در بورس تا ۳۱ تیر ۷۶ درصد سود تقسیم کردند. به این ترتیب میزان سود تقسیمی نمادهایی که از ابتدای سال اقدام به برگزاری مجمع کرده‌اند، ۱۱۳ هزار و ۱۳۵ میلیارد و ۱۲۴ میلیون ریال بوده است. به این ترتیب شرکت‌ها تا پایان تیر ۷۶ درصد سود تقسیم کرده‌اند که البته در محاسبه درصد سود تقسیمی صنایع، زیان واقعی آنها لحاظ نشده است.

بر اساس این گزارش متوسط درآمد واقعی هر سهم تا پایان تیر ۵۶۸ ریال و متوسط سود تقسیمی هر سهم ۴۳۶ ریال بوده است؛ بیشترین درصد تقسیم سود به ماشین آلات دستگاه‌های برقی با ۱۲۶ درصد و کمترین تقسیم سود صنعت دباغی و چرم بدون تقسیم سود و صنعت بیمه با ۱۰ درصد تقسیم سود اختصاص یافته است.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۲۴۵۸۴	۲۴۵۸۴	۲۴۵۴۶/۶	۳۳/۶	۰/۱۴
شاخص۳۰شرکت بزرگ	۱۳۸۱/۸	۱۳۸۲/۷	۱۳۸۰/۹	۰/۷	۰/۰۵
شاخص آزادشناور	۳۰۶۳۰/۲	۳۰۶۳۷/۸	۳۰۶۰۱/۱	۲۳/۴	۰/۰۸
شاخص بازاراول	۲۰۲۳۶/۴	۲۰۲۴۷	۲۰۲۲۹/۴	(۰/۱)	۰
شاخص بازاردوم	۳۴۸۰۳/۷	۳۴۸۰۳/۷	۳۴۵۷۵/۶	۲۴۱/۲	۰/۷
شاخص صنعت	۱۹۵۱۶/۱	۱۹۵۱۶/۱	۱۹۴۷۹/۳	۳۳/۴	۰/۱۷

آمار آخرین روز معاملاتی(سه شنبه ۹۱/۵/۱۰)

مجموع حجم معاملات	۱۳۴ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۳۲۸/۴۶۰ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۱۲۹۲۵ معامله
ارزش بازار	۱/۱۱۴/۵۲۱ میلیارد ریال

فروش سهام داده‌پردازی ایران

شرکت ملی انفورماتیک بلوک ۷/۷۱ درصدی سهام داده‌پردازی ایران را بدون رقابت به همان ارزش پایه ۳/۷ میلیارد تومان خریداری کرد تا مالک ۷۰ درصدی این شرکت بورسی شود.

به گزارش فارس، در جریان معاملات بازار سهام، شرکت سرمایه‌گذاری ایرانیان که یکی از مالکان عمده شرکت بورسی داده‌پردازی ایران به شمار می‌رفت اقدام به عرضه ۷/۷۱ درصد سهام این شرکت به صورت یکجا و نقد از طریق کارگزاری بورس بهگزین کرد که توسط کارگزاری تدبیرگران فردا بدون رقابت به همان ارزش پایه ۳/۷ میلیارد تومانی و قیمت ۲۶۰ تومانی هر سهم خریداری شد.

بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد این بلوک که شامل ۱۴ میلیون و ۴۰۰ هزار سهم بود، توسط شرکت ملی انفورماتیک خریداری شد تا این شرکت که پیش از این ۶۲/۳ درصد سهام داده پردازی را داشت به تنهایی مالک ۷۰ درصد از سهام این شرکت با سرمایه ۱۸/۶ میلیارد تومانی شود.

معامله محصولات پتروشیمی، صنعتی و کشاورزی بورس کالا

در یک هفته حدود ۵۲۶ هزار و ۶۹۳ تن انواع محصولات صنعتی، معدنی، کشاورزی، نفتی و پتروشیمی به ارزش بیش از پنج هزار و ۲۴۴ میلیارد ریال در تالار معاملات فیزیکی بورس کالای ایران معامله شد.

به گزارش ایسنا، در هفته فوق ۳۷۳ هزار و ۹۸۰ تن کالا در گروه محصولات صنعتی و معدنی به ارزش ۳ هزار و ۵۸۵ میلیارد ریال معامله شد.

بر اساس این گزارش، در این هفته پنج هزار و ۵۸۱ تن انواع محصولات کشاورزی به ارزش حدود ۳۷ میلیارد ریال مورد معامله قرار گرفت.

همچنین در گروه محصولات نفتی و پتروشیمی ۱۴۷ هزار و ۱۵۲ تن کالا به ارزش یک هزارو ۶۲۲ میلیارد ریال خرید و فروش شد.

طبق این گزارش ۱۰۰ هزار تن سنگ آهن دانه بندی شده معدن میشدوان روی تابلوی رینگ صادراتی بورس کالا رفت که بازهم خریداران زیادی برای این محصول به تالار آمدند که درنهایت کل محموله ۱۰۰ هزار تنی با رشد قیمت ۴/۵ دلاری در هر تن مورد معامله قرارگرفت.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی بازار سرمایه (سنا)، در معاملات بورس کالا ۱۰۰ هزار تن سنگ آهن دانه بندی شده معدن میشدوان با قیمت پایه ۶۸ دلار در هر تن روی تابلوی معاملات رفت که به دلیل تشکیل صف تقاضای ۳۰۰ هزار تنی خریداران، این محصول وارد زمان رقابت شد و در پایان یکی از مشتریان کل محموله را به قیمت ۷۲/۵ دلار به ازای هر تن خرید.

به این ترتیب بازهم عرضه سنگ‌آهن با رشد قیمت مواجه شد و این امر به طور قطع رضایت عرضه‌کنندگان را به همراه دارد.



همچنین کارگزار عرضه‌کننده سنگ آهن (شرکت کارگزاری کالای خاورمیانه) در گفتگو با خبرنگار سنا از ادامه عرضه سنگ آهن در تالار کیش خبر داد و اعلام کرده است هفته آینده محموله دیگری از سنگ آهن روی تابلوی بورس می‌رود.

از سوی دیگر تخصیص یا تخصیص ندادن ارز وارداتی با نرخ مرجع به شرکت‌های تولیدکننده مس تأثیری در افزایش هزینه‌ها و کاهش سودآوری این گروه ندارد.

محمد جواد شیخ، معاون مالی اقتصادی ملی مس با اشاره به اینکه شرکت‌های تولید کننده مس اغلب صادرکننده هستند، خاطرنشان کرد: با توجه به اینکه میزان صادرات در شرکت‌های تولیدکننده مس دو برابر میزان واردات این شرکت‌هاست و تسعیر محصولات صادراتی نیز با نرخ صرافی‌ها صورت می‌گیرد، شرکت‌های فعال در صنعت مس نسبت به دریافت یا دریافت نکردن ارز وارداتی با نرخ مرجع آسیب‌پذیر نیستند.

معاون مالی اقتصادی ملی مس با اشاره به این که سهام گروه مس با مشکلی در بازار سرمایه مواجه نیست، اظهار کرد: همانطور که گفته شد اغلب حاضران این صنعت صادرکننده هستند و با توجه به اینکه تبدیل ارز به نرخ صرافی‌ها صورت می‌گیرد، خریدها هم با همان قیمت بوده که این امر نشان می‌دهد نگرانی متوجه گروه مس نیست.

وی با اشاره به اینکه صادرات مس دو برابر واردات است، خاطرنشان کرد: بر این اساس شرکت‌ها هزینه‌های خود را برای تامین مواد اولیه براحتی از محل صادرات تامین می‌کنند.

شیخ با تاکید بر اینکه مهم‌ترین دلیل نوسان قیمت مس در تالار شیشه‌ای نوسانات قیمت‌ها در بورس LME لندن است، خاطرنشان کرد: از سوی دیگر بحران اقتصادی آمریکا و اتحادیه اروپا هم که در خصوص کاهش رتبه اعتباری مطرح شد، بر بازار این سهم تاثیرگذار بود.

وی با اشاره به اینکه قیمت مس در بازار سرمایه به کف رسیده است، خاطرنشان کرد: در کنار بازارهای جهانی تاثیرپذیری بازار سرمایه از ریسک‌های سیستماتیک هم در افت قیمت‌ها بی‌تاثیر نیست.

معاون مالی و اقتصادی ملی مس با تاکید بر این که شرکت‌ها سودهای سه ماهه را پوشش داده‌اند، اظهار کرد: سهامداران نباید نگران تحقق سودهای پیش‌بینی شده باشند، چرا که شرکت‌های حاضر در این گروه مشکلی برای تحقق سود ندارند.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
مخابرات ایران	۲,۱۸۰	(۸۷)
کابل البرز	۱,۰۴۰	۲۰
ایران ترانسفو	۱,۸۶۰	(۲۷)
پارس‌سوییچ	۲,۲۶۰	(۹۴)
لامپ پارس شهاب	۲,۵۰۰	(۴۹)
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۱,۳۲۱	(۱۳)
مجتمع‌صنعتی‌آرتاویل‌تایر	۱,۵۹۸	(۶۶)
گسترش نفت و گاز پارسیان	۵,۹۵۰	۴۰
بیمه پارسیان	۲,۱۴۳	(۸۹)
ایران‌یاساتایروررابر	۳,۹۴۵	۱۵۱
سرمایه گذاری پردیس	۱,۰۳۰	۷
صنایع لاستیکی سهند	۱,۸۴۲	۷۰
پمپ سازی ایران	۲,۶۵۴	(۱۱۰)
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۱,۰۵۲	(۴۳)
تکنوتار	۱,۲۱۴	(۵۰)
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱,۴۱۹	۵۴
سخت آژند	۱,۱۰۰	۲۹
سامان گستراصفهان	۱,۴۳۰	۵۵
سرمایه گذاری شاهد	۱,۸۸۳	(۷۸)
سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۷۷۰	(۴۵)
صنایع‌کاغذسازی‌کاوه	۳,۹۱۱	(۱۶۲)
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۱,۹۲۳	(۸۰)
تایدواترخاورمیانه	۲,۵۲۰	(۷۹)
حمل‌ونقل‌توکا	۴,۷۰۰	۱۲۴
حفاری شمال	۱,۷۰۹	۳۱
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۱,۰۴۶	(۴۳)
سایپاآذین	۴۶۹	۶
گروه‌بهمن	۱,۳۳۶	(۵۵)
پارس خودرو	۶۶۷	(۶)
قطعات اتومبیل ایران	۲,۵۳۲	(۱۰۵)
چرخشگر	۱,۳۱۸	(۵۴)
رینگ‌سازی‌مشهد	۸۶۷	(۳۶)
زامیاد	۷۲۰	(۲۲)
سایپا	۱,۰۵۰	۱۳
الکتریک خودرو شرق	۵۸۰	(۲۳)
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۱,۳۳۸	(۵۵)
لنت ترمزایران	۲,۸۹۵	(۱۲۰)
نیرو محرکه	۱,۰۴۷	(۴۳)
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۸۷۸	۰
ایران خودرو	۱,۲۲۷	(۵۱)
محورسازان‌ایران‌خودرو	۵۵۵	(۲۳)
سایپا دیزل	۵۵۲	(۲۳)
داروسازی ابوریحان	۷,۴۸۶	(۳۱۱)
البرزدارو	۶,۹۵۵	(۲۸۹)
داروسازی امین	۲,۳۰۲	(۹۵)
پارس دارو	۱۴,۱۹۶	(۵۹۱)
تولیدموادداولیه‌داروپخش	۶,۸۷۹	(۲۸۳)
داروسازی جابرابن‌حیان	۲,۶۰۰	(۲۹)
دارویی رازک	۹,۵۰۰	۲۶۱
گروه دارویی سبحان	۳,۳۰۰	(۱۲۵)
ایران‌دارو	۴,۷۹۱	(۱۹۹)
داروسازی کوثر	۱,۸۱۱	(۷۵)
کیمیدارو	۱,۵۶۲	(۶۵)
خدمات‌انفورماتیک	۱۲,۰۰۰	(۱۴۲)
تجارت الکترونیک پارسیان	۸,۰۰۰	۱۶
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۲,۲۸۶	۸۷
مدیریت‌پروژه‌های‌نیروگاهی	۱,۷۱۲	(۶۰)
سیمان داراب	۳,۹۹۸	۱۵۳
سیمان‌ارومیه	۳,۰۹۹	۱۵
سیمان بهبهان	۱۲,۷۲۷	(۵۳۰)
سیمان تهران	۲,۱۵۱	(۸۹)
سیمان‌خاش	۲,۳۴۰	(۹۶)
سیمان خزر	۱,۹۴۱	۷۲
سیمان دورود	۳,۵۶۰	۸۰

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
سیمان‌شاهرود	۲,۰۰۰	(۶)
سیمان شرق	۹۳۸	(۳۹)
سیمان شمال	۹۰۶	(۳۷)
سیمان‌غرب	۲,۷۷۴	۱۰۶
سیمان فارس و خوزستان	۱,۱۲۰	(۱۸)
سیمان قائن	۲۳,۰۲۵	۸۸۵
سیمان سفیدنی‌ریز	۳,۸۴۹	۱۴۸
سیمان‌هگمتان	۱,۹۷۰	(۷۲)
سیمان کارون	۲,۳۱۰	(۹۶)
سیمان کردستان	۶,۱۰۱	(۹۲)
پتروشیمی شازند	۶,۰۸۱	۱۸۰
نفت بهران	۷,۲۲۳	(۳۰۰)
بین المللی محصولات پارس	۱,۵۳۳	۳۰
پتروشیمی آبادان	۵,۴۴۷	۲۰۹
پتروشیمی پردیس	۳۰,۵۸۰	۱۶۱
پتروشیمی خارک	۱۳,۵۶۰	(۵۶۵)
پتروشیمی‌فارابی	۶,۹۰۷	۲۶۵
صنایع شیمیایی فارس	۲,۵۲۴	۹۷
پتروشیمی فناوران	۹,۰۰۰	(۲۶۳)
لعابیران	۳,۷۶۰	۱۴۴
نفت پارس	۴,۸۹۶	(۲۰۴)
پتروشیمی‌شیراز	۳,۷۴۳	(۱۲۷)
صنایع‌شیمیایی‌ایران	۲۳,۴۹۰	۹۸
کربن ایران	۷۵۰	(۲۷)
نیروکلر	۷,۶۰۲	(۳۰۷)
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۳,۶۲۱	(۱۵۰)
لبنیات‌کالبر	۱,۴۱۸	۵۴
لبنیات پاک	۳,۲۲۱	(۱۳۴)
پارس مینو	۱,۴۰۴	(۵۸)
کشت و صنعت چین چین	۲,۳۰۰	۹
سالمین	۳,۹۱۲	۱۵۰
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۱,۹۰۰	(۷۶)
شهد ایران	۱,۳۴۹	۲۱
صنایع آذرآب	۱,۹۱۳	۳۵
ماشین سازی اراک	۱,۲۰۰	۵
کالسیمین	۴,۳۰۰	۳۸
مس شهیدباهنر	۸۸۷	۳۴
جام‌دارو	۲,۱۲۴	(۸۸)
فولاد امیرکبیرکاشان	۱,۵۹۳	(۱)
فولاد خراسان	۵,۲۰۱	(۲۱۶)
فولاد خوزستان	۱۴,۵۷۳	(۶۰۷)
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۵,۲۰۰	۴۶
ملی سرب‌وروی ایران	۲,۶۱۰	۷۲
لامیران	۲,۲۸۰	(۹)
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۲,۲۲۰	(۳۴)
ملی صنایع مس ایران	۳,۷۴۵	۲۶
نوردوقطعات فولادی	۱,۶۷۷	۶۴
فولاد آلیاژی ایران	۲,۹۶۸	۱۱۴
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۷,۷۳۶	۲۹۷
قند ثابت خراسان	۴,۵۷۰	۲۰
فرآوردهای غذایی وقندتربت‌جام	۲,۸۴۰	(۳۴)
کارخانجات قند قزوین	۴,۰۶۲	۱۵۶
قند شیرین خراسان	۳,۸۱۱	(۲۵)
شهد	۱۲,۵۶۲	۴۸۳
شکرشاهرود	۴,۷۴۸	۱۸۲
قنداصفهان	۱۵,۷۳۵	۶۰۵
قند لرستان	۱۶,۹۷۹	۶۵۳
قندنقش‌جهان	۱۲,۵۰۳	(۲۳۸)
قند نیشابور	۱۳,۵۳۷	(۱۰۳)
قندهکمتان	۱۶,۴۸۵	۶۳۴
سرما آفرین	۱,۱۸۴	۷
داده‌پردازی‌ایران	۲,۱۰۰	(۴۱)
ایران‌ارقام	۲,۴۰۰	(۹۹)
بیمه ملت	۱,۲۲۸	۳۵

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
پشم بافی توس	۱,۱۷۴	۳
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱,۰۶۰	۴۰
سرمایه گذاری آتیه دماوند	۱,۰۸۵	۴۱
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۲,۹۴۸	۳
گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۳,۹۰۰	۴۹
بانک انصار	۲,۲۶۰	(۵۵)
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۳,۰۲۰	۲۱
توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۱,۷۵۸	(۷۳)
بانک ملت	۱,۳۰۳	(۱)
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۷۱۵	(۲۹)
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۷۳۱	۲۸
بانک‌پارسیان	۱,۹۲۶	۱۸
بانک پاسارگاد	۱,۴۴۲	(۹)
سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۶۸۱	۲۶
داروپخش (هلدینگ	۶,۸۹۳	(۲۸۷)
بانک تجارت	۱,۴۱۱	(۵۸)
توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۱,۷۰۰	۳
ح . توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۵۷۸	۴۲
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱,۵۰۳	(۶۲)
توسعه‌صنعتی‌ایران	۱,۳۰۰	۶
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۱,۹۹۹	۶۲
سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۹۳۰	(۳۸)
سرمایه‌گذاری سایپا	۱,۰۳۱	۳۸
سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۱,۶۶۷	۶۴
سرمایه‌گذاری سپه	۱,۱۵۸	(۱)
بانک سینا	۱,۴۲۱	(۵۹)
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۱,۵۲۴	(۶۳)
سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۱,۶۰۹	۸
سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۹۵۰	(۱۷)
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۳,۲۳۵	۵۶
لیزینگ رایان سایپا	۱,۹۰۰	(۲۲)
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱,۲۵۸	(۵۱)
لیزینگ‌خودروغدیر	۴۵۴	۱۷
توسعه‌معادن‌وفلزات	۲,۶۸۴	۱
سرمایه‌گذاری‌ملت	۳۷۵	۹
سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۱,۱۲۳	(۷)
بانک‌اقتصادنوین	۲,۷۶۶	(۱۱۵)
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱,۱۵۰	۰
سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۱,۲۷۲	(۴۵)
بانک کارآفرین	۱,۳۸۴	(۲)
آبگینه	۴۵۹	۱۷
فرآورده‌های‌نسوزآذر	۱,۰۱۸	۳۹
کاشی اصفهان	۱,۸۴۸	(۷۷)
باما	۶,۸۵۰	۶۸
ایران گچ	۵,۵۷۵	۲۱۴
معادن بافق	۹,۴۱۷	۳۶۲
پشم‌شیشه‌ایران	۱,۴۰۰	۵۳
تولیدی کاشی تکسرام	۱,۱۹۲	(۴۹)
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۵,۵۴۹	(۱۵)
چینی ایران	۲,۰۳۶	۷۸
کاشی وسرامیک حافظ	۱,۲۹۶	(۵۴)
صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۴,۴۵۴	۱۷۱
توسعه معادن روی ایران	۲,۰۳۰	(۵)
صنایع کاشی و سرامیک سینا	۲,۴۳۴	۹۳
سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۸,۸۷۰	۱۴
کاشی سعدی	۱,۴۹۳	۵۷
ذغال‌سنگ نگین طبس	۲,۷۵۱	۱۰۵
فراورده های نسوزایران	۲,۵۶۶	۹۸
معدنی و صنعتی گل گهر	۵,۴۸۰	(۳۸)
کاشی الوند	۱,۳۹۳	۵۱
معادن‌منگنزایران	۱۸,۹۰۲	۷۲۷
تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۷۶۴	۲۹

فرهنگی ۹۳

● چهارشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۹۱
● شماره ۲۵۳۷۵ـ ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات
● ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن اسلام و ایران

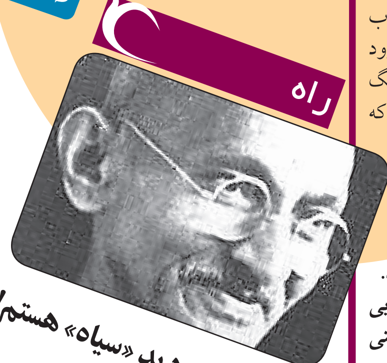


فکر

دکتر محمد حسن گنجی به روایت دکتر محقق

میراث‌دار جغرافیا

صفحه ۳



راه

...دید «سیاه» هستم!

صفحه ۳



گفتگو

در باب حاج حسین آقا ملک

آموختن زبان فرانسه

صفحه ٤



پرده

مردان سینمای ایران

محسن بدیع

صفحه ۲



عکس

انصاف

صفحه ۵



رمان

موسیقی و سکوت

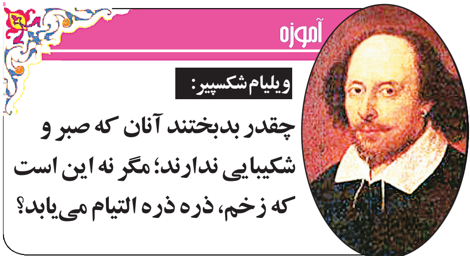
صفحه ٦



هنر

به سوی تئاتر معاصر

صفحه ۷



آموزه

ویلیام شکسپیر:

چقدر بدبختند آنان که صبر و شکیبایی ندارند؛ مگر نه این است که زخم، ذره ذره التیام می‌یابد؟

سر سخن

کریم فیضی

درنگی در تلاقی ژنتیک و سایبرنتیک

خانه‌ای روی امواج شناور

اگر کسی ادعا کند که جهان امروز، دنیایی است که روی امواج بنا شده، اغراق نکرده است و اگر کسی بگوید این دنیا، به مثابهٔ یک خانه روی امواج شناور دریای دیجیتال و سایبر ایستاده است، حرفی مطابق با واقع زده است. اگر باور ندارید، نه برای یک روز که به مدت نصف روز و چند ساعت محدود، زندگی و خانه و خانواده‌تان را از این دریا بیرون ببرید و از حوزه و حریم امواج بیرون بروید. اگر کسی نمی‌پذیرد که خانه هستی روی امواج قرار گرفته و قد برافراشته، نشان دهد که می‌تواند حیات و زندگی و موجودیت شخصی خویش را به مدت یک ساعت از حیطهٔ امواج دور می‌کند و از عرصهٔ موج خارج می‌شود و ساعتی دیگر به آبادی آن برمی‌گردد.

اگر چنین شخصی را بتوان پیدا کرد، همین شخص برای بیان سخن خویش به کسانی غیر از گروهی که به صورت عادی می‌توانند سخن او را بشنوند تا از انگیزه و تصمیم و فعل و کردهٔ او باخبر شوند، نیازمند موج است والاّ فراتر از شعاع محدود خود و نزدیکانش، کسی نه از قصد او مطلع خواهد شد، نه از احیاناً پیروزی‌اش و درست از همین جا شکست کسی که درصدد انکار موج و نقش‌آفرینی بی‌چون و چرای آن باشد، شروع می‌شود و تا قبل از یک ساعت به حتمیت می‌رسد. می‌دانید چرا؟ چون این شخص برای نشان دادن آغاز اقدام و به عبارت دقیق‌تر پیکار حماسی خویش، نیازمند اعلام زمان آغاز کار و زمان پایان کار خویش است و امروزه روز، ابزار این کار ساعت است: چه ساعت مچی که با موج کار می‌کند و چه ساعت غیرمچی که به طریق اولی عقربه‌هایش با موج می‌چرخد. از همین جا، شما می‌توانید ملاحظه کنید که موج چیست و چه نقشی را در جهان امروز و گذران زندگی امروز برعهده دارد و تا کجا نفوذ کرده و صاحب حضور شده است. واقعیت موج و حضور جدّی و عملی آن در زندگی و حیات انسان امروز تا به آن حدّ رسمی و عمومی است که تقریباً بدون بهره‌مندی از شاخص‌ها و معیارها و شاخص‌های آن، ما حرفی برای گفتن نداریم. ابزار عبور سخن از شخصی به شخصی دیگر، امواجند و دریچه‌های اتصال و ارتباط بی‌هیچ شبهه‌ای، یگانه راهشان باز امواجند. بسیاری از الفاظ و معانی و بسیاری از مفاهیم جدید، میراث موجند، چون موجودیت بعد از آغاز خویش را مرهون موجند.

فی‌المثل، اگر در مقام بحث از جهان و کیهان و عالم، سخن ما به برخی از موقف‌های فکری عمیق و دقیق رسید و خواستیم دیدگاه خویش را در جایی ثبت و ضبط کنیم و احیاناً آن را با دیدگاه فلان متفکر شرقی یا غربی، از جمله تالس ملطی مقایسه و تطبیق کنیم، در هر حال، باید موج را به یاد بیاوریم که به اشکال گوناگون، به هر حال، بخشی از امکان را مهیا ساخته است. اگر ما در بحث دو به دو با دوست یا استاد یا شاگرد یا دشمنان به این نتیجه برسیم که حق با پوچ‌گرایان بود که عالم را بی‌معنی می‌دانستند یا حق با پیامبران الهی و صاحبان شرایع و حکماست که عالم را معنادار می‌دانند، ما در اینجا سخن ما و نتیجه ما، هر چه باشد، مدیون و مرهون موج است و اگر موج نمی‌بود، تا آن گروه یاآن سخن یا آن دیدگاه را از گذشته به امروز و از گردنه‌های ما قبل تاریخ به ما بعد تاریخ سوق بدهد، ما از چه چیزی سخن می‌گفتیم؟ پوچگرایان که بودند و حکما که بودند؟ سخنانشان چه بود؟ بی‌معنایی و با معنایی چه معنایی داشت؟ اصلاً خود سخن چه بود و چرا حرف می‌زدیم؟ به فرض که حرف می‌زدیم، چرا به جای این حرف و بحث از جهان و کیهان و کهکشان، چرا از گاو و گوسفند حرف نمی‌زدیم؟ بخشی از این مسائل، نشان دهنده این واقعیت است که ما، چه بدانیم و چه ندانیم، حتی در موضع فهم و ادراک و ارتباط برقرار کردن با الفاظ و معانی که ابزار ما برای اندیشیدن و رسیدن به مفاهمه و مواجهه با دیگری است، دقیقاً وامدار امواجیم.

اگر امواج نبودند، علم و اندیشه چگونه می‌توانست از امروز قرن بیست ویکم به گذشته‌های ماقبل تمدن مربوط شود؟ آیا بدون حضور و مداخله و نقش آفرینی موج، امکان سخن گفتن به این صورت وجود می‌داشت؟ آیا شرق و غرب مفهوم امروزی خویش را داشت؟ یا ادراک ما نسبت به گذشته و حال و آینده به این صورت بود؟ آیا می‌توانستیم صاحب منظومه الفاظ و افکاری باشیم که با بهره‌مندی از آنها سخنی را میزان کنیم و اندیشه‌ای را بیان کنیم؟ آیا می‌توانستیم صاحب طبقه‌بندی‌های متعارف و دسته‌بندی‌های ضروری بشویم؟ آیا با نبود موج، انیشتین و زرتشت – فی‌المثل – یا علامه حلّی و سینوهه بگذاریم؟ آیا این امکان برای ما وجود می‌داشت که به آنچه که «قدر جامع» و «قدر مسلم» و «تعریف» و «نظریه» و «تئوری» خوانده می‌شود، دست پیداکنیم و صاحب اصول موضوعه باشیم؟ باز بخشی از حقیقت‌داری، همین مسائل نشان می‌دهد که تمام یا بسیاری از آنچه در قالب علم و فلسفه و اندیشه و تئوری و در یک کلام «شناخت» و «تمایز» در اختیار داریم و با ابتناء بر آنها حرف می‌زنیم و اعلام موضع می‌کنیم و مقصد و مقصود را حاصل می‌داریم با قطرات امواج آبیاری شده است.



انقلاب ایران به روایت میشل فوکو

ایران، روح یک جهان

متن حاضر گفت‌وگویی است میان میشل فوکو و خانم کلر بری‌یر و پی‌یر بلانشه که خبرنگار روزنامه لیبراسیون در ایران بودند و در سال ۱۹۷۹ کتابی به نام «ایران: انقلاب برای خدا» را به چاپ رساندند که گفت‌وگوی حاضر نیز در همین کتاب آمده است. با استناد به همین کتاب و نسبت دادن عبارت ها یا توضیح‌هایی برگرفته از بری‌یر و بلانشه به میشل فوکو، چنین نتیجه‌گیری کرد: «در هر حال، میشل فوکو اولین و آخرین روشنفکر غربی نیست که توهم‌هایی در مورد فردای انقلاب دارد. حال چه انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، چه انقلاب اوئیه‌ها در پرتغال و چه انقلابی که تاج و تخت خاندان پهلوی را سرنگون کرد.» میشل فوکو در «لوموند ۱۱ مه ۱۹۷۹» به همه این انتقادها پاسخ گفت.

کلر بری‌یر: آیا می‌توانم با ساده‌ترین پرسش آغاز کنم؟ من هم مثل تو و دیگران مجذوب آن‌چه در ایران روی داد شدم، چرا؟

میشل فوکو: من ترجیح می‌دهم که اکنون به پرسش دیگری بپردازم که شاید اهمیت کم‌تری داشته باشد، اما می‌تواند راهی برای رسیدن به پرسش نخست باشد: در آن چه در ایران روی داد چه چیزی وجود داشت که کم و بیش خشم مجموعه‌ای از هواداران چپ یا راست را برانگیخت؟ ماجرای ایران و چگونگی روی دادن‌اش، آن شکل از همدلی بی‌چون وچرایی را که برای مثال در مورد پرتغال یا نیکاراگوئه دیدیم برنینگیخت. من نمی‌گویم که نیکاراگوئه در وسط تابستان و وقتی مردم حمام آفتاب می‌گرفتند، توجه و علاقه زیادی را برانگیخت، اما در مورد ایران من خیلی زود نوعی واکنش سطحی و خفیف را احساس کردم که حاکی از همدلی بی‌درنگ نبود. برای مثال، آن خبرنگار زنی که به خوبی او را می‌شناسید و متوجه شد که در مقاله‌اش که در تهران نوشته بود و در پاریس چاپ شد به جمله پایانی مقاله که از انقلاب اسلامی سخن می‌گفت، صفتی به شیوه‌ای ناشیانه اضافه شده است که بی‌شک کار او نبود. به نظر من این قضیه کاملاً نمونه آن نوع خشمی است که جنبش ایران برانگیخت.

پی‌یر بلانشه: در مورد ایران، چند نگرش ممکن وجود دارد. یکی نگرش چپ افراطی کلاسیک یا چپ اُرتدوکس. گروه‌هایی که می‌گویند: این‌ها انقلابی‌هایی مذهبی‌اند. یک نفر مذهبی یعنی [آیت‌الله] خمینی آن را رهبری می‌کند...

میشل فوکو: می‌توان گفت که در پس این دو خشم، خشمی دیگر یا شاید یک شگفتی و نوعی نگرانی و تشویش در برابر این پدیده که برای ذهنیت سیاسی ما بسیار غریب است، وجود دارد. پدیده‌ای که می‌توان آن را انقلابی (به معنای بسیار گسترده این واژه) دانست، چون عبارت است از قیام همه ملت علیه قدرتی که بر آن ستم می‌راند. اما ما در صورتی یک انقلاب را به رسمیت می‌شناسیم که دو دینامیک را در آن مشاهده کنیم: یکی دینامیک تضادهای درون این جامعه، یعنی دینامیک مبارزه طبقاتی یا دینامیک رویارویی‌های بزرگ اجتماعی. و دیگری دینامیک سیاسی یعنی حضور یک پیشگام، یعنی یک طبقه، حزب یا ایدئولوژی سیاسی و خلاصه نیروی پیشتازی که همه ملت را به دنبال خود می‌کشد. اما به نظرم می‌رسد که در آنچه در ایران روی می‌دهد نمی‌توان هیچ یک از این دو دینامیک را که برای ما نشانه‌های بارز و علامت‌های روشن پدیده‌ای انقلابی‌اند، تشخیص داد. جنبشی انقلابی که نتوان جایگاه مبارزه طبقاتی و تضادهای درونی جامعه و یک پیشگام را در آن مشخص کرد، از نظر ما چه می‌تواند باشد؟

پی‌یر بلانشه: در دانشگاه تهران، مارکسیست‌هایی بودند ـ من با چند تن از آنان برخورد داشتم ـ که همگی از این که انقلابی شگفت‌انگیز را تجربه می‌کنند، آگاه بودند. این انقلاب بسی بیش‌تر از آن چیزی بود که آنان تصور و آرزویش را داشتند و رؤیایش را می‌دیدند. هنگامی که از این مارکسیست‌ها نظرشان را می‌پرسیدیم، آنان به طور یکسان پاسخ می‌دادند «این وضعیتی انقلابی است...»

کلر بری‌یر: واکنشی که اغلب در مورد ایران شنیده‌ام این است که آن را نمی‌فهمیم. وقتی جنبشی را انقلابی می‌خوانند، برداشت مردم در غرب و از جمله خود ما نوعی پیشرفت و ترقی است. یعنی دگرگونی در راستای پیشرفت و ترقی. در واقع، موج اعتراض‌های مذهبی برای مبارزه و مخالفت با شاه به انگاره‌هایی استناد می‌کند که به سیزده سده پیش باز می‌گردند و در عین حال خواسته‌هایی در زمینه عدالت اجتماعی و غیره را مطرح می‌کند که به نظر می‌رسد در راستای اندیشه یا کنشی ترقی خواهانه حرکت می‌کنند.

ادامه در صفحه ٦

نامه‌های هایدگر به همسرش
خدمت سربازی...



در تابستان، حملهٔ آلمانی‌ها از سمت غرب، با شکست رو به رو می‌شود و آخرین امیدها برای پیروزی، مبدل به یأس می‌شود. در فرایبورگ شایع شده است که خطر به تیر بسته شدن توسط فرانسوی‌ها یا حملهٔ آنها وجود دارد.

هایدگر پشت جبهه است، ولی در جریان جنگ قرار دارد و در ۱۳ سپتامبر وضعیت خود را چنین توصیف می‌کند. صبح زود است، تو حتماً خوابیده‌ای، اما هویج کوچک از مدت‌ها پیش بیدار شده است. پشت تلفن نشسته و مشغول دادن تعداد بی‌شماری عدد به توپخانه، کشتی‌های هوایی و افسران است. در عین حال اسلحه‌های سنگین در حال حرکت هستند و هدف‌هایی منفجر می‌شود، طوری که تمام این اتاقک می‌لرزد و احتمالاً شدیدتر هم خواهد شد. اتومبیلی هم برای عقب‌نشینی در اختیار داریم، ولی گمان نکنم که نیازی به آن داشته باشیم، چون افراد خوبی در آنجا داریم. حالم بسیار خوب است. از چیزهای جدیدی که می‌بینم، خوشحالم. حالا هویج کنجکاو لذت می‌برد. حالا گروه‌های سه نفره در دهکده پشت سر هم حرکت می‌کنند. افراد گروه حمله با چهره‌هایی رنگ‌پریده و لاغر از اینجا عبور می‌کنند. نگاه‌هایی مصمم دارند. خنده و آواز و البته وحشت یأسی در بین نیست، بلکه اراده‌ای آهنین است. شاهد تصاویر عجیبی بوده‌ام. در ۲۰ متری ما یک جادهٔ خاکی از شمال به جنوب هست. ما سمت غرب را می‌بینیم. سرخی غروب پشت جنگل‌ها بود که صدای گام‌های یک گروه حمله به گوش رسید. کلاه‌های آهنین داشتند و مجهز بودند. کمی به طرف جلو خمیده بودند. سر اسلحه‌ها به سوی آسمان قرار داشت. گروه‌های پراکنده با سرهای بالا گرفته و لباس‌های سیاه در جهت سرخی شب در حرکت بودند. توپخانهٔ سنگین از میان چهارراه اینجا می‌گذرد و سرگروه‌ها روی اسب‌های فوق‌العاده با عضلات منقبض در امتداد حرکت گروه‌ها می‌روند. اتومبیل‌ها پر سر و صدا در جاده حرکت می‌کنند و موتورسیکلت‌ها در جهت عکس آنها می‌روند. تمام انسان‌ها ساکت هستند، در خود فرو رفته‌اند و چند کیلومتر دیگر به جهنم می‌رسند. هایدگر تقریباً هر روز می‌نویسد و سعی می‌کند که حتی از خدمت خود، نوعی فلسفه بسازد.

ادامه در صفحه ۳

دکتر محمد مصدق‌السلطنه به قلم مصدق

اختلاس در رژیم قدیم

یکی از ارکان جمع و خرج کل مملکت همیشه ثابت بود و متصدیان امور می‌دانستند که در هر سال مالیات املاک مزروعی وصول می‌شود و عوائد گمرکی هم بدون هیچ کسر و نقصانی عاید دولت می‌گردد. راجع برن دوم جمع و خرج مملکت که مخارج است نیز تنظیم یک بودجه کل در هر سال مورد احتیاج نبود. چه، به هیچ یک از مستخدمین دولت حقوق مقامی داده نمی‌شد مگر به رؤساء و صاحب‌منصبان افواج و مأموران وزارت خارجه و بعضی از مستخدمین دیگر. با این حال طبقات زیادی از علماء، وزراء، رجال، و نسوان از مالیه‌ی مملکت حقوق می‌گرفتند، خواه متصدی کار بودند خواه نبودند و برقراری حقوق در آن رژیم مسبوق بیکی از جهات ذیل بود:

الف. در ازای خدمات انجام شده، چنانچه کسی مصدر خدمتی شده بود که می‌بایست از او قدردانی شود اگر حقوقی از دولت داشت اضافه حقوق و الاّ حقوق جدید باو داده می‌شد.

ب. به عنوان تخفیف مالیات که مبلغ آنها قلیل و تا ممیزی جدید به هر اسمی که در کتابچه نوشته شده بود تغییر می‌کرد و از بابت مالیات محسوب می‌گردید.

ج. قرابت با مقام سلطنت، نظر به اینکه پادشاه خود را مالک مملکت می‌دانست و بعد از مرگ چیزی نداشت که از آن به ارث ببرند، به اولاد پادشاه حقوقی داده می‌شد که در حیات و ممات پدر صرف معاش خود بکنند.

د. از جهت وراثت، چون‌که دو ثلث حقوق متوفی اگر اولاد و عیال داشت بوراث او می‌رسد.



دکتر محمد مصدق

اخذ حقوق از مالیه‌ی مملکت کسانی را که متصدی کار میشدند و رسوماتی برای انجام وظیفه داشتند، از آن محروم نمی‌کرد.

راجع به مخارج وزارت جنگ کافی است که گفته شود در آن عصر وزارت جنگ دارای دو بودجه بود یکی ثابت و دیگری غیرثابت: بودجه‌ی ثابت مربوط به حقوق محلی افواج بود که در ایّام خدمت و مرخصی هر دو به صاحبان حقوق می‌رسید.

بقیه در صفحات ٤و۵

فلک

دکتر شهسا

سرمایه داری و جنگ

سرمایه‌داری که زیر فشارهای اقتصاد داخلی است، با روی آوردن به استثمار اقتصادی خارجی، می تواند خود را نگه دارد و استثمار خارجی، چنانکه تاریخ بخوبی نشان داده است، می تواند به سهولت به جنگ منتهی شود.

آیا این بدان معنی است که امپریالیسم از سرمایه‌داری جداناشدنی است؟ مارکسیستها به ما می گویند: آری چنین است و هر اقدامی را در انتقال سرمایه به‌خارج، به هر شکلی که باشد، امپریالیسم تعبیر می کنند. بدین‌سان کمونیست‌ها کوشش‌های ما را در راه کمک به ملت‌های عقب‌مانده، مانند اشتیاق ما به سرمایه گذاری در نفت، به یکسان، داغ «امپریالیستی» می‌زنند.

با این همه، حقیقت خیلی بیش از آنچه به نظر هواخواهان مارکس رسیده است پیچیده است. امپریالیسم فقط تجارت خارجی یا سرمایه‌گذاری در خارج نیست. اینها هست به علاوهٔ مداخلهٔ سیاسی، استثمار اقتصادی، نیروی نظامی و بی‌اعتنایی به منافع ملت‌های فقیر از سوی ملت‌های غنی. مثلا در مورد سرمایه گذاری بریتانیا در هند، در قرن نوزدهم، آنچه بیش از همه زننده و چشمگیر بود این بود که آن سرمایه‌گذاری فقط و فقط بر پایهٔ احتیاجات انگلستان بنا شده بود و خواست‌ها و نیازهای هند در آن کوچکترین نقشی نداشت.

بعضی از انواع قدیمی این امپریالیسم باقی مانده است. کنسرسیوم‌های عظیم نفت در خاورمیانه بعضی از حکومت‌های بسیار فاسد و عقب‌مانده را هنوز بر سر قدرت نگه داشته‌اند. در افریقا تعدادی از مؤسسات سرمایه‌داری ـ بریتانیایی، فرانسوی، بلژیکی، پرتغالی، افریقای جنوبی و امریکایی ـ توسعه و بهره‌برداری از ثروت‌های دست‌نخوردهٔ غالباً بسیار عظیم آن را در اختیار خود گرفته‌اند و در این گیرودار تکامل افریقا، حقوق مردم بومی آن در نظارت، بهره‌برداری و استفاده از ثروت سرزمین خودشان یکباره فراموش شده است.

حال اگر ما به جهان به طور کلی نظری بیفکنیم می‌بینیم که الگوی کلاسیکی که هابسن و لنین توصیف کرده‌اند تقریباً در حال ناپدید شدن است. وقتی موج امپریالیسم کلاسیک به اوج خود رسیده بود، یک ششم جهان غنی و قدرتمند بود و پنج ششم بقیه سست و بیچاره و بی‌دفاع. یک ششم غنی هنوز هم ثروتمند است اما هر روز، هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصادی، بیشتر در موضع تدافعی است و پنج ششم فقیر هنوز فقیر است اما نه مانند گذشته سست و بیچاره و بی‌دفاع. آسیا دیگر آن سرزمین‌های شکار سودآور برای سرمایهٔ خارجی نیست. خاورمیانه، دیگر آن نوکری نیست که با تملق و چرب‌زبانی از اربابش بخشش بخواهد و گدایی کند، و از خشم و غضب به جان آمده است. امریکای جنوبی از ابراز کوچکی و زبونی و سود رسانی به ثروت و قدرت امریکا احساس نفرت و انزجار می کند، افریقا خواب‌های آشفته ولی باشکوه و جلال برای خود می‌بیند.

خلاصه اینکه ما شاهد موجی هستیم که علیه شرکت‌های عظیمی که معادن فلزات و چاه‌های نفت سرزمین‌های آنها را خالی می کنند برخاسته است. اخراج‌های سریع و ملی کردن شرکت‌ها آغاز شده و در جاهایی که چنین اقدامی نکرده‌اند با انعقاد قراردادهای سخت، آزادی بی‌بند و بار مؤسسات خارجی را محدود یا آنها را از آن محروم کرده‌اند.

بالا گرفتن موج این ملی گرایی ستیزه‌جویانه، یکی از علل سقوط امپریالیسم کهنه و قدیمی است. علت دیگر را باید در تغییری که در درون ملت‌های سرمایه‌دار پیدا شده است جستجو کرد. این علت سربرآوردن چشمگیر شرکت‌های به اصطلاح «چند ملیتی» است به عنوان نماینده اصلی به کار انداختن سرمایه در ماوراء بحار.

شرکت‌های چند ملیتی نظیر آی.بی.ام فورد، یونی‌لور و شل، شرکت‌های غول‌آسایی هستند که فرآورده‌هایشان و جریان عملیاتشان در بین تعدادی از کشورها متمرکز شده است.

مثلا دو سوم از صد مؤسسهٔ صنعتی امریکایی، که در رأس هستند، دست‌کم در بین شش کشور امکانات وسایل تولید دارند. هم‌اکنون تخمین زده می‌شود که شرکت‌های چندملیتی (از همهٔ ملیتها) معادل یک ششم مجموع ارزش فرآورده‌های صنعتی جهان را تهیه می کنند.

در فصل بعد فرصت خواهیم داشت بعضی از مشکلات پیدایش شرکت‌های غول‌آسا را بررسی کنیم. اما این «شرکت چندملیتی» در زمینهٔ مشکلی که اکنون علاقهٔ ما را به خود جلب کرده، یک بعد تازه‌ای افزوده است. زیرا با ظهور فرآورده‌های بین‌المللی به مقدار زیاد، در منافع اقتصادی خارجی قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری، تغییر جهت شدیدی پیدا شده است. در عصر امپریالیسم کلاسیک، چنانکه دیدیم، گسترش سرمایه‌داری در ماوراءبحار، به طور عمده، ملت‌های عقب‌مانده را هدف خود قرار داده بود تا به مواد خام دسترسی داشته باشد یا برای کالاهای اساسی خود، مانند منسوجات، بازارهایی بیابد.

> **سرمایه‌داری زیر فشارهای اقتصاد داخلی به استثمار اقتصادی خارجی روی می آورد و استثمار خارجی، می‌تواند به سهولت به جنگ منتهی شود**

اما، اکنون شرکت‌های چندملیتی، نسبت به آنچه نیم‌قرن پیش صورت می گرفت، به فعالیت‌های مختلف اقتصادی ابراز علاقه می کنند. زمینهٔ فعالیت بین‌المللی امروزه دیگر محدود و منحصر به محصولات سنتی مستعمراتی، نظیر کائوچو و شکر یا ایجاد طرح‌های بزرگ که نیروی توده‌های انسانی را به کار گیرد، مانند خطوط راه‌آهن که بین قاره‌ها کشیده شده است، نیست. امروزه شرکت‌های چندملیتی به بازار فرآورده‌های «تکنولوژی عالی» مانند کامپیوتر و مواد شیمیایی و دارویی، علاقه‌مندند و به جای کارگران ارزان قیمت، به جستجوی فیزیکدانان و شیمیدانان متخصص و ماهر برخاسته‌اند.

این شرایط در وضع سرمایه‌گذاری ماوراء بحار امریکا تغییری دراماتیک به وجود آورده است. در ۱۸۹۷ تقریباً نیمی از سرمایه خارجی ما در کشت و کار و تهیهٔ محصول در راه‌آهن و استملاک معادن به کار گرفته شده بود، اما امروزه کمتر از بیست درصد سرمایه‌گذاری بعد از جنگ دوم جهانی صرف کارخانه‌داری شده است. با این جابه‌جایی در تهیهٔ فرآورده‌ها، تغییر مهمتری در سرمایه‌گذاری، از لحاظ جغرافیایی، پیش آمده است. زیرا جای این بازارهای تازه و وسایل صنعتی و ابزار کارخانه که باید در خدمت این بازارها باشد، دیگر در دنیای عقب‌مانده نیست بلکه در درون دیگر ملت‌های سرمایه‌دار است. تقریباً سه چهارم سیل عظیم سرمایه‌گذاری بین‌المللی، از جنگ دوم جهانی به بعد، از امریکا به اروپا، کانادا و دیگر مناطق سرمایه‌داری سرازیر شده است یا از اروپا، کانادا و ژاپن به ایالات متحده امریکا راه یافته است. در نتیجهٔ این تغییرات، کشورهای عقب‌مانده که پیش از این هدف توسعهٔ اقتصادی خارجی بودند، به سرزمین‌های متروکی بدل شدند.

حاصل این دگرگونی ها این است که امپریالیسم در عصر ما سیمای کاملا تازه‌ای پیدا کرده است. مزایای مهم اقتصادی سرمایه‌گذاری‌های ماوراء بحار در سرزمین‌های فقیر هنوز هم نصیب ملت‌های سرمایه‌دار می‌شود (مثلا جریان منافع از شرکت‌هایی که امریکا مالک آنهاست، در امریکای لاتین، به سوی ایالات متحده امریکا به مراتب بیش از جریان سرمایهٔ تازه از آمریکا به آمریکای لاتین است). اما جاذبهٔ منابع هر چه بیشتر، در کشورهای رشد یافته است و نه در کشورهای عقب مانده. بدین‌سان، برای ملت‌های سرمایه‌دار که در ماجرایی های خارجی در آسیا یا آفریقا یا آمریکای لاتین درگیر شده‌اند حفظ «منافع» اقتصادیشان آن‌قدرها آسان نیست، اما با توجه به ملاحظات قدیمی سیاسی و استیلای نظامی، به آسانی قابل شرح و توضیح است.

این دیدگاه به خصوص در مورد ایالات متحده آمریکا، در طول دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ صادق است. انگیزه‌های آشکار و نهان که آمریکا را به مداخله در گواتمالا، جمهوری دومینیک، کوبا و بالاتر از همه در هندوچین برانگیخت، با آن حالت آرام و بی‌دغدغه‌ای که کشتی‌های ما را به خاطر سرمایه‌هایمان در قرن نوزدهم به سوی جمهوری‌های کوچک مناطق گرمسیری که فقط میوه صادر می کردند گسیل می‌داشت شباهت چندانی ندارد. مداخلهٔ آمریکا بیشتر شبیه است به انگلستان در دوران انقلاب فرانسه که شور و هیجان عمومی و انقلابی آن را در خود گرفته بود. آمریکاییان هم، مانند انگلیسی‌ها، پیش از آنکه نیروی تهدیدآمیز انقلابی روی‌آور شود موضع گرفتند. حکومت آمریکا از شناسایی متنوع منافع ملی که کمونیسم را به فعالیت واداشته بود و هدف‌هایش که با آنچه سرمایه‌داری داشت متعدد و از نوع دیگر بود ناتوان بود. اما در عوض هر ملت رشد نایافته را که می کوشید، بر طبق یک برنامه سوسیالیستی، با گذشتهٔ قدیمی مستعمراتی خود قطع رابطه کند، خود به خود متحد به اصطلاح «بلوک چین ـ شوروی» شناخت و برای ممانعت از وقوع انقلاب‌های سوسیالیستی از هر وسیلهٔ ممکن که در دسترس داشت استفاده کرد. در اجرای چنین سیاستی هر رژیم مرتجعی را، از برزیل تا یونان، کورکورانه در حمایت گرفت و به مبارزه با کمونیسم اقدام کرد، حتی وقتی هم که روشن شد مبارزهٔ ضد کمونیستی در این کشورها فقط سرپوشی برای حکومت‌های دیکتاتوری و خودکامه است و غالباً این حکومت‌ها هم مانند آنهایی که ظاهراً به مبارزه و مقابله‌اش برخاسته‌اند شریر و ستمکارند، باز هم به حمایت خود از آنها ادامه دادند.

در این کوششی که در راه سرکوب کمونیست به راه افتاد، دفاع از سرمایه‌داری، به عنوان یک نظام اجتماعی، مسلماً نقش اصلی را داشت. با این همه این امپریالیسم جهانی یقیناً همان امپریالیسمی نبود که هابسن و لنین توصیف می کردند. هجوم سرمایهٔ بیشتر به دنیای رشد یافته تا کشورهای عقب مانده و افزایش بی علاقگی، حتی در بین حکومت‌های محافظه‌کار دنیای رشد نایافته، که اجازه نمی‌دهند کشورهای سرمایه‌داری آزادانه و به آسانی به مواد خام آنها دست یابند، امپریالیسم اقتصادی به شیوهٔ قدیم را از حرکت بازداشته است. آنچه را اکنون به چشم می‌بینیم فاجعهٔ ویتنام است و ادامهٔ سربلند کردن رژیم‌های سوسیالیستی در دنیای سوم. علی‌رغم مخالفت ما و پیدایش شکاف عمیقی در دنیای کمونیست که ممکن است، به موقع، امپریالیسم سیاسی را هم به همان فرجام بکشاند.

زندگی

آرش تبریزی

ما موش‌های مدرسه

هر درسی معلمی داشت که در دید اول دلچسب بود و می توانست حس خوبی القا کند. چند معلم داشتن بهتر از یک معلم داشتن بود، بخصوص اگر نصف آنها با یزدانی و ستاری فرق می کردند و چنین نیز بود، اما در میان این همه معلم، معلم‌هایی وجود داشت که با درک فیض خشونت‌ها و کتک‌های آنها، باید صدوهزار رحمت روانه روح اموات ستاری می کردم، اما یزدانی نه! معلمی که اسمش عشقی بود، در همان دید اول توجهم را به خودش جلب کرد، چون به شدت شبیه صادق بود در فیلم «رد پا». مو نمی‌زد. انگار از فیلم درآمده، آمده بود کلاس ما! معلم عربی بود و همه‌اش مرا یاد صادق می‌انداخت اما از بخت بد، معلم سه درس تاریخ و جغرافی و اجتماعی فردی از آب در آمد به نام اتابکی که تا وقتی او را ندیده بودم، فکر نمی کردم بدتر از آقای یزدانی هم در روی کرهٔ زمین وجود داشته باشد. اتابکی گذشته از اینکه بی‌رحمانه کتک می‌زد، بد ترکیب و ترسناک هم بود. یعنی وقتی کتک هم نمی‌زد و پشت میزش می‌نشست، باز مخوف بود، چه برسد به اینکه بخواهد یورش بیاورد و همچون عقابی خشمگین گنجشکی چون مرا زیر ضربات پنجه‌های خویش بگیرد. درمیان معلم‌هایی که تا آن روز دیده بودم، اتابکی نمونه‌ای کامل از زشتی بود. علاوه بر اینکه قدی بیش از حد بلند و چهره‌ای سیاه، صدایی گرفته و بم و غیرقابل مفهوم در سینه‌اش جاخوش کرده که هر وقت حرف می‌زد، با آن قامت کشیده و آن صورت دلچسب، ترس ویرانگری را در جان هر موجود ترسو و بی‌پناه می ریزد که اینک منم و خرگوشی هستم در چنگال یک افعی یا نهنگ یا گرگ و هر حیوان ترسناک و دیگری که شما تصورش را بکنید!

> **«طریق‌القدس» قبل از آن ابتدایی بود و مقارن با ورود ما به راهنمایی تبدیلش کردند تا ما نخستین موشهایی باشیم که در آنجا به افتخار آزمایش نایل می‌شویم**

هیچ وقت فرصت نشد از خدا بپرسم که: این موجودات را از کجا آورده‌ای که هر سال یکی از آنها را همچون نعمتی پایان‌ناپذیر بر سر و صورت من و دیگران نازل می کنی؟ از فرط وحشت و امن و امانی که از یزدانی به این طرف حاصل نمی‌شد، توفیق نشد بیندیشم ببینم حکمت برخورداری از چنین معلمانی چیست؟ شرّ است یا خیر؟ قرار است به دست آنها اهلی شوم یا وحشی؟ مجال نشد ببینم با این همه فیض پشت در پشت و پی در پی، چگونه باید کنار آمد؟ روزگار در سرچه داشت که تمام گنجینه‌های مهرو عطوفت و رحمت و کرامت خود را بی هیچ درنگی هر سال، همچون صاعقه‌ای توقف‌ناپذیر بر سر من و هم‌سن و سالانم می‌بارید؟ وجود یک معلم از آن جنس و تبار کافی بود تا انسان تا آخر عمرش هفته‌ای چند روز بیخواب و بدخواب شود. حالا «خدا» یا «طبیعت» و نظام آموزش‌و پرورش ایران در اواخر دههٔ ۶۰ و اوایل دههٔ ۷۰ چه اصراری داشت که با فروریختن این همه طوفان ویرانگر روح از تن و تن از روح ما خارج کند.

خوشی قبول شدن از پنجم و وارد شدن به صحرای بهشت و چریدن در باغ و کاخ‌های کلاس هفتم، به گمانم به ۱۰ روز نکشید، چون تا چشم باز کردم، دیدم بره‌ای هستم در مصاف معلم‌هایی که فرصت نگاه کردن به قیافه خسته و کتک‌خورده و دقیقاً متحیر و عمیقاً بی‌پناه ات را ندارند و به چیزی کمتر از ادب کردنت، در آن واحد فکر نمی کنند و ما هر روز ادب می‌شدیم ولی به گونه‌ای بی‌ادبانه. در روشی که برای ادب کردن ما به کار گرفته می‌شد، اثری از ادب نبود. در کل و جزء کسانی که ما را ادب می‌کردند، نشانی از مهر و عاطفه یافت نمی‌شد. ما ادب می‌شدیم ولی به شکلی غیرانسانی. ما در آن سال معلم‌های جورواجوری داشتیم: کوتاه، بلند، سیاه، سفید، خوب و بد. هیچ‌کدام از آنها جوان و بی‌تجربه نبودند ولی هیچکدام هم عادی نبودند. نمی‌دانم این موضوع را چگونه باید توضیح داد. «طریق‌القدس» آن سال نخستین سالی بود که به مدرسهٔ راهنمایی تبدیل می‌شدو قبل از آن ابتدایی بود و مقارن با ورود ما به راهنمایی تبدیلش کردند تا ما نخستین موشهایی باشیم که در آنجا به افتخار آزمایش نایل می‌شویم.

سال بعد این اتفاق در دبیرستان رفتن من نیز روی داد و مدرسه‌ای را که تا پیش از آن راهنمایی بود، به افتخار ما تبدیل به دبیرستان کردند تا باز نخستین موشهای آن مدرسه باشیم و خواسته و ناخواسته موش‌های بدی بودیم. در روزگاری که دنیا وارد آخرین دههٔ قرن بیستم می‌شد، در گوشه‌ای از گوشه‌های دورافتادهٔ ایران زمین آزمایشگاههایی وجود داشت که موشهایش انسان بودند ویکی از آن انسانها من بودم: ناصر، ناصر تبریزی. هیچ‌کس نمی‌دانست موضوع چیست! کسی نمی‌دانست که پشت آن دیوارها شهری است و پشت آن شهر، شهری دیگر و شهری دیگر و دنیایی بزرگ و فراخ و روزگاری نو و مبدل شده و متفاوت از گذشته. سالهایی پرحادثه‌تر و روزگاری سخت‌تر در پیش بود...

دانش‌آموز عوضی!

اتفاقی که نباید می‌افتاد، افتاد تا سرنوشت به گونه‌ای دیگر رقم بخورد. بهره‌مندی از فیض وجودی درس‌آموزانی چون یزدانی و ستاری و اتابکی خیلی زود نتیجه داد و کار خودش را کرد. حاصل کار، سقوطی بود که تاثیر خود را بعدها گذاشت ..

عالم و آدم به روایت یغمایی / سیدضیاء

مرحوم یغمایی

وقتی از مرحوم قوام‌السلطنه اجازه خواستم قطعه‌ای از او در مجلهٔ یغما چاپ کنم فرمود: نثر از من و شعر از برادرم. خداوند تعالی هر دو برادر را غریق رحمت فرماید که نظیرشان را دیگر نخواهیم دید. عصایی هم از مرحوم وثوق‌الدوله به یادگار دارم.

قرار بود دربارهٔ رئیس الوزراهای سابق که با آنها ارتباط و دوستی داشتم یادداشت‌هایی به مجلهٔ آینده بدهم. دربارهٔ قوام‌السلطنه و وثوق‌الدوله مختصر نوشتم. اکنون از مرحوم سید ضیاء الدین طباطبایی سخن می گویم. در ۱۳۳٤ هجری که در دامغان درس می خواندم مرحوم عبدالله یاسایی که بعدها وزیر تجارت شد و در آن وقت معلم و مدیر مدرسهٔ ما بود به بنده فرمود خیال دارم بروم به تهران و تو باید اخبار دامغان را از کم و کیف برایم بنویسی. هر چه تن زدم و اصرار کردم که من چیزی نمی‌دانم و دیگری را انتخاب کن قبول نفرمود و من اخبار دامغان را به نشانی او به تهران می‌فرستادم که بعد از چند روز می‌دیدم همان اخبار با عبارتی زیبا در روزنامهٔ رعد چاپ می‌شود.

بعداز دو سال که به شاهرود رفتم مستقیم به روزنامهٔ رعد شرحی نوشتم و درخواست خبرنگاری کردم. جوابی بسیار مساعد دادند با هزینه‌های معمولی. آن روزها قرار بود مخبرین در خفا باشند و من محرمانه می‌نوشتم. در آن سالها روزنامهٔ رعد داستانی عاشقانه می‌نوشت که عین‌الملک پدر امیرعباس هویدا از زبان عربی ترجمه می‌کرد. قهرمان داستان یوسف بود و معشوقه‌اش دعد. من به تفنن نوشتم:

مخبر روزنامهٔ رعدم — آگه از حال یوسف وعدم

ادامه دارد

پرده‌داران

احمد یاوری

مردان سینمای ایران/۸ محسن بدیع



محمدحسن (محسن) بدیع در بصره متولد شد. پدرش کنسول ایران در بصره بود و مادرش از اهالی خرمشهر. بدیع سال ۱۳۰۳ به ایران آمد و در ۱۳۰٦ به فرانسه رفت و دیپلم مهندسی مکانیک و برق گرفت. در فاصله سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ در فرانسه و انگلستان بود، و با گرفتن بورس رادیو از انگلستان به لندن رفت و پس از چهار سال مدرکی معادل لیسانس گرفت. سال ۱۳۲۱ به ایران بازگشت، با این هدف که کارگاه ساخت دستگاه گیرنده رادیو تاسیس کند، اما چون تصور می‌کردند حرفش نادرست است به او پروانه کسب ندادند، با وجود این مانع کارش نشدند تا این‌که در خیابان فردوسی، روبه‌روی بانک ملی، مغازه‌ای به اسم «رادیوسازی بدیع» باز کرد و هفت سال در این حرفه ماند؛ اما بدیع از نوجوانی در فکر دیگری بود. خودش روایت کرده که وقتی نوجوان بود یک آپارات ۱٦ میلی‌متری درست کرده بود، و قبل از آن یک دوربین ۹/۵ میلی‌متری «پاته‌بی‌بی» داشت. کاشت این دوربین به اندازه ده متر فیلم گنجایش داشت.

بنابراین تصمیم گرفت پروژکتوری درست کند که بتواند فیلم‌های طولانی‌تری را نشان بدهد. کار بدیع در این ایام این بود که صاحبان سینماها به او مراجعه می کردند تا صدای آپارت‌ها را تنظیم کند.

مدتی بعد یک دستگاه فیلم‌برداری قدیمی کوکی، از جنس چوب، با سه‌پایه‌ای ضخیم از یک نفر ارمنی خرید و از یک موسسه اجتماعی سفارش گرفت که از فعالیت‌های موسسه (جمع‌آوری متکدیان و انتقال آن‌ها به مراکز بازآموزی)فیلم تهیه کند. بدیع پس از فیلم‌برداری موفق به چاپ فیلم‌ها نشد. نگاتیوها را شست‌وشو داد و تا دو سال بعد برای چاپ نگه داشت. او که در کارش کنجکاو بود هر از گاه به دیدار دکتر اسماعیل کوشان می‌رفت و با استفاده از تجربه‌های دکتر کوشان و دستگاه ابتدایی چاپ او و تخصصی که در رشته برق داشت دستگاه چاپی ساخت که همه چیز آن ابداع خود او بود. او از تماس با دکترکوشان و حضور بر سر صحنه فیلم‌برداری فیلم طوفان زندگی (علی دریابیگی، ۱۳۲۷) به این نتیجه رسید که اطلاعات فنی اگر از حیث عملی متحقق نشود، مشکلی از مشکلات فیلم‌سازی ایران نخواهد گشود.

بدیع در فیلم دوم دکترکوشان با نام زندانی امیر (۱۳۲۷) به عنوان صدابردار فعالیت کرد. از جنبه فنی مشکل اصلی فیلم طوفان زندگی صدا بود. مهندس بدیع یک دستگاه اُپتیک برای ضبط صدا در حاشیه فیلم ساخته بود، که وقتی صحنه‌هایی از زندانی امیر را به شکل آزمایشی گرفتند، و کیفیت صدا را شنیدند از این بابت خیال‌شان آسوده شد.

بلافاصله پس از این ماجرا بدیع «استودیو فیلم‌برداری عقاب» را در زیرزمین تاریک و نموری تاسیس کرد و امکانات خود را در اختیار علی دریابیگی قرار داد تا فیلم ۱٦ میلی‌متری شکار خانگی (۱۳۳۰) را بسازد.

بدیع که تهیه‌کننده و فیلم‌بردار شکار خانگی بود تصمیم گرفته بود چنان‌چه فیلم مطابق میلش از کار درنیاید آن را در همان زیرزمین بسوزاند و خاکسترش را نیز در همان جان چال کند؛ اما پس از پایان فیلم‌برداری، به رغم آن که از فیلم «آن قدرها راضی نبود» آن را در دو سینمای همای و رکس نمایش داد، با اعلام این موضوع که: «بیش از آن‌چه مردم می‌بینند و عیوبی که متوجه می‌شوند، من خودم می‌فهمم که این فیلم چه‌قدر نقص دارد.»

ولگرد (مهدی رئیس فیروز، ۱۳۳۱) دومین فیلمی بود که محسن بدیع فیلم‌برداری و «تروکاژ»های آن را انجام داد. هم فیلم‌برداری و هم «تروکاژ»ها نظر منتقدان را گرفت.

در راه هندوستان

مهاتما گاندی به روایت گاندی/۱۲

...دید «سیاه» هستم!


■ گاندی

همین‌طور که پرونده را مطالعه می‌کردم دیدم باید از الف شروع کنم و پیش روم. چند روزی را که در زنگبار بودم به دادگاه می‌رفتم و روش کار را از نزدیـک می‌دیدم. یک وکیل پارسی شـاهدی را استنطاق می‌کرد و درباره دفاتر بستانکار و بدهکار سؤالاتی از او بعمل می‌آورد. از این حرف‌ها سر در نمی‌آوردم. دفترداری را نه در مدرسه آموختـه بودم و نـه در طول اقامتم در انگلیس. موضوعی که سـبب مسـافرتم به افریقا شـده بود اکثراً با محاسبات سر و کار داشت. فقط کسـی که از حسـابداری و حساب‌رسی اطلاع داشت می‌توانست به کنه قضیه پی‌برد و به تشریح آن پردازد. منشی تجارتخانه نیز مرتب از این مبلغ که به حسـاب بسـتانکار آمده و آن مبلغ که به ستون بدهکار گذارده شده حرف می‌زد. احساس کردم که بیش از پیش گیج شده‌ام. نمی‌دانسـتم فته طلب چیست. چنین لغتی را هم در فرهنگ نتوانستم بیابم. به منشی گفتم از این حرف‌ها سر در نمی‌آورم، و این اصطلاح را از او آموختم. یک کتاب راجع به دفترداری خریدم و مطالعه کردم که خیلی به دردم خورد. به جریان پرونده آشنا شدم. می‌دیدم آقا عبدالله که نمی‌دانست حسابداری و دفترداری چیست بعلت تجربه چنان مهارتی یافته که بغرنج‌ترین مسائل دفترداری را تند حل می‌کرد.

گفتم: حاضرم به پرتوریا روم. پرسـید: «در آن شـهر کجا اقامت خواهی کرد؟» جواب دادم: «هرجا که شـما بخواهید.» گفت: «پس به وکیل خودمان نامه‌ای می‌نویسم ترتیب جا را برای تو بدهد. به علاوه برای دوستان «ممان» خود نیز مراسلاتی می‌فرستم اما توصیه نمی‌کنم نزد آن‌ها بمانی. طرف دعوا در آن صفحات دارای نفوذ زیاد اسـت و اگر از مکاتبه خصوصی بو برد برای ما بد می‌شود. هرچه بیشتر از آن‌ها کناره‌گیری کنی بیشتر به نفعمان خواهد بود.»

جواب دادم: «هرجا که وکیلتان ترتیب دهد توقف می‌کنم. یا آن که مسـتقلاً محلی برای خود خواهم یافت. خواهش می‌کنم ناراحت نباشید. حتی یک نفر هم از آن‌چه درمیان ماست اطلاع حاصل نخواهد کرد. اما قصد و تصمیم دارم با طرف دعوا آشـنا شـوم. بدم نمی‌آید با آن‌ها دوست شوم. سعی می‌کنم در صورت امکان موضوع را در خارج دادگاه حل و فصل کنم. بالاخره هرچه باشـد آقا طیب (طرف دعوا ـ مترجم) از اقوام شماست.»

مسافری داخل کوپه شد. قد و بالای مرا برانداز کرد و دید که «سیاه» هستم. از کوپه بیرون رفت و با یکی دو نفر از مقامات راه‌آهن برگشت

آقـا طیب حاجی خان محمد از اقـوام نزدیک آقا عبدالله بود. دریافتم کـه آقا عبـدالله از لحـن کلام من و ذکر حل و فصـل احتمالی موضوع در خارج از دادگاه ناراحت شـد. اما شـش هفت روز از اقامتم در دوربان می‌گذشـت و ما همدیگر را خوب شناخته بودیم. دیگر برای آقا عبدالله فیل سـفید نبودم. به همین جهت با کمی تردید اظهار داشـت «خو... خوب. خیلی خوب. هیچ‌چیز بهتر از این نیست که موضوع در بیرون دادگاه حل شود و با هم کنار آئیم. ولی ما قوم و خویش هسـتیم و همدیگر را خوب می‌شناسـیم. آقای طیب آدمی نیست که به سهولت در موضوعی توافق کند. کوچک‌ترین بی‌احتیاطی از جانب ما سـبب می‌شـود خیلی چیزها از ما بکشد و در آخر شکستمان دهد. خواهش می‌کنم قبل از آن‌که کوچک‌ترین قدمی برداری خوب جوانب امر را بپائی.»

تأکیـد کردم: از این حیث خاطرتان جمع باشـد. لزومی ندارد با خود آقا طیب یا کسـی دیگر در مورد پرونده اصلی به مذاکره پردازم. فقط پیشنهاد تفاهم خواهم داد که به این طریق تا میزان قابل توجهی از مرافعه‌های غیرلازم بکاهم.

پس از هفتمین یا هشتمین روز ورودم به دوربان این شهر را ترک گفتم. بلیت درجه یک برایم گرفته بودند. پرداخت پنج شیلینگ اضافه برای نگهداشتن تختخواب در ترن معمول بود ولی من از این کار سرباز زدم. آقا عبدالله برحذرم ساخت و گفت «ببین. این جا کشوری سوای هند است. خدا را شکر که وضع مالی ما خوب است و می‌توانیم از عهده هر نوع خرجی برآئیم. خواهش می‌کنیم هرچیزی را که ممکن اسـت لازم داشته باشی ابتیاع کن و از خرج دریغ نداشته باش.»

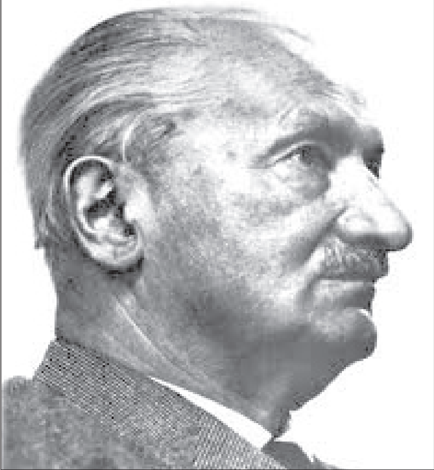
از او تشکر و تقاضا کردم که ناراحت نباشد. ساعت ۹ بعد از ظهر ترن به «ماریتسبرک» پایتخت ناتال رسـید. وسائل خواب در این ایستگاه فراهم می‌شـد. یکی از مسـتخدمین قطار نزد من آمد و پرسـید آیا تخت می‌خواهم؟ جواب دادم که دارم. مسـتخدم پی کار خود رفت. اما مسـافری داخل کوپه شـد. قـد و بالای مرا برانداز کـرد و دید که «سـیاه» هستم. ناراحت شـد. از کوپه بیرون رفت و بـا یکی دو نفر از مقامات راه‌آهن برگشـت. هر سه ساکت بودند که یک مأمور دیگر آمد و گفت: «بیا... تو باید به واگن باری بروی.» گفتم: «ولی من که بلیت درجه یک دارم.»

مأمـور دیگر گفت: «اهمیت ندارد به تو امر می‌کنم به واگن باری برو»! ـ می‌گویم که در دوربان اجازه گرفتم با این قطار و با این درجه مسـافرت کنـم و تا آخر هم بایـد همین‌طور با همین درجه بروم. مأمور گفت: «خیـر. این جا از این حرف‌ها نداریم. بایستی فوراً از این کوپه درجه یک به واگن باری بروی. وگرنه پلیس راه‌آهن را احضار می‌کنم بیرونت کند.»

ادامه دارد

علیرضا ملایی

فکر



نامه‌های هایدگر به همسرش ـ ۳

خدمت سربازی

ادامه از صفحه اول

عزیزترین نازنین قلب من!

حالا برای تو روزهای آرام تفکر از راه رسیدند، با امکان یک زندگی عمیق و درونی که از روح و روان اشـباع شـده است. سپاسـگزارانه لذت بردن از خوشبختی، آرامش معلق دازاین را به همراه می‌آورد و در واقع بالاترین فعالیت‌هاست. امـروزه تنوع وجـود دارد، بخصوص افراد «فرهنگی» دیدی خشن یافته‌اند و موافق اعمال و خشونت‌های درونی و مبارزه و تجربیات معنوی هستند، بعد تبلیغ روش زندگی مثلاً «فعال» را می‌کنند که بیشـتر ظاهری اسـت. آن وقت فلسفه را مورد سرزنش قرار می‌دهند که با زندگی غریبه و از آن روی گردانده است. در اینجا معیار اندازه‌گیری، غلط است، بلکه باید فقط از دلِ شکوفایی خودِ روح، بیرون کشیده شود.

روح به آن چیزی بر می‌خورد که باید بر بخورد و از این ملاقات، موجی پدید می‌آید که در نوسـان اسـت و دیگری را تکان می‌دهد و در حالت نوسـان و در کثرت گرانجانان و میانمایگان و میانمایگی نگه می‌دارد. این تهور مادرزادی روح، تمام چیزهایی را بیهوده و زائد می‌کند که تحت عنوان فلسفهٔ عملی زندگی، از اصطلاح فلسفه سوء استفاده می‌کند.

اگر اعتماد کامل به روح یافتیم، بعد به وضعیتی می‌رسیم که فرهنگ خلاق و منعکس نشده را مجدداً بازسازی کنیم و رشد دهیم. اما این تکیه‌گاه فرهنگی که بسیار هم گسترده شده است، هرگز ما را قدمی به زندگی و تجربهٔ مستقیم نزدیک‌تر نخواهد کرد. این را باید تمام کسـانی که می‌خواهند در آینده در دانشگاه‌های ما «تأثیرگذار» باشند، بدانند. هنرمندان جوان ما به طور شـمی و بیشـتر احساسی، بیش از بقیه روی اساس این دیدگاه‌ها تأثیر گذاشته‌اند.

متأسفانه باید نامه‌ام را در اینجا به پایان برسانم تا بتوانم آن را پست کنم. پسرک تو از صمیم قلب به تو عشق می‌ورزد.

الفریده خوشـحال است که به دلیل حامله بودن، از اول اکتبر مرخصی دارد.

شـایعات و امیدهایی در مورد پیشنهاد آتش‌بس توسط آمریکایی‌ها وجود دارد. مارتین سـعی می‌کند نگرانی‌هایش را در رابـطـه بـا الفریده فراموش کنـد و راه خوش‌بینی را بر می‌گزیند.

هوسـرل درسـت در آغاز جنگ، یک پسـر خود را از دست داد و حالا پسر دیگر آنها گرهارد هم به شدت از ناحیهٔ سـر مجروح شده است. با شنیدن این خبر، مارتین بلافاصله بـه طرف زدان حرکت می‌کند و در بیمارسـتان صحرایی به ملاقات مرد مجروح می‌رود. در آنجا مطلع می‌شود که گرهارد را به وطن منتقل کرده‌اند و بدون اینکه کاری انجام داده باشد، باز می‌گردد.

گریپی در فرایبورگ شیوع می‌یابد و قربانی‌های فراوانی می‌گیرد، خانم و آقای هوسول هم بیمار می‌شوند. در خیابان لرشن، دختر کوچک همسایه از دنیا می‌رود و تئوفیل ریز هم همسر حاملهٔ خود را از دست خواهد داد.

مارتیـن در ۱۷ اکتبر در قطعـه‌ای وضعیت اجتماعی را تشریح می‌کند:

حال فقط جوانان ما را نجات خواهند داد و روح جدیدی از خلاقیـت را در جهان به وجود می‌آورند. هر اتفاقی هم که بیفتد، باید اعتقاد به معنویت را چنان مطمئن و اعتمادبرانگیز در وجود خود زنده نگه داریم که قادر به بازسـازی باشـیم. شـاید این سـاختن، حتی در وضعیت نیاز شدید، محرومیت و برخی موانع انجام گیرد، اما همیشـه در این دوران است که زمان تولد روح فرا می‌رسـد. ما روی یک فرهنگ وحشتناک و سرزندگی ظاهری پافشاری کرده‌ایم. تمام رشته‌های ریشه با چشمه‌های اصلی زندگی واقعی، در اکثریت مردم مرده‌اند. زندگی سـطحی حاکم اسـت، اما به شکلی گستاخ، مزاحم و پرمدعا، روح و روان ما شـور و شـوق کافی برای زندگی و مشـاهدهٔ واقعی جهان‌های پـرارزش را ندارد. به همین دلیل اسـت کـه امروز افـراد در جبهه به هر هـدف تکان‌دهنده و واقعی آگاهی دارند. تحمل رنج ٤ ساله مستلزم پختگی روح و احیای اساسـی اسـت که فرد را به سـمت فداکاری در راه ثروت‌هـای واقعی بکشـاند. به جای آن، حـال افراد به طور سیسـتماتیک از خیالبافـی آلمانی به هم می‌خـورد و از آنجا کـه اکنون ابزاری بـرای قدرت وجود ندارد، بی‌هدفی پوچی به آنان خیره شـده اسـت. در آنان آگاهی به تعلق به مردم در عشـقی واقعی و آمادگی کمک وجود ندارد، بلکه فکر مورد خیانت و سـوء استفاده واقع شدن برای اهداف خودخواهانهٔ افرادی که به لحاظ روحی منحرف شـده‌اند یا کلاً گروه‌های قـدرت غیرمعنوی و عقب‌افتاده وجود دارد. ما طی دهه‌های گذشـته یا حتـی در تمام طول قرن پیش، بـه زندگی درونی خود یا دیگران، رسـیدگی چندانی یا اصولاً هیچ رسیدگی‌ای نکرده‌ایم. ارزش‌هایی مثل معنویت و روح وجود نداشـت و معنـای آنها قابل تجربه و مشـاهده نبود. هدف کامل نابودی

مارتین سعی می‌کند نگرانی‌هایش را در رابطه با الفریده فراموش کند و راه خوش‌بینی را بر می‌گزیند

و در صورت لزوم تحلیل‌های دقیق علمی (زیست‌شناسـی و تاریخی) بودیم. تمام بی‌هدفی و پوچی و غریبگی با ارزش، بر زندگی دولتی و قوانین دولتی حکومت می‌کرد. در اینجا فقط افراد جدیدی کمک‌کننده هسـتند که خویشاوندی مستقیمی بـا معنویات و تقاضاهای آن را در خود دارند و منِ بیشـتر و بیشتر به ضرورت وجود رهبر پی می‌برم. فقط یک فرد است که خلاقیت دارد (حتی در مقام رهبری) و نه تودهٔ مردم. امروز مردم ما به لحاظ معنوی و روحی بسـیار بسـیار فقیرتر از آن هستند که در آینده به لحاظ مادی خواهد شد. نیاز باید حداکثر مسـبب و محرک ظاهری باشـد و نه دلیل و انگیزه‌ای برای دگرگونی روحی و معنوی. برای این کار نیاز به یک روحانیت اولیه هست که ما فاصلهٔ زیادی با آن داریم و از طریق فشارهای زیاد، در شکل جذابیت‌های فنی و ظرافت‌های کمّی و وسایل خوش‌گذرانی، تا حد بیهوشی، له می‌شود.

❋

عزیزترین نازنین قلب من!

دیروز سـه نامهٔ مهرآمیز تو همزمان رسید (نامه‌های ۱۹، ۲۰ و ۲۲) و به این ترتیب زمان دراز انتظار جبران شد. به عقیدهٔ من نامه‌ها به صورت تکی، تأثیری مسـتقیم‌تر و منسـجم‌تر از چنـد نامـهٔ همزمان دارند، ولی در هـر صورت از دریافت همه‌شان خوشحال می‌شوم.

دیشـب زودتر به رختخواب رفتم و مجدداً تمام آنها را خوانـدم. کاملا در اتاق کوچک بودم. تمام چیزهای کوچک را دیـدم. رسـما فضـا را حس کردم و باز هـم نزدیکی تو را چشـیدم که عشق، ملاحت و عمق آن، بخصوص در بعضی از نامه‌ها برایم زنده می‌شود. وقتی مادر عزیز یورگ کوچک، یک سـیب سرخ کردهٔ خوش بو و اشتهابرانگیز به او می‌دهد، نگاهش چه حالتـی دارد و چگونه رازداری و ملاحظه‌کاری را در مـورد چیزهـای خانه‌مـان یاد می‌گیرد کـه خانهٔ پدر و مادر، خوشبختی کودکانه، نور آفتاب و سکوت و البته آگاهی بـه زندگی و امنیت‌های زندگی و مذهب، روحش را اشـباع کند. به تازگـی تصاویر عجیبی از دوران نامزدی‌مان به ذهنم هجوم می‌آورند و در نگاه به گذشـته، غایت‌مندی فوق‌العادهٔ این دوران را می‌چشـم. من هر یک از اینها را نه با زمان‌های متفـاوت، بلکـه به عنوان پله و لایهٔ یک زندگی شـخصی در حال شـکل‌گیری می‌بینم و تمام این شـادی‌های در هم بافته شده، لحظات از خودگذشتگی و اعتماد، فراموش کردن خود در دیگری، در تو، حالا معنای خلاق و ارتقادهندهٔ زندگی را آشکار می‌کنند.

هر چه این جدایی براین مشکل است، به همان اندازه هم اطمینان دارم که این هفته‌ها در آیندهٔ ما تأثیر خواهند گذاشت، آن هم به شـکلی بسـیار پاک، اسـتوار و ریشه‌دار که ما از این وضعیت‌های بحرانی، قوی‌تر و مطمئن‌تر خارج می‌شـویم. در لحظات سکوت، در حال کارکردن، ناگهان مکث می‌کنم. می‌اندیشم. خود را در مقابلت می‌بینم و تصور می‌کنم که تو در حال انجام چه کاری هستی. این لحظات مانند تقدیسی برای بازگشت با هم بودن است و آیندهٔ غنی ما که امروز تفاوتی با دیگران ندارد، پیچیده شده در تقسیم ارزش فعلی و آشکار در آینده‌ای دور اسـت، ولی زمان حالا خلاق چنان است، گویی به مرکز زندگی شـخصی ما تعلق دارد که هر حضوری فقط سر زندگی ارزشمند گذشته و زندگی آینده است؛ یعنی واقعاً تاریخی. تو به تحقیقِ اساسـی تجربیِ زندگی و آگاهی چنین دریافته شـده، براسَـاس عقایَد کاملاً جدید و بنیادی می‌آیی. (برای این باید زبان و اصطلاحات، در تعمقی خاموش، یافته و خلق شـوند. تغییر نگارش‌های خام باید در ساختمان‌های اسـرارآمیز خود در هم تنیده شـوند که شـرط آن، رهاسازی اساسی خود از هستی و وجود ویژهٔ سابق و انگیزه‌های فکری نظری و طبیعی است). تمام مشکل «من»، جای اینکه به یک «من» پاک و خالی، بینجامد، به یک «من» غنی و سرزندهٔ کهن و عناصر متشکلهٔ آن منتهی می‌شود. پرارزش بودن در ماهیت ارزش است. این نشانگر ماهیت روحی شخص است که آن را «دعوت» می‌دانم ـ به این ترتیب اسـتخدام شـده بود که پاسـخی به خدمت فراموش نشـدنی پدر داده باشد، نام این پسر برهمند بود».

❋

یورگ؛ نخسـتین فرزند هایدگـر روز ۲۱ ژانویه به دنیا می‌آیـد. وضعیت تأمین آذوقهٔ مردم بد اسـت. مواد غذایی و سـوخت پیدا نمی‌شـود. خواهر نانتی الفریده برایش وسایل مخصوص نوزاد را فرسـتاده اسـت و تخت بچـه را هم در مسـکیرش سـفارش داده‌اند. مارتین از اول ژانویه دسـتیار خصوصی هوسـرل اسـت. او موضوع «ایدهٔ فلسفه و معضل جهان‌نگری» را درس می‌دهد.

مادر کوچک عزیز!

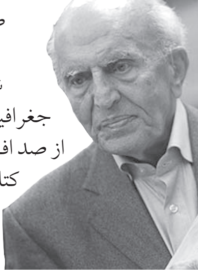
نامه‌هـا امروز بعد از ظهر رسـیدند. تـا یک ربع به پنج، جان کندم و خیلی خوب کار کردم. از همان پشـت میز برای فریدل، ترودشن، لیزی، فتر (کنستانس)، رمباخ، کربس، فینکه و کان نامه نوشتم.

نوعی شـادی ناب و شـفاف در درون دارم. طوری که می‌خواهم دائم کنار سبد کوچک یورگ کوچک بنشینم و از تو تشکر کنم. تجربهٔ جدیدی وارد رابطهٔ ما شده که چنان خاص است که اصلاً قادر به درک منشأیت آن نیستم.

ادامه دارد

میراث‌دار جغرافیا

دکتر محمدحسن گنجی به روایت دکتر محقق



طلب علمت فرمود رسول حق
گر سفر باید کردن به مثل تا چین

شمار کتاب‌ها و رساله‌هایی که درباره علم جغرافیا به وسیله دانشمندان اسلامی تألیف گشته از صد افزون است. آنان، گاه مطالب جغرافی را در کتاب‌هـای تاریخی می‌آوردند مانند مطالبی کـه در کتاب‌های مروج‌الذهب و التنبیه و الاشراف مسعودی و در فارسی در تاریخ گردیزی و تاریـخ بیهقی درباره جغرافی درج شده، و گاهی در سفرنامه‌ها و رحله‌ها اشاره به مطالب و مسائل جغرافیایی شده همچون سفرنامه ابودلف و ابن‌فضلان و رحله ابن‌بطوطه و ابن جبیر و در فارسی مانند سفرنامه ناصرخسرو و مانند آن. ولی بیشتر به صورت اثری مستقل در فن جغرافی کتاب تألیف می‌گردید که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان از کتاب‌های زیر نام برد: المسـالک و الممالک ابن خردادبه، کتاب البلدان ابوعبدالله جیهانی و یعقوبی و ابن‌فقیـه همدانـی، صورة‌الارض ابـن حوقل، الاعلاق النفسـیه ابن رسـته و احسن التقاسیم فی معرفه‌الاقالیـم مقدسـی و بالاخـره معجم‌البلدان یاقوت حموی، و در غرب عالم اسلامی نزهه‌المشتاق فی اختراق الآفاق شریف ادریسی و عجائب‌البلدان ابوالفداء و در زبان فارسی حدودالعالم من‌المشرق الی المغرب. کتاب‌های تاریخ محلی نیز از منابع مهم جغرافیایی به شـمار می‌آیند که از میان آن‌ها می‌توان از تاریـخ بغداد خطیب بغدادی و تاریخ مکه ازرقی و فاکهی و تاریخ نیشـابور حاکم و در فارسـی از تاریخ بخارا اثر نرشخی و تاریخ قم حسن‌بن محمد قمی و فارسنامه ابن بلخی و ده‌ها نظیر آن نام برد. جغرافی‌دانان اسلامی در گردآوری اطلاعات روش و طریقه علمی را به کار می‌بستند و از هر فرصتی برای جمع کردن اخبار مربوط به شهرها و روستاها استفاده می‌کردند. ابن‌الفقیه همدانی می‌گوید من با هر کسی که ملاقات می‌کردم از شهر و وطن او و آنچه که مربوط به مردم و اجتماع آنان بود سـؤال می‌کردم. مقدسی می‌گوید برای این که مردم به من اعتماد کنند و به آسـانی اخبار شـهر و دیارشان را در اختیارم بگذارند در طی سفرهایم با سی و شش اسم خود را معرفی کرده‌ام.

پس از تاسیس دارالفنون به وسیله امیرکبیر این اندیشه پیدا شد که این علم فراموش شـده دوباره احیا گردد. از این روی، نخسـت از معلمان خارجی استفاده شد و سپس دانشمندان ایرانی همچون میرزاعبدالغفـار نجم‌الدولـه (نجم‌الملک) و مهنـدس عبدالرزاق بغایری و مهندس محسـن مسـعود انصاری ـ که می‌توان از آنان به عنوان پیشـروان علم جغرافی و نقشه‌کشی در عصر جدید یاد کرد که با کوشـش و دلسـوزی خاصی به این امر مهم پرداختند. دکتر محمدحسـن گنجی، استاد ممتاز دانشـگاه تهران، از پیشکسوتان این علم در زمان معاصر است. او نه‌تنها آشنایی با میراث کهن این علم دارد بلکه از افراد انگشت‌شـماری اسـت که در جریان علمی بین‌المللی جغرافیا و مسائل مرتبط به آن قرار گرفته است. دبیران و اسـتادیاران و دانشیاران و استادان جغرافی در سراسر کشور از این موهبت عظما برخوردار بوده‌اند که از محضر استاد توانا و فاضلی همچون دکتر گنجی اسـتفاده کرده و از سرچشمه فضل سرشار و بحر زخار علمی او بهره‌مند گشـته‌اند و این از افتخارات دانشـگاه تهران است که متجاوز از شصت سال از وجود پربرکت استاد دکتر گنجی برخوردار بوده و دانشـگاه ادبیات به وسیله او کسب ارزش و اعتبار کرده است.

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، که تجلیل و تعظیم بزرگان علم و دانش و ادب این کشـور را وجهه همت خود سـاخته بود، بسیار مفتخر بود که برای این استاد فرهیخته مجلس بزرگداشت برپا دارد. ای کاش انجمن از امکاناتی برخوردار بود که می‌توانست هفته‌ای یک بار چنین مراسـمی برگزار کند تا نسـل جوان از انفاس قدسیه این بزرگان بهره‌مند گردند و گام خود را جای گام آنان نهند تا ستاره درخشان این مرز و بوم بیش از پیش تابان و فروزان گردد.

گفتگو

در باب حاج حسین آقا ملک
آموختن زبان فرانسه

من آگاه شدم که مدرسه آلیانس افتتاح شد و در آن جا دروس فرانسه تدریس می‌شود. بی‌آنکه پدرم را آگاه کنم در آن مدرسه ثبت‌نام کردم. پسران «ذکاء الملک» ادیب و نخست‌وزیر سال‌های بعد و بسیاری از رجال معروف زمان هم در آن مدرسه درس می‌خواندند. در پایان سال نامه‌ای به زبان فرانسه برایم رسید که به دست پدرم افتاد. آن را به من داد و گفت بخوان ببینم چه نوشته شده است. من به دروغ گفتم، فرانسه نمی‌دانم... گفت برو.

حاج حسین ملک

نامه از مدرسه آلیانس بود که در آن پدرم را برای حضور در جشن پایانی سال دعوت کرده بودند و حضور محصلین نیز الزامی بود. وزیر مختار فرانسه و رجال عصر در جایگاه مخصوص خود نشسته بودند، به من جوائز گوناگون و کتاب‌های مختلف داده شد. میرزا نصرالله مشیرالدوله مرا به سوی خود خواست و گفت: «به پدر تو تبریک گفتم که چنین فرزندی دارد». من از حضور پدرم در آن مجلس غافل بودم. تا او را دیدم از این که به وی دروغ گفته بودم، دستپاچه شدم. کتاب‌ها و جوائز از ترس پدرم از دستم افتادند. از سفارت بیرون پریدم و فرار کردم تا خیابان فردوسی می‌دویدم. از ترس نمی‌خواستم به خانه برگردم. پدرم با درشکه از عقب رسید و دنبال من می‌آمد و پی در پی اصرار می‌کرد که بیا بالا. اما، من از ترس او نمی‌پذیرفتم. چند بار این دعوت را تکرار و به من اطمینان داد که تنبیه نخواهم شد و خندید، سوار شدم. مرا در کنارش نشاند. نه رمق داشتم و نه نفس. برایم شعر عربی خواند. گفت من تو را خزیمه ذوالشهادتین می‌دانستم که دروغ نمی‌گویی. نباید این کار را می‌کردی و برخلاف توقع من، رفتی و این زبان را آموختی، حالا بر تو لازم است که آن را تکمیل کنی و دنبال تحصیلات خارجی را بگیری.»

حاج حسین آقا ملک درباره چگونگی تملک اراضی و املاک خاندان ملک در خراسان چنین نقل می‌کند: «... از ثروتمندین تجار عصر ناصرالدین شاه، به نام حاجی میرزا حسین فرزند حاجی محمدکریم میرزا خلیل بود، که باغ‌ها و مستغلات و اراضی فراوانی در مرکز شهر تهران یعنی در ناحیه اطراف توپخانه و بازار داشت و ثروت و اثاثیه‌اش نیز زبانزد خاص [...]

[...] به او اعتماد و اعتقاد داشت، مأمور تصفیه دیون حاجی میرزا حسین کرد». (از گفته‌های مرحوم ملک)

ادامه دارد

ادامه از صفحه اول

به این طریق که رئیس هر فوج حقوق محلّی فوج خود را از متصدی مالی محل می‌گرفت ولی پرداخت آن به صاحبان حقوق بسته به انصاف و مروت او بود. از حقوق صاحب منصبان کمتر استفاده می‌شد تا از حقوق سربازان، چون‌که طرز گرفتن سرباز روی اساس بونیچه و حقوق او کاملاً قابل استفاده بود.

بودجهٔ غیرثابت مربوط به ایامی بود که فوج به خدمت احضار میشد و حقوق ایام خدمت نقداً و جنساً پرداخت می‌گردید. بطور خلاصه مستخدمین دولت که حقوق مقام میگرفتند رؤساء و صاحب‌منصبان افواج و مأمورین وزارتخارجه و بعضی مأمورین دیگر بودند که بودجه‌ی آنها ثابت بود و تا ضرورت اقتضا نمی‌کرد تغییر داده نمی‌شد. سایر مستخدمین رسومی داشتند که در ازای انجام وظیفه از ارباب رجوع مطالبه میکردند و یک اصل مهم و مفید این بود: به هیچ کس حقوق داده نمی‌شد مگر اینکه قبلاً محل آن معلوم شود و هر وقت پای تعیین محل به میان می‌آمد به هیچ وجدان سلیمی اجازه نمی‌داد از یک عده ناتوان مالیات بگیرند و به یک عده بیکار به این عنوان که مستخدم دولتند بپردازند.

خلاصه اینکه در رژیم جدید تشکیلات سابق از بین رفت و حقوق در ازای مقام قرار گرفت و مقام هم به احتیاجات مملکت محدود نشد و هر کس توانست خود را وارد دستگاه دولت کرد، به طوری که اکنون ۸۰ درصد از کل بودجهٔ عایدات به مصرف حقوق می‌رسد و هر قدر هم که بر عایدات اضافه شود، به همین طریق خرج می‌شود و چیزی به مصرف بهبود جامعه و رفاهیت مردم نمی‌رسد و چون ما در دوره تحولیم نه اصول قدیم را رعایت می‌کنیم که هیچ خرجی تصویب نشود، مگر اینکه قبلاً محل آن معلوم شود نه مجلسی از نمایندگان حقیقی ملت داریم که غیر از مصالح مملکت چیزی در نظر نگیرند، و معلوم نیست که این دوره تا چه وقت طول می‌کشد!!

اختلاس در رژیم قدیم

در رژیم قدیم، اختلاس به معنا و مفهوم امروز وجود نداشت و جهاتی هم بود که نمی‌توانست وجود پیدا کند و آن ایمان در مردم، نداشتن معلومات، نبودن وسایل و عدم احتیاج بود که مقتضی است راجع به هر یک شمه‌ای بیان شود.

۱. ایمان در مردم: با اینکه بعد از مشروطه هادیان افکار سعی بسیار کرده‌اند که هر فردی از افراد را به احترام حقوق دیگران و اطاعت از قانون هدایت کنند، ولی آن طور که انتظار بود [...]



آیینه

زیر نظر: دکتر محمدکاظم حسینیان

دکتر محمد مصدق‌السلطنه به قلم مصدق
اختلاس در رژیم قدیم

فساد هست و در اکثریت نیست؟ گفتم: شمار در رأس یک کنسرسیوم هستید. البته راجع به اقسام بیمه اطلاعات کافی دارید. تمنا می‌کنم بفرمایید برای کالایی که به مقصد ایران حمل می‌شود، شرکت‌های بیمه نفع می‌برند یا ضرر می‌دهند؟ گفت: ضرر نمی‌کنند. گفتم: در این صورت چطور می‌توان قبول نکرد که ایرانیان بدون استثناء فاسد باشند چونکه در هر مملکت صالح و طالح هر دو هست و فساد اخلاق را به کشوری می‌توان نسبت داد که اکثریت مردم در آن فاسد باشند. در صورتی که اکثریت قریب به اتفاق این مملکت صالحند.

بوسکس گفت: آیا می‌توانید مثالی که مطلب را بهتر روشن کند بیاورید؟

گفتم: بلی، شما می‌دانید کالائی که از خارج به ایران حمل می‌شود، در بنادر این کشور به دست چه کسانی داده می‌شود؟

گفت: در این باب اطلاعاتی ندارم. گفتم: این مال‌التجاره‌ها سپرده به اشخاصی می‌شود که نه سواد دارند نه محل اقامت معلوم. این‌ها مردمانی هستند که هر کدام عده‌ای قاطر و شتر [...]

کنند. مالیات‌های مستقیم هم بر طبق جزو جمع معلوم و تا ممیزی جدید به حال خود باقی بود و ابوابجمع ولات و حکام می‌شد که وصل کنند و به صاحبان حقوق بدهند و به مصرف مخارجی که تصویب شده بود، برسانند. در این صورت راه هرگونه اختلاس مسدود بود و تأخیر در پرداخت سبب می‌شد که صاحبان حقوق و یا مامورین دولت برای انجام اموری که به عهده آنان محول شده [...]

برای ارضای اشخاص مورد توجه و یا پیشرفت کار صدراعظم چنین احکامی صادر می‌نمود و یک فرمولی هم همیشه به کار می‌رفت و آن قید از محل بی‌ضرر بود که تا محلی به دست نمی‌آمد نمی‌بایست به کسی حقوق داده شود و ضرری متوجه مالیه مملکت نگردد که غالباً این احکام بدون نتیجه در دست صاحبانش می‌ماند.

وزیر دفتر، طبق معمول کتابچه را تسلیم [...]

[...] می‌شد که حیثیات و اعتبارات خود را از دست بدهند.

۲. نداشتن معلومات: همانطور که هموطنان به علت فقر معلومات نمی‌توانستند کارهای بزرگی در نفع اجتماع صورت بدهند به ضرر جامعه هم نمی‌توانستند مرتکب کار بزرگی بشوند و من‌باب مثال از معلومات و اطلاعات اقتصادی سوءاستفاده کنند و جامعه را دچار ضرر و زیان عظیم نمایند.

مقارن یکی از ادوار پنجم یا ششم تقنینیه [...]

> در رژیم قدیم، اختلاس به مفهوم امروز وجود نداشت و جهاتی هم بود که نمی‌توانست وجود پیدا کند

> سپهسالار دستور ایجاد «مکتب مجانی» داد، و محمد حسن خان صنیع‌الدوله را «به ترتیب و تشخیص معلمین و مجمع متعلمین» گماشت

ادبستان

محمدکاظم کاظمی

شعر انقلاب/۳
شعر دوران ثبات

با پایان یافتن جنگ تحمیلی و رحلت حضرت امام، که تقارنی زمانی در حد یک سال داشت، شعر انقلاب با یک پوست‌اندازی ناگزیر مواجه شد. از این زمان به بعد، هم حال و هوای شعرها کمابیش دگرگون شد و هم شاعران دیگری به میدان آمدند.

بعضی شاعران، به ویژه آنهایی که نامشان بیشتر با جنگ گره خورده بود، شاید به واسطهٔ عادتی که به این موضوع یافته بودند، دچار نوعی فقر مضمون یا کمبود انگیزه شدند. به این سبب، از آن پس حضور پررنگ آنان در عرصهٔ سرایش شعر احساس نشد. شماری از آنان، مثل محمدرضا عبدالملکیان و حسین اسرافیلی و پرویز بیگی به حوزه‌های مدیریتی شعر کشیده شدند. گروهی دیگر حال و هوای دیگری را تجربه کردند؛ مثل علی‌رضا قزوه که به شعر اعتراض و نیز آیینی روی آورد و نصرالله مردانی که به عرفان گرایید و سهیل محمودی که عاشقانه سرایی پیشه کرد. [...]

عکس‌ها سخن می‌گویند/۵۵

انصاف

ایران

زهیر رضوی ۱۱

آموختن برای آینده
دستور «مکتب مجانی»



به «هر محکمه و مجلس» رجوع نمایید و به دست «هر موافق و مخالف» بدهید ـ «اگر توانستند یک دینار اختلاف یا سهو و نسیان بیرون بیاورند ... مورد هر نوع ملامت و شماتت و مؤاخذه و سیاست می‌توانم بود. و اگر صداقت و امانت و درستی خانه‌زاد مرتاً بعد اولی به درجه ثبوت و وضوح رسید... تنبیه و مجازات» آنان را مترصدم. شاه همانجا باز نوشت:

«جناب سپهسالار اعظم،

«عرایض شما را همه را دیدم، و افراد را [...]

گفتگو

در باب حاج حسین آقا ملک
آموختن زبان فرانسه

من آگاه شدم که مدرسه آلیانس افتتاح شد و در آن جا دروس فرانسه تدریس می‌شود. بی‌آنکه پدرم را آگاه کنم در آن مدرسه ثبت‌نام کردم. پسران «ذکاء الملک» ادیب و نخست‌وزیر سال‌های بعد و بسیاری از رجال معروف زمان هم در آن مدرسه درس می‌خواندند. در پایان سال نامه‌ای به زبان فرانسه برایم رسید که به دست پدرم افتاد. آن را به من داد و گفت بخوان ببینم چه نوشته شده است. من به دروغ گفتم، فرانسه نمی‌دانم... گفت برو.

حاج حسین ملک

نامه از مدرسه آلیانس بود که در آن پدرم را برای حضور در جشن پایانی سال دعوت کرده بودند و حضور محصلین نیز الزامی بود. وزیر مختار فرانسه و رجال عصر در جایگاه مخصوص خود نشسته بودند، به من جوائز گوناگون و کتاب‌های مختلف داده شد. میرزا نصرالله مشیرالدوله مرا به سوی خود خواست و گفت: «به پدر تو تبریک گفتم که چنین فرزندی دارد». من از حضور پدرم در آن مجلس غافل بودم. تا او را دیدم از این که به وی دروغ گفته بودم، دستپاچه شدم. کتاب‌ها و جوائز از ترس پدرم از دستم افتادند. از سفارت بیرون پریدم و فرار کردم تا خیابان فردوسی می‌دویدم. از ترس نمی‌خواستم به خانه برگردم. پدرم با درشکه از عقب رسید و دنبال من می‌آمد و پی در پی اصرار می‌کرد که بیا بالا. اما، من از ترس او نمی‌پذیرفتم. چند بار این دعوت را تکرار و به من اطمینان داد که تنبیه نخواهم شد و خندید، سوار شدم. مرا در کنارش نشاند. نه رمق داشتم و نه نفس. برایم شعر عربی خواند. گفت من تو را خزیمه ذوالشهادتین می‌دانستم که دروغ نمی‌گویی. نباید این کار را می‌کردی و برخلاف توقع من، رفتی و این زبان را آموختی، حالا بر تو لازم است که آن را تکمیل کنی و دنبال تحصیلات خارجی را بگیری.»

حاج حسین آقا ملک درباره چگونگی تملک اراضی و املاک خاندان ملک در خراسان چنین نقل می‌کند: «... از ثروتمندین تجار عصر ناصرالدین شاه، به نام حاجی میرزا حسین فرزند حاجی محمدکریم میرزا خلیل بود، که باغ‌ها و مستغلات و اراضی فراوانی در مرکز شهر تهران یعنی در ناحیه اطراف توپخانه و بازار داشت و ثروت و اثاثیه‌اش نیز زبانزد خاص و عام بود. وی در حدود سال‌های ۱۳۱۰ هجری ورشکست شد. عزاداری‌ها و روضه‌خوانی‌ها و خرج دادن‌هایش در این باغ‌ها از فرط شکوه فراموش نمی‌شد. هنگام ورشکستگی مبالغی به مؤسسات و اشخاص خارجی بدهکار مانده بود. ناصرالدین شاه در حفظ حقوق اتباع بیگانه‌ای که با ایران داد و ستد داشتند، متعصب و تا حدودی متعهد بود. زیر فشار مطالبه خارجی‌ها و همچنین شکایات بازرگانان و طلبکاران داخلی ورشکسته مذکور، پدرم را که از حیث لیاقت و مدیریت و نفوذ در بین تجار و بازاری‌ها به او اعتماد و اعتقاد داشت، مأمور تصفیه دیون حاجی میرزا حسین کرد». (از گفته‌های مرحوم ملک)

ادامه دارد

زیر نظر: دکتر محمدکاظم حسینیان

آیینه

دکتر محمد مصدق‌السلطنه به قلم مصدق
اختلاس در رژیم قدیم

ادامه از صفحه اول

به این طریق که رئیس هر فوج حقوق محلّی فوج خود را از متصدی مالی محل می‌گرفت ولی پرداخت آن به صاحبان حقوق بسته به انصاف و مروت او بود. از حقوق صاحب منصبان کمتر استفاده می‌شد تا از حقوق سربازان، چون‌که طرز گرفتن سرباز روی اساس بونیچه و حقوق او کاملاً قابل استفاده بود.

بودجهٔ غیرثابت مربوط به ایامی بود که فوج به خدمت احضار میشد و حقوق ایام خدمت نقداً و جنساً پرداخت می‌گردید. بطور خلاصه مستخدمین دولت که حقوق‌مقام‌میگرفتند‌رؤساء و صاحب‌منصبان افواج و مأمورین وزارتخارجه و بعضی مأمورین دیگر بودند که بودجه‌ی آنها ثابت بود و تا ضرورت اقتضا نمی‌کرد تغییر داده نمی‌شد. سایر مستخدمین رسومی داشتند که در ازای انجام وظیفه از ارباب رجوع مطالبه میکردند و یک اصل مهم و مفید این بود: به هیچ کس حقوق داده نمی‌شد مگر اینکه قبلاً محل آن معلوم شود و هر وقت پای تعیین محل به میان می‌آمد به هیچ وجدان سلیمی اجازه نمی‌داد از یک عده ناتوان مالیات بگیرند و به یک عده بیکار به این عنوان که مستخدم دولتند بپردازند.

خلاصه اینکه در رژیم جدید تشکیلات سابق از بین رفت و حقوق در ازای مقام قرار گرفت و مقام هم به احتیاجات مملکت محدود نشد و هر کس توانست خود را وارد دستگاه دولت کرد، به طوری که اکنون ۸۰ درصد از کل بودجهٔ عایدات به مصرف حقوق می‌رسد و هر قدر هم که بر عایدات اضافه شود، به همین طریق خرج می‌شود و چیزی به مصرف بهبود جامعه و رفاهیت مردم نمی‌رسد و چون ما در دوره تحولیم نه اصول قدیم را رعایت می‌کنیم که هیچ خرجی تصویب نشود، مگر اینکه قبلاً محل آن معلوم شود نه مجلسی از نمایندگان حقیقی ملت داریم که غیر از مصالح مملکت چیزی در نظر نگیرند، و معلوم نیست که این دوره تا چه وقت طول می‌کشد!!

اختلاس در رژیم قدیم

در رژیم قدیم، اختلاس به معنا و مفهوم امروز وجود نداشت و جهاتی هم بود که نمی‌توانست وجود پیدا کند و آن ایمان در مردم، نداشتن معلومات، نبودن وسایل و عدم احتیاج بود که مقتضی است راجع به هر یک شمه‌ای بیان شود.

۱. ایمان در مردم: با اینکه بعد از مشروطه هادیان افکار سعی بسیار کرده‌اند که هر فردی از افراد را به احترام حقوق دیگران و اطاعت از قانون هدایت کنند، ولی آن طور که انتظار بود از عمل خود نتیجه‌ای نگرفته‌اند. در رژیم قدیم معتقدات دیگری بود که تا حدی مورد توجه جامعه قرار گرفته بود و یکی از آن معتقدات که در جریان زندگی تاثیر داشت، این بود که هر کس نان و نمک کسی را می‌خورد، به مال و به ناموس و آنچه که مربوط به صاحب نان و نمک بود و به او تعلق داشت، نمی‌بایست خیانت بکند.

وزراء و مستخدمین دولت هم روی همین اصل که نان و نمک شاه را می‌خورند و شاه خود را مالک مملکت می‌دانست، به مملکت خیانت نمی‌کردند و هر عملی برخلاف این اصل سبب



می‌شد که حیثیات و اعتبارات خود را از دست بدهند.

۲. نداشتن معلومات: همانطور که هموطنان به علت فقر معلومات نمی‌توانستند کارهای بزرگی در نفع اجتماع صورت بدهند به ضرر جامعه هم نمی‌توانستند مرتکب کار بزرگی بشوند و من‌باب مثال از معلومات و اطلاعات اقتصادی سوءاستفاده کنند و جامعه را دچار ضرر و زیان عظیم نمایند.

مقارن یکی از ادوار پنجم یا ششم تقنینیه که دولت می‌خواست عده‌ای مستشار برای مؤسسات کشور یا فقط بانک ملی ایران از خارج استخدام کند، رئیس یکی از کنسرسیوم‌های آلمانی موسوم به «بوسکس» را ـ که سال‌ها در ترکیه رئیس اداره دیون عمومیه بود ـ برای مطالعه در اوضاع ایران و اظهار عقیده راجع به استخدام مستشار از آلمان دعوت کرده بودند که من وکیل مجلس بودم به دیدنم آمد و خواهش نمود هر وقت از او بازدید می‌کنم قبلاً خبر بدهم تا نسبت به بعضی از امور با هم تبادل نظر کنیم. آن روز فرا رسید. به محلی که اکنون بیمارستان شماره ۲ ارتش است و دولت از او پذیرائی می‌کرد، رفتم و صحبت از بعضی قوانین ما که مطالعه کرده بود پیش آمد و از من توضیحاتی خواست که چون نسبت به استخدام مستشار از آلمان اظهار خوش‌بینی نکردم، گفت: تصور نمی‌کنم آن‌ها بتوانند در ایران کار مهمی انجام دهند، چونکه با هر یک از هموطنان شما که مذاکره کرده‌ام، گفته‌اند فساد اخلاق مانع است که آن‌ها بتوانند در ایران توفیق حاصل کنند.

گفتم کسانی که این اظهارات را کرده‌اند، از یک اقلیتی هستند که در ممالک غرب معلوماتی کسب کرده و به تمدن آنجا آشنا شده‌اند که از این حرف خود را گرفت و در هم رفت و گفت: مگر ساکنین ممالک غرب فاسدند که هموطنان شما از ما درس فساد گرفته باشند؟

گفتم: اگر قبول کنیم در این مملکت عده‌ای فاسدند، آن عده از کسانی هستند که از بالا رفتن سطح معلومات خود سوءاستفاده می‌کنند. بوسکس گفت: خواهش می‌کنم قدری توضیح بدهید تا بفهمم چرا بین بعضی از افراد اقلیت فساد هست و در اکثریت نیست؟ گفتم: شمار در رأس یک کنسرسیوم هستید. البته راجع به اقسام بیمه اطلاعات کافی دارید. تمنا می‌کنم بفرمایید برای کالایی که به مقصد ایران حمل می‌شود، شرکت‌های بیمه نفع می‌برند یا ضرر می‌دهند؟ گفت: ضرر نمی‌کنند. گفتم: در این صورت چطور می‌توان قبول نکرد که ایرانیان بدون استثناء فاسد باشند چونکه در هر مملکت صالح و طالح هر دو هست و فساد اخلاق را به کشوری می‌توان نسبت داد که اکثریت مردم در آن فاسد باشند. در صورتی که اکثریت قریب به اتفاق این مملکت صالحند.

بوسکس گفت: آیا می‌توانید مثالی که مطلب را بهتر روشن کند بیاورید؟

گفتم: بلی، شما می‌دانید کالائی که از خارج به ایران حمل می‌شود، در بنادر این کشور به دست چه کسانی داده می‌شود؟

گفت: در این باب اطلاعاتی ندارم. گفتم: این مال‌التجاره‌ها سپرده به اشخاصی می‌شود که نه سواد دارند نه محل اقامت معلوم. این‌ها مردمانی هستند که هر کدام عده‌ای قاطر و شتر دارند و در یکی از بنادر کالایی را برای حمل به مقصد معلوم می‌گیرند و چنانچه به قرص نانی محتاج شوند، کوچکترین تجاوز نمی‌کنند تا آن را صحیح و سالم به دست گیرندگان بسپارند.

چنانچه اکثریت مردم فاسد بود، چطور می‌شد که بین این طبقه مردمانی به این صفت درآیند!؟ و شرکت‌های بیمه کالائی را به مقصد ایران بیمه کنند و صدی صد ضرر ندهند!؟ آیا در آلمان می‌توان مال‌التجاره‌ای را به کسی داد که نه صاحب سواد باشد نه معروف در محل؟

گفت: تصدیق می‌کنم که حق با شماست.

گفتم: این حرف‌ها از کسانی تراوش کرده است که از معلومات خود به واسطه نبودن قانون و یا عدم اجرای آن سوءاستفاده می‌کنند و این کار هم منحصر به ایران نیست و در دوره تحول هر مملکتی سابقه دارد. آن وقت که در ممالک غرب مردم سواد نداشتند به قانون جعل و تزویر احتیاج نبود. مردم بی‌سواد انگشت خود را پای سند می‌زدند، انکار نمی‌کردند؛ ولی به تدریج که سطح معلومات بالا رفت، به قانون جعل و تزویر محتاج شدند و تا قانون تصویب و اجراء نشد از معلومات خود سوءاستفاده می‌کردند.

بدین منوال است وضع مملکت ما که در دوره تحولیم و بعد از این که خاتمه یافت ما هم می‌توانیم مثل شما زندگی کنیم و آن چیزی که موجب تطویل آن بشود، یأس است که نمی‌بایست آن را به خود راه دهیم.

۳. نبودن وسایل: از آنچه گذشت معلوم شد که در آن عصر مالیه ایران به چه صورت اداره می‌شد و جز عوائد گمرک که در مقاطعه بود، مالیات‌های غیرمستقیم دیگر نبود که مأمورین وصول بتوانند از آن‌ها سوءاستفاده کنند. مالیات‌های مستقیم هم بر طبق جزو جمع معلوم و تا ممیزی جدید به حال خود باقی بود و ابوابجمع ولات و حکام می‌شد که وصل کنند و به صاحبان حقوق بدهند و به مصرف مخارجی که تصویب شده بود، برسانند. در این صورت راه هرگونه اختلاس مسدود بود و تأخیر در پرداخت سبب می‌شد که صاحبان حقوق و یا مامورین دولت برای انجام اموری که به عهده آنان محول شده بود، شکایت کنند و شکایت زیاد موجب برکناری متخلفین از کار بود.

۴. عدم احتیاج: زندگی بسیار ساده و سهل بود و جامعه دچار تجملات امروز نبود. زندگی محقر موجب اعتبار و افتخار بزرگترین تجار و زندگی ساده و بی‌تجمل دلیل بر صحت عمل رجال بود. کمتر کسی پای خود را از گلیم دراز می‌نمود و بلندپروازی می‌کرد. خانه‌های رجال با مساکن متوسط ناس فرق نداشت، با این فرق که نان در آنجا یافت می‌شد و عده‌ای متمتع می‌شدند و این عدم احتیاج سبب شده بود که هرکسی بتواند از کارهای ناشایست خودداری کند و نام نیک خود را دستخوش اغراض نامطلوب قرار ندهد.

در رژیم قدیم، اختلاس به مفهوم امروز وجود نداشت و جهاتی هم بود که نمی‌توانست وجود پیدا کند

در آن عصر یکی از مستوفیان به نام میرزامحمود معروف به صاحب دیوان و متصدی استیفای خراسان در کتابچه سال ۱۲۷۱ شمسی آن ایالت عملیاتی کرده بود که بزرگترین کار خلافی بود که در مالیه مملکت شده و افکار جامعه را به خود جلب کرده بود و اکنون باید دید که آن کار خلاف در برابر سوءاستفاده‌هایی که در این عصر از مالیه مملکت می‌شود، چقدر برخلاف قانون [بود] و چه مبلغ به دولت خسارت رسیده بود.

مذکور شد که در آن رژیم، یکی از اصول برای حفظ توازن جمع و خرج این بود که تا محلی پیدا نشود خرجی تصویب نگردد و روی این اصل، همیشه بودجه مملکت موازنه داشت که برای حفظ این توازن میرزامحمود ۲۰ هزار تومان به اسم تفاوت عمل و بدون اینکه محل آن را تعیین کند و همچنین از روی چه تناسب والی خراسان از مالیات‌دهندگان وصول نماید در کتابچه دستورالعمل آن سال جمع کرده بود و به اسم اشخاصی که حکم برقراری حقوق جدید یا اضافه حقوق داشتند مواجب به خرج نوشته بود.

صدور احکام در آن زمان مشکل نبود و برای ارضای اشخاص مورد توجه و یا پیشرفت کار صدراعظم چنین احکامی صادر می‌نمود و یک فرمولی هم همیشه به کار می‌رفت و آن قید از محل بی‌ضرر بود که تا محلی به دست نمی‌آمد نمی‌بایست به کسی حقوق داده شود و ضرری متوجه مالیه مملکت نگردد که غالباً این احکام بدون نتیجه در دست صاحبانش می‌ماند.

وزیر دفتر، طبق معمول کتابچه را تسلیم هیئت رسیدگی نمود و گزارش هیئت این بود که میرزا محمود بدون اینکه محل وصول تفاوت عمل را معلوم کند و همچنین تناسب مالیات بده هرکس را در نقاط جزء محل تعیین نماید، بیست هزار تومان در کتابچه دستورالعمل به اسم تفاوت عمل جمع کرده و معادل آن به اسم اشخاص حقوقی به خرج نوشته است که چون برخلاف مقررات است، از جمع و خرج هر دو باید برگردد.

پدرم او را خواست و تأکید نمود: کتابچه را اصلاح کند. میرزامحمود هم که تجهیزاتی کرده بود تا بتواند مبارزه کند و یکی از آن تجهیزات در خانه خود ما بود، سری تکان داد و رفت که این کار معنای بسیار داشت.

چند ماه قبل از تنظیم کتابچه سه چلچراغ بلور و یک جعبه‌سازی که دو عروسک رقاص داشت، برای مادرم فرستاد که چون پدرم او را خوب می‌شناخت، گفت: اگر میدانستم این‌ها را از چه نظر فرستاده است بد نبود، که مادرم بی‌اختیار گفت: خودت که از هیچکس چیزی قبول نمی‌کنی این هدیه را هم که برای من آورده‌اند، می‌خواهی رد کنی که چون پدرم از او ملاحظه داشت چیزی نگفت و کار به سکوت گذشت. ولی بعد که مادرم از اطاق رفت، گفت خدا عاقبت ما را از این کار بخیر فرماید.

سپس میرزا محمود آمد و مرا خواست و پرسید از دولت چقدر حقوق داری؟ اگر اشتباه نکنم گفتم: ۱۲۰ تومان و این همان حقوقی بود که بعد از فوت فیروزمیرزا فرمانفرما ـ پدر مادرم ـ به من رسیده بود که با طرز مخصوص به خود گفت: حیف نیست تو پسر وزیر دفترباشی و به این جزئی حقوق قناعت کنی باشد که خودم آن را جبران نمایم و بعد از لله من همین سؤال را نمود که گفت: امیدوارم که خودم جبران بی‌عرضگی تو را بکنم.

مستوفی خراسان به این قناعت ننمود و گفت: از گیس سفیدی که می‌گویند طرف توجه آقاست، بپرسند حقوقی دارد یا نه و می‌خواهد برای خود یا یکی از کسانش حقوقی برقرار شود که گفته بود: نیکی و پرسش؟ اسم برادر او را هم که در کرمان بود و حقوقی نداشت نوشت و همچنین اسم خواجه سیاهی که در خدمت ما بود و میرزا محمود او را خوب می‌شناخت و می‌دانست که شخص مؤثری است، یادداشت کرد و رفت.

گیس سفید که شخصی بود فهمیده و خوش‌صحبت، شب در ضمن وقایع روز موضوع را برای پدرم نقل نمود که رنگ از صورتش پرید و گفت: من می‌دانستم میرزا محمود بی‌جهت برای ما ساز و نقاره نفرستاده است. تجهیزات مشابهی هم در خانه امین‌السلطان صدراعظم و انیس الدوله ـ مورد توجه شاه ـ کرده بود.

پس از مذاکرات و تأکیدی که پدرم برای اصلاح کتابچه نمود، میرزا محمود بیکار ننشست. به تمام کسانی که در خانه ما وعده حقوق داده بود، پیام فرستاد که: من وظیفه خود را انجام داده‌ام، باقی مربوط به خود شماست که آنها هم با خود شور کردند و هر کدام در مقابل پدرم عکس‌العملی نشان دادند که شرح وقایع خانه ما در آن روزها از حوصله این اوراق خارج است و فقط کافی است که بگویم پدرم طوری گرفتار بایکوت تطمیع شدگان قرار گرفته بود که غالباً می‌گفت: خدا مرگم بدهد از دست میرزامحمود خلاص شوم. ولی با تمام مشکلاتی که در خانه برای زندگی او فراهم شده بود کتابچه را مهر ننمود و میرزامحمود تجهیزات خود را در خانه امین‌السلطان و اندرون شاه به کار انداخت که صدراعظم از طرف شاه کتابچه را خواست. پدرم مهر نکرده فرستاد صدراعظم آن را مهر کرد و شاه توشیح نمود.

در آن سال میرزا فتحعلی خان شیرازی، صاحب دیوان والی خراسان بود و چنانچه اشتباه نکنم، شصت هزار تومان به خزانه داده بود که می‌بایست از تفاوت عمل مرسوم و معمول جبران کند. نظر به این که ۲۰ هزار تومان جدید محل معینی نداشت، نه می‌توانست از کسی بگیرد نه به صاحبان حقوق چیزی بدهد. به این لحاظ از قبول کتابچه خودداری نمود و این وقایع مصادف بود با فوت پدرم که اول شهریور ۱۲۷۱ به مرض وبا در طهران فوت کرد و بعد نمی‌دانم چه صورتی پیش آمد که صاحب دیوان کتابچه را قبول نمود.

استیفای خراسان به همین دلیل از میرزا محمود منتزع شد و میرزا فضل‌الله خان نوری ـ یکی از منشیان مخصوص صدراعظم ـ به این سمت منصوب گردید. میرزا محمود که بیچاره و بدبخت شده بود، به صدراعظم تظلم نمود و او هم که به علو طبع و سخاوت معروف بود، باغ کنت ملکی خود را ـ که قسمتی از آن اکنون بیمارستان امیراعلم است و آنوقت در حدود ۲۰ هزار مترمربع بود ـ بلاعوض به او واگذار نمود.

ورود به خدمت دولت و تحصیلات

بین رجال عهد ناصری، حسنعلی خان گروسی امیرنظام مردی بود صاحب اراده و به نام که چند سال در تبریز سمت پیشکاری ولیعهد را داشت و برای پیشرفت کار خود از دو داماد ولیعهد و دو رقیب یعنی سلطان عبدالمجید میرزا عین‌الدوله و عبدالحسین میرزا نصرت‌الدوله دائی من استفاده می‌کرد که به واسطهٔ فوت ناصرالدوله فرمانفرما ـ والی کرمان ـ این رقابت از بین رفت، چه نصرت‌الدوله از حیث کار و لقب هر دو قائم‌مقام برادر شد. از تبریز به طهران آمد و به مقر مأموریت خود حرکت کرد.

امیرنظام از این نظر که اجرای دستور دولت در تبریز راجع به امتیاز دخانیات در صلاح مملکت نبود، از کار کناره نمود و در اواسط سال ۱۲۶۹ به طهران آمد. پدرم که از دوستان قدیم او بود، به واسطه ناخوشی و کسالت نتوانست از او دیدن کند و مرا که آن وقت در حدود ۹ سال داشتم، نزد او فرستاد. خاطرم است که امیر در حیاط نشسته بود و از واردین پذیرائی می‌کرد و بعد از اینکه از حال پدرم سؤال نمود، کتاب حافظی را از صندوقدار خود خواست که آورد و برای من فالی گرفت که این غزل درآمد:

ای دل آن به که خراب از می گلگون باشی
بی زر و گنج به صد حشمت قارون باشی
در مقامی که صدارت به فقیران بخشند
چشم دارم که به جاه از همه افزون باشی
در ره خانهٔ لیلا که خطرهاست به جان
شرط اول قدم آن است که مجنون باشی

که من از اول تا به آخر آن را خواندم. سپس لای کتاب کاغذی گذارد و آن را با عکسی از خود که زیر آن اسم مرا نوشت و امضاء کرد به من یادگار داد و گفت این غزل را برای آقا هم بخوان.

ناگفته نماند: سال ۱۲۸۸ که در پاریس تحصیل می‌نمودم چون احتیاج بودجه داشتم این کتاب را که بسیار خوش خط بود به ۷۵۰ فرانک فرانسه که آن وقت در حدود ۱۵۰ تومان بود فروختم.

بعد از امیرنظام میرزا عبدالرحیم‌خان قائم‌مقام به سمت پیشکاری ایالت آذربایجان منصوب شد و در زمستان سال ۱۲۷۳ با ولیعهد به طهران آمد که آن وقت متجاوز از دو سال بود که پدرم فوت کرده بود و من در حدود ۱۲ سال داشتم و چون مادرم بعد از فوت پدر با میرزا حسین وزیر دفتر برادرم اختلاف پیدا کرد و نمی‌خواست در آن قسمت از خانه که پدر در حال حیات خود به من داده بود بماند، با میرزا فضل‌الله خان وکیل‌الملک منشی باشی ولیعهد پدر سناتور والا تبار ازدواج نمود و مرا هم با خود به تبریز برد.

گرچه قائم‌مقام یکی از رجال خوشنام بود، ولی از این نظر که مأموریت‌های او غالباً در خارج از کشور صورت گرفته بود و نسبت به اوضاع و احوال داخلی اطلاعات کافی نداشت و فرمانفرما رقیب عین‌الدوله هم در تبریز نبود نتوانست مدت زیادی در کار بماند.

عین‌الدوله به حکومت اُرومیه و خوی و سلماس منصوب شده بود که دفع‌الوقت می‌کرد و به محل مأموریت نمی‌رفت، تا اینکه به عنوانی کمیابی نان خانه قائم مقام غارت شد و عین‌الدوله به پیشکاری آذربایجان منصوب گردید. قائم‌مقام که باغ‌های وحش ممالک خارجه را دیده بود، عشق مفرطی به طیور داشت که مرغ‌های او را سر بریدند. یال و دم شیری را که از گچ ساخته شده بود، شکستند که بعد خانه او به امر ولیعهد تعمیر شد و در آن استقرار یافت. با جمشید میرزا ساعد نظام ـ دائی مادرم ـ که به دیدن او رفتم تیکه و پاره‌های یک کاسه چینی و قیمتی را نشان می‌داد و می‌گفت: جانم اگر این کاسه را نمی‌شکستی بقال که به تو ماست می‌داد. شهرت داشت که صاحبخانه‌ای از سرقت اموال خود شکایت کرده بود و او به صاحب مال گفته بود: «بالام گت ایت ساخلا» یعنی جانم برو سگ نگهدار.

تا اردیبهشت ۱۲۷۵ شمسی که ناصرالدین شاه به قتل رسید، عین‌الدوله پیشکار آذربایجان بود و بعد با مظفرالدین شاه به طهران آمد و چون شاه از خدمات امین‌السلطان صدراعظم برای جلوگیری از هرج و مرج و حفظ امنیت رضایت داشت، او را در مقام خود ابقاء نمود و عین‌الدوله را به حکومت بروجرد و لرستان و عربستان فرستاد.

ادامه دارد

ایران

زهیر رضوی ۱۱

آموختن برای آینده
دستور «مکتب مجانی»



به «هر محکمه و مجلس» رجوع نمایید و به دست «هر موافق و مخالف» بدهید ـ «اگر توانستند یک دینار اختلاف یا سهو و نسیان بیرون بیاورند ... مورد هر نوع ملامت و شماتت و مؤاخذه و سیاست می‌توانم بود. و اگر صداقت و امانت و درستی خانه‌زاد مرتاً بعد اولی به درجه ثبوت و وضوح رسید... تنبیه و مجازات» آنان را مترصدم. شاه همانجا باز نوشت:

«جناب سپهسالار اعظم،

«عرایض شما را همه را دیدم، و افراد را گذشته و هذه‌السنه را همه را خواندم. ابداً ایرادی در حساب وجوه قشونی، وه بر شما نبود که لازم بشود این طور عرایض بنویسید، و افراد بفرستید... همچه نگرانی نبود و نیست...»

البته دفاع سپهسالار را از پاکدامنی خویش نمی‌توان طبیعی شمرد. اما نمی‌توان چنان آرای قطعی شاه را در تایید آن معنی، مجامله کارانه انگاشت. به علاوه یقین داریم که میرزا حسین خان در مقابل آن همه دشمنانی که داشت ـ سخت پای‌بند حفظ آبروی خود بود. حتی شاه همان زمان به وسیلهٔ امین الدوله و حکیم الممالک به میرزا حسین خان پیشنهاد کرده بود: جواهر پیشکشی ملکم را، او بخرد و بهای آن را به هجده هزار تومان به ناصرالدین‌شاه بدهد. سپهسالار آشکارا رد کرد. نوشت: حاضر است امر شاهانه را «بالطوع و الرغبه یا به طور اکراه و اجبار» تمکین نماید و «حتی پیراهنی که در بدن دارد، به او هم ابقا ننموده تسلیم کند ـ و لکن نه در مقابل جواهرهای ملکم خان که در انظار هزار معایب به جهت خانه‌زاد دارد. و سرکار... هیچوقت تا به حال به عیب و لکه دربارهٔ فدوی راضی نشده‌اند، و انشاءالله تا آخر امر راضی نخواهند شد.» همانجاست که این سخن تنبه‌آمیز را آورد: خدمت را «مثل دیگران و سایرین به جهت مزد و جلب نفع نکرده‌ام... یک نفر آدمی هستم بلاعقب، تا زنده هستم... یک لقمه نانی به جهت قوت لایموت فدوی قحط نخواهد شد. خواستم... از آثار خوب و اجرای قواعد حسنه، عقبی به جهت خود بگذارم، و او را هم جمع شده، نگذاردند و به مقصود خود نایل شدند.»

رای ما این است: آنچه از اسناد رسمی تاکنون بدست ما رسیده، شخص سپهسالار را در اتهام به تصرف مال دیوان تبرئه می‌گردانند. او که به توهم بدنامی خویش، دستور ناصرالدین‌شاه را بر سر معاملهٔ خصوصی جواهر فرمان نبرد، و ترک اولی نکرد ـ معقول و منطقی نمی‌آید که در کار خزانهٔ نظام که دشمنانش چهارچشمی وی را می‌پائیدند ـ از راه راست منحرف گردیده باشد. گمان می‌رود عامل عمدهٔ بروز آن گفت و شنودها، مستقل گردانیدن خزانهٔ لشکر از نظارت مستقیم وزارت مالیه بوده است. به علاوه دشمنی میان مستوفی الممالک و سپهسالار هم بی‌تأثیر نبود. رئیس استیفا در پی مایه گرفتن برای سپهسالار بود، این هم می‌خواست آبروی حریف را ببرد. نکتهٔ مسلم اینکه حتی به تصریح اعتمادالسلطنه، میرزا نصرالله مستوفی گرگانی از جانب دیوان استیفا مأمور گشت علیه سپهسالار حسابسازی کند و او را باقی‌دار معرفی نماید. در مجلس رسیدگی کتابچه‌های مفاصا حساب او را نیاوردند، و به زور مستوفیگری سپهسالار را یکصد و بیست هزار تومان بدهکار دیوان ساختند. این قضیه پس از مرگ وی رخ داد و برای این بود که آن وجه را از میراث او بگیرند و «نوش جان» کنند. در عین حال نباید پنداشت که خزانهٔ نظام بکلی از هر گونه آلودگی مصون مانده باشد. برعکس با همهٔ وسواس مستوفیانه و درستکاری میرزا موسی وزیر لشکر، مال دولت را حیف و میل می‌کردند.

به گفتهٔ او: در حساب جهانگیرخان رئیس قورخانه «قریب چهل هزار تومان تفاوت بهم رسید.» همچنین ناصرالملک از مواجب توپچیان مبلغی به عنوان «رسوم» اخاذی کرده بود. سپهسالار خود نیز انکار ندارد که: «محاسبهٔ جهانگیرخان هزار خروار آب برمی‌دارد.» اما نکته اینجاست که خزانهٔ نظام فقط واحدی بود از دستگاه دیوان. و این تصور باطل است که در هیات مجموع آلودهٔ فاسد، یک واحد آن سالم بماند، بری از هر کژی و کاستی.

سپهسالار دستور ایجاد «مکتب مجانی» داد، و محمد حسن خان صنیع‌الدوله را «به ترتیب و تشخیص معلمین و مجمع متعلمین» گماشت

در ۱۲۸۸ سپهسالار دستور ایجاد «مکتب مجانی» داد، و محمد حسن خان صنیع‌الدوله را «به ترتیب و تشخیص معلمین و مجمع متعلمین» گماشت. به کوشش صنیع‌الدوله مدرسه تشکیل گردید، او مدیر بود و «بروسکی» ناظم مدرسه. عدهٔ شاگردان آن در ۱۲۸۹ «متجاوز از هفتاد نفر» ذکر شده است. میرزا حسین خان خود به مدرسه می‌آمد و شاگرد و معلم را تشویق می‌کرد. به تقاضای صنیع‌الدوله آن را «مدرسهٔ مشیری» (به نام مشیرالدوله) خواندند. بعدها می‌نویسد: «جمعی از عملهٔ خلوت برآوردهٔ آن مدرسه هستند.»

کلاس درس زبان‌های خارجه وابسته به «دارالترجمهٔ دولتی» بود. دارالترجمه در ۱۲۸۸ به صورت دستگاه جداگانه‌ای درآمد، و عمارت مخصوصی برای آن معین گردید. ریاست آن را صنیع‌الدوله داشت. در شعبان همان سال به موجب اعلان رسمی، مجلس درس چهار زبان فرانسوی و انگلیسی و روسی و ترکی اسلامبولی برقرار گردید. مجانی و عمومی بود. و هدف آن «رواج السنه مختلفه و ترقی این صنعت» در ایران بود. عدهٔ شاگردان دارالترجمه در سه ماههٔ آغاز آن به شصت نفر رسیدند. نکتهٔ درخور توجه اینکه در میان آن شاگردان، غیر از افراد دیوانی و طبیب و لشکری ـ به کسانی از طبقات دیگر برمی‌خوریم ـ از جمله: یک آخوند، یک بازرگان، دو بازرگان‌زاده، پسر یکی از یوزباشی‌های تهران، و یک معمارزاده.

به علاوه از طرف رئیس مدرسهٔ دارالفنون اعلام شد که: از اول ذیقعدهٔ ۱۲۸۸ هر روزه در عمارت پهلوی دارالفنون «مجلس درسی منعقد است که مجاناً گفته می‌شود.» این علوم را در آنجا تدریس می‌کردند: ریاضی، فیزیک، حکمت طبیعی، تاریخ، جغرافی، طب، تشریح و دواسازی. «اشخاصی که طالب هریک از این علوم هستند، باید زحمت کشیده تشریف بیاورند» ثبت اسم کنند، و در مجالس درس حاضر گردند. شاید این کار در ایران روی گردهٔ مجالس درسی که در سرتاسر آلمان به منظور رواج تعلیمات عمومی دایر کرده بودند، شروع گردید. راجع به تشکیل آن گونه مجالس درس در آلمان، مقاله‌ای در روزنامه منتشر شد. نوشتند: با این تدبیر «جمیع عوام الناس» آلمانی «با علوم و صنایع انس تام یافته و تربیت کافی پذیرفته.»

میرزا حسین خان به زمان صدارت توجهی به اصلاح و ترقی دارالفنون داشت. در گزارشی که به شاه نگاشته، شرح سرکشی خود را از مدرسهٔ دارالفنون می‌دهد:

«... با وجود اینکه اطلاع بهم رسانیده بودند که فدوی به آنجا خواهد رفت، و خودسازی کرده بودند ـ حقیقت این است که آنچه متوقع و منتظر بودم، نتوانستم ملاحظه نمود. اولا آنکه معلم فرنگی که قابل اعتماد باشد به جز مسیو ریشار و یک نفر انگلیسی، دیگر نبود. و سایرین از همان شاگردها درس می‌دهند. و عدد شاگردان که در دیوان یکصد و پنجاه نفر موظف می‌باشند و خرج ناهار گرفته می‌شود، به همه جهت با معلم و خلیفه و غیره و غیره هفتاد و یک نفر بودند. و غیبت بقیه را به معاذیر غیرموجه استناد می‌جستند.

عکس‌ها سخن می‌گویند / ۵۵

انصاف

عکس / مهر

خدا بیامرز پدرم می‌گفت: این جماعت، انصاف ندارد. باورم نمی‌شد.

ـ کی چنین حرفی می‌زد اون خدا بیامرز؟

یادت نمی‌یاد، چپ می‌رفت می‌گفت زن انصاف ندارد، راست می‌آمد می‌گفت؟ ... یادت نیست؟

ـ نه، چنین حرفی یادم نمی‌یاد و از زبان آقا غلامحسین خان چنین چیزی نشنیدم!

نه نه، تو هم مارو گرفتی‌ها! چند بار به خودت، در حضور خودم گفت که انصاف نداری!

ـ من انصاف ندارم؟ انصافم چشه؟ خیلی هم با انصافم!

حالا کار با انصاف تو ندارم...

ـ خب، پس کار به چه داری؟

منظورم مادر این طفل زبان بسته است که ۲۰ روزه گذاشته و رفته...

ـ خب بره! ۲۰۰ روز بره! نگران چی هستی؟

خب، این بچه مادر می‌خواد، محبت، محبت مادر می‌خواد!

ـ مگر من مرده‌ام؟ خودم نگهش می‌دارم، خودم مادری‌اشو می‌کنم!

حرف‌هایی می‌زنی مادرها! مگر کسی می‌تونه جای «مادر» رو برای بچه پر کنه!؟

ـ معلومه که نه! ولی خب، وقتی مادرش یک جو انصاف ندارد، چی بگم؟ها! چی کار کنم؟

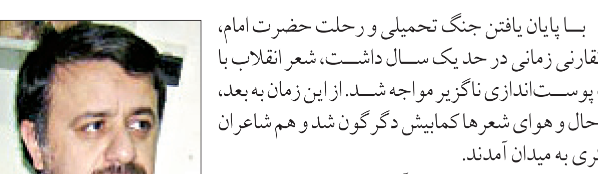
ـ هیچی، به روح پدرم صلوات بفرست که همیشه می‌گفت:

ـ حالا تو هم هی تکرارش نکن، ببینم چه خاکی بر سرم می‌ریزم...

ادبستان

محمدکاظم کاظمی

شعر انقلاب/۳
شعر دوران ثبات



با پایان یافتن جنگ تحمیلی و رحلت حضرت امام، که تقارنی زمانی در حد یک سال داشت، شعر انقلاب با یک پوست‌اندازی ناگزیر مواجه شد. از این زمان به بعد، هم حال و هوای شعرها کمابیش دگرگون شد و هم شاعران دیگری به میدان آمدند.

بعضی شاعران، به ویژه آنهایی که نامشان بیشتر با جنگ گره خورده بود، شاید به واسطهٔ عادتی که به این موضوع یافته بودند، دچار نوعی فقر مضمون یا کمبود انگیزه شدند. به این سبب، از آن پس حضور پررنگ آنان در عرصهٔ سرایش شعر احساس نشد. شماری از آنان، مثل محمدرضا عبدالملکیان و حسین اسرافیلی و پرویز بیگی به حوزه‌های مدیریتی شعر کشیده شدند. گروهی دیگر حال و هواهای دیگری را تجربه کردند؛ مثل علی‌رضا قزوه که به شعر اعتراض و نیز آیینی روی آورد و نصرالله مردانی که به عرفان گرایید و سهیل محمودی که عاشقانه سرایی پیشه کرد.

باری در شعر بیست سال اخیر سه جریان کلی را می‌توان سراغ گرفت.

۱. شعر اعتراض. اینجا مرادم آن نوع شعری است که در بستر انقلاب اسلامی و در اعتراض به بعضی ناروایی‌ها و نابسامانیها سروده شده است. البته یک شعر معارض انقلاب هم هست که نسبت به خود نظام اعتراض دارد و اینجا بدان کاری نداریم، چون قصد ما بررسی جریان شعر انقلاب است.

باری، شعر اعتراض در سالهای جنگ هم دیده شد؛ در آثار سلمان هراتی و محمدرضا عبدالملکیان، که از این دومی «خیابان هاشمی» سخت شهرت یافت. ولی در این دوره لبهٔ تیز انتقاد فقط متوجه گروهها و قشرهای اجتماعی معارض با انقلاب است، نه خودی‌هایی که گاهی مستوجب نقد می‌شوند.

اعتراضی که مشخصاً به خودی‌ها اشاره دارد از اواخر دههٔ شصت و در آثار حسن حسینی، علی‌رضا قزوه و بعضی دیگر دیده شد. شعرهای «مولا ویلا نداشت» و «در روزگار قحطی وجدان» از علی‌رضا قزوه و «نوشداروی طرح ژنریک» از حسن حسینی از نمونه‌های برجستهٔ این گرایش در آن سالها بود.

حقیقت این است که در دوران ثبات زمینه‌های اجتماعی برای طرح این انتقادها نیز آماده شد؛ مثل نفوذ تدریجی رفاه‌زدگی، ریاکاری و سودجویی میان گروهی از خودی‌ها.

پس از آن و در دهه‌های هفتاد و هشتاد، که تفاوت و تقابل جناحهای سیاسی انقلاب پررنگ شد، این شعرهای اجتماعی کاربردی وسیع‌تر یافت و گاه حربه‌ای شد برای مقابلهٔ جناحها با همدیگر. در سالهای بعد، مطرح شدن غیرمنتظرهٔ عدالت‌خواهی میان جوانان موج دیگری از این گونه شعر پدید آورد؛ موجی که می‌توان کسانی همچون علی محمد مؤدب، امید مهدی‌نژاد، سید محمد امین جعفری، محمد مجتبی احمدی و محمد مهدی سیار از نسل دههٔ هشتاد را منتسب به آن دانست.

در مجموع به نظر می‌رسد وجود شعر معترض و اجتماعی، خود از برکات انقلاب اسلامی بوده است، ولی بنا به دلایلی که چندان هم پنهان نیست نهادهای فرهنگی رسمی آن‌قدر که شایسته است بدین گونه شعر بها نداده‌اند؛ چون مثلاً برگزار کردن همایشی که در آن شعرهایی از این دست خوانده شود ممکن است آن‌قدرها بی‌خطر نباشد که برگزار کردن همایشی دربارهٔ یک مناسبت ملی یا مذهبی بی‌دردسر است. بدین بحث باز هم برخواهیم گشت.

۲. شعر عاشقانه. انتشار کتاب فصلی از عاشقانه‌های سهیل محمودی در سال ۱۳۶۹ روشن‌ترین نشانهٔ ظهور این نوع شعر در میان نسل انقلاب بود. از آن پس، شعر عاشقانه با سرعت تمام در بین جوانها و گاه پیشکسوت‌ها رواج یافت.

شعر عاشقانه، هرچند به دلایلی هیچ‌گاه محبوب و مطلوب نهادهای فرهنگی انقلاب نبوده است، به سبب برخورداری از منابع عاطفی و انسانی وسیع میان جوانان توانسته است حضوری جدی داشته باشد. اینکه آخرین کتاب قیصر امین‌پور در اواسط دههٔ هشتاد دستور زبان عشق نام می‌گیرد، خالی از معنایی نیست.

باید پذیرفت شعر عاشقانه به‌دست شاعران انقلاب تا حدودی تلطیف و تعدیل و تهذیب هم شد. یعنی گروهی از اینان توانستند این نیاز ناگزیر جوانان را به شکلی نسبتاً معقول پاسخگو باشند.

از این گذشته بعضی شعرهای عاشقانه به نوعی با شعر مذهبی پیوند خورد و حاصلش آثاری بود که به درستی نمی‌شد تشخیص داد برای امام غایب سروده شده است یا محبوب حاضر. حتی در سالهایی که هنوز این موضوع شیوع و جواز امروزین را نیافته بود، بعضی شاعران جوان شعرهای محبوب حاضر را در محافل و مجامع به نام امام غایب می‌خواندند. شاید این عشق مجازی برای گروهی از این جوانان نردبانی به‌سوی عشق حقیقی شده باشد؛ یعنی بعضی از مذهبی سرایان نسل بعد از دل همین عاشقانه سرایان برآمده باشند.

۳. شعر آیینی. باید پذیرفت که جریان پیشرو شعر فارسی در سالهای قبل از انقلاب اسلامی آن قدرها مذهبی نبوده است؛ مگر در سالهای نزدیک به پیروزی انقلاب و در آثار گروهی انگشت شمار که در آغاز سخن از آنان نام بردیم.

در مقابل، غالب شعرهای آیینی آن دوره را کسانی می‌سرودند که از تحولات شعر فارسی در قرن اخیر بی‌بهره و گاه حتی با آن معارض بودند. به همین دلیل این باور تقویت شده و حتی بدیهی به‌نظر می‌رسید که با حفظ معیارهای امروزین نمی‌توان شعر آیینی سرود. به راستی هم شعرهای آیینی آن روز از این معیارها به دور بود و گاه حتی مؤید این باورِ نابه‌جا.

ادامه دارد

نما

ایرج آدیگوزلی

خاطرات یک مترجم؛ محمد قاضی

کتابخانه بهم‌ریخته


محمد قاضی

کتابخانه معمولاً برای کتاب و بیشتر برای مجلات طرف مراجعه بود، و پس از این ماجرا دیگر هیچ‌کس نمی‌توانست کتاب یا مجلهٔ موردنیاز ارباب‌رجوع را پیدا کند. کم‌کم سر و صدای همه بلند شد و اصلاح وضع کتابخانه یکی از فرایض مسلم گردید. اغلب شکایت به وزیر می‌بردند و از وضع بد کتابخانه و عدم دسترسی به کتب و مجلات روز که مورد استناد قرار می‌گرفت می‌نالیدند. وزیر حسین پاشاخان نوایی را که رئیس ادارهٔ بایگانی و قهراً رئیس کتابخانه هم بود مسئول این نابسامانی می‌دانست و لابد حاضر نبود بپذیرد که معاون لوس و هوسرانش به صرف یک هوس احمقانه اتاق بزرگ کتابخانه را بی‌آنکه نیاز به چنان جای وسیعی داشته باشد ضبط کرده و کتابخانه را مانند بار چغندر در اتاق دیگری روی هم خالی کرده است.

یکی از جوانان اعیان‌زاده و تحصیل کردهٔ جویای نام که تازه از فرنگ برگشته و دکتر در علم اقتصاد شده بود به وزیر پیشنهاد کرد که اگر دو نفر کارمند در اختیارش بگذارند و شش ماه به او مهلت بدهند کتابخانه را با اسلوب صحیح کتابداری و به صورت شسته و روفته‌ای تحویل خواهد داد، مشروط بر اینکه بعداً کتابخانه به صورت ادارهٔ مستقلی درآید و خود او در رأس آن قرار بگیرد.

قبول این پیشنهاد از طرف وزیر لطمهٔ بزرگی به حیثیت حسین پاشاخان می‌زد، چون ادارهٔ زیرنظرش همچون پاکستان بعد از تجزیه و جدا شدن بنگلادش از آن، کوچک می‌شد و از اهمیت خود رئیس بایگانی هم می‌کاست. مغموم و پکر نشسته بود و با ما کارمندانش در این باب درددل می‌کرد. نمی‌دانم چه شد که من یکدفعه شیر شدم و از دهانم در رفت که: ای بابا! این فرنگ رفته‌ها هم همه‌اش ادعا دارند و پای‌بند به تشریفات و ظاهرسازی هستند. درست کردن کتابخانه در شش ماه، آن هم با کمک دو کارمند که هنر نشد. مرتب کردن کتابخانه یک هفته کار دارد و من حاضرم این خدمت را به تنهایی انجام بدهم مشروط بر این که پاداش خوبی به من بدهند.

کارمندانی که در آن مجلس نشسته بودند به حرف من خندیدند و ادعای مرا به یک لاف و گزاف بچگانه تعبیر کردند. هیچ باورشان نمی‌شد که بتوان کتابخانهٔ به هم‌ریخته‌ای را با ده‌هزار جلد کتاب و به همان تعداد مجله در ظرف یک هفته، آن هم به تنهایی مرتب کرد، به طوری که هر کتابی با هر مجله‌ای بخواهند بتوان در اختیارشان گذاشت. حتی یکی از کارمندان گفت تو اگر بتوانی یک ماهه هم این کار را انجام بدهی شاهکار کرده‌ای و باید کلاهت را بیندازی هوا. من دیگر حرفم را زده بودم و غیرتم قبول نمی‌کرد آن را پس بگیرم. در زندگی یکی دو بار دیگر پیش آمد که «گاف» کردم و حرفی پراندم، و چون پس گرفتن آن را نامردی و دون‌شأن خود می‌دانستم بر سر حرفم ایستادم. البته اگر مناسبتی پیدا کرد و موردی پیش آمد که لازم شود بعداً یکی از آن موارد را نقل خواهم کرد.

باز تأکید کردم که من این کار را خواهم کرد. یک هفته کافی است که کتاب‌ها و مجلات را از روی زمین به قفسه‌ها منتقل کنم و به ترتیب موضوع بچینم، به طوری که بتوان به ارباب‌رجوع جواب رضایت‌بخش داد؛ سپس وقت بسیار است که بنشینم و برای همهٔ آنها دو نوع فیش، یکی به ترتیب موضوع و دیگر به ترتیب نام مؤلف تنظیم کنم. رئیس اداره با سابقه‌ای که به پشتکار و به وجدان حرفه‌ای من داشت خوشحال به نزد وزیر شتافت و ادعا کرد که خود ادارهٔ بایگانی کتابخانه را در ظرف دو هفته مرتب خواهد کرد و نیازی به کمک یا زحمت کس دیگری نیست.

وقتی از رئیس اداره پرسیدم که: چرا به وزیر به جای یک هفته دو هفته گفته است، گفت این یک هفته را اضافه کردم تا اگر قاضی یک هفته وقت کم آورد بتواند در دو هفته به وعده‌اش وفا کند. به هر حال از این یک هفتهٔ اضافی ضرر نخواهیم کرد. ولی من روی همان غرور کردی خود وعدهٔ یک هفته را کافی دانستم و بر قول خود پافشاری کردم. با اینکه ادعای رفع مشکل کتابخانه در ظرف دو هفته به نظر وزیر گزاف می‌نمود و ظاهراً قابل قبول نبود، ولی چون مهلت به نظرش بسیار کوتاه بود و هر روز هم از وضع کتابخانه شکایت می‌شد پذیرفت.

ادامه دارد

ایران؛ روح یک جهان

انقلاب ایران به روایت میشل فوکو

ادامه از صفحه اول

نمی‌دانم شما در ایران موفق شدید که ماهیت این اعتراض عظیم مذهبی را تعیین و مشخص کنید یا نه؛ من که این کار را بسیار دشوار می‌بینم. خود ایرانی‌ها در این دو پهلویی غوطه‌ورند و سطوح متفاوتی از زبان، تعهد، بیان و غیره را دارند. میان کسی که می‌گوید: «درود بر خمینی» و حقیقتاً یک مذهبی بسیار مؤمن است و کسی که می‌گوید: «درود بر خمینی، اما من آن قدرها مذهبی نیستم و خمینی فقط یک نماد است» و آن که می‌گوید: «من کم وبیش مذهبی‌ام، خمینی را دوست دارم اما فلان شخص را نیز به همان اندازه دوست دارم»، که شخصیتی بسیار متفاوت است، میان دختری که چادر سر می‌کند تا به روشنی نشان دهد که یکی از مخالفان رژیم [شاه] است و دختر دیگری که نیمه لاییک ـ نیمه مسلمان است و حجاب ندارد اما او نیز می‌گوید: «من مسلمان‌ام و درود بر خمینی»... میان این آدم‌ها سطح فکرهای متفاوتی وجود دارد. و با این حال، همه در یک زمان و با شور و حرارت فریاد می‌زنند «درود بر خمینی» و آن سطح‌های متفاوت از میان می‌رود.



میشل فوکو: نمی‌دانم که آیا کتاب فرانسوا فوره در مورد انقلاب فرانسه را خوانده‌اید یا نه. کتابی بسیار هوشمندانه که می‌تواند تا حدودی به حل این سردرگمی کمک کند. او تمایزی را میان مجموعه فرایندهای دگرگونی اقتصادی و اجتماعی که مدت‌ها پیش از انقلاب ۱۷۸۹ آغاز شدند و مدت‌ها پس از آن به پایان رسیدند و ویژگی رویداد انقلابی قائل می‌شود. یعنی ویژگی آنچه مردم در اعماق خود تجربه و احساس کردند و نیز ویژگی آنچه مردم در این نوع از نمایشی که هر روز بر پا می‌کردند و انقلاب را شکل می‌دهد. آن را تجربه و زیست کردند. من از خودم می‌پرسم که آیا نمی‌توان این تمایز را در مورد ایران نیز تا حدودی به کار بست. درست است که تناقض‌هایی مطلقاً انکار ناپذیر در جامعه ایران وجوددارد، اما به طور قطع رویدادی انقلابی که از یک سال پیش درجریان است و تجربه‌ای درونی و نوعی نیایش بی‌وقفه و تجربه‌ای جمعی است، همگی به مبارزه طبقاتی پیوند خورده است ولی مبارزه طبقاتی را به گونه‌ای مستقیم و شفاف بیان نمی‌کند و به نمایش نمی‌گذارد.

دیروز

شهرام انصاری

پس مذهب با آن تسلط شگفت‌انگیزش بر مردم و جایگاهی که همواره نسبت به قدرت سیاسی داشته است و با محتوای خود که آن را به مذهب مبارزه و ایثار و غیره بدل می‌کند، چه نقشی دارد؟ نه نقش یک ایدئولوژی که به پنهان کردن تضادها یا به تضمین نوعی وحدت مقدس میان مجموعه کاملی از منافع ناهمسو امکان می‌دهد. مذهب به راستی واژگان، آیین و نمایشی بی‌زمان بوده است که می‌توان در درون آن نمایش تاریخی ملتی را جاداد که هستی‌شان را در مقابل هستی پادشاه‌شان قرار می‌دهند.

پی‌یر بلانشه: نکته شگفت‌انگیز برای من قیام همه مردم است. بر واژه همه تاکید می‌کنم و اگر برای مثال تظاهرات روز عاشورا [۱۳۵۷] را در نظر بگیری می‌بینی که غیر از کودکان خردسال و معلولان و سالمندان و بخشی از زنان که در خانه ماندند، تمام تهران در خیابان‌ها بودند و فریاد می‌زدند: «مرگ بر شاه» البته به جز انگل‌هایی که به راستی از رژیم ارتزاق می‌کردند. حتا کسانی هم که تا مدت‌ها با رژیم بودند و طرفدار سلطنت مشروطه بودند، از یک ماه پیش فریاد می‌زنند «مرگ بر شاه».

> **همه در یک زمان و با شور و حرارت فریاد می‌زنند «درود بر خمینی» و سطح‌های متفاوت از میان می‌رود**

این برهه‌ای شگفت‌انگیز و منحصر به فرد است و باید باقی بماند. بدیهی است که بعدها این جریان شفاف‌تر خواهد شد و قشرها و طبقه‌ها هویدا خواهند شد.

میشل فوکو: یکی از چیزهای سرشت‌نمای این رویداد انقلابی این واقعیت است که این رویداد انقلابی اراده‌ای مطلقاً جمعی را نمایان می‌کند و کم‌تر مردمی در تاریخ چنین فرصت و اقبالی داشته‌اند. اراده جمعی اسطوره‌ای سیاسی است که حقوقدانان یا فیلسوفان تلاش می‌کنند به کمک آن‌ها نهادها و غیره را تحلیل یا توجیه کنند، اراده جمعی یک ابزار نظری است: «اراده جمعی» را هرگز کسی ندیده است، و خود من فکر می‌کردم که اراده جمعی مثل خدا یا روح است و هرگز کسی نمی‌تواند با آن روبه‌رو شود. نمی‌دانم با من موافق‌اید یا نه، اما ما در تهران و سرتاسر ایران با اراده جمعی یک ملت برخورد کردیم وخب باید به آن احترام بگذاریم، چون چنین چیزی همیشه روی نمی‌دهد. وانگهی، یک مقصود و هدف و تنها یک هدف به این اراده جمعی داده شده است، یعنی رفتن شاه (و در همین جا است که می‌توان از معنای سیاسی [آیت‌الله] خمینی سخن گفت). این اراده جمعی که در نظریه‌های ما همواره اراده کلی است، در ایران هدفی کاملا روشن و معین را برای خود تعیین کرده و بدین گونه در تاریخ ظهور کرده است. البته می‌توان پدیده‌هایی از همین نوع را در مبارزه‌های استقلال‌طلبانه و جنگ‌های ضد استعماری یافت. در ایران عِرق ملی بی‌نهایت قوی بوده است: سرباز زدن از اطاعت بیگانگان، بیزاری از چپاول منابع ملی، عدم‌پذیرش سیاست وابستگی به خارج و دخالت همه جا آشکار آمریکایی‌ها، همه و همه عوامل تعیین کننده‌ای بودند تا شاه یک دست نشانده غرب به شمار آید. اما به عقیده من عِرق ملی فقط یکی از اجزاء رد و طردی به مراتب رادیکال‌تر بوده است: نه تنها رد و طرد بیگانگان از سوی ملت بلکه رد و طرد هر آنچه در طول سال‌ها و سده‌ها سرنوشت سیاسی یک ملت را رقم زده بود.

پی یر بلانشه: ما در سال ۱۹۶۷ یعنی اوج دوران لین پیائوگرایی در چین بودیم و در آن زمان این احساس را داشتیم که همین نوع اراده جمعی وجود دارد. در هر حال، چیزی بسیار قوی درحال روی دادن بود، میل بسیار عمیق همه مردم چین، مثلا در مورد رابطه شهرها و روستاها، رابطه روشنفکران و کارگران، یعنی در مورد تمام آن مسائلی که [امروز] به گونه‌ای کلاسیک در چین حل شده‌اند. در پکن این احساس را داشتیم که چینی‌ها یک ملت متحد را تشکیل داده‌اند، اما بعدها دریافتیم که تقریباً خود رافریب داده بودیم. چینی‌ها هم همینطور. به راستی ما خود را فریب داده بودیم. از همین رو است که گاهی تردید می‌کنیم در مورد ایران شگفت‌زده شویم. در هر حال، چیز مشترکی میان فرّه‌مندی مائوتسه ـ تونگ و [آیت‌الله] خمینی وجود دارد، چیز مشترکی میان شیوه سخن گفتن مبارزان جوان مسلمان در مورد [آیت‌الله] خمینی و شیوه سخن گفتن سربازان سرخ از مائو.

میشل فوکو: با این همه، انقلاب فرهنگی [چین] مبارزه‌ای بود میان برخی عناصر ملت با برخی دیگر، میان برخی عناصر حزب با برخی عناصر دیگر، یا میان مردم و حزب و غیره. اما آنچه در ایران مرا شگفت‌زده کرده است این است که مبارزه‌ای میان عناصر متفاوت وجود ندارد. آنچه به همه این‌ها زیبایی و در عین حال اهمیت می‌بخشد این است که فقط یک رویارویی وجود دارد. رویارویی میان تمام مردم و قدرتی که با سلاح‌ها و پلیس‌اش مردم را تهدید می‌کند. لازم نیست خیلی دور برویم، این نکته را می‌توان بی‌درنگ دریافت؛ در یک سو کلِ اراده مردم و در سوی دیگر مسلسل‌ها، مردم تظاهرات می‌کنند و تانک‌ها از راه می‌رسند. تظاهرات تکرار می‌شود و مسلسل‌ها بار دیگر آتش می‌کنند و همه این‌ها تقریباً به گونه‌ای یکسان تکرار می‌شود، البته هر بار بدون هیچ تغییری در شکل یا ماهیت آن، تشدید می‌شود. این تکرار تظاهرات است. خوانندگان روزنامه‌های غربی بی‌شک می‌بایست کم و بیش زود خسته شده و گفته باشند: بیا باز هم یک تظاهرات دیگر در ایران.

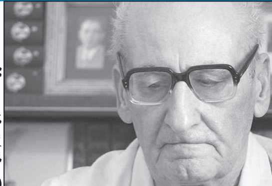
اما من فکر می‌کنم که نفس تکرار تظاهرات معنایی شدیداً سیاسی دارد. باید این واژه تظاهرات را در معنای دقیق کلمه در نظر گرفت: یک ملت به‌طور خستگی ناپذیر اراده خود را ظاهر می‌کنند. فقط به دلیل تظاهرات نبود که شاه سرانجام رفت. اما نمی‌توان انکار کرد که شاه با عدم پذیرشی که به‌طور بی‌پایان ظاهر می‌شد مواجه بود. در این تظاهرات، رابطه‌ای میان کنش‌های جمعی، آیین مذهبی و بیان حقوق عمومی وجود داشت. تقریباً به مانند تراژدی یونانی که در آن آیین‌های جمعی و تحقق بخشیدن دوباره به اصول حقوقی با یکدیگر همراه بودند. در خیابان‌های تهران، کنشی سیاسی و قضایی جریان داشت که در آیین‌های مذهبی به‌طور جمعی اجرا می‌شد ـ کنش سلب حق از پادشاه.

پی یر بلانشه: درمورد اراده جمعی، آن‌چه مرا شگفت‌زده کرد ـ ایران هم مرا مجذوب کرده بود و هم گاهی نسبتاً نگران و آشفته ـ این بود که برای مثال دانشجویان می‌گفتند: «ما همگی یکسان‌ایم، ما همگی یکی هستیم، همگی پیرو قرآن‌ایم، همگی مسلمان‌ایم، تفاوتی میان ما نیست. و این را بنویسید که ما همگی یکسان‌ایم.» با این حال به خوبی می‌دانیم که تفاوت‌هایی وجود داشت، برای مثال، روشنفکران و بخشی از بازاری‌ها و قشرهای میانی می‌ترسیدند که تندروی کنند و با این حال تبعیت می‌کردند. این همان چیزی است که باید توضیح‌اش داد.

میشل فوکو: به‌طور قطع، در آن‌چه در ایران روی می‌دهد واقعیتی بسیار قابل ملاحظه وجود دارد. مردم با حکومتی سر و کار داشتند که تا بُن دندان مسلح بود و ارتش بزرگی را در خدمت خود داشت که به گونه‌ای شگفت‌انگیز و غیرقابل تصور و وفادار بود؛ مردم با پلیسی سروکار داشتند که گرچه یقیناً بسیار کارا نبود، اما خشونت و بی‌رحمی‌اش اغلب جای خالی زیرکی و ظرافت را پُر می‌کرد؛ به علاوه، رژیمی که مستقیماً متکی به ایالات متحد بود؛ و سرانجام رژیمی که از پشتیبانی تمام جهان و کشورهای بزرگ و کوچک اطراف برخوردار بود. به یک معنا، این رژیمی تمام برگ‌های برنده و البته نفت را در دست داشت که درآمدهایی را برای دولت تضمین می‌کرد و دولت می‌توانست به دل‌خواه از آن استفاده کند. با این حال، مردم قیام کردند؛ البته مردم در بافتی از بحران و مشکلات اقتصادی و غیره قیام کردند، اما مشکلات اقتصادی ایران در این دوران آن‌قدرها بزرگ نیست که مردم در دسته‌های صد هزار نفری و میلیونی به خیابان‌ها بریزند و در مقابل مسلسل‌ها سینه سپر کنند. در مورد این پدیده است که باید صحبت کرد.

ادامه دارد

پایان یک رمان: «موسیقی و سکوت»


روانشاد ابراهیم یونسی

عودنو بر این نکتهٔ تأمل می‌کند که: راست گفته‌اند، دروغ را کسانی خوب تشخیص می‌دهند که خود بی‌محابا دروغ می‌گویند. در شگفت است از اینکه این چه دیوار خلاف حقیقتی است که کیرستن بر گرد امیلیا بالا آورده است. می‌داند اگر بناست از این دیوار دروغ بگذرد و به عالم واقع راه یابد، باید از بولر بگذرد، اما نمی‌داند در این احوال این کار چگونه باید به انجام برسد. هر طور هست پا می‌شود و باز به کنار پنجره می‌رود و به آسمان می‌نگرد که رنگ آبی آن به اندازه‌ای رقیق است که تقریباً به رنگ آبی نمی‌ماند. برگ‌های پر مانند درختان آلش را تماشا می‌کند که در چنگ باد تقلا می‌کنند. به پایان می‌نگرد و سنگ پای درخت... و ... پریدن از پنجره .... که از این ارتفاع هیچ ممکن نیست. ۵۸ و ۵۵۷

کیرستن از یادداشت‌های خصوصی او: ... این نقص با ضعف حافظه (خاطره) ممکن است همان چیزی باشد که مرا به آشفتگی دردناک می‌کشاند و احساس می‌کنم این آشفتگی به تمام چیزهای این کرهٔ زمین تسرّی می‌یابد، به‌طوری که همان چیزی که یک وقت با روح و جانم دشمن بود، اکنون با همهٔ آن چیزهایی به هم می‌آمیزد که جانم را برمی‌افروخت و من نمی‌دانم به کجا رو برم و دنبال چه گردم؟ گیجم، نمی‌دانم زندگی‌ام به کجا می‌کشد. تنها کاری که می‌توانم بکنم، این است که باز به «پسرها»یم ـ به ساموئل و امانوئل ـ رو ببرم. اینها کودکان او را واحند و با هیچ انتظاراتی به این جهان نفرت‌انگیز مقید نشده‌اند. دستشان را می‌گیرم، سیاه بر سفید، سفید بر سیاه و به آنها می‌گویم: به من بال فرشتگان بدهید، سال شیاطین بدهید، بلندم کنید تا پرواز کنم.

«موسیقی و سکوت»، رز ترمین، ترجمهٔ ابراهیم یونسی، چاپ اول ۱۳۸۲، انتشارات نگاه / ۵۷۷.

شرح

من؛ چارلی چاپلین/۳

خانواده پراکنده


چاپلین در جوانی

نزدیک بود اشکم سرازیر شود. گفتم: چون می‌خواهم پیش تو (یعنی مادرم) بمانم.

سرش را برگرداند تا با نگاهی خالی، از پنجره بیرون را بنگرد: برو به خانه‌ی آقا و خانم مک‌کارتی و همانجا شامت را بخور... اینجا چیزی برای شام تو پیدا نمی‌شود.

در لحنش احساس ملامت کردم ولی نخواستم به روی خودم بیاورم.

بی‌آنکه در گفته خود صادق باشم گفتم: اگر میل تو این باشد که من به آنجا بروم، می‌روم.

لبخندی بی‌رنگ بر لب آورد و سرم را نوازش کرد و گفت: بلی، البته که میل دارم. برو، معطل نشو! من خیلی خواهش کردم که اجازه بدهد بمانم و او به زور مرا به بیرون هل داد. ناچار با احساسی از تقصیر و خطا رفتم و او را در اتاق محقر زیر شیروانی تنها گذاشتم، بی‌آنکه بویی برده باشم که روزهای بعد چه سرنوشت وحشتناکی در انتظارش است.

من در آوریل سال ۱۸۸۹، ساعت هشت شب در کوچه‌ی «ایست‌لین» خیابان «والورث» به دنیا آمدم. کمی بعد، خانواده‌ی ما به «وست اسکویر» در خیابان «سنت جورج» محله «لامبث» نقل مکان کرد. به گفته مادرم دنیایی که من در آن پانهاده بودم، دنیای خوشبختی بود. ما از رفاه و تنعم معقولی برخوردار بودیم. در سه اتاق، که با سلیقه مبله شده بود، زندگی می‌کردیم. یکی از نخستین خاطرات من این است که هر شب قبل از رفتن مادرم به تماشاخانه من و سیدنی، برادرم، هر یک در تختخواب گرم و نرمی تحت مراقبت کلفت مخصوصی دراز می‌کشیدیم. در دنیای پسربچه‌ی سه سال و نیمه‌ای که من بودم هر چیزی امکان داشت. سیدنی که چهار سال از من بزرگتر بود، می‌توانست چشم‌بندی کند و چند چشمه تردستی بلد بود، مثلاً می‌توانست سکه‌ای را قورت بدهد و آن را از پس گردن خود بیرون بیاورد. من هم می‌توانستم این کار را بکنم. یک روز یک سکه‌ی نیم پنی را قورت دادم و مادرم مجبور شد برایم پزشک بیاورد!

هر شب که مادرم از تماشاخانه برمی‌گشت، طبق معمول برای ما خوردنی روی میز می‌گذاشت؛ مثلاً یک تکه نان شیرینی یا نقل و آب‌نبات و در عوض، قرار بود ما سر و صدا راه نیندازیم، چون او معمولاً دیروقت می‌خوابید.

مادرم در نقش وردست بازیگر کمدی بازی می‌کرد. زنی بود طناز که سی‌سالی بیش نداشت، رنگ چهره‌اش روشن و چشمانش آبی مایل به بنفش بود و گیسوانش به رنگ بلوطی روشن، که تا دم پایش می‌رسید. من و سیدنی او را به حد پرستش دوست می‌داشتیم. با اینکه زیبایی او بی‌نظیر نبود، در نظر ما آسمانی جلوه می‌کرد. کسانی که با او آشنا بودند می‌گفتند که او زنی ظریف و جذاب بود و لطف و ملاحتی فوق‌العاده داشت. لذتی می‌برد از اینکه برای گردش روزهای یکشنبه بهترین لباسها را تن من و سیدنی کند. به سیدنی کت شاگرد مدرسه‌ای و شلوار بلند و به من کت مخمل آبی با دستکشهای آبی، که خیلی خوب به لباسم می‌آمد، می‌پوشانید. در این مواقع لذتی بیش از این در خود احساس نمی‌کردیم که در خیابان کنینگتن قدم بزنیم.

آن زمانها لندن شهر آرامی بود و زندگی، آهنگی ملایم داشت. حتی ترامواهایی که به اسب بسته می‌شدند، بر خیابان «وست مینستربریج» آهسته و بی‌شتاب راه می‌رفتند و در ایستگاه نهایی نزدیک پل، نیم چرخی بر صفحه‌ای دوار می‌زدند و تغییر جهت می‌دادند. در زمان عزت و رفاه مادرم ما در خیابان «وست‌مینستربریج» منزل داشتیم. محیط آنجا شاد و مطبوع بود و مغازه‌های زیبا و رستوران‌ها و تماشاخانه‌ها داشت. دکان میوه‌فروشی کنج خیابان، که درست روبه‌روی پل بود، با هرمهای باسلیقه چیده‌ی پرتقال و سیب و گلابی و با موزهایی که بر بساط خود داشت...

ادامه دارد

هنر

برشت و تئاتر

به سوی تئاتر معاصر

۱ـ من درنده هستم و رفتارم در تئاتر چنان است که در جنگل. باید چیزی را خراب کنم. به گیاهخواری عادت ندارم. این است که در علف‌ها بوی گوشت خام و تازه می‌شنوم، و روحیه قهرمانهایم منظره‌هایی هستند پررنگ، با خطوطی مشخص و هوایی ملموس. تقلای رزمنده‌هایی که همدیگر را می‌درند آرامشم می‌بخشد، لعن و نفرینشان ارضایم می‌کند، ضجه‌های بدخواهانه محکومین تسلی‌ام می‌دهد، صدای انفجار برایم حکم موسیقی را دارد، حرکت بی‌سابقه و قاطع جاه‌طلبی‌ام را فرو می‌نشاند و در عین حال شهوت خنده‌ام را خاموش می‌کند. و بهترین خصوصیتی که در قربانیهایم می‌بینم، غرش عمیق و بی‌انتهایشان است که از دل جنگل بیرون می‌زند، و چون تا ابدیت ادامه دارد، در دل مردم مصمم ترس می‌نشاند. (۱۹۲۰)

۲ـ اگر تئاتری به چنگم بیفتد، دو تا دلقک استخدام می‌کنم. اینها در میان پرده ظاهر می‌شوند و ادای تماشاگران را درمی‌آورند. با هم راجع به نمایشنامه و بیننده‌ها تبادل‌نظر می‌کنند. روی آخر نمایشنامه شرط می‌بندند. یکشنبه‌ها در تئاتر «دوزیر» خواهد بود. نمایشنامه موفق هفته به مسخره کشیده خواهد شد (حتی «هملت»، حتی «فاوست»). در تراژدیها دکور را در انظار تماشاگران تعویض می‌کنند. دلقک‌ها به روی صحنه می‌روند و دستور می‌دهند: «بله، اینجاست که سقوط می‌کند. نورها را تیره‌تر کنید. تأثیر تراژیک پله‌ها خوب است. کاریاتیدها هم فقط باعث ورشکستگی‌اش می‌شوند. مجبور می‌شود برود مگس بگیرد. خوب جوری دستهایش را توی جیب‌های شلوارش می‌کرد. دیدی چطور گفت: «باید مثل یک خرس تنبل بود»؟ جداً عالی بود! اینجا صحنه اصلی را می‌بینیم. حتی گریه هم می‌کنند. قهرمان زن نمایش هم دستمالش را حاضر دارد. ای کاش هرچه زودتر تمام می‌شد.» (دلقک‌ها همه اینها را با لحنی غمگین به زبان می‌آورند، کاملاً جدی، آدم‌های غمزده‌ای هستند که بر آنها نور سبز انداخته‌اند، فرشته‌های سبزپوشی که سقوط را تدارک می‌بینند ...) از قهرمان‌ها چنان صحبت می‌کنند که از اشخاص عادی. شوخی و بذله و مسخرگی. راجع به داوود می‌گویند: «خودشو خیلی دیر به دیر می‌شوره»، و راجع به بعل: «عاشق این بوگندو شده.» ـ و همه اینها به این قصد که آنچه روی صحنه می‌گذارد، دوباره واقعیت پیدا کند. و از این است که باید انتقاد کرد، از واقعه نمایشنامه، از گفته‌ها، از ژست‌ها، نه از خوبی‌ها یا بدی اجرا. (اول سپتامبر ۱۹۲۰)

۳ـ و بعد یک فیلم کوتاه از چارلی چاپلین دیدم به اسم «الکل و عشق». تکان‌دهنده‌ترین فیلمی است که تا به حال دیده‌ام، و خیلی هم ساده. موضوعش مربوط است به یک نقاش که وارد یک نوشابه‌فروشی می‌شود و شروع می‌کند به نوشیدن، و ـ «چون شماها نسبت به حقیر خیلی لطف دارین» ـ قصه نگون بخت‌شدنش را برای مردم تعریف می‌کند، که داستان دختری است که با یک خرپول شکم گنده زده است به چاک. دختر را دوباره می‌بیند، خودش دیگر مدتی است الکلی شده و زوارش دررفته، و: «کمال مطلوب، لجن شده است»؛ زنک جاق شده و چند تا بچه دارد. در اینجا کلاهش را کج روی سرش می‌گذارد و تلوتلوخوران، مثل کسی که ضربه محکمی به سرش خورده باشد، به طرف تاریکی عقب صحنه می‌رود، کج، خدای من، کاملا کج، انگار که باد دارد چپه‌اش می‌کند، طوری که هیچ انسانی راه نمی‌رود. و بعد، راوی مست‌تر و مست‌تر می‌شود و احتیاج به تعریف کردنش قوی‌تر و جانگزاتر. آن وقت خواهش می‌کند «یه تیکه از اون گچائی که باهاش ته چوب بیلیاردرو می‌مالین»، به او بدهند و روی زمین شروع می‌کند به کشیدن تصویر معشوقه‌اش، ولی مدام دایره از آب درمی‌آید. موقع کشیدن دایره‌ها مدام سر می‌خورد، با همه دعوایش می‌شود، می‌اندازندش بیرون، روی آسفالت هم به کشیدن ادامه می‌دهد، باز هم دایره، می‌اندازندش تو، می‌بینی هنوز هم دارد روی زمین دایره می‌کشد، و دست آخر، درست آنجا که قصد دارد با هنرمندی تمام، برای معشوقش یک جعد خوشگل درست کند، غفلتاً، با فریادی وحشتناک، روی نقاشی‌اش می‌افتد، مست .... مرده ... (....mort...ivre). ـ چهره چاپلین همیشه بی‌حرکت است، انگار که لایه‌ای از موم برآن کشیده باشند، تنها یک حرکت ناخواسته یکی از چین‌های صورتش کافی است این لایه را از هم بدرد، کاملا ساده، پرقدرت، و پرزحمت. چهره رنگ‌پریده دلقک‌ها را دارد، با سبیل کلفت و موهای بلند و هنرمندمآب. فوت و فن دلقک‌ها را بکار می‌گیرد. مثلا جلیقه‌اش را



به رنگ آلوده می‌کند، روی تخته شستی می‌نشیند، در عین درد سکندری می‌خورد، می‌خواهد صورت بکشد خطوط نشیمن از کار درمی‌آید. ولی آنچه او ارائه می‌دهد، تکان‌دهنده‌ترین چیزی است که اصولا هست، هنر ناب است. هم بچه‌ها و هم بزرگسال‌ها به این بدبخت می‌خندند، خودش هم می‌داند: قهقهه مداوم تماشاگران، جزو لاینفک فیلم اوست، که سخت جدی است و با حزن و عینیتی خوفناک. یکی از عواملی که تأثیر فیلم را ممکن می‌کند، قساوت بینندگان است.

٤ـ امیدوارم از یک اشتباه بزرگ آنچه معمولا هنر می‌نامندش، در «بعل» و «جنگل» پرهیز کرده باشم، یعنی از تلاش برای مجذوب کردن تماشاگر. در این دو نمایشنامه به طور غریزی فاصله گذاشته‌ام، و سعی‌ام بر این بوده که تأثیرهایم (چه ادبی و چه فلسفی)، محدود به صحنه باشند. «انزوای درخشان» بیننده دست نمی‌خورد. آنچه بر صحنه می‌گذرد، مربوط به او نیست. این آرامش خاطر را نخواهد یافت که دعوتش کرده باشند شریک احساس‌های روی صحنه شود، قهرمان نمایشنامه را نمونهٔ مجسم خود ببیند و به این ترتیب که خود را در عین حال در دو نسخه مشاهده می‌کند، گمان ببرد فناناپذیر و با اهمیت است. نوع با ارزش‌تری از علاقه هم وجود دارد، علاقه به قیاس، به تفاوت، به چیزی که در موردش نشود وسعت دید داشت، به چیزی که تعجب می‌آورد.

٥ـ در سراسر دوران جوانی‌ام، موسیقی، هر نوعش را که بگیری، برایم عذابی بود. ولی حالا که دسته‌های جاز عاقبت به میدان آمده‌اند، احساس مطبوعی دارم. آیا ممکن نیست که تئاتر هم همین حال را داشته باشد؟ شمائی که نمی‌توانید بفهمید آنچه ما می‌گوئیم حرف بزرگی هست یا نه، لااقل بیائید و هم و غمتان را صرف این کنید که تئاتر، یعنی این جائی که در آن حرف‌های بزرگ و حرف‌های کوچک می‌زنند، خوشایند باشد.

٦ـ تردید دارم خودم را وقف ادبیات کنم. هرچه تا به حال نوشته‌ام، با بی‌قیدی صورت گرفته است. می‌نوشتم، وقتی که چیزی به ذهنم می‌رسید یا وقتی که بی‌حوصلگی‌ام از حد می‌گذشت. «بعل»، این را نوشتم چون می‌خواستم فاتحه یک نمایشنامه ضعیف ولی موفق را بخوانم، با برداشتی مسخره از انسان نابغه و ضداخلاق. «طبلها» را به قصد پول درآوردن (قصد فقط همین بود ولی چیزی دستم رانگرفت). با «جنگل» می‌خواستم «راهزنان» را اصلاح کنم (و ثابت کنم که مبارزه محال است، به علت نارسائی زبان). و «ادوارد» را نوشتم چون می‌خواستم اثر مارلو را کارگردانی کنم و دیدم کافی نیست. بالادهایم را نوشتم تا به ژرژ و اوتو تحرکی داده باشم، برای چند ساعتی در شب‌های آوگسبورگ که خشک و بی‌روح می‌گذرد، و غزل‌ها را از روی بی‌حوصلگی محض. «آدم آدم است» را فقط برای تئاتر نوشتم، ولی تئاتر، آنجا که اشتهائی در بین نیست هیچ است. اگر بنا شود سروکارم با ادبیات باشد، باید بازی را به کار تبدیل کنم، افراط را به گناه. باید برنامه‌ای بریزم و به اجرایش دربیاورم تا در کارم سنتی کسب کنم، الهام از طریق عادت به کار، حوصله به آخر رساندن کارها. باید سعی کنم به سبکی برسم که به کمک آن بتوانم آنچه را که قصد پرداختنش را دارم، به آسان‌ترین صورت به بیان بیاورم. اشتهاهایم باید راه و روالی بگیرند تا بتوانم حالت‌های حمله‌ام را ریشه‌کن کنم و به علائقم دوام بدهم، مثلا به این صورت که بتوانم، بی‌آنکه مجبور باشم، با سرعت زیاد نمایشنامه بنویسم. قابلیت اخیر را هنرمندان کلاسیک دارند و نتیجه‌اش جسمانیت است. لئوناردو می‌توانست علائقش را سال‌های سال، تا هر وقت که می‌خواست، زنده نگه دارد. و اما موضوع. آنقدر موضوع دارم که می‌توانم چهل نمایشنامه مجاز و لازمی را که رپرتوار تئاتر یک نسل را پر کند، بنویسم (ولی هنوز هم بر این عقیده‌ام که قالب را نباید بدون تئاتر تثبیت کرد). دورنمای قهرمانی‌ام شهر است، نظرگاهم نسبیت، موقعیتهابم نقل‌مکان انسان‌ها به شهرهای بزرگ در آغاز هزاره سوم، محتوای آثارم اشتهاها (یا بیش از حد زیاد، یا بیش از حد کم)، و تمرینی که برای پرورش تماشاگرانم ارائه می‌دهم، مبارزات غول‌آسای اجتماعی. (تاریخ امریکا به تنهائی حداقل هشت نمایشنامه بدست می‌دهد، جنگ جهانی هم به همین تعداد، و چقدر موضوع و فکر بکر برای نوشتن کمدی هست در آثار نویسندگان کلاسیک ما، از «فاوست» گرفته تا «نیبه لونگها»! ۱۸ و اصولا اگر به این آثار از نظرگاه‌های نو نگاه کنی، می‌بینی که فقط اقتباس آنها، کلی موضوع به دستت می‌دهد.)

به سوی تئاتر معاصر

تئاتر امروز، چیزی صرفاً موقتی است. جتی اگر ادعا کنیم که این تئاتر تمایلی دارد به اینکه با معنویات، پس یعنی از جمله با هنر، کمترین سر و کاری داشته باشد، به خطا رفته‌ایم. خواست تئاتر امروز در واقع فقط سر و کار داشتن با تماشاگرانی است که برای خود این تئاتر هم نامشخص‌اند، با جمعی مرکب از کسانی که یا پاک‌لوحی خود را با ورود به تئاتر از دست می‌دهند یا هیچ‌گاه پاک لوح نبوده‌اند. از این رو امید یأس‌آمیز تئاتر در حال حاضر این است که با سازش هرچه بیشتر، این جمع را برای خود نگه‌دارد، که البته کار مشکلی است چون هیچ اشتهائی در آنها نمی‌بیند و نمی‌داند در کدام مورد با آنها وارد سازش شود. شاید علاوه بر این، امیدی هم داشته باشد به اینکه از راه این سازش در عین حال به یک سبک هم دست پیدا کند. در این صورت، سبک البته چیزی نخواهد بود جز نوعی فرصت‌طلبی در مقابله با جمع تماشاگران. و ما، بی‌آنکه بخواهیم به ماهیت طبقاتی این تماشاگران، که نقش چنین عمده‌ای را برای تئاتر امروز بازی می‌کنند، کاری داشته باشیم باید بگوئیم که این جمع، به عنوان عاملی که بتواند سبکی نو را ممکن کند، از نظر ما طبعاً مردود است.

قلم

حمید مجتهدی

زندگی و سرگذشت ژول‌ورن به قلمِ نواده‌اش

نکتهٔ مهم نویسندگی


ژول ورن

یکی از سرخپوستان اصیل و خوشنام که مارتین پاز نام دارد خاطرخواه و شیفتهٔ ساراست، ولی به علت تنگدستی نمی‌تواند امید وصل او را به دل خود راه دهد. سرتا و مارتین پاز با چاقو دوئل می‌کنند. سرتا در این دوئل مجروح می‌شود و او را به خانهٔ ساموئل می‌برند و مارتین پاز ناگزیر از فرار می‌شود. وقتی مارتین پاز در موقع عبور از روی یک پل متوجه می‌شود که تعقیبش می‌کنند و هر لحظه ممکن است دستگیر شود از بالای پل خود را به درون آبهای کف‌آلود و پرجوش و خروش رودخانه می‌اندازد و همه می‌انگارند که غرق شده است. سارا، نومید و غمزده به کلیسای سانتاآنا می‌رود تا برای شادی روح او دعا کند.

ولی مارتین پاز از آن غوطه‌وری در امواج رودخانه جان سالم به در می‌برد. یکی از ملاکان معتبر و خوشنام منطقه به نام دن وگال او را در قصر مجلل خود که در کنار رودخانه قرار دارد پناه می‌دهد. دن‌وگال که از باقی‌ماندگان یک خانوادهٔ قدیمی و بسیار آبرومند است از نظر مالی در وضع دشواری قرار دارد و در آستانه ورشکستگی است. این شخص که همسر و دختر خود را در یک فاجعه دریایی از دست داده دچار چنان غم و نومیدی گشته که دیگر در بند مال و منال نیست و می‌کوشد غم فقدان عزیزانش را با آرامی و متانت تحمل کند. دن وگال که از سوء اداره و عدم کاردانی حکام اسپانیولی و از طمع‌ورزی و مال‌اندوزی دورگه‌ها به تنگ آمده است دیگر نمی‌تواند خونسردی خود را حفظ کند و به طرفداری از سرخپوستان محروم و از جمله مارتین پاز قیام می‌کند.

نقشه طغیانی به رهبری ال سامبو، پدر مارتین پاز مطرح می‌شود. در همین اثنا، مارتین پاز روزی مکالمه‌ای را که به طور خصوصی و مخفیانه بین سرتا و ساموئل جریان دارد می‌شنود و در می‌یابد که سارا در واقع دختر یک مرد متعلق به خانواده‌ای سرشناس است و ساموئل او را در یک سانحه غرق کشتی نجات داده و از آن پس به عنوان دختر خود نمایانده است. سرتا در نظر دارد با ازدواج با این دختر به محافل بالای جامعه لیما راه پیدا کند. بدین ترتیب، بین ساموئل و سرتا قرار و مداری گذاشته می‌شود که ساموئل در مقابل دریافت مبلغ یکصد هزار پیاستر سارا را به سرتا شوهر بدهد. درست در همان موقعی که قرار است سند عقد ازدواج آن دو امضاء شود سارا از خانه می‌گریزد تا به مارتین پاز بپیوندد. مارتین پاز نیز دختر را به دست دن و گال می‌سپارد تا از او نگهداری کند و خود برای رهبری شورشیان عازم می‌شود.

ولی اوضاع آن طور که انتظار می‌رفت پیش نمی‌رود. وقتی سرخپوستان به لیما حمله می‌کنند، به خانه دن وگال هجوم می‌آورند. مارتین پاز برای دفاع از خانه دن و گال ناگزیر می‌شود با مردان دار و دسته خود بجگند. ال سامبو، ترتیب برخوردی را بین پسرش و سرتا می‌دهد. در این مبارزه، سرتا کشته می‌شود و مارتین پاز در کیف بغلی سرتا نامه‌ای پیدا می‌کند که نشان می‌دهد سارا در واقع دختر دن وگال است که چندین سال پیش در یک سانحه دریایی مفقود شده و پدرش تصور می‌کند او را از دست داده است. در این بین، ال سامبو، سارا، دختر بخت برگشته را از محل اختفایش ربوده و او را در روی کرجی بر آبهای پرتلاطم رودخانه ماری رها ساخته است. همچنانکه کرجی سرگردان به سوی آبشاری در قسمت پایین‌تر رودخانه پرخروش پیش می‌رود، مارتین پاز از راه فرا می‌رسد و با شجاعت هرچه تمامتر خود را به رودخانه پرتاب می‌کند و موفق می‌شود با کمند خود کرجی سرگردان را مهار کند، ولی در همین لحظه تیری او را آماج قرار می‌دهد، به درون کرجی می‌افتد و دو دلداده جوان از آبشار پرتلاطم به پایین سقوط می‌کنند و به کام مرگ می‌روند. تیر دیگری نیز قلب دن وگال را نشانه می‌رود.

داستان مارتین پاز علی‌رغم پایان ملودراماتیک خود، اثر منسجم و قابل ملاحظه‌ای است. شارل نوئل مارتن که ناشر آثار و نویسنده شرح حال ژول‌ورن بوده، این داستان را نقطه مهم و شایان اهمیتی در نویسندگی و خلاقیت ژول ورن تلقی کرده است. به گمان من، شورشیان در کشتی را می‌توان چنین نقطه تحولی انگاشت؛ زیرا که این اثر، نخستین کوشش ژول ورن در میدان داستان‌نویسی بوده است و همچنین نخستین اثر چاپ شده وی نیز محسوب می‌گردد.

از نگاه استاد محقق/ با یاد استاد مطهّری

من در پاییز همان سال به حوزهٔ علمیّهٔ مشهد پیوستم و روزها به دو درس مطوّل (معانی و بیان) ادیب نیشابوری و دو درس شرح لمعه و قوانین (فقه و اصول) حاج میرزا احمد مدرّس یزدی می‌رفتم و عصرها پیش از نماز مغرب در مسجد گوهرشاد در یکی از حلقه‌های مشایخ حوزه، که در یکی از صفّه‌های مسجد تشکیل می‌شد، ملحق می‌شدم. شمع انجمن این حلقه، مرحوم آیةالله حاج شیخ محمدکاظم دامغانی بود و فاضلانی همچون شیخ محمد واعظ‌زاده خراسانی و محمدتقی شریعتی (پدر دکتر علی شریعتی) و چند تن دیگر گرد او جمع می‌شدند. در یکی از سفرهایی که شهید مطهّری برای زیارت به مشهد مشرّف شده بودند، عصرها در این حلقه حضور می‌یافتند و یادم هست که نخستین‌بار که به سوی آن جمع می‌آمدند، مرحوم محمدتقی شریعتی این بیت را قرائت کرد: مطهرون نقیات جیوبهم/ تجری الصلوه علیهم اینما ذکروا.

در یکی دو مجلس دریافتم که آن مرحوم دل خوشی از حوزه‌های علمیّه ندارد و از رکود و جمود و انزوا و کنار بودن آن انتقاد می‌کند و پیشنهادهایی مبنی بر تجدیدنظر در برنامه‌های درسی و پیوستن حوزه به جریان علمی بین المللی خاصّه کشورهای اسلامی ارائه می‌دهد ...

زبانزد



*چشم حسد، پدید کند عیب ناپدید.
*چشم دریده ادب نگاه ندارد.
*چشم دشمن، همه بر عیب افتد.
*چشم روباه که به دُمب گرگ بیفتد، حساب پیه و دنبهٔ خودش را می‌کند.
*چشم سیر بهتر از شکم سیر است.
*چشمَش به ماما افتاد، زاییدنش گرفت!
*چشمش را ببین، دلش را بخوان!
*چشم شور شتر را به دیگ می‌کند آدم را به گورا!
*چشمِ طمع به کیسهٔ نو کیسه‌گان مدوز.
*چشم عاشق نتوان بست که معشوق نبیند.
*چشم فلک میان سرش است.
*چشمَ که توی چشم افتاد حیا می‌کند.
*چشم گریان چشمهٔ فیض خداست.
*چشم مور و پای مار و نان «او» را کس ندید!
*چشم می‌بیند دل می‌خواهد.
*چشم واکن عمل صالح بین!
*چشمه آن است که از خود بجوشد.
*چشمهٔ خورشید چو پنهان شود / شب‌پره بازیگر میدان شود
*چشم هزار کار می‌کند که ابرو نمی‌کند.
*چشمی که بیش از صاحب عزا گریه کند برای نان و حلواست.
*چشمی که دلی بَرَد به تاراج/دانی که به سُرمه نیست محتاج
*چغندر بزرگ تهِ دیگ است.
*چغندر به هرات می‌بَرَد، زیره به کرمان!
*چغندر گوشت نشود و دشمن دوست.
*چغندر هم جزو میوه‌ها شده است
*چلّهٔ کوچک پشتش به بهار است.
* چلّه کوچک گفت: اگر پشتم به بهار نبود بچّه را در گهواره خشک می‌کردم!
* چماق به دست خرس دادن آسان ولی پس گرفتنش مشکل است.
* چماقش هفده من جو می‌خورد!
* چَمی خَمی، خدا نکرده آدمی!
*چنان بوَد پدری کش چنین بود فرزند.
*چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند.
*چند کلمه از مادر عروس بشنو!
*چنگ را تا نزنند نغمهٔ طرب برنیارد.
*چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار.
*چون آب آمد تیمم نیست در کار
چو روز آمد چراغ از پیش بردار
*چوب آنها را اگر شما می‌خوردید چهارپا می‌شدید.
*چو باران رفت بارانی میفکن.
*چو باز باش که سودی بری و لقمه دهی.
*چوب از بهشت آمده.
*چو باشد درم دل نباشد دژم.
*چو باشد هنر، بخت نبوَد چه سود؟
*چو بخت یار نباشد دعا چه سود کند؟
* چوب خدا صدا ندارد، هرکس بخورد دوا ندارد!

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز چهارشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۵۱، (برابر با ۲۲ جمادی‌الاخر ۱۳۹۲، ۲ ژوئیه ۱۹۷۲) نقل شده است.

عده دانش‌آموزان کشور به مرز ۵ میلیون رسید

ظهر دیروز وزیر آموزش و پرورش در نطقی که در کلوب روتاری شمال ایراد کرد ضمن تشریح هدف‌های آموزش و پرورش در جهان و فلسفه نظام جدید آموزش و پرورش ایران گفت: در نظام جدید کوشش شده است که سلامت جسم و روح، تعادل و انضباط فکری، تقویت روحیه سازندگی و خلاقیت مورد توجه قرار گیرد.

وزیر آموزش و پرورش گفت: بررسی نیازهای آینده هر کشور خط‌مشی آموزش و پرورش آن کشور و سیاست آموزشی آن را بر اساس درآمدهای اقتصادی معلوم و مشخص میسازد.

خانم پارسای سپس به نقش معلم اشاره کرد و گفت: نقش معلم بطور اعم در تمام سطوح تعلیم و تربیت و بطور اخص در دوره راهنمائی تحصیلی از مسائلی است که قابل انکار نیست و معلم با نقش ارزنده خود، ابتکارات صحیح و بموقع و استفاده از کلیه امکانات موجود در کلاس و مدرسه و بخصوص روح و جسم شاگرد باید بمنظور اصلی خود که کشف و هدایت استعدادها است برسد.

از اظهارات وزیر آموزش و پرورش چنین بر می‌آید که عده محصلین کشور به مرز ۵ میلیون رسیده و نسبت افزایش معلم و محصل بطور متوسط ۷٫۵ درصد بوده است.

خادم امامزاده، قاچاقچیان را دستگیر کرد!

بادرود ـ مأموران ژاندارمری «بادرود» طی یک مبارزه جالب و کم‌سابقه و با همکاری خادم امامزاده «علی‌عباس» واقع در حوالی «بادرود» موفق به کشف ۳۸صندوق سیگار قاچاق و دستگیری دو نفر قاچاقچیان این سیگارها شدند!

خادم امامزاده «علی‌عباس» قاچاقچیان را در امامزاده حبس کرد و با چماق پشت در بسته، امامزاده ایستاد تا مأموران سر رسیدند.

جریان از این قرار است که وانت شماره ۸۸۱۵۷ تهران از حوالی «بادرود» مورد سوءظن رئیس پاسگاه ژاندارمری این محل قرار گرفت. رئیس پاسگاه بلافاصله دستور تعقیب قاچاقچیان را صادر کرد، ولی وانت مزبور با استفاده از موقعیت بر سرعت خود افزود.

اما وانت حامل قاچاقچیان، در میان کویر، گرفتار شن‌های نرم شد و در زمین فرو رفت. قاچاقچیان هر چه تلاش کردند موفق به خارج کردن اتومبیل از زمین شنی نشدند. از این رو به محل امامزاده «علی‌عباس» که در آن حوالی بود، رفتند و از خادم امامزاده کمک خواستند. اما خادم امامزاده که به این دو نفر مشکوک شده بود، از کمک به آنها خودداری کرد. قاچاقچیان که دست‌بردار نبودند، به خادم امامزاده حمله بردند. خادم امامزاده نیز، که وضع را بدین منوال دید، با چماق متولی‌باشی، به جان قاچاقچیان افتاد و آنها را در مدخل حرم امامزاده محبوس کرد و در را بست و به آن قفل زد.

رادیو، لهجه زبان فارسی را از بین میبرد!

«۵ سال است مشغول تحقیق در لهجه‌های شمال و شمال‌غرب کشور هستم. بطور کلی زبان فارسی موجود در جنوب، مأخذ اصلی زبان فارسی است.»

این مطلب را آقای دکتر یارشاطر استاد دانشگاه تهران در جلسه دیشب سمینار زبان و ادبیات فارسی کشور که در تبریز تشکیل شده است، گفت.

وی اضافه کرد: زبان فارسی که اشکانیان با آن صحبت می‌کردند، امروزه از بین رفته و فقط آثار خیلی کم آنرا میتوان در کوره دههای دور افتاده پیدا کرد.

رادیو عامل اصلی از بین بردن لهجه‌های متعدد کشور است.

چه بزبان فارسی در آن صحبت میشود و گرایش افراد به زبان فارسی بیشتر میگردد.

استاد یارشاطر اضافه کرد: زبان کردی ریشه‌های زیادی دارد ولی نمیدانم چرا همه این زبانها را به یک نام (کردی) خطاب میکنند؟ حال آنکه با هم فرق دارند. آنچه که افراد با آن صحبت میکنند و میتوانند عقاید خود را بیان دارند. هرچند که خودساختگی باشد، بعقیده من زبان است.

۴۰۰ موتورسیکلت سوار از پاریس عازم اصفهان شدند

در مراسم جالبی که با حضور بیش از پنج هزار نفر از مردم پاریس پریروز در خیابان شانزه‌لیزه و در مقابل دفتر سازمان جلب سیاحان انجام گرفت چهارصد نفر موتورسیکلت سوار فرانسوی بزرگترین مسابقه موتورسواری سال را که به نام مسابقه پاریس ـ اصفهان نامیده شده است آغاز کردند.

این کاروان پس از عبور از کشورهای اروپائی و ترکیه روز بیستم مرداد ماه جاری وارد مرز بازرگان خواهد شد. در کاروان مزبور چهارصد نفر موتورسیکلت‌سوار دختر و پسر شرکت دارند و هفت نفر از خبرنگاران و عکاسان و همچنین گروههای امداد نیز کاروان را همراهی میکنند.

برای تسهیل مسافرت این کاروان سازمان‌های مختلف ایرانی از قبیل وزارت اطلاعات، گمرک، پلیس راه گذرنامه و شیر و خورشید سرخ، با سازمان جلب سیاحان همکاری دارند و برای تسریع در کار بازدید گذرنامه و اثاثیه اعضای کاروان بر تعداد مأموران گمرک و گذرنامه افزوده خواهد شد.

قاب امروز



چاوز در تبلیغات انتخاباتی خود آواز می خواند!/ منبع: msnbc

امروز با حافظ

دیدی که یار جز سر جور و ستم نداشت؟
بشکست عهد وز غم ما هیچ غم نداشت؟
یا رب مگیرش ار چه دل چون کبوترم
افکند و کشت و عزّت صید حرم نداشت
بر من جفا ز بخت من آمد وگرنه یار
حاشا که رسم لطف و طریق کرم نداشت
با این همه هر آن که نه خواری کشید از او
هر جا که رفت هیچ کسش محترم نداشت
ساقی بیار باده و با محتسب بگو
انکار ما مکن که چنین جام جم نداشت
هر راهرو که ره به حریم درش نبرد
مسکین برید وادی و ره در حرم نداشت
حافظ ببر تو گوی فصاحت که مدّعی
هیچش هنر نبود و خبر نیز هم نداشت

سخنان بزرگان

● ابلیس مانند نیکخواهان پیش می‌آید، ابتدا عهد و پیمان می‌گیرد، سپس راز می‌گوید.

حکیم فردوسی خردمند

● دوستت دارم، نه به خاطر شخصیت تو؛ بلکه به خاطر شخصیتی که در هنگام با تو بودن پیدا می‌کنم.

گابریل گارسیا مارکز

چگونه می‌توانیم موفق شویم

تحصیلات بدون توجه به ارزش‌های اخلاقی

دانشگاه‌هایی که از ارزش‌های اخلاقی دورند و صرفاً کارشان تدریس قالبی و خشک دروس است از جوانان ما انسان‌های وحشی ولی ماهر می‌سازند؛ زیرا ما برای این جوانان قالب‌های ارزشمند و رفتارهای اجتماعی محتوایی را ارائه نمی‌دهیم. در حالی که آنان تشنه برخورداری از این اصول هستند.

«استیون مولر ـ رئیس دانشگاه جان هاپکینز» می‌گوید: تحصیل واقعی آن است که قلب و مغز ما را تحت تأثیر قرار داده و رشد و تعالی بخشد.

یک دزد بی‌سواد حداکثر واگنی را می‌دزدد. لکن دزدی تحصیل کرده ولی بدون مقیدات و احساس مسئولیت قطار را با ریلش می‌برد (چو دزدی با چراغ آید، گزیده‌تر برد کالا) (دزد بی‌سواد تخم‌مرغ دزد است و دزد تحصیل‌کرده شتر دزد).

محصلین باید برای تعالی و رشد اجتماعی و خردورزی دست به رقابت بزنند نه صرفاً برای کسب نمره و مدرک تحصیل، پایه و اساس کسب معلومات است و خردمندی، چگونگی کاربرد این معلومات را تبیین می‌کند. فردی ممکن است دارای درجه و رتبه تحصیلی بالایی بوده ولی از لحاظ کاربرد اجتماعی منفعتی نداشته باشد.

مهم‌ترین درسی که ما باید بیاموزیم این است که: چگونگی یادگیری را یاد بگیریم.

پاره‌ای از مردم تحصیل کردن را با توانایی درک حقایق اشتباه می‌گیرند. ریختن پاره‌ای معلومات در مغز بدون پایبندی به ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی جامعه را به ناهنجاری و جنون می‌کشاند.

نوشته: شیوخرا
ترجمه: عبدالله مولیانی

امروز در تاریخ

نادرشاه در عراق



نادر

دوم آگوست ۱۷۴۳، نادرشاه رئیس انتخابی ایران در جریان جنگ با عثمانی در بین النهرین (عراق امروز)، دستور حمله به کرکوک را صادر کرد و دو روز بعد توپخانه ارتش ایران مواضع عساکر عثمانی در این شهر را گلوله باران کرد. در طول این جنگ‌ها، نادر در همین سال بغداد و بصره را هم متصرف شد. مردم سلیمانیه همچنان به ایران وفادار بودند.

عثمانی اواخر کار صفویه با اخراج حکام وابسته به ایران، بسیاری از مناطق عراق امروز را متصرف شده بود.

محاکمه علی منصور

محاکمه علی منصور وزیر پیشین راه به اتهام گرفتن رشوه و نیز سوء استفاده از مقام از ۱۱ مرداد ۱۳۱۵ در دیوان عالی کشور آغاز شد. قضات محاکمه کننده، ۱۲ شهریور علی منصور را به سبب نبودن دلیل کافی در پرونده تبرئه کردند که بعدا نخست وزیر هم شد. در شهریور ۱۳۲۰ که او نخست‌وزیر بود نیروهای انگلستان و شوروی وارد ایران شدند و چون چند مقام نظامی قبلا در آستانه ورود آنان، سربازان را مرخص کرده بودند! وطن ما اشغال نظامی شد. حسنعلی پسر علی منصور نیز در دهه ۱۳۴۰ به نخست وزیری رسید که ترور شد.

نویسنده ناله‌ها و جدایی‌ها



James Baldwin

جیمز بالدوین James Baldwin نویسنده سیاهپوست آمریکایی دوم آگوست ۱۹۲۳ به دنیا آمد و اول دسامبر ۱۹۸۷ در فرانسه از سرطان معده فوت شد. او یک داستان‌نویس ماهر و با احساس و یک مقاله نگار و منتقد بزرگ بود که در طول عمر نویسندگی خود همیشه درباره تبعیض به خاطر رنگ پوست و جدایی انسان‌ها از هم نوشت و بلندگوی ناله‌های قربانیان تبعیض شد. داستانها، مقاله‌ها و فیلمنامه‌های بالدوین کمک بزرگی به جنبش حقوق مدنی سیاهان آمریکا کرد تا این که قانون مربوط تصویب شد.

شکست امپراتوری روم از هانیبال



عکسی از مجسمه‌هانیبال

دوم آگوست سال ۲۱۶ پیش از میلاد (روزی چون امروز) رومی‌ها در منطقه کانائه (Cannae) واقع در شمال شرقی پاشنه ایتالیا از هانیبال Hannibal کارتاژی [کارتاژ در حاشیه شمالی آفریقا عمدتاً لیبی و تونس امروز بود که اعراب قرطاجُنّه می‌خوانند] شکست سختی که قابل پیش‌بینی نبود متحمل شدند. مورخان، این پیروزی کارتاژی‌ها را به حساب نبوغ نظامی هانیبال نوشته‌اند. هانیبال که قبلاً متحد رومی‌ها بود به دلایل بسیار از جمله این که رومی‌ها دیگران را به چشم انسان‌های درجه دوم نگاه می‌کردند از آنها جدا شد.

قتل عام تظاهرکنندگان ضد مالیات اضافی

دوم آگوست در سال ۵۳۲ میلادی، واحدهای ارتش روم (شرقی) در شهر قسطنطنیه (استانبول امروز) تظاهرکنندگان بر ضد مالیات‌های اضافی تازه را به داخل ورزشگاه بزرگ این شهر راندند و در اینجا قتل عام کردند.

تظاهرات از سه روز پیش از آن آغاز شده بود. ژوستینین Justinian امپراتور که خزانه‌اش بر اثر جنگ با ایران تهی شده بود مالیات‌های تازه‌ای بر مردم وضع کرد و وصول این مالیات‌ها را به مقاطعه واگذار کرد و مقاطعه کاران مالیاتی به مردم ظلم فراوان می‌کردند و حتی فرزندان آنان را به جای پول می‌گرفتند و می‌فروختند.

هیتلر قدرت مطلق شد



هیندنبورگ مارشال آلمان

دوم آگوست ۱۹۳۴ مارشال هیندنبورگ رئیس‌جمهور آلمان درگذشت و همان روز هیتلر از پارلمان خواست که با تصویب یک قانون او را فوهرر (Fuhrer) به معنای رهبر و پیشوا لقب دهد که هم رئیس‌جمهور باشد و هم صدر اعظم (رئیس دولت). پل فون هیندنبورگ قهرمان آلمان در جنگ جهانی اول و مارشال این کشور بود که با مرگ او راه برای قدرت مطلق شدن هیتلر هموار شد.

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول سودوکو



سودوکو (Sudoku) یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است وامروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون های حل جدول سودو کو:

۱ـ در هر سطر و ستون باید اعداد ۱ تا ۹ نوشته شود بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲ـ در هر مربع ۳×۳ اعداد ۱ تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

آسان ۱۲۴۲

۴	۸	۷		۵			۲	
	۹				۳			۷
	۳			۷	۹	۶	۱	۴
		۸	۹		۷		۴	
				۱	۴		۶	
				۳	۸			۱
	۶						۳	
۷		۵		۸	۱			
۹	۱	۳				۷	۸	۲

حل جدول شماره ۱۲۴۱

۴	۱	۷	۸	۳	۶	۵	۹	۲
۳	۲	۶	۴	۹	۵	۷	۸	۱
۵	۹	۸	۲	۱	۷	۴	۶	۳
۱	۸	۳	۷	۲	۹	۶	۴	۵
۹	۴	۵	۳	۶	۸	۲	۱	۷
۷	۶	۲	۵	۴	۱	۹	۳	۸
۶	۵	۹	۱	۷	۳	۸	۲	۴
۲	۷	۱	۶	۸	۴	۳	۵	۹
۸	۳	۴	۹	۵	۲	۱	۷	۶

دشوار ۵۶۵

				۳	۷	۲		
		۹					۶	۷
۱				۲		۵		
	۵	۳						
۷	۲				۱	۹		۸
				۷		۱	۲	
۵				۸				
		۷		۱		۸	۳	۶

حل جدول شماره ۵۶۴

۶	۴	۹	۳	۱	۲	۷	۵	۸
۷	۸	۲	۹	۴	۵	۳	۱	۶
۱	۵	۳	۶	۷	۸	۹	۲	۴
۴	۲	۱	۸	۵	۷	۶	۹	۳
۸	۹	۵	۴	۳	۶	۱	۷	۲
۳	۷	۶	۱	۲	۹	۴	۸	۵
۹	۶	۴	۲	۸	۱	۵	۳	۷
۲	۱	۷	۵	۶	۳	۸	۴	۹
۵	۳	۸	۷	۹	۴	۲	۶	۱